

بانک تست واژگان

Vocabulary test bank

ویژه داوطلبان آزمون‌های ارشد، دکتری، ept، msrt، استخدامی و...

۹۰ آزمون واژگان با پاسخ تشریحی

به همراه آزمون‌های ارشد و دکتری سال‌های ۱۳۹۰ به بعد
تمامی رشته‌ها



مولفان:
وحید رضوان پور
پرستو محمدزاده

- آزمون‌های گرامر کنکورهای ارشد و دکتری سال‌های ۹۰ به بعد در کانال تلگرام @RMS_English با پاسخ‌های کاملاً تشریحی به صورت رایگان قابل دانلود است.

- برای اطلاع از کامل‌ترین کلاس‌های آنلاین گرامر و واژگان مخصوص ارشد، دکتری، msrt، mhle، ept، tolimo و... به وبسایت زیر رجوع کنید:

rmsenglish.com

به نام خدا

بانک تست واژگان

(ویرایش ششم)

ویژه داوطلبان کنکور کارشناسی ارشد و دکتری
و آزمون‌های EPT، MHLE، استخدامی و ...

• وحید رضوان پور

• پرستو محمدزاده



سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور
مشخصات نشر
مشخصات ظاهری
شابک
وضعیت فهرست نویسی
شناسه افزوده
شماره کتابشناسی ملی

: رضوان پور بفراجرد، وحید، ۱۳۷۳-
: بانک تست واژگان ویژه داوطلبان کنکور کارشناسی ارشد و دکتری و آزمونهای EPT، MSRT، MHLE،
استخدامی و ... / وحید رضوان پور، پرستو محمدزاده .
: خراسان رضوی: انتشارات جالیز، ۱۴۰۵.
: ۱۸۸ ص:؛ ۲۲ × ۲۹ سم.
: ۶۲۶۰۰۰۰ ریال : 3-815-263-622-978
: فیبای مختصر
: محمدزاده قره شیران، پرستو، ۱۳۷۱-
: ۸۵۱۹۳۹۶

بانک تست واژگان

وحید رضوان پور بفراجرد، پرستو محمدزاده قره شیران

انتشارات جالیز، پاییز ۱۴۰۵

تعداد صفحات: ۱۸۸

قطع: رحلی

شمارگان: ۳۰۰ نسخه

قیمت: ۶۲۶۰۰۰ تومان

شابک: ۳ - ۸۱۵ - ۲۶۳ - ۶۲۲ - ۹۷۸

حق چاپ و نشر برای مؤلف محفوظ است

آدرس: مشهد بلوار شهید رضوی روبروی درب دانشکده روانشناسی دانشگاه فردوسی

تلفن تماس: ۰۹۱۵۹۳۰۹۹۶۳ - ۰۹۱۵۸۳۱۹۵۳۵ - ۰۵۱۳۸۷۹۵۲۸۸



مقدمه مؤلفین

با کمال دقت و تلاش، این کتاب با هدف عاری بودن از هرگونه اشتباه و نقص گردآوری شده است. با این حال، ممکن است برخی از کاستی‌ها و خطاها از دید ما پنهان مانده باشد. از خوانندگان گرامی و اساتید فرهیخته، خواهشمندیم که چنانچه هرگونه اشتباه یا نقصی را در این اثر مشاهده نمودند، از طریق آدرس الکترونیکی زیر با ما در میان بگذارند. راهنمایی‌ها و نکات ارزشمند شما بی‌تردید در بهبود و تکمیل این کتاب نقش بسزایی خواهد داشت. پیشاپیش از همکاری شما صمیمانه سپاسگزاریم.

vahidrezvanpoor@gmail.com

بخش‌های کتاب:

این کتاب در ویرایش چهارم خود دارای ۹۲ آزمون واژگان می‌باشد. شامل ۵ آزمون تألیفی، ۶۳ آزمون کارشناسی ارشد، و ۲۴ آزمون دکتری. زبان عمومی کنکورهای ارشد و دکتری از نظر محتوایی و مطالبی که باید بیاموزید و تمرین کنید، یکسان است. بنابراین، چه داوطلب کنکورهای وزارت علوم باشید چه وزارت بهداشت، فرقی نمی‌کند. تمامی آزمون‌های این کتاب را کار کنید. قبل از اینکه سراغ این کتاب بیایید، مطمئن شوید که از دایره واژگان خوبی بهره‌مند هستید. (مثلاً کتاب مرجع لغات زبان عمومی (نوشته وحید رضوان پور، ویرایش چهارم به بعد) را سعی کنید تا درس ۱۵۰ بخوانید و سپس به سراغ آزمون‌های کتاب بانک تست واژگان بروید.

چگونه از این کتاب استفاده کنیم؟

برای شروع، آزمون‌های ۱۰ سواله را سعی کنید حداکثر در نیم ساعت بزنید. و رفته رفته تلاش کنید با سرعت بیشتری به سوالات پاسخ دهید؛ تا اینکه بتوانید به یک آزمون ۱۰ سواله، در ۶ الی ۷ دقیقه جواب بدهید.

اگر به اندازه کافی زمان دارید، هر روز یک آزمون از این کتاب بزنید، و سوالاتی که اشتباه پاسخ می‌دهید یا قادر به پاسخگویی نیستید را با مداد علامت‌گذاری کنید، تا بعداً که خواستید دوباره سراغ آزمون‌ها بروید، با سوالاتی که برایتان سخت بوده مجدداً روبه‌رو شوید و وقتتان را با سوالات ساده هدر ندهید.

حتماً آزمون‌هایی که می‌زنید را تحلیل کنید، و معنی تمامی گزینه‌های سوالات را یاد بگیرید.

بخش‌های کتاب

صفحه

۱. تست‌های تالیفی ۲

آزمون

صفحه

۶. کنکور کارشناسی ارشد سال ۱۳۹۰ - صبح چهارشنبه ۱۲
۷. کنکور کارشناسی ارشد سال ۱۳۹۰ - عصر چهارشنبه ۱۴
۸. کنکور کارشناسی ارشد سال ۱۳۹۰ - صبح پنجشنبه ۱۶
۹. کنکور کارشناسی ارشد سال ۱۳۹۰ - عصر پنجشنبه ۱۸
۱۰. کنکور کارشناسی ارشد سال ۱۳۹۰ - صبح جمعه ۲۰
۱۱. کنکور کارشناسی ارشد سال ۱۳۹۰ - عصر جمعه ۲۲
۱۲. کنکور دکتری سال ۱۳۹۰ - تمامی رشته‌ها ۲۴
۱۳. کنکور کارشناسی ارشد سال ۱۳۹۱ - صبح چهارشنبه ۲۶
۱۴. کنکور کارشناسی ارشد سال ۱۳۹۱ - عصر چهارشنبه ۲۸
۱۵. کنکور کارشناسی ارشد سال ۱۳۹۱ - صبح پنجشنبه ۳۰
۱۶. کنکور کارشناسی ارشد سال ۱۳۹۱ - عصر پنجشنبه ۳۲
۱۷. کنکور کارشناسی ارشد سال ۱۳۹۱ - صبح جمعه ۳۴
۱۸. کنکور کارشناسی ارشد سال ۱۳۹۱ - عصر جمعه ۳۶
۱۹. کنکور کارشناسی ارشد سال ۱۳۹۲ - صبح چهارشنبه ۳۸
۲۰. کنکور کارشناسی ارشد سال ۱۳۹۲ - عصر چهارشنبه ۴۰
۲۱. کنکور کارشناسی ارشد سال ۱۳۹۲ - صبح پنجشنبه ۴۲
۲۲. کنکور کارشناسی ارشد سال ۱۳۹۲ - عصر پنجشنبه ۴۴
۲۳. کنکور کارشناسی ارشد سال ۱۳۹۲ - صبح جمعه ۴۶
۲۴. کنکور کارشناسی ارشد سال ۱۳۹۲ - عصر جمعه ۴۸
۲۵. کنکور کارشناسی ارشد سال ۱۳۹۳ - صبح چهارشنبه ۵۰
۲۶. کنکور کارشناسی ارشد سال ۱۳۹۳ - عصر چهارشنبه ۵۲
۲۷. کنکور کارشناسی ارشد سال ۱۳۹۳ - صبح پنجشنبه ۵۴
۲۸. کنکور کارشناسی ارشد سال ۱۳۹۳ - عصر پنجشنبه ۵۶
۲۹. کنکور کارشناسی ارشد سال ۱۳۹۳ - صبح جمعه ۵۸
۳۰. کنکور کارشناسی ارشد سال ۱۳۹۳ - عصر جمعه ۶۰
۳۱. کنکور دکتری سال ۱۳۹۳ - گروه فنی مهندسی ۶۲
۳۲. کنکور دکتری سال ۱۳۹۳ - گروه علوم انسانی، کشاورزی، هنر و غیره ۶۴
۳۳. کنکور کارشناسی ارشد سال ۱۳۹۴ - صبح چهارشنبه ۶۶
۳۴. کنکور کارشناسی ارشد سال ۱۳۹۴ - عصر چهارشنبه ۶۸
۳۵. کنکور کارشناسی ارشد سال ۱۳۹۴ - صبح پنجشنبه ۷۰
۳۶. کنکور کارشناسی ارشد سال ۱۳۹۴ - عصر پنجشنبه ۷۲
۳۷. کنکور کارشناسی ارشد سال ۱۳۹۴ - صبح جمعه ۷۴
۳۸. کنکور کارشناسی ارشد سال ۱۳۹۴ - عصر جمعه ۷۶
۳۹. کنکور دکتری سال ۱۳۹۴ - گروه فنی مهندسی ۷۸
۴۰. کنکور دکتری سال ۱۳۹۴ - گروه علوم انسانی، کشاورزی، هنر و غیره ۸۰
۴۱. کنکور کارشناسی ارشد سال ۱۳۹۵ - صبح پنجشنبه ۸۲
۴۲. کنکور کارشناسی ارشد سال ۱۳۹۵ - عصر پنجشنبه ۸۴
۴۳. کنکور کارشناسی ارشد سال ۱۳۹۵ - صبح جمعه ۸۶
۴۴. کنکور کارشناسی ارشد سال ۱۳۹۵ - عصر جمعه ۸۸
۴۵. کنکور دکتری سال ۱۳۹۵ - گروه فنی مهندسی ۹۰
۴۶. کنکور دکتری سال ۱۳۹۵ - گروه علوم انسانی، کشاورزی، هنر و غیره ۹۲
۴۷. کنکور کارشناسی ارشد سال ۱۳۹۶ - صبح پنجشنبه ۹۴

۴۸.	کنکور کارشناسی ارشد سال ۱۳۹۶ - عصر پنجشنبه	۹۶.....
۴۹.	کنکور کارشناسی ارشد سال ۱۳۹۶ - صبح جمعه	۹۸.....
۵۰.	کنکور دکتری سال ۱۳۹۶ - گروه فنی مهندسی	۱۰۰.....
۵۱.	کنکور دکتری سال ۱۳۹۶ - گروه علوم انسانی، کشاورزی، هنر و غیره	۱۰۲.....
۵۲.	کنکور کارشناسی ارشد سال ۱۳۹۷ - صبح پنجشنبه	۱۰۴.....
۵۳.	کنکور کارشناسی ارشد سال ۱۳۹۷ - عصر پنجشنبه	۱۰۶.....
۵۴.	کنکور کارشناسی ارشد سال ۱۳۹۷ - صبح جمعه	۱۰۸.....
۵۵.	کنکور دکتری سال ۱۳۹۷ - گروه فنی مهندسی	۱۱۰.....
۵۶.	کنکور دکتری سال ۱۳۹۷ - گروه علوم انسانی، کشاورزی، هنر و غیره	۱۱۲.....
۵۷.	کنکور کارشناسی ارشد سال ۱۳۹۸ - صبح پنجشنبه	۱۱۴.....
۵۸.	کنکور کارشناسی ارشد سال ۱۳۹۸ - عصر پنجشنبه	۱۱۶.....
۵۹.	کنکور کارشناسی ارشد سال ۱۳۹۸ - صبح جمعه	۱۱۸.....
۶۰.	کنکور دکتری سال ۱۳۹۸ - گروه فنی مهندسی	۱۲۰.....
۶۱.	کنکور دکتری سال ۱۳۹۸ - گروه علوم انسانی، کشاورزی، هنر و غیره	۱۲۲.....
۶۲.	کنکور کارشناسی ارشد سال ۱۳۹۹ - صبح پنجشنبه	۱۲۴.....
۶۳.	کنکور کارشناسی ارشد سال ۱۳۹۹ - صبح جمعه	۱۲۶.....
۶۴.	کنکور کارشناسی ارشد سال ۱۳۹۹ - صبح شنبه	۱۲۸.....
۶۵.	کنکور دکتری سال ۱۳۹۹ - گروه فنی مهندسی	۱۳۰.....
۶۶.	کنکور دکتری سال ۱۳۹۹ - گروه علوم انسانی، کشاورزی، هنر و غیره	۱۳۲.....
۶۷.	کنکور کارشناسی ارشد سال ۱۴۰۰ - صبح چهارشنبه	۱۳۴.....
۶۸.	کنکور کارشناسی ارشد سال ۱۴۰۰ - صبح پنجشنبه	۱۳۶.....
۶۹.	کنکور کارشناسی ارشد سال ۱۴۰۰ - صبح جمعه	۱۳۸.....
۷۰.	کنکور دکتری سال ۱۴۰۰ - گروه فنی مهندسی	۱۴۰.....
۷۱.	کنکور دکتری سال ۱۴۰۰ - گروه علوم انسانی، کشاورزی، هنر و غیره	۱۴۲.....
۷۲.	کنکور کارشناسی ارشد سال ۱۴۰۱ - صبح چهارشنبه	۱۴۴.....
۷۳.	کنکور کارشناسی ارشد سال ۱۴۰۱ - صبح پنجشنبه	۱۴۶.....
۷۴.	کنکور کارشناسی ارشد سال ۱۴۰۱ - صبح جمعه	۱۴۸.....
۷۵.	کنکور دکتری سال ۱۴۰۱ - گروه فنی مهندسی	۱۵۰.....
۷۶.	کنکور دکتری سال ۱۴۰۱ - گروه علوم انسانی، کشاورزی، هنر و غیره	۱۵۲.....
۷۷.	کنکور کارشناسی ارشد سال ۱۴۰۲ - عصر پنجشنبه	۱۵۴.....
۷۸.	کنکور کارشناسی ارشد سال ۱۴۰۲ - صبح جمعه	۱۵۶.....
۷۹.	کنکور کارشناسی ارشد سال ۱۴۰۲ - عصر جمعه	۱۵۸.....
۸۰.	کنکور دکتری سال ۱۴۰۲ - گروه فنی مهندسی	۱۶۰.....
۸۱.	کنکور دکتری سال ۱۴۰۲ - گروه علوم انسانی، کشاورزی، هنر و غیره	۱۶۲.....
۸۲.	کنکور کارشناسی ارشد سال ۱۴۰۳ - صبح جمعه	۱۶۴.....
۸۳.	کنکور کارشناسی ارشد سال ۱۴۰۳ - عصر جمعه	۱۶۶.....
۸۴.	کنکور کارشناسی ارشد سال ۱۴۰۴ - صبح پنجشنبه	۱۶۸.....
۸۵.	کنکور کارشناسی ارشد سال ۱۴۰۴ - عصر پنجشنبه	۱۷۰.....
۸۶.	کنکور کارشناسی ارشد سال ۱۴۰۴ - صبح جمعه	۱۷۲.....
۸۷.	کنکور دکتری سال ۱۴۰۳ - تمامی رشته‌ها	۱۷۴.....
۸۸.	کنکور دکتری سال ۱۴۰۴ - تمامی رشته‌ها	۱۷۷.....
۸۹.	کنکور کارشناسی ارشد سال ۱۴۰۵ - صبح پنجشنبه	۱۸۰.....
۹۰.	کنکور کارشناسی ارشد سال ۱۴۰۵ - عصر پنجشنبه	۱۸۲.....
۹۱.	کنکور کارشناسی ارشد سال ۱۴۰۵ - صبح جمعه	۱۸۴.....
۹۲.	کنکور دکتری سال ۱۴۰۵ - تمامی رشته‌ها	۱۸۶.....

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

- 1- 'Why do you want to know?' 'No particular reason. I was just -----.'
- 1) helping 2) wondering 3) trying 4) touching
- 2- This dish has an unusual combination of -----.
- 1) tastes 2) thoughts 3) tasks 4) sales
- 3- Doctors say it's too ----- to try and operate. It's better not to do it.
- 1) risky 2) proof 3) safe 4) miss
- 4- We ----- on the highest standards of cleanliness in the hotel.
- 1) catch 2) harm 3) insist 4) fast
- 5- The police are trying to ----- the identity of the killer.
- 1) disable 2) dislike 3) shift 4) discover
- 6- You have to believe in yourself. That's the ----- of success.
- 1) push 2) religion 3) secret 4) poem
- 7- The patterns ----- in our study may represent a general rule.
- 1) observed 2) married 3) interested 4) frightened
- 8- The site for the new ----- has not been decided yet.
- 1) cousin 2) chest 3) factory 4) drug
- 9- Investors want an immediate return on their -----
- 1) celebration 2) capital 3) clerk 4) bathroom
- 10- I'd ----- buying your tickets well in advance if you want to travel in August.
- 1) expect 2) borrow 3) advise 4) contact

۱. گزینه «۲» آسان

«چرا میخواهی که بدانی؟» "دلیل خاصی ندارد. فقط متعجب بودم (جالب بود برام که بدونم)»

(۱) help: کمک کردن (۲) wonder: تعجب کردن (۳) try: امتحان کردن، سعی کردن (۴) touch: لمس کردن

۲. گزینه «۱» آسان

«این غذا، ترکیب عجیبی از طعم ها را دارد.»

(۱) taste: مزه، سلیقه (۲) thought: فکر (۳) task: وظیفه، کار، فعالیت (۴) sale: فروش

۳. گزینه «۱» آسان

«دکترها می گویند که امتحان و عمل جراحی کردن خیلی خطرناکه. بهتره که انجامش ندهم.»

(۱) risky: پرخطر (۲) proof: مدرک، اثبات (۳) safe: امن (۴) miss: از دست دادن، دلتنگ شدن

۴. گزینه «۳» آسان

«ما بر بالاترین استانداردهای تمیزی در [این] هتل، اصرار داریم.»

(۱) catch: گرفتن، فهمیدن (۲) harm: آسیب زدن (۳) insist: اصرار داشتن (۴) fast: روزه گرفتن

۵. گزینه «۴» آسان

«پلیس در تلاش است که هویت [آن] قاتل را کشف کند.»

(۱) disable: از کار انداختن، ناتوان کردن (۲) dislike: متنفر بودن (۳) shift: جا به جا کردن، تغییر دادن (۴) discover: کشف کردن

۶. گزینه «۳» آسان

«باید به خودت باور داشته باشی. رمز و راز موفقیت همین است.»

(۱) push: هل، تلاش (۲) religion: مذهب (۳) secret: رمز و راز (۴) poem: شعر

۷. گزینه «۱» آسان

«الگوهای مشاهده شده در مطالعه ما، ممکن است یک قاعده کلی را نشان دهد.»

(۱) observe: مشاهده کردن (۲) marry: ازدواج کردن (۳) interested: علاقمند (۴) frighten: ترساندن

۸. گزینه «۳» آسان

«مکان کارخانه جدید، هنوز تصمیم گیری نشده است.»

(۱) cousin: پسرعمو، دختر خاله (۲) chest: قفسه، قفسه سینه (۳) factory: کارخانه (۴) drug: دارو، مواد مخدر

۹. گزینه «۲» آسان

«سرمایه گزاران خواستار برگشت فوری سرمایه شان هستند.»

(۱) celebration: جشن، تجلیل (۲) capital: سرمایه، پایتخت، حرف بزرگ (۳) clerk: منشی، کارمند (۴) bathroom: حمام، توالت

۱۰. گزینه «۳» آسان

«اگر می خواهید در ماه آگوست مسافرت کنید، به شما توصیه و نصیحت میکنم که بلیت هایتان را از قبل بخرید.»

(ندارید لحظه آخر).

(۱) expect: توقع داشتن (۲) borrow: قرض گرفتن (۳) advise: نصیحت کردن (۴) contact: تماس گرفتن

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

- 1- There has been a gradual change in -----.
 1) countryman 2) climate 3) discovery 4) elbow
- 2- I'm having doubts about his ----- to do the job.
 1) anger 2) boat 3) ability 4) centre
- 3- She was ----- of her children's behaviour.
 1) attractive 2) ashamed 3) boring 4) cultural
- 4- Symptoms of the new coronavirus include a high temperature and a persistent dry -----.
 1) death 2) tower 3) cough 4) vocal
- 5- The company is looking for ----- to take part in a trial.
 1) signs 2) solutions 3) volunteers 4) works
- 6- ----- are vehicles used for flight in outer space.
 1) Stores 2) Structures 3) Cars 4) Spacecraft
- 7- I wasn't very ----- at keeping the news secret. Now they know the truth.
 1) successful 2) religious 3) muscular 4) manual
- 8- He was one of the founders of the university's ----- faculty.
 1) lazy 2) medical 3) honest 4) guilty
- 9- Once upon a time there was a/an ----- with two heads.
 1) hardware 2) giant 3) house 4) injury
- 10- The city needs to ----- its public transportation.
 1) inform 2) invite 3) improve 4) mind

۱. گزینه «۲» آسان

«تغییر تدریجی در آب و هوا وجود داشته است.»

(۱) countryman: روستا نشین، هموطن (۲) Climate: آب و هوا (۳) discovery: کشف (۴) elbow: آرنج

۲. گزینه «۳» آسان

«من نسبت به توانایی او برای انجام [این] کار، شک دارم.»

(۱) anger: خشم، عصبانیت (۲) boat: قایق (۳) ability: توانایی (۴) centre: مرکز

۳. گزینه «۲» آسان

«او از رفتار فرزندانش، خجالت زده و شرمند بود.»

(۱) attractive: جذاب (۲) ashamed: شرمند (۳) boring: خسته کننده (۴) cultural: فرهنگی

۴. گزینه «۳» آسان

«علائم ویروس کرونای جدید شامل دمای بالا (دمای بالای بدن) و یک سرفه خشک مداوم است.»

(۱) death: مرگ (۲) tower: برج (۳) cough: سرفه (۴) vocal: آواز

۵. گزینه «۳» متوسط

«[آن] شرکت به دنبال داوطلبانی برای شرکت در یک آزمایش است.»

(۱) sign: علامت، نشانه (۲) solution: راه حل (۳) volunteer: داوطلب (۴) work: کار، محل کار

۶. گزینه «۴» آسان

«فضاپیماها وسایل نقلیه ای هستند [که] برای پرواز در فضای بیرونی (فضای خارج از جو زمین) استفاده می شوند.»

(۱) store: فروشگاه، مغازه (۲) structure: ساختار، ساختمان (۳) car: اتومبیل (۴) spacecraft: فضاپیما، سفینه فضایی

۷. گزینه «۱» آسان

«من در مخفی نگه داشتن [آن] خبر، خیلی موفق نبودم. اکنون آن ها حقیقت را می دانند. (خبر لو رفته).»

(۱) successful: موفق (۲) religious: مذهبی (۳) muscular: عضلانی (۴) manual: دستی، یدی

۸. گزینه «۲» متوسط

«او یکی از بنیان گذاران دانشکده پزشکی [این] دانشگاه بود.»

(۱) lazy: تنبل (۲) medical: پزشکی، دارویی (۳) honest: صادق (۴) guilty: گناهکار

۹. گزینه «۲» آسان

«روزی روزگاری، یک غول با دو سر وجود داشت.»

(۱) hardware: سخت افزار (۲) giant: غول (۳) house: خانه (۴) injury: آسیب، صدمه

۱۰. گزینه «۳» آسان

«[این] شهر نیاز دارد [که] حمل و نقل عمومی اش را بهبود بدهد.»

(۱) inform: آگاه کردن (۲) invite: دعوت کردن (۳) improve: بهبود دادن (۴) mind: احساس رنجش کردن، اذیت شدن

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

- 1- Great ideas often receive violent opposition from ----- minds. Albert Einstein
1) expert 2) foster 3) mediocre 4) ingenious
- 2- This kind of accident is almost always ----- for the pilot.
1) competitive 2) fatal 3) indigent 4) sturdy
- 3- We should learn to ----- and analyze the essentials of complicated questions.
1) exhaust 2) put out 3) recycle 4) discern
- 4- Entering the ----- of Nirvana is only possible for those who have become pure.
1) laughter 2) inventory 3) remorse 4) realm
- 5- The treasurer was arrested for trying to ----- the company's accounts.
1) manipulate 2) torture 3) devour 4) speculate
- 6- They wanted to ----- all the legislation that imposed economic controls.
1) puzzle 2) irritate 3) repeal 4) subside
- 7- The police have the same human ----- for self-preservation as the rest of us.
1) team 2) border 3) urge 4) peel
- 8- Former President Jimmy Carter agreed to ----- the peace talks.
1) mediate 2) endow 3) bloom 4) cue
- 9- There's often a long ----- between an author completing a book and it appearing in the shops.
1) endeavor 2) interval 3) exhibit 4) chaos
- 10- A jury should not ----- the silence of a defendant as a sign of guilt.
1) interpret 2) terrify 3) perish 4) hail

۱. گزینه «۳» متوسط

« ایده های بزرگ اغلب مخالفت شدیدی را از سوی ذهن های متوسط دریافت می کنند. آلبرت اینشتین »

(۱) expert: متخصص، تخصصی (۲) foster: رضاعی، خوانده (۳) mediocre: متوسط (۴) ingenious: باهوش، مبتکرانه

۲. گزینه «۲» آسان

« این نوع تصادف تقریباً همیشه برای خلبان کشنده و مرگبار است. »

(۱) competitive: رقابتی (۲) fatal: مرگبار، کشنده (۳) indigent: فقیر، بی چیز، نیازمند (۴) sturdy: تنومند، قوی هیکل، باثبات

۳. گزینه «۴» آسان

« ما باید یاد بگیریم که ضروریات سوالات پیچیده را تشخیص داده و آنالیز کنیم. »

(۱) exhaust: خسته / تمام کردن (۲) put out: خاموش کردن، فرونشاندن (۳) recycle: بازیافت کردن (۴) discern: تشخیص دادن

۴. گزینه «۴» آسان

« ورود به قلمرو نیروانا فقط برای کسانی که خالص شده اند امکان پذیر است. »

(۱) laughter: خنده (۲) inventory: موجودی (۳) remorse: پشیمانی (۴) realm: قلمرو، حوزه

۵. گزینه «۱» آسان

« خزانه دار به دلیل تلاش برای دستکاری در حساب های شرکت دستگیر شد. »

(۱) manipulate: با مهارت انجام دادن، دستکاری کردن (۲) torture: شکنجه کردن (۳) devour: بلعیدن (۴) speculate: حدس زدن

۶. گزینه «۳» متوسط

« آنها می خواستند کلیه لوائح و قوانینی را که کنترل اقتصادی را وضع می کردند لغو کنند. »

(۱) puzzle: گیج کردن (۲) irritate: رنجاندن، آزردن (۳) repeal: لغو کردن، منسوخ کردن (۴) subside: فروکش / نشست کردن

۷. گزینه «۳» متوسط

« پلیس هم مثل ما، همان میل انسانی برای حفظ جان خود را دارد. (پلیس هم انسانه دیگه! جونشو دوس داره). »

(۱) team: تیم (۲) border: مرز، حاشیه (۳) urge: میل، خواسته (۴) peel: پوست

۸. گزینه «۱» آسان

« رئیس جمهور پیشین، جیمی کارتر موافقت کرد که در مذاکرات صلح میانجی گری کند. »

(۱) mediate: وساطت / میانجی گری کردن (۲) endow: وقف کردن، موهبت بخشیدن (۳) bloom: شکوفه دادن (۴) cue: اشاره کردن

۹. گزینه «۲» متوسط

« اغلب بین تکمیل یک کتاب توسط یک نویسنده و ظاهر شدن آن [کتاب] در فروشگاه ها، یک فاصله زمانی طولانی

وجود دارد (یعنی بعد از اینکه یک کتاب تموم میشه، مدتی طول میکشه تا چاپ بشه و در اختیار عموم قرار بگیره) »

(۱) endeavor: تلاش (۲) interval: فاصله، وقفه (۳) exhibit: اثر نمایشی، نمایشگاه (۴) chaos: هرج و مرج

۱۰. گزینه «۱» آسان

« هیئت منصفه نباید سکوت یک متهم را نشانه گناه [و مجرم بودن آن فرد] تفسیر کند. »

(۱) interpret: تفسیر و ترجمه / درک کردن (۲) terrify: ترساندن (۳) perish: مردن، هلاک شدن (۴) hail: گرامی داشتن، صدا زدن

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

- 1- I'm not in a position to ----- any of the details of the project at present.
1) vanquish 2) reveal 3) acclaim 4) collapse
- 2- The funds available for the health service are finite and we cannot afford to ----- money.
1) tighten 2) waste 3) label 4) envision
- 3- Another soldier died and 11 were injured in Ahvaz in a similar and ----- attack.
1) regretful 2) superstitious 3) simultaneous 4) wealthy
- 4- Most people with OSA ----- loudly and frequently, and they often experience fatigue and excessive daytime sleepiness.
1) snore 2) commit 3) specify 4) capture
- 5- They may have the ability to decide how to ----- scarce resources, whether they are finances, promotions or new equipment.
1) defy 2) abide 3) alleviate 4) allocate
- 6- When I do not want to have a shower, neither shame me nor ----- me.
1) scold 2) scrap 3) mature 4) circumvent
- 7- Years of doing ----- research had made her very precise in her working methods.
1) waste 2) fake 3) emergent 4) meticulous
- 8- You shouldn't be so ----- to someone who's new in the neighborhood.
1) ultimate 2) grumpy 3) temporary 4) optimum
- 9- The aim is to help patients to ----- most benefit from their treatment.
1) surmise 2) inhabit 3) obtain 4) convict
- 10- The chapter analyzed two important concepts of the study of social stratification, class and -----.
1) pretext 2) fatigue 3) stratum 4) accusation

۱. گزینه «۲» آسان

« من در موقعیتی نیستم که در حال حاضر، جزئیات [این] پروژه را فاش کنم. »

(۱) vanquish: شکست دادن (۲) reveal: فاش / آشکار کردن (۳) acclaim: ستایش کردن (۴) collapse: فرو ریختن، متلاشی شدن

۲. گزینه «۲» آسان

« بودجه موجود برای خدمات درمانی محدود است و ما نمی توانیم پول هدر بدهیم. »

(۱) tighten: سفت کردن، سفت شدن، محکم کردن (۲) waste: هدر دادن (۳) label: برچسب زدن (۴) envision: تصور کردن

۳. گزینه «۳» آسان

« در حمله‌ای مشابه و همزمان، یک سرباز دیگر درگذشت و ۱۱ نفر در اهواز مجروح شدند. »

(۱) regretful: پشیمان، متأسف (۲) superstitious: خرافاتی (۳) simultaneous: همزمان (۴) wealthy: ثروتمند، غنی

۴. گزینه «۱» آسان

« بیشتر افراد مبتلا به OSA (وقفه تنفسی در خواب)، با صدای بلند و مکرراً خروپف می کنند و اغلب خستگی و خواب

آلودگی بیش از حدی را در طول روز تجربه می کنند. »

(۱) snore: خروپف کردن (۲) commit: مرتکب / متعهد شدن (۳) specify: مشخص / تعیین کردن (۴) capture: گرفتن، تسخیر کردن

۵. گزینه «۴» متوسط

« آنها ممکن است توانایی تصمیم‌گیری در مورد نحوه تخصیص منابع کمیاب، اعم از [منابع] مالی، تبلیغاتی یا تجهیزات جدید را داشته باشند. »

(۱) defy: اطاعت نکردن، به مبارزه طلبیدن، ضدیت کردن (۲) abide: تحمل کردن، اطاعت کردن
(۳) alleviate: تسکین دادن، سبک کردن، کاهش دادن (۴) allocate: تخصیص دادن، سهم دادن

۶. گزینه «۱» متوسط

« وقتی نمی خواهم دوش بگیرم، نه مرا شرمسار کن و نه مرا سرزنش کن. »

(۱) scold: سرزنش کردن، بدحرفی کردن (۲) scrap: کنار گذاشتن، اوراق کردن
(۳) mature: بالغ شدن، سر رسیدن (۴) circumvent: کسی یا چیزی را دور زدن، پیچوندن

۷. گزینه «۴» آسان

« سالها انجام تحقیقات دقیق، او را در روشهای کاری، بسیار دقیق کرده بود. »

(۱) waste: ضایعاتی، باطله (۲) fake: جعلی (۳) emergent: نوبیاد (۴) meticulous: دقیق، وسواسی

۸. گزینه «۲» آسان

« نباید نسبت به کسی که تازه به این محله و همسایگی آمده است، بدخلق و ترشرو باشید. »

(۱) ultimate: نهایی (۲) grumpy: بدخلق، ترشرو (۳) temporary: موقت، زودگذر (۴) optimum: بهینه

۹. گزینه «۳» آسان

« هدف، کمک کردن به بیماران است، تا بیشترین بهره را از درمان خود ببرند. (بهره زیادی بدست بیاورند). »

(۱) surmise: حدس زدن (۲) inhabit: زندگی کردن (۳) obtain: وجود داشتن، بدست آوردن (۴) convict: محکوم کردن

۱۰. گزینه «۳» آسان

« [این] فصل دو مفهوم مهم از مطالعه لایه‌بندی اجتماعی، [یعنی] طبقه و قشر را تحلیل کرده است. »

(۱) pretext: بهانه، عذر (۲) fatigue: خستگی (۳) stratum: لایه، قشر (۴) accusation: افتراء، تهمت

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

- 1- We are trying to ----- a list of suitable people for the job.
1) deny 2) convince 3) interfere 4) compile
- 2- The fans would have come in handy during the ----- weather over the last few days.
1) chemical 2) gregarious 3) humid 4) talented
- 3- They employed him because of his ----- skill in dealing with the press.
1) reputed 2) sporadic 3) craven 4) heedless
- 4- The ----- was abandoned because of adverse weather conditions.
1) disaster 2) enigma 3) expedition 4) confirmation
- 5- You are the greatest enemy if you are a -----, but if you are brave, you are your greatest friend.
1) sarcasm 2) coward 3) dexterity 4) refugee
- 6- If you read the magazine regularly and have a/an ----- knowledge of the sport, it shouldn't be a problem.
1) funny 2) rudimentary 3) pungent 4) audacious
- 7- I think we've chosen the right person to ----- the expedition.
1) lead 2) submit 3) flee 4) attribute
- 8- The Red Cross's ----- concern is to preserve and protect human life.
1) captive 2) handsome 3) formidable 4) primary
- 9- He accepted and asked another member of the staff, who had received a similar invitation, to ----- him.
1) triumph 2) excuse 3) accompany 4) recede
- 10- The government is facing a new ----- of opposition in the form of a student strike.
1) wave 2) hesitation 3) will 4) president

۱. گزینه «۴» آسان

« ما در تلاش هستیم لیستی از افراد مناسب برای [این] کار، گردآوری کنیم. »

- (۱) deny: رد کردن، نپذیرفتن
(۲) convince: راضی کردن، قانع کردن
(۳) interfere: فضولی کردن، مداخله کردن
(۴) compile: گردآوری کردن، تألیف کردن

۲. گزینه «۳» آسان

« در طی چند روز گذشته، در [این] هوای مرطوب، پنکه‌ها خیلی می‌تونستند به درد بخور باشند. »

- (۱) chemical: شیمیایی
(۲) gregarious: اجتماعی، خونگرم
(۳) humid: شرجی، مرطوب
(۴) talented: با استعداد
دم‌دست، به درد بخور، مفید: handy

۳. گزینه «۱» آسان

« آنها به دلیل مهارت مشهور او در برخورد با مطبوعات، استخدامش کردند. »

- (۱) reputed: مشهور، شایع
(۲) sporadic: تک و توک، گاه و بیگاه
(۳) craven: بزدلانه، بزدل
(۴) heedless: بی‌اعتنا

۴. گزینه «۳» آسان

« [آن] مسافرت به دلیل شرایط نامساعد جوی، متوقف شد. »

- (۱) disaster: فاجعه، مصیبت
(۲) enigma: چیستان، معما
(۳) expedition: مسافرت، بازدید، هیئت اعزامی
(۴) confirmation: تأیید، تأییدیه

۵. گزینه «۲» آسان

« شما اگر ترسو باشید، بزرگترین دشمن [خود] هستید، اما اگر شجاع باشید، بزرگترین دوست خود می‌باشید. »

- (۱) sarcasm: طعنه، ریشخند
(۲) coward: بزدل، ترسو
(۳) dexterity: چابکی، مهارت
(۴) refugee: پناهنده، مهاجر

۶. گزینه «۲» آسان

« اگر به طور منظم [و هر هفته این] مجله را می‌خوانید و دانش اولیه‌ای از [این] ورزش دارید، نباید مشکلی ایجاد کند. »

- (۱) funny: بامزه، خنده دار، عجیب
(۲) rudimentary: ساده و ابتدایی، اولیه
(۳) pungent: تند، زننده
(۴) audacious: پر جرأت

۷. گزینه «۱» آسان

« فکر می‌کنم ما فرد مناسبی را برای هدایت هیئت اعزامی، انتخاب کرده‌ایم. »

- (۱) lead: رهبری کردن، هدایت کردن
(۲) submit: ارائه دادن، تسلیم کردن
(۳) flee: فرار کردن، در رفتن
(۴) attribute: نسبت دادن

۸. گزینه «۴» آسان

« دغدغه اصلی صلیب سرخ، حفظ و مراقبت از زندگی بشر است. »

- (۱) captive: اسیر
(۲) handsome: خوشتیپ، خوش قیافه
(۳) formidable: مهیب، قوی، دشوار
(۴) primary: اصلی، ابتدایی

۹. گزینه «۳» متوسط

« پذیرفت و از یکی دیگر از کارمندان، که دعوت مشابهی را دریافت کرده بود، درخواست کرد تا او را همراهی کند »

- (۱) triumph: پیروز شدن
(۲) excuse: بخشیدن، معاف کردن، توجیه کردن
(۳) accompany: همراهی کردن، همزمان بودن
(۴) recede: عقب کشیدن، به عقب رفتن

۱۰. گزینه «۱» آسان

« دولت در قالب اعتصاب دانشجویی، با موج جدید مخالفت روبرو است »

- (۱) wave: موج
(۲) hesitation: تردید، درنگ
(۳) will: اراده، وصیت نامه، خواسته
(۴) president: رئیس جمهور

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

- 1- Those who fail to ----- with the law will be fined.
1) resolve 2) comply 3) obstruct 4) trigger
- 2- A contract can be ----- by agreement of the parties involved.
1) declined 2) collapsed 3) terminated 4) disembarked
- 3- Over a period of years, the ----- of the drug in the body will damage the nervous system.
1) allocation 2) compensation 3) subordination 4) accumulation
- 4- Firefighters needed modern breathing ----- to enter the burning house.
1) survival 2) criterion 3) infrastructure 4) apparatus
- 5- Adults, by ----- of their greater experience, are able to reason about more things than adolescents can.
1) virtue 2) vision 3) analogy 4) sphere
- 6- The tourist industry requires that the country's cultural ----- be made more accessible.
1) mode 2) asset 3) integrity 4) flaw
- 7- This car design makes the ----- use of the available space and so is better than the previous one.
1) optimal 2) neutral 3) contemporary 4) emergent
- 8- They made a very ----- decision, i.e. there was no common agreement on it, so they have since regretted it.
1) diverse 2) eventual 3) controversial 4) successive
- 9- The evidence is detailed enough to ----- the author's conclusion.
1) sustain 2) incline 3) intensify 4) comprise
- 10- The audience listened as the scientist ----- on her new theory.
1) conceived 2) expounded 3) accompanied 4) committed

۱. گزینه «۲» متوسط

« کسانی که قانون را رعایت نکنند جریمه می‌شوند. »

- (۱) resolve: حل کردن، جدا کردن، تصمیم گرفتن
(۲) comply: اجابت کردن، قبول کردن
(۳) obstruct: مسدود کردن
(۴) trigger: باعث شدن، راه انداختن

۲. گزینه «۳» سخت

« قرارداد می‌تواند با توافق طرفین درگیر فسخ شود (پایان یابد). »

- (۱) decline: زوال یافتن، نپذیرفتن، کم شدن
(۲) collapse: متلاشی شدن، فرو ریختن
(۳) terminate: پایان دادن، پایان یافتن
(۴) disembark: پیاده کردن، پیاده شدن

۳. گزینه «۴» سخت

« طی چند سال، تجمع دارو در بدن به سیستم عصبی آسیب می‌رساند. »

- (۱) allocation: اختصاص
(۲) compensation: غرامت، جبران
(۳) subordination: عملی در اولویت پایین‌تر قرار دادن
(۴) accumulation: انباشت، جمع‌آوری

۴. گزینه «۴» سخت

« آتش نشانان برای ورود به خانه‌ای که در حال سوختن بود، به دستگاه تنفس مدرن نیاز داشتند. »

- (۱) survival: بقا (۲) criterion: معیار، ضابطه (۳) infrastructure: زیرساخت (۴) apparatus: دستگاه، ماشین

۵. گزینه «۱» سخت

« بزرگسالان با توجه به تجربیات بیشتر خود، قادر به استدلال در مورد چیزهای بیشتری نسبت به نوجوانان هستند. »

- (۱) virtue: پاکدامنی، فضیلت، مزیت، ویژگی خوب
(۲) vision: تدبیر، دوراندیشی، چشم‌انداز
(۳) analogy: شباهت، مقایسه، قیاس
(۴) sphere: کره، گوی، حوزه

by virtue of because of due to
به خاطر، با توجه به به خاطر، با توجه به به خاطر، با توجه به

۶. گزینه «۲» سخت

« صنعت جهانگردی ایجاب می‌کند که دارایی‌های فرهنگی کشور بیشتر در دسترس قرار گیرد. »

- (۱) mode: نوع، طرز، حالت (۲) asset: دارایی، ثروت (۳) integrity: درستی، تمامیت، یکپارچگی (۴) flaw: نقص، عیب

۷. گزینه «۱» سخت

« این طراحی خودرو از فضای موجود استفاده بهینه می‌کند و بنابراین از [طرح] قبلی بهتر است. »

- (۱) optimal: بهینه
(۲) neutral: بی طرف، خنثی، بی رنگ
(۳) contemporary: معاصر، هم دوره
(۴) emergent: نوبنیاد، در حال ظهور

۸. گزینه «۳» متوسط

« آنها تصمیمی بسیار بحث‌برانگیز گرفتند، یعنی توافق مشترکی در این باره وجود نداشت، بنابراین از آن موقع پشیمان بوده‌اند. »

- (۱) diverse: متنوع، گوناگون (۲) eventual: نهایی، پایانی (۳) controversial: بحث برانگیز، جنجالی (۴) successive: پیایی

۹. گزینه «۱» سخت

« شواهد به اندازه کافی دقیق هستند تا از نتیجه‌گیری نویسنده پشتیبانی کنند. »

- (۱) sustain: نگه داشتن، متحمل شدن، پشتیبانی کردن
(۲) incline: تمایل کردن، تمایل داشتن، خم کردن
(۳) intensify: تشدید کردن
(۴) comprise: تشکیل دادن، شامل بودن

۱۰. گزینه «۲» متوسط

« در حالیکه [آن] دانشمند نظریه جدیدش را توضیح می‌داد، مخاطبان به آن گوش می‌دادند. »

- (۱) conceive: تصور کردن، پنداشتن، حامله شدن
(۲) expound: توضیح دادن، شرح دادن
(۳) accompany: همراهی کردن، همزمان بودن
(۴) commit: مرتکب شدن، متعهد شدن

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

- 1- Doctors should ----- a while on the wisdom of separating babies from their mothers.
 1) ponder 2) recover 3) resolve 4) proceed
- 2- Is the job of the police to enforce ----- with the regulations?
 1) authority 2) resolution 3) compliance 4) compensation
- 3- He was found guilty of ----- of justice.
 1) deviation 2) implication 3) obstruction 4) submission
- 4- The lawyer claimed that the company had shown a(n) ----- disregard for its employees' safety.
 1) reckless 2) illegible 3) engrossed 4) tentative
- 5- The book explains the ----- of the English language from old to modern English.
 1) initiation 2) reverence 3) incidence 4) evolution
- 6- The party is promising low inflation and ----- economic growth.
 1) mature 2) sustainable 3) haphazard 4) preliminary
- 7- We have ----- many new features into the design of the building.
 1) displaced 2) enhanced 3) assigned 4) incorporated
- 8- Global warming might ----- dramatic changes in our climate.
 1) induce 2) conceive 3) compile 4) penetrate
- 9- Some teachers welcomed the change in the educational system; but for the majority, the ----- was true.
 1) revival 2) endeavor 3) converse 4) contradiction
- 10- The problem had been ----- to in earlier discussions.
 1) alluded 2) coincided 3) assumed 4) overlapped

۱. گزینه «۱» سخت

« پزشکان باید مدتی در مورد حکمت جدایی نوزادان از مادران خود، فکر کنند.»

- (۱) ponder: فکر کردن
(۲) recover: بازیابی کردن، دوباره بدست آوردن
(۳) resolve: حل کردن، جدا کردن، تصمیم گرفتن
(۴) proceed: پیش رفتن، ادامه دادن

۲. گزینه «۳» متوسط

« آیا وظیفه پلیس تحمیل پذیرش قوانین است؟ »

- (۱) authority: مجوز، اجازه
(۲) resolution: بازیابی کردن، دوباره بدست آوردن
(۳) compliance: انطباق، مطابقت، پذیرش
(۴) compensation: غرامت، جبران

۳. گزینه «۳» سخت

« او به جلوگیری از (اجرایی) عدالت، مقصر شناخته شد. »

- (۱) deviation: انحراف
(۲) implication: دلالت، اشاره، پیامد، مشارکت
(۳) obstruction: جلوگیری، انسداد، مانع، سد
(۴) submission: ارائه، تسلیم، فرمان برداری، اطاعت، پیشنهاد

۴. گزینه «۱» متوسط

« [آن] وکیل مدعی شد که [آن] شرکت بی اعتنائی بی ملاحظه گرانه ای نسبت به ایمنی کارکنان خود نشان داده بود.»

- (۱) reckless: بی فکر، بی ملاحظه گرانه
(۲) illegible: ناخوانا
(۳) engrossed: مجذوب، مشغول
(۴) tentative: تجربی، آزمایشی

۵. گزینه «۴» متوسط

« [این] کتاب سیر تحول زبان انگلیسی از انگلیسی قدیمی به انگلیسی امروزی را توضیح می دهد.»

- (۱) initiation: پذیرش، راه اندازی
(۲) reverence: تکریم، احترام
(۳) incidence: وقوع، انتشار، تناوب
(۴) evolution: سیر تحول، سیر تکاملی، تکامل

۶. گزینه «۲» متوسط

« [این] حزب نوید تورم پایین و رشد اقتصادی پایدار را می دهد. »

- (۱) mature: بالغ، رسیده
(۲) sustainable: پایدار
(۳) haphazard: تصادفی، اتفاقی
(۴) preliminary: مقدماتی

۷. گزینه «۴» سخت

« ما بسیاری از ویژگی های جدید را در طراحی ساختمان گنجانده ایم. »

- (۱) displace: جابجا کردن، آواره کردن
(۲) enhance: بهبود دادن، بهتر کردن
(۳) assign: تخصیص دادن
(۴) incorporate: گنجاندن، تأسیس کردن

۸. گزینه «۱» سخت

« گرم شدن کره زمین ممکن است باعث تغییرات چشمگیری در آب و هوای ما شود.»

- (۱) induce: باعث شدن، راضی کردن
(۲) conceive: تصور کردن، پنداشتن، حامله شدن
(۳) compile: گردآوری کردن، تألیف کردن
(۴) penetrate: نفوذ کردن، فهمیدن

۹. گزینه «۳» سخت

« برخی از معلمان از تغییر در سیستم آموزشی استقبال کردند. اما برای اکثریت، عکس [آن] صادق بود.»

- (۱) revival: احیا، تقویت
(۲) endeavor: تلاش
(۳) converse: خلاف، عکس
(۴) contradiction: تناقض، مخالفت

۱۰. گزینه «۱» متوسط

« در بحث های قبلی به [این] مسئله اشاره شده بود. »

- (۱) allude: اشاره کردن
(۲) coincide: مصادف شدن، همزمان بودن، منطبق شدن
(۳) assume: فرض کردن، گمان کردن
(۴) overlap: همپوشانی داشتن، روی هم افتادن

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

- 1- The questionnaire was intended to ----- information on eating habits.
1) retain 2) survey 3) elicit 4) presume
- 2- The prime minister has called on the public to ----- behind the government.
1) rally 2) denote 3) pursue 4) underlie
- 3- College life opened up a whole ----- of new experiences.
1) core 2) gamut 3) exposure 4) appreciation
- 4- The discovery of the new planet gave fresh ----- to research on life in outer space.
1) status 2) scheme 3) impetus 4) domain
- 5- It was ----- of me to forget to give you the message.
1) pitfall 2) remiss 3) obstacle 4) inhibition
- 6- The number of old German cars still on the road ----- to the excellence of their manufacture.
1) traces 2) orients 3) restores 4) attests
- 7- Age alone will not ----- them from getting admission to this university.
1) react 2) distort 3) conduct 4) preclude
- 8- New technology, the main ----- of the 1980s, has been a mixed blessing.
1) legacy 2) surplus 3) expansion 4) circumstance
- 9- I'm sure my university days appear happier in ----- than they actually were at the time.
1) procedure 2) proportion 3) retrospect 4) approximation
- 10- Even a(n) ----- glance at the figures will tell you that sales are down.
1) cursory 2) implicit 3) marginal 4) sustainable

۱. گزینه «۳» متوسط

« [این] پرسشنامه به منظور استخراج اطلاعات در مورد عادات غذایی بود. »

- (۱) retain: نگه داشتن، حفظ کردن
(۲) survey: نظرسنجی
(۳) elicit: بیرون کشیدن، در پی داشتن
(۴) presume: فرض کردن، گمان کردن

۲. گزینه «۱» سخت

« نخست وزیر افکار عمومی را به حمایت کردن از دولت فراخوانده است. »

- (۱) rally: جان تازه گرفتن، افزایش یافتن، حمایت کردن
(۲) denote: معنی دادن، نشان دادن
(۳) pursue: دنبال کردن، تعقیب کردن
(۴) underlie: زمینه چیزی بودن

۳. گزینه «۲» متوسط

« زندگی دانشجویی حیطه کاملی از تجربیات جدید را ایجاد کرد. »

- (۱) core: هسته، مرکز
(۲) gamut: وسعت، حیطه
(۳) exposure: افشاء، در معرض گذاری
(۴) appreciation: سپاس، قدردانی، درک

۴. گزینه «۳» سخت

« کشف سیاره جدید، انگیزه و تحرک تازه‌ای برای تحقیق در مورد زندگی در فضای بیرونی ایجاد کرد. »

- (۱) status: جایگاه، موقعیت
(۲) scheme: طرح، برنامه، توطئه
(۳) impetus: تحرک، انگیزه، مشوق
(۴) domain: دامنه، حوزه

۵. گزینه «۲» متوسط

« از بی‌مسئولیتی من بود که فراموش کردم پیام را به شما بدهم. »

- (۱) pitfall: مشکل محتمل، سختی محتمل
(۲) remiss: بی‌مسئولیت، بی‌فکر
(۳) obstacle: مانع، سد
(۴) inhibition: منع، جلوگیری، کم‌رویی

۶. گزینه «۴» سخت

«تعداد اتومبیل‌های قدیمی آلمانی که هنوز در جاده هستند (کار می‌کنند)، به برتری ساخت آنها شهادت می‌دهند.
(یعنی، ماشین‌های قدیمی که هنوز هم سالم هستند نشان‌دهنده‌ای که کیفیت خودروهای آلمانی خیلی بالاست).»

- (۱) trace: رد چیزی را زدن
(۲) orient: جهت یابی کردن، وفق دادن
(۳) restore: تعمیر کردن، بازگرداندن، به حالت اول برگرداندن
(۴) attest: شهادت دادن

۷. گزینه «۴» سخت

« سن به تنهایی مانع از پذیرش آنها در این دانشگاه نمی‌شود. »

- (۱) react: واکنش دادن، عکس العمل نشان دادن
(۲) distort: تغییر دادن، غیر واقعی جلوه دادن
(۳) conduct: انجام دادن، هدایت کردن
(۴) preclude: مانع شدن، جلوگیری کردن

۸. گزینه «۱» متوسط

« فناوری جدید، میراث اصلی دهه ۱۹۸۰، شمشیر دو لبه بوده است (هم مزایا و هم زیان‌هایی داشته است). »

- (۱) legacy: میراث
(۲) surplus: مازاد، اضافه
(۳) expansion: گسترش، بسط
(۴) circumstance: چگونگی، شرایط محیط

۹. گزینه «۳» متوسط

« من مطمئن هستم که روزهای دانشجویی من در نگاه به گذشته در مقایسه با چیزی که واقعاً در آن زمان بود، شادتر
به نظر می‌رسد. »

- (۱) procedure: روند، رویه، روش
(۲) proportion: تناسب، نسبت، مقدار
(۳) retrospect: نگاه به گذشته
(۴) approximation: تخمین

۱۰. گزینه «۱» متوسط

« حتی یک نگاه سریع و اجمالی به ارقام، به شما خواهد گفت که فروش کاهش یافته است. »

- (۱) cursory: سریعی، سریع
(۲) implicit: ضمنی، مطلق، غیرمستقیم
(۳) marginal: حاشیه‌ای جزئی
(۴) sustainable: پایدار

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

- 1- These ideas are not quite new; they ----- ancient philosophers.
 1) put over 2) depart for 3) descend from 4) give rise to
- 2- The story ----- the lives of people in the last century.
 1) depicts 2) settles 3) contends 4) persists
- 3- Strong storms have been ----- our efforts to find flood survivors.
 1) surmising 2) hampering 3) submitting 4) demarcating
- 4- The military in most countries uses radar satellites to ----- targets through clouds and at night.
 1) track 2) disallow 3) dominate 4) overthrow
- 5- The association works to promote the ----- of retired people as active and useful members of the community.
 1) status 2) posture 3) standpoint 4) disclosure
- 6- At the end of the article, the author bridges all the different ----- of the argument together.
 1) remnants 2) strands 3) dealings 4) conversions
- 7- Life in Britain was transformed by the ----- of the steam engine.
 1) disposition 2) advent 3) expenditure 4) undertaking
- 8- There is evidence that a(n) ----- to cancer runs in some families.
 1) dilemma 2) incident 3) prospect 4) predisposition
- 9- The journalists insisted on getting to the front line of the battle, ----- of the risks.
 1) devoid 2) inevitable 3) heedless 4) unaccustomed
- 10- Computers operate using ----- numbers (the values 0 and 1).
 1) dual 2) scant 3) binary 4) trivial

۱. گزینه «۳» سخت

« این ایده‌ها کاملاً جدید نیستند. آن‌ها از فیلسوفان باستان سرازیر می‌شوند. »

- (۱) put: گذاشتن، قرار دادن، نوشتن، بیان کردن
(۲) depart: عازم شدن، خارج شدن
(۳) descend: پایین آمدن، سرازیر شدن
(۴) give rise: منجر شدن، موجب شدن

۲. گزینه «۱» متوسط

« [آن] داستان، زندگی مردم در قرن گذشته را به تصویر می‌کشد. »

- (۱) depict: شرح دادن، به تصویر کشیدن
(۲) settle: مستقر شدن، پایان دادن، نهایی کردن، ساکت کردن
(۳) contend: رقابت کردن، ادعا کردن
(۴) persist: اصرار کردن، پافشاری کردن

۳. گزینه «۲» متوسط

« طوفان‌های شدید مانع تلاش‌های ما برای یافتن بازماندگان سیل شده‌اند. »

- (۱) surmise: حس زدن
(۲) hamper: مانع شدن، جلوگیری کردن
(۳) submit: ارائه دادن، تسلیم کردن
(۴) demarcate: تعیین حدود کردن

۴. گزینه «۱» متوسط

« ارتش در بیشتر کشورها از ماهواره‌های راداری برای ردیابی اهداف از طریق ابرها و در شب استفاده می‌کند. »

- (۱) track: دنبال کردن، ردیابی کردن
(۲) disallow: رد کردن، نپذیرفتن
(۳) dominate: چیره شدن، تسلط داشتن
(۴) overthrow: سرنگون کردن

۵. گزینه «۱» متوسط

« [این] انجمن برای ارتقا جایگاه افراد بازنشسته به عنوان اعضای فعال و مفید جامعه فعالیت می‌کند. »

- (۱) status: جایگاه، موقعیت، وضعیت
(۲) posture: حالت (بدن)
(۳) standpoint: دیدگاه، نقطه نظر
(۴) disclosure: افشاگری

۶. گزینه «۲» سخت

« در انتهای مقاله، نویسنده تمام بخش‌های مختلف استدلال را به هم وصل می‌کند. »

- (۱) remnant: باقی مانده، بقیه
(۲) strand: رشته، لایه، بخش
(۳) dealing: معامله، خرید و فروش
(۴) conversion: تبدیل، تغییر

۷. گزینه «۲» متوسط

« زندگی در بریتانیا با ظهور موتور بخار دگرگون شد. »

- (۱) disposition: وضع، حالت، تمایل، موقعیت
(۲) advent: ظهور
(۳) expenditure: هزینه، مخارج
(۴) undertaking: تقبل، کسب و کار، عهد و پیمان

۸. گزینه «۴» سخت

« شواهدی وجود دارد که گرایش به سرطان در برخی از خانواده‌ها وجود دارد. »

- (۱) dilemma: دو راهی، وضع دشوار
(۲) incident: حادثه، پیشامد
(۳) prospect: دورنما، چشم انداز، احتمال
(۴) predisposition: تمایل، گرایش

(گزینه ۴ درست است، اما بهتر بود که به جای prospect در گزینه ۳، کلمه دیگری قرار گیرد.)

۹. گزینه «۳» متوسط

« خبرنگاران به رسیدن به خط مقدم جنگ، بی‌اعتنا (بدون توجه) به خطرات، اصرار کردند. »

- (۱) devoid: خالی، تهی
(۲) inevitable: اجتناب ناپذیر
(۳) heedless: بی‌اعتنا
(۴) unaccustomed: عادت نکرده، ناآشنا

۱۰. گزینه «۳» متوسط

« رایانه‌ها با استفاده از اعداد صفر و یکی کار می‌کنند. (مقادیر ۰ و ۱). »

- (۱) dual: دوگانه، دوتایی
(۲) scant: ناکافی، محدود
(۳) binary: دودویی، صفر و یکی
(۴) trivial: ناچیز، جزئی

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

- 1- The new economic policies threaten to ----- the health care system.
1) denote 2) undermine 3) assimilate 4) trigger
- 2- The map clearly ----- the boundary between Turkey and Iraq.
1) intrudes 2) withdraws 3) delineates 4) conducts
- 3- A rise in the interest rate and inflation would severely ----- economic growth.
1) retard 2) mistreat 3) predispose 4) depart
- 4- The expression "full moon" means the 14th day of the moon ----- from its first appearance.
1) reckoned 2) stimulated 3) proceeded 4) propelled
- 5- In many countries, doctors have traditionally enjoyed high social -----.
1) arena 2) disposition 3) circumstance 4) status
- 6- Her strict ----- to the diet caused her to lose a lot of weight in one month.
1) incentive 2) accumulation 3) presumption 4) adherence
- 7- Constant argument caused angry ----- that brought an end to the peace talks.
1) discord 2) discrimination 3) diffusion 4) deviation
- 8- Careful ----- of the company's accounts revealed a series of errors.
1) procedure 2) contradiction 3) scrutiny 4) conformity
- 9- Unfortunately, this diet is ----- in vitamin A.
1) incompatible 2) deficient 3) antecedent 4) exposed
- 10- They showed a very ----- lack of gratitude to those who had helped them.
1) marginal 2) impotent 3) differential 4) indecent

۱. گزینه «۲» متوسط

« سیاست‌های جدید اقتصادی تهدید به تضعیف کردن سیستم مراقبت‌های بهداشتی می‌کند. »

- (۱) denote: معنی دادن، نشان دادن
(۲) undermine: تحلیل بردن، تضعیف کردن
(۳) assimilate: یکی کردن، یکی شدن، جذب کردن
(۴) trigger: باعث شدن، راه انداختن

۲. گزینه «۳» متوسط

« [این] نقشه به وضوح مرز بین ترکیه و عراق را معین می‌کند. »

- (۱) intrude: مزاحم شدن، سرزده آمدن
(۲) withdraw: خارج کردن پول از حساب، کنار کشیدن، پس گرفتن
(۳) delineate: معین کردن، ترسیم کردن
(۴) conduct: انجام دادن، هدایت کردن

۳. گزینه «۱» سخت

« افزایش نرخ بهره و تورم، رشد اقتصادی را به شدت کُند می‌کند. »

- (۱) retard: کند کردن (۲) mistreat: بدرفتاری کردن (۳) predispose: متمایل ساختن (۴) depart: عازم شدن، خارج شدن

۴. گزینه «۱» سخت

« عبارت "ماه کامل" به معنای روز چهاردهم ماه [که] از زمان اولین ظهور حساب شده، می‌باشد. »

- (۱) reckon: فرض کردن، گمان کردن، سرانگشتی حساب کردن
(۲) stimulate: برانگیختن، تحریک کردن
(۳) proceed: پیش رفتن، ادامه دادن
(۴) propel: سوق دادن، حرکت دادن

۵. گزینه «۴» متوسط

« در بسیاری از کشورها، پزشکان به طور سنتی از جایگاه اجتماعی بالایی برخوردار بوده‌اند. »

- (۱) arena: عرصه، میدان مسابقه
(۲) disposition: وضع، حالت، تمایل، موقعیت
(۳) circumstance: چگونگی، شرایط محیط
(۴) status: جایگاه، موقعیت، وضعیت

۶. گزینه «۴» متوسط

« پایبندی سفت و سخت او به رژیم غذایی باعث شد که در طی یک ماه وزن زیادی کم کند. »

- (۱) incentive: انگیزنده، محرک، مشوق
(۲) accumulation: انباشت، جمع آوری (تدریجی)
(۳) presumption: فرض، گمان، گستاخی
(۴) adherence: تبعیت، پیروی، پایبندی

۷. گزینه «۱» متوسط

« مشاجره مداوم باعث اختلاف نظر شدید و موجب پایان یافتن گفتگوهای صلح‌آمیز شد. »

- (۱) discord: اختلاف نظر، عدم توافق (۲) discrimination: تبعیض، بصیرت (۳) diffusion: انتشار، پخش (۴) deviation: انحراف

۸. گزینه «۳» متوسط

« موشکافی دقیق حساب‌های شرکت، یک سری خطاها را آشکار کرد. »

- (۱) procedure: روند، رویه، روش (۲) contradiction: تناقض، مخالفت (۳) scrutiny: موشکافی (۴) conformity: انطباق، مطابقت

۹. گزینه «۲» آسان

« متأسفانه، این رژیم غذایی کمبود ویتامین A دارد. »

- (۱) incompatible: ناسازگار (۲) deficient: دارای کمبود، ناقص (۳) antecedent: سابقه، تبار (۴) exposed: در معرض (خطر و...)

۱۰. گزینه «۴» سخت

« آن‌ها نسبت به کسانی که بهشان کمک کرده بودند، قدردانی کم و ناشایستی از خود نشان دادند. (کم لطفی کردند). »

- (۱) marginal: حاشیه‌ای، جزئی (۲) impotent: ناتوان (۳) differential: متفاوت (۴) indecent: خارج از نزاکت، ناپسند، ناشایست

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

- 1- The lecturer spoke slowly, ----- each word clearly.
 1) devoting 2) converting 3) articulating 4) undertaking
- 2- The police are hoping that the violence will soon -----.
 1) impede 2) subside 3) resign 4) underestimate
- 3- The teacher mentioned no names but we all knew who he was ----- to.
 1) alluding 2) designating 3) signifying 4) announcing
- 4- By early morning, they were ready to ----- the trip that the family had been planning for two months.
 1) propel 2) detach 3) simulate 4) commence
- 5- A ----- of short-lived rules did nothing to increase the country's stability.
 1) scope 2) numeral 3) mobility 4) succession
- 6- A ----- is a statement that expresses something that people believe is always true.
 1) decree 2) dictum 3) paradigm 4) declaration
- 7- People who sleep in the streets highlight the ----- of the homeless.
 1) plight 2) inquiry 3) anomaly 4) impediment
- 8- The two sides signed a peace ----- that lasted for only two months.
 1) accord 2) accession 3) endowment 4) endorsement
- 9- Children have a(n) ----- ability to learn language.
 1) cogent 2) innate 3) impulsive 4) competent
- 10- During a war, the interests of the state are -----, and those of the individual come last.
 1) glorious 2) expressive 3) paramount 4) widespread

۱. گزینه «۳» متوسط

« سخنران آهسته صحبت می کرد و هر کلمه را به روشنی بیان می کرد. »

- (۱) devote: وقف کردن، اختصاص دادن
(۲) convert: تبدیل کردن، تغییر رویه دادن
(۳) articulate: بیان کردن، واضح گفتن
(۴) undertake: به عهده گرفتن، متقبل شدن

۲. گزینه «۲» متوسط

« پلیس امیدوار است که خشونت به زودی فروکش کند. »

- (۱) impede: مانع شدن، جلوگیری کردن
(۲) subside: فروکش کردن، نشست کردن
(۳) resign: استعفا دادن، کنار آمدن
(۴) underestimate: دست کم گرفتن

۳. گزینه «۱» متوسط

« معلم اسمی ذکر نکرد اما همه ما می دانستیم که او به چه کسی داشت اشاره می کرد. »

- (۱) allude: اشاره کردن
(۲) designate: تخصیص دادن، منصوب کردن، معین کردن
(۳) signify: حاکی بودن از، نشان دادن
(۴) announce: علنی کردن، اعلام کردن، خبر دادن

۴. گزینه «۴» متوسط

« صبح زود، آنها آماده بودند سفری را که خانواده برای دو ماه برنامه ریزی کرده بود آغاز کنند. »

- (۱) propel: سوق دادن، حرکت دادن
(۲) detach: جدا کردن، جدا شدن
(۳) simulate: شبیه سازی کردن، تظاهر کردن
(۴) commence: شروع شدن، آغاز کردن

۵. گزینه «۴» سخت

« سلسله ای از قوانین کوتاه مدت، هیچ کاری در [راستای] افزایش ثبات کشور ایجاد نکرد. »

- (۱) scope: محدوده، پتانسیل (۲) numeral: عدد (۳) mobility: تحرک، پویایی (۴) succession: توالی، ترتیب، سلسله، جانشینی

۶. گزینه «۲» سخت

« یک قاعده کلی گزاره ای است که بیانگر چیزی می باشد که مردم معتقدند همیشه درست است. »

- (۱) decree: فرمان، امر، حکم (۲) dictum: حکم درست، قاعده کلی (۳) paradigm: الگو، نمونه (۴) declaration: بیانه، اعلامیه

۷. گزینه «۱» سخت

« افرادی که در خیابان ها می خوابند بدبختی بی خانمان ها را برجسته می کنند. »

- (۱) plight: محاصره، بدبختی (۲) inquiry: تحقیق، بازرسی (۳) anomaly: خلاف قاعده، ناهنجاری (۴) impediment: مانع، سد

۸. گزینه «۱» سخت

« دو طرف یک توافقنامه صلح را امضا کردند که فقط دو ماه به طول انجامید. »

- (۱) accord: توافق، موافقت
(۲) accession: پذیرش، تاج گذاری
(۳) endowment: وقف، موهبت
(۴) endorsement: حمایت، پشتیبانی، پشت نویسی

۹. گزینه «۲» متوسط

« کودکان یک توانایی ذاتی برای یادگیری زبان دارند. »

- (۱) cogent: متقاعد کننده
(۲) innate: ذاتی، درونی
(۳) impulsive: بی فکر، بی ملاحظه گرانه
(۴) competent: شایسته، با صلاحیت، نرمال

۱۰. گزینه «۳» سخت

« در طول یک جنگ، منافع کشور از اهمیت بالاتری برخوردار است و منافع فردی در آخر قرار دارد. »

- (۱) glorious: شکوهمند، عالی
(۲) expressive: پر معنی، گویا
(۳) paramount: سرآمد، مهمترین
(۴) widespread: گسترده، شایع، همه جا پخش شده

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

- 1- Improved consumer confidence is ----- to an economic recovery.
 1) effortless 2) crucial 3) impressive 4) prominent
- 2- The ----- from their porch encompassed a large part of the Rocky Mountains.
 1) lighting 2) forefront 3) preview 4) panorama
- 3- Women must ----- working and taking care of the household and the family.
 1) cope with 2) result in 3) search for 4) devote to
- 4- Unfortunately, a cure for the disease has proven to be -----.
 1) elusive 2) substantial 3) rigid 4) abrupt
- 5- The earthquake caused widespread ----- throughout the region.
 1) affection 2) removal 3) chaos 4) recognition
- 6- The academic year ----- at the beginning of October.
 1) commands 2) comprises 3) compiles 4) commences
- 7- The youngster ----- without a trace one day and has never been found.
 1) murdered 2) vanished 3) endangered 4) trembled
- 8- He had all the ----- of a great manager: charisma, energy, discipline, and resourcefulness.
 1) possessions 2) incentives 3) attributes 4) perspectives
- 9- A/An ----- is by definition someone whose behavior is abnormal; someone who refuses to conform to the accepted norms of his society.
 1) eccentric 2) ascetic 3) effigy 4) orator
- 10- I'm not a bit ----- and wouldn't change any of my plans just because Friday 13th is supposed to be unlucky.
 1) prejudiced 2) unfavorable 3) irrelevant 4) superstitious

۱. گزینه « ۲ » متوسط

« اطمینان بهبود یافته مصرف کننده، برای بهبود اقتصادی حیاتی است. »

(۱) effortless: بدون دردسر، راحت (۲) crucial: بحرانی، حیاتی (۳) impressive: چشمگیر، تحسین برانگیز (۴) prominent: برجسته، والا

۲. گزینه « ۴ » سخت

« چشم انداز ایوان آنها، قسمت بزرگی از کوه‌های راکی را در بر می‌گرفت. »

(۱) lighting: نورپردازی، چراغ، نور (۲) forefront: خط مقدم (۳) preview: پیش نمایش (۴) panorama: چشم‌انداز کامل، سراسر نما

۳. گزینه « ۱ » سخت

« زنان باید از پس کار و مراقبت از خانه و خانواده بر بیایند. »

(۱) cope: تحمل کردن، از پس [چیزی] برآمدن (۲) result: نتیجه‌دادن (۳) search: جستجو کردن (۴) devote: وقف کردن، اختصاص دادن

۴. گزینه « ۱ » سخت

« متأسفانه ثابت شده است که [پیدا کردن] درمان برای این بیماری دشوار است. »

(۱) elusive: گریزان، دشوار (۲) substantial: قابل توجه، زیاد (۳) rigid: سفت و سخت، جدی (۴) abrupt: غیرمنتظره، ناگهانی

۵. گزینه « ۳ » متوسط

« [آن] زمین لرزه باعث ایجاد هرج و مرج گسترده در سراسر منطقه شد. »

(۱) affection: علاقه، محبت (۲) removal: حذف، رفع، عزل، برداشت (۳) chaos: هرج و مرج (۴) recognition: تشخیص، شناخت

۶. گزینه « ۴ » متوسط

« سال تحصیلی در اول ماه اکتبر آغاز می‌شود. »

(۱) command: فرمان دادن، فرماندهی کردن (۲) comprise: تشکیل دادن، شامل بودن

(۳) compile: گردآوری کردن، تألیف کردن (۴) commence: شروع کردن، آغاز شدن

۷. گزینه « ۲ » متوسط

« [آن] جوان، یک روز بدون هیچ ردی ناپدید شد و هرگز پیدا نشده است. »

(۱) murder: به قتل رساندن، نابود کردن - جنایت (۲) vanish: ناپدید شدن (۳) endanger: به خطر انداختن (۴) tremble: لرزیدن

۸. گزینه « ۳ » متوسط

« او تمام ویژگی‌های یک مدیر بزرگ را داشت: کاریزما، انرژی، نظم و تدبیر »

(۱) possession: تصرف، مالکیت، دارایی (۲) incentive: انگیزنده، محرک، مشوق

(۳) attribute: نسبت دادن - ویژگی، خاصیت (۴) perspective: دیدگاه، منظره، روشن بینی

۹. گزینه « ۱ » متوسط

« عجیب و غریب، به تعبیر کسی است که رفتارش غیر طبیعی است. کسی که حاضر به انطباق با هنجارهای پذیرفته شده جامعه خود نیست. »

(۱) eccentric: عجیب و غریب، غیرعادی (۲) ascetic: زاهد، راهب، زاهدانه (۳) effigy: آدمک، مجسمه، تندیس (۴) orator: ناطق، سخنور

۱۰. گزینه « ۴ » متوسط

« من به خورده هم خرافاتی نیستم و هیچ برنامه‌ای را تغییر نمی‌دهم فقط به این دلیل که جمعه سیزدهم، قراره [روز] بدشانسی باشه. »

(۱) prejudice: تبعیض، تاثیر بد گذاشتن (۲) unfavorable: نامساعد (۳) irrelevant: بی‌ربط، غیر ضروری (۴) superstitious: خرافاتی

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

- 1- That shy ----- young man had turned into a confident adult.
 1) shameless 2) self-assured 3) reserved 4) expressive
- 2- Students in colleges ----- a wide age range and exhibit very varying academic abilities and communication skills.
 1) obtain 2) distinguish 3) insert 4) encompass
- 3- Wanting to make a good impression, he found himself in a ----- about the right color suit to wear to the business meeting.
 1) quandary 2) deficiency 3) priority 4) repute
- 4- Ted fell asleep during the movie because it had a very ----- plot.
 1) invalid 2) monotonous 3) impure 4) controversial
- 5- After running an early 5K race, Simone ----- devoured hearty breakfast.
 1) beneficially 2) dramatically 3) voraciously 4) generously
- 6- Heavy rains in March ----- the drought conditions.
 1) revealed 2) envisioned 3) accelerated 4) alleviated
- 7- He argued that he was not ----- because there was other work available within the terms of his contract of employment.
 1) sluggish 2) redundant 3) diligent 4) clumsy
- 8- The ----- of the monument took five years to complete.
 1) restoration 2) improvisation 3) invasion 4) enforcement
- 9- He was found guilty and ----- to life imprisonment.
 1) convicted 2) imposed 3) compelled 4) accused
- 10- The entire east wing of the building was ----- in the fire.
 1) aggravated 2) prohibited 3) demolished 4) renovated

۱. گزینه «۳» سخت

« آن جوان تودار خجالتی، تبدیل به یک بزرگسال با اعتماد به نفس شده بود. »

- (۱) shameless: بی حیا، بی شرم
(۲) self-assured: از خود مطمئن، معتمد به نفس
(۳) reserved: (آدم) تودار
(۴) expressive: گویا، پرمعنی

۲. گزینه «۴» سخت

« دانشجویان در کالج ها طیف سنی گسترده ای را شامل می شوند و توانایی های دانشگاهی و مهارت های ارتباطی بسیار متفاوتی را از خود نشان می دهند. »

- (۱) obtain: به دست آوردن، وجود داشتن
(۲) distinguish: تشخیص دادن، تمیز دادن
(۳) insert: قرار دادن، وارد کردن
(۴) encompass: شامل شدن، شامل بودن

۳. گزینه «۱» متوسط

« او که می خواست تاثیر خوبی بگذارد، در مورد رنگ مناسب کت و شلوار برای پوشیدن در جلسه کاری، در دوراهی قرار گرفت. (مثلاً نمیدونست سرمه ای بپوشه بهتره یا مشکی) »

- (۱) quandary: دوراهی، وضع دشوار (۲) deficiency: کمبود، نقص (۳) priority: اولویت، حق تقدم (۴) repute: شهرت، اعتبار

۴. گزینه «۲» متوسط

« تد در طول [تماشای] فیلم به خواب رفت زیرا [آن فیلم] موضوع بسیار کسل کننده ای داشت. »

- (۱) invalid: نامعتبر، نادرست، ناتوان
(۲) monotonous: خسته کننده، کسل کننده
(۳) impure: ناخالص، ناپاک
(۴) controversial: بحث برانگیز، جنجالی

۵. گزینه «۳» سخت

« سیمونه پس از اجرای یک مسابقه زود هنگام ۵ کیلومتری، به طور حریصانه صبحانه مفصلی را با ولع خورد. »

- (۱) beneficial: سودمند (۲) dramatically: به طور چشمگیر (۳) voracious: سیری ناپذیر، حریص (۴) generous: سخاوتمند(انه)

۶. گزینه «۴» متوسط

« بارندگی های شدید در ماه مارس، شرایط خشکسالی را کاهش داد (از شدت خشکسالی کم کرد). »

- (۱) reveal: فاش کردن، آشکار کردن
(۲) envision: تصور کردن
(۳) accelerate: سرعت دادن، شتاب گرفتن
(۴) alleviate: تسکین دادن، کاهش دادن، سبک کردن

۷. گزینه «۲» سخت

« او استدلال کرد که زائد و اضافی نبوده، زیرا در قرارداد کار وی، کار دیگری نیز در دسترس بوده است. »

- (۱) sluggish: کسل، کساد، کند (۲) redundant: زائد (۳) diligent: ساعی، کوشا (۴) clumsy: دست و پا چلفتی، ناشیانه، بدساخت

۸. گزینه «۱» متوسط

« بازسازی [آن] بنای یادبود پنج سال به طول انجامید. »

- (۱) restoration: ترمیم، بازسازی
(۲) improvisation: بداهه گوئی، بداهه نویسی
(۳) invasion: تعرض، هجوم
(۴) enforcement: تحمیل، اعمال، اجرا

۹. گزینه «۱» آسان

« وی مقصر شناخته شده و به حبس ابد محکوم شد. »

- (۱) convict: محکوم کردن (۲) impose: تحمیل کردن (۳) compel: وادار کردن، مجبور کردن (۴) accuse: متهم کردن

۱۰. گزینه «۳» متوسط

« در آتش سوزی، کل بال شرقی ساختمان، نابود شد. »

- (۱) aggravate: خشمگین کردن، بدتر کردن
(۲) prohibit: منع کردن، اجازه ندادن
(۳) demolish: نابود کردن، شکست دادن
(۴) renovate: نوسازی کردن، مرمت کردن

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

- 1- She emanated worldliness and the selfishness of one who is ----- to everything but her own needs and caprices.
 1) visible 2) compensatory 3) available 4) indifferent
- 2- Concrete blocks were piled high to ----- the government center.
 1) fortify 2) reveal 3) circulate 4) overlap
- 3- All sound has three -----: pitch, volume, and duration.
 1) impacts 2) merits 3) properties 4) realms
- 4- One of Britain's most ----- criminals has escaped from prison.
 1) meritorious 2) notorious 3) indigenous 4) industrious
- 5- By the 1930s the wristwatch had almost completely ----- the pocket watch.
 1) devised 2) thwarted 3) supplanted 4) founded
- 6- She cared for her stepmother with unfailing ----- throughout her long illness.
 1) devotion 2) conformity 3) defect 4) prevalence
- 7- Ryan needed ----- agreement to bring his proposal up for a vote.
 1) contentious 2) adjacent 3) deliberate 4) unanimous
- 8- With so much water having ----- its exterior, the engine was effectively ruined.
 1) varnished 2) penetrated 3) inhabited 4) exceeded
- 9- Considering the ----- of his injuries, he's lucky to be alive.
 1) hurdle 2) divergence 3) extent 4) symptom
- 10- They intend to keep their force there in the region to ----- compliance with the treaty.
 1) verify 2) recollect 3) seize 4) conquer

۱. گزینه «۴» متوسط

« او از دنیاپرستی و خودخواهی کسی سرچشمه گرفت که نسبت به همه چیز به جز نیازها و هوس‌های خودش بی تفاوت است. »

(۱) visible: قابل رؤیت (۲) compensatory: جبران کننده (۳) available: دردسترس، موجود (۴) indifferent: بی تفاوت، متوسط

۲. گزینه «۱» سخت

« بلوک‌های بتونی روی هم انباشته شده بودند تا مرکز دولت را تقویت کنند. »

(۱) fortify: مستحکم کردن، تقویت کردن (۲) reveal: فاش کردن، آشکار کردن (۳) circulate: چرخیدن، به گردش درآوردن (۴) overlap: همپوشانی داشتن، روی هم افتادن

۳. گزینه «۳» متوسط

« همه صدا دارای سه ویژگی است: ارتفاع صوت، میزان صدا و مدت زمان. »

(۱) impact: اثر، ضربه، اصابت (۲) merit: مزیت (۳) property: دارایی، ویژگی (۴) realm: قلمرو، حوزه

۴. گزینه «۲» سخت

« یکی از بدنام‌ترین جنایتکاران بریتانیا از زندان فرار کرده است. »

(۱) meritorious: سزاوار، شایسته، قابل ستایش (۲) notorious: بدنام، بدآوازه (۳) indigenous: محلی، بومی (۴) industrious: پرتلاش، زحمت کش

۵. گزینه «۳» متوسط

« تا دهه ۱۹۳۰ ساعت مچی تقریباً کاملاً جایگزین ساعت جیبی شده بود. »

(۱) devise: تدبیر کردن، ابداع کردن (۲) thwart: مانع شدن، جلوگیری کردن (۳) supplant: جایگزین کردن، عوض کردن (۴) found: تأسیس کردن، ساختن، راه انداختن

۶. گزینه «۱» سخت

« او در مدت بیماری طولانی نامادری اش، با فداکاری مداوم، از او مراقبت می کرد. »

(۱) devotion: فداکاری، وفاداری (۲) conformity: انطباق، مطابقت (۳) defect: اشکال، عیب، نقص (۴) prevalence: شیوع، رواج

۷. گزینه «۴» متوسط

« رایان برای ارائه پیشنهاد خود برای رأی گیری، نیاز به توافق همگانی داشت. »

(۱) contentious: دعوایی، بحث برانگیز (۲) adjacent: مجاور، همجوار (۳) deliberate: فکر کردن (۴) unanimous: هم‌رأی، همگانی

۸. گزینه «۲» متوسط

« با نفوذ زیاد آب به قسمت خارجی آن، موتور به طور مؤثری خراب شد. »

(۱) varnish: جلا دادن، روغن کاری کردن (۲) penetrate: نفوذ کردن، فهمیدن (۳) inhabit: زندگی کردن (۴) exceed: تجاوز کردن، تخطی کردن

۹. گزینه «۳» متوسط

« با توجه به میزان جراحاتش، او خوش شانس است که زنده است. »

(۱) hurdle: مانع (۲) divergence: واگرایی، انشعاب (۳) extent: وسعت، محدوده، میزان (۴) symptom: نشانه، علامت

۱۰. گزینه «۱» سخت

« آنها قصد دارند نیروهای خود را در منطقه حفظ کنند تا پذیرش پیمان را تأیید کنند. (تا مطمئن بشن که آن‌ها پیمان را می پذیرند). »

(۱) verify: تأیید کردن، بررسی کردن (۲) recollect: به خاطر آوردن (۳) seize: تصاحب کردن، مصادره کردن، گرفتن (۴) conquer: فتح کردن، شکست دادن
بهتر بود به جای seize در گزینه ۳، از کلمه دیگری استفاده شود.

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

- 1- Ancient alchemists believed that it was possible to ----- lead into gold.
1) mingle 2) direct 3) transfer 4) transmute
- 2- Dan always beats me at chess because he develops such an ----- game plan that I can never predict his next move.
1) eventual 2) ambiguous 3) elaborate 4) objective
- 3- His election as President represented the ----- of his career.
1) summit 2) motivation 3) triangle 4) periphery
- 4- She found the job frustrating, and felt she wasn't ----- anything there.
1) flourishing 2) accomplishing 3) evolving 4) satisfying
- 5- Britain's ----- over its colonies was threatened once nationalist sentiment began to spread around the world.
1) hegemony 2) preference 3) compromise 4) independence
- 6- He ----- all of his success to his mother's undying encouragement.
1) interprets 2) converts 3) attributes 4) results
- 7- You can ----- the flavor of most dishes with the careful use of herbs.
1) initiate 2) impress 3) precede 4) enhance
- 8- The pirate Blackbeard had a reputation for being a harsh, ----- man.
1) reliable 2) ruthless 3) perpetual 4) prevalent
- 9- Being a direct relative of the deceased, her claim to the estate was -----.
1) prominent 2) profound 3) legitimate 4) reckless
- 10- There are more than thirty species of rattlesnakes, varying in length from 20 inches to six feet and also varying in ----- of venom.
1) domination 2) detection 3) conquest 4) toxicity

۱. گزینه «۴» متوسط

« کیمیاگران باستان معتقد بودند که امکان تبدیل سرب به طلا وجود دارد. »

- (۱) mingle: گرم گرفتن، مخلوط کردن، ترکیب شدن
(۲) direct: هدایت کردن، کارگردانی کردن، دستور دادن
(۳) transfer: انتقال دادن، منتقل شدن، واگذار کردن
(۴) transmute: تغییر ماهیت دادن، تبدیل کردن

۲. گزینه «۳» متوسط

« دن همیشه در شطرنج مرا شکست می‌دهد، زیرا او طرح بازی بسیار پیچیده‌ای ارائه می‌کند که من هرگز نمی‌توانم حرکت بعدی او را پیش بینی کنم. »

- (۱) eventual: نهایی (۲) ambiguous: مبهم (۳) elaborate: با جزئیات، پیچیده، استادانه درست شده (۴) objective: بی‌طرف، عینی

۳. گزینه «۱» متوسط

« انتخاب وی به عنوان رئیس جمهور اوج حرفه‌اش را نشان می‌داد. »

- (۱) summit: قله، اوج، جلسه (۲) motivation: اشتیاق، انگیزه (۳) triangle: مثلث، سه گوش (۴) periphery: حاشیه، پیرامون

۴. گزینه «۲» سخت

« از نظرش [آن] شغل خسته کننده بود، و احساس کرد که در آنجا به چیزی دست نمی‌یابد. »

- (۱) flourish: شکوفا شدن، رشد کردن
(۲) accomplish: به انجام رساندن، دست یافتن
(۳) evolve: تکامل یافتن، توسعه دادن
(۴) satisfy: راضی کردن، قانع کردن
دقت کنید که بعد از جای خالی، یک مفعول (anything) وجود دارد، یعنی در جای خالی باید فعلی قرار بگیرد که نیاز به مفعول داشته باشد، و گزینه‌های ۱ و ۳ به مفعول احتیاجی ندارند و نمیتوانند پاسخ صحیح باشند.

۵. گزینه «۱» سخت

« با شروع احساسات ملی‌گرایانه در سراسر جهان، تسلط انگلیس بر مستعمرات خود، مورد تهدید قرار گرفت. »

- (۱) hegemony: چیرگی، تسلط (۲) preference: ترجیح، اولویت (۳) compromise: سازش (۴) independence: استقلال

۶. گزینه «۳» متوسط

« او همه موفقیت خود را به تشویق‌های بی‌پایان مادرش نسبت می‌دهد. »

- (۱) interpret: تفسیر و ترجمه کردن، درک کردن
(۲) convert: تبدیل کردن، تغییر رویه دادن
(۳) attribute: نسبت دادن
(۴) result: نتیجه دادن، منجر شدن

۷. گزینه «۴» سخت

« شما می‌توانید با استفاده دقیق از گیاهان عطر و طعم بیشتر غذاها را بهتر کنید. »

- (۱) initiate: آغاز کردن، وارد کردن
(۲) impress: تحت تأثیر قرار دادن، اثر گذاشتن
(۳) precede: مقدم بودن، زودتر اتفاق افتادن
(۴) enhance: بهبود دادن، بهتر کردن

۸. گزینه «۲» متوسط

« دزد دریایی بلک‌برد، به مردی خشن و بی‌رحم شهرت داشت. »

- (۱) reliable: موثق، قابل اعتماد (۲) ruthless: بی‌رحم، ظالم، بی‌رحمانه (۳) perpetual: همیشگی، دائمی (۴) prevalent: شایع، رایج

۹. گزینه «۳» سخت

« ادعای وی در مورد املاک، که از نزدیکان متوفی بود، مشروع و قانونی بود. »

- (۱) prominent: برجسته، مهم (۲) profound: ژرف، عمیق (۳) legitimate: برحق و درست، مشروع و قانونی (۴) reckless: بی‌فکر

۱۰. گزینه «۴» متوسط

« بیش از ۳۰ گونه مار زنگی وجود دارد که طول آنها از ۲۰ اینچ تا ۶ فوت متفاوت است و همچنین از نظر سمی بودن زهر، متفاوت‌اند. »

- (۱) domination: تسلط، سلطه
(۲) detection: شناسایی، کشف، بازرسی
(۳) conquest: تسخیر، تصرف، فتح
(۴) toxicity: سمیت، سمی بودن

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

- 1- Understanding the world economic conditions, the recent graduates spoke -----
-- about job prospects for the future.
1) luxuriously 2) narrowly 3) warily 4) inaudibly
- 2- The English word "family used to ----- all the people in the house, including servants.
1) denote 2) participate 3) predict 4) ascertain
- 3- Greg's excellent poem won the ----- of his friends.
1) advent 2) access 3) apex 4) acclaim
- 4- Your eyes need approximately 20 to 30 minutes to ----- darkness.
1) account for 2) adjust to 3) take in 4) rely on
- 5- Critics condemned the novelist's ----- attempt to plagiarize Hemingway's story.
1) judicious 2) felicitous 3) discreet 4) brazen
- 6- When I had an awful sore throat, only warm tea would ----- the pain.
1) assimilate 2) mitigate 3) devastate 4) prescribe
- 7- I have always liked your positive attitude; it has always ----- affected our working relationship.
1) favorably 2) candidly 3) hastily 4) consciously
- 8- When the rain began to pour, the crowd at the baseball game quickly -----.
1) annihilated 2) uncovered 3) dispersed 4) pacified
- 9- Everyone in the family enjoys seafood, so my uncle's distaste for the salmon dish was an -----.
1) altercation 2) autonomy 3) anomaly 4) accolade
- 10- Denise ----- for weeks before she actually decided to accept the job offer.
1) squandered 2) precluded 3) regretted 4) vacillated

۱. گزینه «۳» سخت

«با درک شرایط اقتصادی جهان، فارغ التحصیلان اخیر در مورد چشم‌انداز شغلی برای آینده محتاطانه صحبت کردند.»

(۱) luxurious: لوکس، مجلل (۲) narrow: باریک، تنگ (۳) wary: مواظب، محتاط (۴) inaudible: نارسا، غیر قابل شنیدن

۲. گزینه «۱» متوسط

« کلمه انگلیسی "family" قبلاً برای نشان دادن همه افراد خانه، از جمله خدمتکاران استفاده می‌شد.»

(۱) denote: معنی دادن، نشان دادن (۲) participate: شرکت کردن، مشارکت داشتن

(۳) predict: پیش بینی کردن (۴) ascertain: فهمیدن

۳. گزینه «۴» متوسط

« شعر عالی‌گِرج، باعث تمجید دوستانش شد. »

(۱) advent: ظهور (۲) access: دسترسی (۳) apex: قله، رأس (۴) acclaim: ستایش، تمجید

۴. گزینه «۲» متوسط

« چشمان شما تقریباً به ۲۰ تا ۳۰ دقیقه زمان نیاز دارند تا با تاریکی سازگار شوند. »

(۱) account: در نظر گرفتن، توضیح دادن (۲) adjust: تنظیم کردن، وفق پیدا کردن، سازگار شدن

(۳) take in: جذب کردن، دیدن، گول زدن، جا و مکان دادن و... (۴) rely: تکیه کردن، اعتماد کردن

۵. گزینه «۴» سخت

« منتقدان، تلاش بی‌شرمانه [آن] رمان‌نویس برای دزدی ادبی از داستان همینگوی را محکوم کردند. »

(۱) judicious: عاقلانه، عاقل (۲) felicitous: مناسب، متناسب (۳) discreet: محتاط، محتاطانه (۴) brazen: بی پروا، بی شرمانه

۶. گزینه «۲» متوسط

« وقتی گلو درد شدیدی داشته باشم، فقط چای گرم درد را کاهش می‌داد. »

(۱) assimilate: یکی کردن، یکی شدن، جذب کردن (۲) mitigate: تسکین دادن، کاهش دادن، سبک کردن

(۳) devastate: شوکه کردن، ویران کردن (۴) prescribe: تجویز کردن، در نظر گرفتن

۷. گزینه «۱» سخت

« من همیشه نگرش مثبت شما را دوست داشته‌ام. [نگرش شما] همیشه بر روابط کاری ما به طور مطلوبی تاثیر

گذاشته است. »

(۱) favorable: مساعد، مطلوب، خواستنی (۲) candid: صادق، راستگو، بی پرده

(۳) hasty: شتاب زده، عجول (۴) conscious: هشیار، آگاه

۸. گزینه «۳» متوسط

« وقتی باران شروع به باریدن کرد، جمعیت در بازی بیس بال به سرعت متفرق شدند. »

(۱) annihilate: نابود کردن، ویران کردن (۲) uncover: کشف کردن، سرپوش برداشتن

(۳) disperse: پراکنده کردن، متفرق شدن (۴) pacify: آرام کردن

۹. گزینه «۳» متوسط

« همه افراد خانواده از غذاهای دریایی لذت می‌برند، بنابراین تنفر عمومی من از غذای ماهی قزل آلا یک خلاف قاعده

بود. »

(۱) altercation: جر و بحث، مجادله (۲) autonomy: خودمختاری، استقلال

(۳) anomaly: خلاف قاعده، ناهنجاری (۴) accolade: تمجید، ستایش

۱۰. گزینه «۴» متوسط

« قبل از اینکه تصمیم بگیرد پیشنهاد شغل را بپذیرد، دنیس هفته‌ها مردد بود. »

(۱) squander: هدر دادن (۲) preclude: مانع شدن، جلوگیری کردن

(۳) regret: پشیمان بودن، متأسف بودن (۴) vacillate: مردد بودن، نوسان داشتن

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

- 1- The geology student made a surprising discovery; the volcano believed to be -----
----- was about to erupt.
1) dormant 2) temporary 3) vulnerable 4) affable
- 2- We waited for the storm to ----- before we left.
1) abase 2) abide 3) abate 4) abridge
- 3- The minister desired the position simply for the ----- associated with it.
1) scope 2) status 3) feature 4) origin
- 4- The ----- researcher made sure to check her measurements multiple times.
1) initial 2) vague 3) apposite 4) diligent
- 5- Denver's impractical plan to build a subway system was ----- in 1970s.
1) surmised 2) scrapped 3) scattered 4) strived
- 6- ----- such as hair color and eye color are inherited genetically from one's
parents.
1) Traits 2) Dimensions 3) Enigmas 4) Omens
- 7- The company has ----- \$1000 to the team to get the project started.
1) ascribed 2) bestowed 3) allocated 4) deposited
- 8- After a week the jury had still not reached a -----.
1) status quo 2) sequence 3) suspect 4) verdict
- 9- Heavy rains had ----- the expedition's progress through the north-west of the
country.
1) abandoned 2) hindered 3) distressed 4) evaded
- 10- The rattlesnake is the most ----- snake in the United States.
1) venomous 2) zealous 3) ancestral 4) haphazard

۱. گزینه «۱» متوسط

« [آن] دانشجوی زمین‌شناسی کشف شگفت‌انگیزی کرد. کوه آتشفشانی که خاموش تصور می‌شد، در شرف فوران بود. »

(۱) dormant: خوابیده، خاموش (۲) temporary: موقت، زودگذر (۳) vulnerable: آسیب پذیر (۴) affable: خوشرو، خوش برخورد

۲. گزینه «۳» متوسط

« قبل از حرکت، منتظر فروکش کردن طوفان بودیم. »

(۱) abase: تحقیر کردن، پست کردن
(۲) abide: تحمل کردن، اطاعت کردن
(۳) abate: فروکش کردن، نشست کردن
(۴) abridge: خلاصه کردن

۳. گزینه «۲» سخت

« وزیر [آن] مقام را فقط برای جایگاه مرتبط با آن می‌خواست. »

(۱) scope: محدوده، پتانسیل (۲) status: جایگاه، موقعیت، وضعیت (۳) feature: ویژگی، خصیصه (۴) origin: اصل و نسب، منشاء

۴. گزینه «۴» متوسط

« [آن] محقق کوشا، مطمئن شد که اندازه‌گیری‌های خود را چندین بار بررسی کند. »

(۱) initial: اولیه، ابتدایی (۲) vague: مبهم (۳) apposite: مناسب، متناسب (۴) diligent: ساعی، کوشا

۵. گزینه «۲» سخت

« برنامه غیرعملی دنور برای ساخت سیستم مترو، در دهه ۱۹۷۰ کنار گذاشته شد. »

(۱) surmise: حدس زدن
(۲) scrap: کنار گذاشتن، اوراق کردن
(۳) scatter: پراکنده کردن، پخش شدن
(۴) strive: تلاش کردن، کوشیدن

۶. گزینه «۱» متوسط

« ویژگی‌هایی مانند رنگ مو و رنگ چشم به طور ژنتیکی از والدین فرد به ارث می‌رسد. »

(۱) trait: ویژگی، خاصیت (۲) dimension: بُعد، اندازه (۳) enigma: چیستان، معما (۴) omen: علامت، نشانه

۷. گزینه «۳» سخت

« [این] شرکت برای شروع پروژه ۱۰۰۰ دلار به تیم تخصیص داده است. »

(۱) ascribe: نسبت دادن
(۲) bestow: اعطا کردن، دادن
(۳) allocate: تخصیص دادن، سهم دادن
(۴) deposit: سپرده گذاری کردن، ته نشین کردن، قرار دادن

۸. گزینه «۴» متوسط

« بعد از یک هفته هنوز هیئت منصفه به حکمی نرسیده بود »

(۱) status quo: وضع موجود (۲) sequence: توالی، دنباله، صحنه (۳) suspect: مورد ظن (۴) verdict: حکم، رأی، نظر

۹. گزینه «۲» متوسط

« باران شدید مانع پیشروی هیئت اعزامی از شمال غربی کشور شده بود. »

(۱) abandon: ترک کردن، رها کردن
(۲) hinder: مانع شدن، جلوگیری کردن
(۳) distress: مضطرب کردن
(۴) evade: طفره رفتن، فرار کردن، از سر باز کردن

۱۰. گزینه «۱» متوسط

« مار زنگی زهرآلودترین مار در ایالات متحده است. »

(۱) venomous: زهرآلود، کینه توز
(۲) zealous: مشتاق
(۳) ancestral: اجدادی، نیایی
(۴) haphazard: تصادفی، اتفاقی

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

- 1- He accused the environmentalists of trying to ----- public opinion in their favor.
 1) summon 2) convoke 3) manipulate 4) rotate
- 2- He asserted that there's not a ----- of truth in the story.
 1) vestige 2) relic 3) forte 4) scar
- 3- The chairperson proudly announced that the keynote speaker at the conference would be the ----- primatologist Jane Goodall.
 1) eclectic 2) eminent 3) empirical 4) expedient
- 4- According to the experts, genetic ----- is probably the most important factor in determining a person's health.
 1) fragmentation 2) germination 3) reliance 4) inheritance
- 5- Plant cell and tissue culture ----- the growth and maintenance of plant tissues in a nutrient medium.
 1) approximates to 2) meddles in 3) involves 4) spreads
- 6- If the population continues to expand, Ehrlich argues, mass starvation and ecological disaster will be the ----- consequence.
 1) introverted 2) inevitable 3) indiscriminate 4) insatiable
- 7- He's being kept in jail until the trial so that he can't ----- any of the witnesses.
 1) intimidate 2) vanish 3) discard 4) represent
- 8- The operation of the free market maintains an ----- between supply, demand and price.
 1) assent 2) inspection 3) affinity 4) equilibrium
- 9- Before you take calculus, you need more than a ----- knowledge of algebra.
 1) circumspect 2) mutual 3) rudimentary 4) transient
- 10- In 1784 Benjamin Franklin first suggested daylight savings time as a means of cutting down ----- consuming candles.
 1) of 2) on 3) for 4) in

۱. گزینه «۳» متوسط

« او حامیان محیط زیست را به تلاش برای بازیچه قرار دادن افکار عمومی به نفع خودشان متهم کرد. »

- (۱) summon: احضار کردن
(۲) convoke: فراخواندن، برگزار کردن
(۳) manipulate: با مهارت انجام دادن، اداره کردن، بازیچه قرار دادن
(۴) rotate: چرخاندن، چرخاندن، چرخیدن

۲. گزینه «۱» سخت

« او ادعا کرد که ذره‌ای از حقیقت در داستان وجود ندارد. »

- (۱) vestige: اثر، رد و نشانه، ذره
(۲) relic: عتیقه، یادگار
(۳) forte: تخصص، خیرگی
(۴) scar: جای زخم

۳. گزینه «۲» متوسط

« رئیس با افتخار اعلام کرد که سخنران موضوع اصلی کنفرانس جین گودال، نخستین‌شناس مشهور خواهد بود. »

- (۱) eclectic: متنوع، منتخب
(۲) eminent: مشهور، معروف
(۳) empirical: تجربی، عملی
(۴) expedient: مصلحت، مصلحتی

۴. گزینه «۴» متوسط

« به گفته کارشناسان، احتمالاً وراثت ژنتیکی مهمترین عامل در تعیین سلامت فرد است. »

- (۱) fragmentation: عمل تکه تکه شدن، قطعه قطعه شدن
(۲) germination: جوانه زنی، رویش
(۳) reliance: وابستگی
(۴) inheritance: وراثت، ارثیه

۵. گزینه «۳» سخت

« کشت سلول‌های گیاهی و بافتی، شامل رشد و نگهداری بافت‌های گیاهی در یک محیط مغذی است. »

- (۱) approximate: تقریب زدن، نزدیک بودن
(۲) meddle: فضولی کردن، ور رفتن
(۳) involve: شامل شدن، شامل بودن، وارد کردن
(۴) spread: پخش کردن، گسترش یافتن

۶. گزینه «۲» سخت

« ارلیخ معتقد است اگر جمعیت به گسترش خود ادامه دهد، گرسنگی جمعی و فاجعه زیست‌محیطی پیامد اجتناب-

ناپذیری خواهد بود. »

- (۱) introvert: فرد ساکت، درونگرا
(۲) inevitable: اجتناب ناپذیر، ناگزیر
(۳) indiscriminate: کورکورانه
(۴) insatiable: سیری ناپذیر، حریص

۷. گزینه «۱» سخت

« او تا زمان دادگاه در زندان نگهداری می‌شود تا نتواند هیچ یک از شاهدان را بترساند. »

- (۱) intimidate: ترساندن
(۲) vanish: ناپدید شدن
(۳) discard: دور انداختن
(۴) represent: نشان دادن، نماینده بودن

۸. گزینه «۴» متوسط

« عملکرد بازار آزاد، تعادل بین عرضه، تقاضا و قیمت را حفظ می‌کند. »

- (۱) assent: موافقت، رضایت
(۲) inspection: بازرسی، تفتیش
(۳) affinity: وابستگی، نزدیکی
(۴) equilibrium: تعادل، موازنه، آرامش

۹. گزینه «۳» متوسط

« قبل از اینکه درس حساب دیفرانسیل را بردارید، به بیش از دانش ابتدایی درس جبر، نیاز دارید. »

- (۱) circumspect: محتاط، مواظب
(۲) mutual: متقابل، دوجانبه
(۳) rudimentary: ساده و ابتدایی، اولیه
(۴) transient: گذرا، موقت، زودگذر

۱۰. گزینه «۲» سخت

« در سال ۱۷۸۴ اولین بار بنجامین فرانکلین، صرفه‌جویی در زمان نور روز (تغییر ساعت تابستانی) را به عنوان

وسیله‌ای برای کاهش مصرف شمع پیشنهاد کرد. »

- (۱) of
(۲) on
(۳) for
(۴) in

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

- 1- If you are convicted of hit-and-run driving, your driving privilege will be -----.
 1) interceded 2) revoked 3) manipulated 4) violated
- 2- Surfing the Internet can ----- you with information: That's why a web browser comes in handy.
 1) pursue 2) elude ۳) accost 4) inundate
- 3- The owner was so ----- he refused to purchase new curtains when the old ones fell off the window.
 1) parsimonious 2) compensatory 3) emphatic 4) discretionary
- 4- In times of severe -----, companies are often forced to make massive job cuts in order to survive.
 1) integrity 2) stability ۳) recession 4) diversification
- 5- Singh told reporters that he had not seen such human suffering in any previous natural -----.
 1) habitat 2) recourse 3) perfidy 4) calamity
- 6- Like many members of the animal kingdom, people will readily lend a hand to immediate family and relatives. But humans alone extend ----- beyond kin, frequently helping perfect strangers for no obvious personal gain.
 1) patriotism 2) altruism 3) heroism 4) protectionism
- 7- Repairs would ----- the closure of the bridge for six months.
 1) exert 2) endure ۳) entail 4) extrapolate
- 8- Dental caries, the culprit behind the creation of cavities, is the most ----- infectious disease in humans, affecting 97 percent of people at some point in their lifetime.
 1) prevalent 2) haphazard 3) coincident 4) unanimous
- 9- The exact mechanism by which exercise ----- strength remains unclear, but its basic principles are understood.
 1) penetrates 2) augments 3) propagates 4) inserts
- 10- I guarantee that you will both have ----- opportunity to express your opinions during the debate.
 1) ample 2) equivocal 3) equable 4) ambivalent

۱. گزینه «۲» سخت

« اگر به رانندگی بزن-دررو (در تصادفات) محکوم شوید، امتیاز رانندگی شما لغو خواهد شد. »

- (۱) intercede: شفاعت کردن، وساطت کردن
(۲) revoke: لغو کردن
(۳) manipulate: با مهارت انجام دادن، اداره کردن، بازیچه قرار دادن
(۴) violate: نقض کردن، بی حرمت کردن

۲. گزینه «۴» سخت

« گشت و گذار در اینترنت می تواند شما را با اطلاعات غرق کند: به همین دلیل یک مرورگر وب، مفید است. »

- (۱) pursue: دنبال کردن، تعقیب کردن
(۲) elude: پیچوندن، دور زدن
(۳) accost: اذیت و تهدید کردن، خفت کردن
(۴) inundate: غرق چیزی کردن، پر از آب کردن

۳. گزینه «۱» سخت

« مالک آنقدر خسیس بود که وقتی پرده های قدیمی از پنجره کنده شد، از خرید پرده های جدید خودداری کرد. »

- (۱) parsimonious: خسیس
(۲) compensatory: جبران کننده
(۳) emphatic: مؤکد، تأکیدی، قاطع، محکم
(۴) discretionary: اختیاری، از روی صلاحدید

۴. گزینه «۳» متوسط

« در زمان رکود شدید، شرکت ها برای ادامه حیات خود مجبور به کاهش گسترده کارکنان می شوند. »

- (۱) integrity: درستی، تمامیت، یکپارچگی
(۲) stability: ثبات، استحکام
(۳) recession: رکود (اقتصادی)
(۴) diversification: گوناگونی، گسترش

۵. گزینه «۴» سخت

« سینگ به خبرنگاران گفت که، اینچنین عذاب انسانی را در هیچ فاجعه طبیعی قبلی ندیده است. »

- (۱) habitat: زیستگاه، مسکن طبیعی
(۲) recourse: توسل، استفاده
(۳) perfidy: خیانت، فریب
(۴) calamity: فاجعه، مصیبت

۶. گزینه «۲» سخت

« مانند بسیاری از اعضای قلمرو حیوانات، مردم به سرعت به خانواده و خویشاوندان نزدیک، کمک خواهند داد. اما انسانها به تنهایی نوع دوستی را فراتر از خویشاوندی گسترش می دهند و غالباً به افراد کاملاً بیگانه، کمک می کنند و هیچ منافع شخصی آشکاری ندارند. »

- (۱) patriotism: وطن پرستی
(۲) altruism: بشردوستی
(۳) heroism: شجاعت، دلاوری
(۴) protectionism: حمایت گرایی

۷. گزینه «۳» سخت

« تعمیرات مستلزم بسته شدن پل به مدت شش ماه است. »

- (۱) exert: اعمال کردن، زیاد تلاش کردن
(۲) endure: تحمل کردن، تاب آوردن
(۳) entail: متضمن بودن، مستلزم بودن، شامل بودن
(۴) extrapolate: استقرا نمودن، تعمیم دادن، پیش بینی کردن

۸. گزینه «۱» سخت

« پوسیدگی دندان، مقصر ایجاد حفره ها، شایع ترین بیماری عفونی در انسان است که ۹۷ درصد افراد را در دوره های از زندگی خود مبتلا می کند. »

- (۱) prevalent: شایع، رایج
(۲) haphazard: تصادفی
(۳) coincident: همزمان، هماهنگ
(۴) unanimous: هم رأی، همگانی

۹. گزینه «۲» متوسط

« مکانیسم دقیقی که ورزش با آن قدرت را افزایش می دهد هنوز نامشخص است، اما اصول اساسی آن قابل درک است. »

- (۱) penetrate: نفوذ کردن، فهمیدن
(۲) augment: افزایش دادن، زیاد کردن
(۳) propagate: پخش کردن، منتشر کردن، قلمه زدن (گیاه)، تکثیر کردن
(۴) insert: قرار دادن، وارد کردن

۱۰. گزینه «۱» متوسط

« من تضمین می کنم که هر دو فرصت کافی برای ابراز نظرات خود در طول مناظره را خواهید داشت. »

- (۱) ample: فراوان، وافر
(۲) equivocal: مبهم
(۳) equable: آرام، (آب و هوای) معتدل
(۴) ambivalent: نامطمئن، دمدمی

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

- 1- I was confused when reading the student's paper because it lacked ----- . First she told about a trip to a farm, and then she described her math test, and her topic was supposed to be about a favorite building.
 1) persistence 2) coherence 3) equivalence 4) inference
- 2- If you are here in the autumn, you will also see that the oak is losing its leaves. Most oak trees are -----, meaning they lose their leaves in the fall.
 1) deciduous 2) symbiotic 3) immutable 4) asymmetrical
- 3- When I went to visit, Marsha's greeting was ----- . A few people had told me that she was often cold and unfriendly, but I did not find her so.
 1) cordial 2) inevitable 3) ravenous 4) gloomy
- 4- One area that greetings illuminate is ----- . For example, which person says "hello" first and how someone is greeted can be part of the stratification system in a society.
 1) awe 2) demise 3) deterrence 4) status
- 5- Welfare workers were sternly ----- by the court for ignoring the woman's plea for help.
 1) transmuted 2) coerced 3) rebuked 4) enforced
- 6- Kate shouldn't have any problem finding a job with her ----- of skills.
 1) attachment 2) repertoire 3) initiation 4) expertise
- 7- To ----- the boredom that had set into my life, I decided to live on a farm for a year.
 1) fluctuate 2) elicit 3) distract 4) alleviate
- 8- We should ----- our nation's teachers because they have much of the responsibility for educating the future.
 1) verbalize 2) vindicate 3) venerate 4) verify
- 9- Twins, being of ----- ages, are usually even better matched on environmental variables during upbringing than are siblings.
 1) identical 2) volatile 3) adjacent 4) consistent
- 10- The great strength of 123 For Windows is its ----- with all the earlier versions of the product.
 1) disparity 2) neutrality ۳) compatibility 4) clarity

۱. گزینه «۲» متوسط

« هنگام خواندن انشاء [آن] دانش آموز، گیج شدم زیرا فاقد انسجام بود. ابتدا او از سفر خود به یک مزرعه گفت، و سپس امتحان ریاضی خود را توصیف کرد، و موضوعش قرار بود در مورد یک ساختمان مورد علاقه باشد. »
(۱) persistence: سماجت، تداوم (۲) coherence: انسجام، ارتباط، وابستگی (۳) equivalence: هم‌ارزی (۴) inference: استنباط

۲. گزینه «۱» سخت

« اگر در پاییز اینجا باشید، همچنین خواهید دید که درخت بلوط، برگ های خود را از دست می‌دهد. اکثر درختان بلوط برگریز هستند، به این معنی که آنها برگ‌های خود را در پاییز از دست می‌دهند. »
(۱) deciduous: برگ‌ریز، خزان کننده (۲) symbiotic: همزیستی (۳) immutable: تغییر ناپذیر (۴) asymmetrical: نامتقارن

۳. گزینه «۱» متوسط

« وقتی من برای دیدار [او] رفتم، خوشامدگویی مارشا دوستانه بود. چند نفر به من گفته بودند که او اغلب سرد و غیردوستانه است، اما من او را چنین ندیدم. »
(۱) cordial: صمیمی، دوستانه (۲) inevitable: اجتناب ناپذیر (۳) ravenous: گرسنه (۴) gloomy: تیره، تاریک، افسرده، دلگیر

۴. گزینه «۴» سخت

« یکی از زمینه‌هایی که خوشامدگویی [به آن] بازمی‌گردد، موقعیت [اجتماعی] است. به عنوان مثال، [اینکه] کدامیک از افراد ابتدا "سلام" می‌کند و نحوه استقبال از یک شخص چگونه باشد، می‌تواند بخشی از سیستم لایه‌بندی در یک جامعه باشد. »
(۱) awe: هیبت، احترام، شگفتی (۲) demise: مرگ، نابودی (۳) deterrence: بازدارندگی (۴) status: جایگاه، موقعیت، وضعیت

۵. گزینه «۳» سخت

« کارگران امور خبریه به دلیل بی توجهی به درخواست کمک [آن] زن، توسط دادگاه به شدت مورد سرزنش قرار گرفتند. »
(۱) transmute: تغییر ماهیت دادن، تبدیل کردن
(۲) coerce: مجبور کردن
(۳) rebuke: سرزنش کردن، توبیخ کردن
(۴) enforce: وادار کردن، اعمال کردن

۶. گزینه «۲» سخت

« کیت با [وجود داشتن] مجموعه‌ای از مهارت‌ها نباید در پیدا کردن شغل مشکلی داشته باشد. »
(۱) attachment: دلبستگی، ضمیمه (۲) repertoire: مجموعه (آثار) (۳) initiation: پذیرش، راه‌اندازی (۴) expertise: تخصص

۷. گزینه «۴» سخت

« برای کاهش (رفع) خستگی که در زندگی‌ام ایجاد شده بود، تصمیم گرفتم یک سال در یک مزرعه زندگی کنم. »
(۱) fluctuate: نوسان داشتن
(۲) elicit: بیرون کشیدن، در پی داشتن
(۳) distract: حواس کسی را پرت کردن
(۴) alleviate: تسکین دادن، کاهش دادن، سبک کردن

۸. گزینه «۳» متوسط

« ما باید به معلمان کشورمان احترام بگذاریم زیرا آنها مسئولیت زیادی در آموزش آینده دارند. »
(۱) verbalize: واضح گفتن، بیان کردن
(۲) vindicate: بی گناهی کسی را اثبات کردن، توجیه کردن
(۳) venerate: احترام گذاشتن، محترم شمردن
(۴) verify: تأیید کردن، بررسی کردن

۹. گزینه «۱» سخت

« دوقلوها [که] از نظر سن و سال یکسان هستند، در دوره تربیت، با متغیرهای محیطی معمولاً نسبت به خواهر-برادرها حتی بهتر وفق پیدا می‌کنند. »
(۱) identical: یکسان، شبیه (۲) volatile: بی ثبات، فرّار (۳) adjacent: مجاور (۴) consistent: باثبات، استوار، سازگار، مطابق

۱۰. گزینه «۳» سخت

« قدرت عالی ۱۲۳ برای ویندوز، سازگاری آن با تمام نسخه‌های قبلی محصول است. »
(۱) disparity: اختلاف، تفاوت (۲) neutrality: بی طرفی (۳) compatibility: سازگار (۴) clarity: وضوح، شفافیت

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

- 1- He is a woman of ----- who has never abandoned her principles for the sake of making money.
1) utility 2) integrity 3) treaty 4) acrimony
- 2- The loud sound of the radiator as it released steam became an increasingly annoying -----.
1) interval 2) perception 3) zenith 4) distraction
- 3- Jackson's poor typing skills were a ----- to finding employment at the nearby office complex.
1) hindrance 2) supplement 3) confirmation 4) versatility
- 4- The judge dismissed the extraneous evidence because it was not ----- to the trial.
1) obedient 2) treacherous 3) pertinent 4) vulnerable
- 5- Because biology is such a ----- subject, it is subdivided into separate branches for convenience of study.
1) deficient 2) consistent 3) broad 4) mutual
- 6- In addition, physicians may have difficulty in deciding that an illness can be ----- the job. Many industrial diseases mimic sickness from other causes.
1) attributed to 2) precluded from 3) refrained from 4) exposed to
- 7- Mechanics was one of the most highly developed sciences ----- in the Middle Ages.
1) extracted 2) persisted 3) resolved 4) pursued
- 8- In the absence of death from other causes, all members of a population may exist in their environment until the ----- of senescence, which will cause a decline in the ability of individuals to survive.
1) ratio 2) onset 3) core 4) output
- 9- Before the invention and diffusion of writing, translation was ----- and oral; persons professionally specializing in such work were called interpreters.
1) subsequent 2) unilateral 3) eventual 4) instantaneous
- 10- Public attitudes toward business regulation are somewhat -----; most people resent intrusive government rules, yet they expect government to prevent business from defrauding or endangering them.
1) cogent 2) emotional 3) ambiguous 4) indifferent

۱. گزینه «۲» سخت

« او زن درست کاری است که هرگز اصول خود را به خاطر کسب درآمد، کنار نگذاشته است. »

- (۱) utility: خدمت رفاهی، تسهیلات، نرم افزار
(۲) integrity: درستی، تمامیت، یکپارچگی
(۳) treaty: پیمان، معاهده
(۴) acrimony: کدورت، رنجش

۲. گزینه «۴» متوسط

« صدای بلند رادیاتور هنگام آزاد شدن بخار، تبدیل به یک وسیله حواس پرستی به شدت آزار دهنده شد. »

- (۱) interval: فاصله، وقفه
(۲) perception: ادراک، درک
(۳) zenith: قله، اوج
(۴) distraction: حواس پرتی، تفریح

۳. گزینه «۱» متوسط

« مهارت ضعیف جکسون در تایپ کردن، مانعی برای یافتن شغل در مجتمع اداری اطراف بود »

- (۱) hindrance: مانع، سد
(۲) supplement: ضمیمه، پیوست
(۳) confirmation: تأییدیه، تأیید
(۴) versatility: تطبیق پذیری، چند استفاده داشتن

۴. گزینه «۳» سخت

« قاضی شواهد بی ربط و غیرضروری را رد کرد زیرا مرتبط به دادگاه نبود. »

- (۱) obedient: مطیع، حرف شنو
(۲) treacherous: خیانت آمیز، خائن، خطرناک
(۳) pertinent: مرتبط
(۴) vulnerable: آسیب پذیر

۵. گزینه «۳» متوسط

« از آنجا که زیست شناسی موضوع بسیار گسترده ای است، برای سهولت مطالعه به شاخه های جداگانه ای تقسیم می شود. »

- (۱) deficient: دارای کمبود، ناقص
(۲) consistent: باثبات، استوار، سازگار، مطابق
(۳) broad: عریض، گسترده
(۴) mutual: متقابل، دوجانبه

۶. گزینه «۱» سخت

« علاوه بر این، پزشکان ممکن است در تصمیم گیری در مورد اینکه یک بیماری می تواند به شغل نسبت داده شود

مشکل داشته باشند. بسیاری از بیماری های صنعتی، بیماری را از دلایل دیگر تقلید می کنند. »

- (۱) attribute: نسبت دادن
(۲) preclude: مانع شدن، جلوگیری کردن
(۳) refrain: اجتناب کردن، خودداری کردن
(۴) expose: در معرض گذاشتن، افشاء کردن، نشان دادن

۷. گزینه «۴» سخت

« علم مکانیک، یکی از پیشرفته ترین علمی بود که در قرون وسطی دنبال می شد. »

- (۱) extract: استخراج کردن، بیرون کشیدن
(۲) persist: اصرار کردن، پافشاری کردن
(۳) resolve: حل کردن، جدا کردن، تصمیم گرفتن
(۴) pursue: دنبال کردن، تعقیب کردن

۸. گزینه «۲» سخت

« در صورت عدم مرگ به دلایل دیگر، همه اعضای یک جمعیت ممکن است تا زمان شروع پیری که باعث کاهش

توانایی بقای افراد می شود، در محیط زندگی خود وجود داشته باشند. »

- (۱) ratio: نسبت، ضریب
(۲) onset: شروع
(۳) core: هسته، مرکز
(۴) output: خروجی، بازده

۹. گزینه «۴» متوسط

« قبل از اختراع و انتشار دست خط، ترجمه فوری و شفاهی بود. افرادی که به طور حرفه ای در چنین کاری تخصص

داشتند، مترجم شفاهی نامیده می شدند. »

- (۱) subsequent: بعدی، متعاقب
(۲) unilateral: یک جانبه، یک طرفه
(۳) eventual: نهایی، پایانی
(۴) instantaneous: بی درنگ

۱۰. گزینه «۳» سخت

« نگرش عمومی نسبت به آیین نامه تجاری تا حدودی مبهم است. اکثر مردم از قوانین سرزده دولت بدشان می آید،

با این حال انتظار دارند دولت از کسب و کارهایی که باعث کلاهبرداری یا بخطر افتادن آنها می شود جلوگیری کند. »

- (۱) cogent: متقاعد کننده
(۲) emotional: احساسی، عاطفی
(۳) ambiguous: مبهم
(۴) indifferent: بی تفاوت، متوسط

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

- 1- We can ----- the power of the wind to generate electricity.
 1) harness 2) justify 3) engender 4) obey
- 2- The discovery of DNA's double-helix structure by James D. Watson and Francis H. Crick reduced genetics to chemistry and laid the ----- for the next half a century of biology.
 1) resources 2) spheres 3) distributions 4) foundations
- 3- Does some fine madness plague great artists? Several studies show that creativity and mood ----- are linked.
 1) distinctions 2) disorders ۳) encounters 4) violations
- 4- The teacher told Ted's mother that her son did not ----- as much interest in math as was expected of him.
 1) fascinate 2) emphasize 3) manifest 4) incline
- 5- Blood vessels snake through our bodies, literally ----- our life's blood, their courses visible through our skin only as faint bluish tracks or ropy cords.
 1) revive 2) eroding 3) revolving 4) conveying
- 6- The remarkable physical transformation children undergo as they grow up is matched only by the ----- of their minds.
 1) metamorphosis 2) illustration 3) presumption 4) reversion
- 7- The third basic theory of moral development puts the emphasis on intellectual growth, arguing that ----- and vice are ultimately a matter of conscious choice.
 1) incentive 2) virtue 3) elegy 4) diagnosis
- 8- The court will require clear, ----- evidence before its decision can be changed.
 1) widespread 2) eventual 3) flexible 4) cogent
- 9- They accused that European countries of ----- in their country's internal affairs.
 1) exploiting 2) meddling 3) persisting 4) culminating
- 10- The first meeting will be in the City Hall, but all ----- meetings will be held in the school.
 1) sufficient 2) former 3) subsequent 4) incipient

۱. گزینه «۱» متوسط

« ما می توانیم از قدرت باد برای تولید برق، بهره‌برداری کنیم. »

(۱) harness: افسار زدن، بهره‌برداری کردن (۲) justify: توجیه کردن (۳) engender: موجب شدن، ایجاد کردن (۴) obey: اطاعت کردن

۲. گزینه «۴» سخت

« کشف ساختار مارپیچ دوگانه DNA توسط جیمز دی واتسون و فرانسیس اچ. کریک، ژنتیک را به شیمی رساند و پایه‌های زیست‌شناسی در نیم قرن آینده را بنا نهاد. »

(۱) resource: منبع (۲) sphere: کره، گوی، حوزه (۳) distribution: توزیع، پخش (۴) foundation: بنیاد، اساس، پایه

۳. گزینه «۲» متوسط

« آیا برخی از جنون‌های ریز، هنرمندان بزرگ را آزار می‌دهد؟ چندین مطالعه نشان می‌دهد که خلاقیت و اختلالات خلقی با هم ارتباط دارند. »

(۱) distinction: تمایز، فرق، برتری (۲) disorder: اختلال، بی‌نظمی (۳) encounter: رویارویی (۴) violation: نقض، تخطی، تجاوز

۴. گزینه «۳» سخت

« معلم به مادرِ تد گفت که پسرش آنقدر که از او انتظار می‌رود به ریاضی علاقه نشان نمی‌دهد. »

(۱) fascinate: جذب کردن (۲) emphasize: تأکید کردن، برجسته کردن (۳) manifest: معلوم کردن، نشان دادن، آشکار ساختن (۴) incline: متمایل کردن، تمایل داشتن، خم کردن

۵. گزینه «۴» سخت

« رگ‌های خونی از بدن ما به طور مارپیچ حرکت می‌کنند، به معنای واقعی کلمه [این رگ‌ها] خون زندگی ما را حمل می‌کنند، مسیر آنها فقط از طریق پوست، مثل مسیرهای آبی کمرنگ یا بندهای طنابی شکل دیده می‌شود. »

(۱) revive: احیا کردن، احیا شدن (۲) erode: ساییده شدن، ساییدن، کاهش دادن (۳) revolve: چرخیدن، چرخاندن (۴) convey: حامل بودن، بیان کردن، حمل کردن

۶. گزینه «۱» سخت

« تحول جسمی چشمگیر کودکان هنگام بزرگ شدن فقط با دگرگونی ذهن آنها مطابقت دارد. »

(۱) metamorphosis: دگردیسی، دگرگونی (۲) illustration: تصویر، عکس، توضیح، شفاف سازی (۳) presumption: فرض، گمان، گستاخی (۴) reversion: عقب‌گرد، بازگردانی

۷. گزینه «۲» سخت

« سومین تئوری اساسی رشد اخلاقی، تأکید بر رشد فکری دارد و استدلال می‌کند که فضیلت و رذیلت در نهایت یک انتخاب آگاهانه است. »

(۱) incentive: انگیزنده، محرک، مشوق (۲) virtue: پاکدامنی، فضیلت (۳) elegy: مرثیه (۴) diagnosis: تشخیص بیماری

۸. گزینه «۴» متوسط

« دادگاه قبل از تغییر در تصمیم خود، به شواهد روشن و متقاعد کننده احتیاج دارد. »

(۱) widespread: گسترده، شایع (۲) eventual: نهایی، پایانی (۳) flexible: انعطاف پذیر (۴) cogent: متقاعد کننده

۹. گزینه «۲» متوسط

« آن‌ها آن کشورهای اروپایی را به فضولی و دخالت در امور داخلی کشورشان متهم کردند. »

(۱) exploit: بهره‌برداری کردن، استثمار کردن (۲) meddle: فضولی کردن، ور رفتن (۳) persist: اصرار کردن، پافشاری کردن (۴) culminate: انجامیدن، منتهی شدن

۱۰. گزینه «۳» متوسط

« اولین جلسه در تالار شهر خواهد بود، اما تمام جلسات بعدی در مدرسه برگزار می‌شود. »

(۱) sufficient: کافی (۲) former: سابق، قبلی (۳) subsequent: بعدی، متعاقب (۴) incipient: آغازین

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

- 1- Yet life is not literature, nor is literature life; the two are -----.
 1) consistent 2) distinct 3) temporary 4) adequate
- 2- The hurricane would not have had such a/an ----- effect on the coastal village had the storm surge not arrived during an abnormally high tide.
 1) devastating 2) ultimate 3) calculating 4) obligatory
- 3- Federica expressed doubt about the existence of true altruism, claiming that no one makes a/an ----- without expecting to receive something in return in one form or another.
 1) facility 2) hypothesis 3) premise 4) sacrifice
- 4- As a supporter of the value of free trade, Bennett was often called upon to give speeches around the world ----- the virtues of unencumbered commerce.
 1) monitoring 2) purchasing 3) praising 4) exchanging
- 5- The efforts to revive the local economy after the departure of the town's largest employer were eased by the construction of a new arts center that would infuse the community with much-needed -----.
 1) revenue 2) scheme 3) schedule 4) survival
- 6- Eagerly advocating rehabilitation, Gena has always believed that individuals who have been imprisoned deserve the opportunity to return to society as ----- citizens.
 1) voluntary 2) crucial 3) productive 4) internal
- 7- With ----- approval, the parliament accepted the new law that would prohibit companies from discriminating according to race in their hiring practices.
 1) intrinsic 2) fanatical 3) sporadic 4) unanimous
- 8- Many medical researchers now believe that there is such a thing as being too clean. The "hygiene hypothesis" suggests that excessively sanitary conditions can ----- person's resistance to disease.
 1) initiate 2) diminish 3) abandon 4) undertake
- 9- One popular misconception is that these subsidies produce lower food prices, and so are a ----- to consumers. This analysis ignores the fact that consumers are also paying for these subsidies through taxes.
 1) transfer 2) device 3) boon 4) status
- 10- As one of the most popular writers of the 20th century. Jack Kerouac authored several books that ----- to a wide variety of readers.
 1) appeal 2) attribute 3) appear 4) devote

۱. گزینه «۲» متوسط

« ولی زندگی ادبیات نیست و ادبیات هم زندگی نیست. این دو متمایز اند. »

(۱) consistent: باثبات، سازگار، مطابق (۲) distinct: مجزا، متمایز (۳) temporary: موقت، زودگذر (۴) adequate: کافی، مناسب

۲. گزینه «۱» متوسط

« اگر موج‌باد در طی یک جزر و مد بلند غیر طبیعی نمی‌رسید، طوفان چنین اثر ویرانگری در دهکده ساحلی نمی‌داشت. »

(۱) devastating: ویرانگر (۲) ultimate: نهایی (۳) calculating: حقه باز، حيله‌گرانه (۴) obligatory: الزامی، واجب

۳. گزینه «۴» سخت

« فدریکا در مورد وجود نوع دوستی واقعی ابراز تردید کرد و ادعا کرد که هیچ کس بدون اینکه انتظار چیزی به هر شکلی در ازای کاری که می‌کند داشته باشد، ایثار نمی‌کند. »

(۱) facility: تجهیز، امکان (۲) hypothesis: فرضیه، نظریه (۳) premise: فرض، ملک و زمین (۴) sacrifice: قربانی، ایثار

۴. گزینه «۳» سخت

« بعنوان حامی ارزش تجارت آزاد، اغلب از پُنت خواسته می‌شد در سراسر جهان سخنرانی کند و از ویژگی‌های مثبت تجارت بدون محدودیت تمجید کند. »

(۱) monitor: دیده‌بانی/کنترل کردن (۲) purchase: خریدن (۳) praise: ستایش کردن، تمجید کردن (۴) exchange: تبادل/عوض کردن

۵. گزینه «۱» سخت

« تلاش‌ها برای احیای اقتصاد محلی پس از خروج بزرگترین کارفرمای شهر، با احداث یک مرکز هنری جدید آسان شد، که [این مرکز] درآمد مورد نیاز را به جامعه تزریق خواهد کرد. »

(۱) revenue: درآمد، عایدی (۲) scheme: طرح، برنامه، توطئه (۳) schedule: برنامه، جدول (۴) survival: بقا

۶. گزینه «۳» سخت

« چنانچه مشتاقانه از توانبخشی حمایت می‌کرد، همیشه معتقد بوده است که افرادی که زندانی شده‌اند شایسته این فرصت هستند که به عنوان شهروندانی پربازده به جامعه برگردند. »

(۱) voluntary: داوطلبانه، ارادی (۲) crucial: بحرانی، حیاتی (۳) productive: پربار، پربازده (۴) internal: داخلی، درونی

۷. گزینه «۴» متوسط

« با تصویب همگانی، مجلس قانون جدیدی که شرکت‌ها را از تبعیض نژادی در شیوه‌های استخدام منع می‌کند، پذیرفت. »

(۱) intrinsic: ذاتی، باطنی (۲) fanatical: متعصب، متعصبانه (۳) sporadic: تک‌وتوک، گاه‌وبیگاه (۴) unanimous: هم‌رأی، همگانی

۸. گزینه «۲» متوسط

« اکنون بسیاری از محققان پزشکی معتقدند که چیزی به عنوان بیش از حد تمیز بودن، وجود دارد. «فرضیه بهداشت» نشان می‌دهد که شرایط بیش از حد بهداشتی می‌تواند مقاومت فرد را در برابر بیماری کاهش دهد. »

(۱) initiate: آغاز کردن، وارد کردن (۲) diminish: کم ارزش کردن، کم کردن، کم شدن

(۳) abandon: ترک کردن، رها کردن (۴) undertake: به عهده گرفتن، متقبل شدن

۹. گزینه «۳» سخت

« یک تصور غلط رایج این است که این یارانه‌ها باعث کاهش قیمت مواد غذایی می‌شوند و همچنین نعمتی برای مصرف‌کنندگان است. این تحلیل این واقعیت را نادیده می‌گیرد که مصرف‌کنندگان نیز از طریق مالیات هزینه این یارانه‌ها را پرداخت می‌کنند. »

(۱) transfer: انتقال، واگذاری (۲) device: دستگاه، وسیله (۳) boon: نعمت (۴) status: جایگاه، موقعیت، وضعیت

۱۰. گزینه «۱» متوسط

« به عنوان یکی از محبوب‌ترین نویسندگان قرن بیستم، جک کرواک چندین کتاب تألیف کرد که مناسب طیف گسترده‌ای از خوانندگان است. »

(۱) appeal: درخواست کردن، مناسب کسی بودن (۲) attribute: نسبت دادن (۳) appear: ظاهر شدن (۴) devote: وقف کردن

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

- 1- Currently 80 percent of drugs are shot down in early clinical trials because they are not effective or are even -----.
 1) intense 2) initial 3) toxic 4) prior
- 2- With such rapid advances in the field of human transplantation, researchers such as myself are now beginning to consider what some have previously ----- unthinkable: transplanting a human brain.
 1) deemed 2) pursued 3) perplexed 4) excluded
- 3- Weather forecasters are a frequently humbled bunch. No matter how far their science advances, the atmosphere finds ways to ----- prediction.
 1) underlie 2) defy 3) expose 4) strive
- 4- Many armed groups ----- mix with the population to avoid identification. Sometimes they actually use civilians as shields.
 1) inherently 2) coincidentally 3) persuasively 4) deliberately
- 5- After receiving a phone call that a bomb had been planted somewhere in the hotel, Police ordered the ----- of the building.
 1) resistance 2) evacuation 3) authority 4) invalidity
- 6- Cosmologists, however, can make ----- about the early universe based on the cosmic microwave background radiation, which was emitted about 400,000 years after the big bang.
 1) concessions 2) ramifications 3) foundations 4) deductions
- 7- The fact that there are many earth-like planets in the universe supports the widely held view that life ----- the universe.
 1) pervades 2) innovates 3) exemplifies 4) overlaps
- 8- Centuries before the development of effective cannons, huge artillery pieces were demolishing castle walls with ----- the weight of an upright piano.
 1) estimations 2) ensembles 3) barricades 4) projectiles
- 9- People in their late 90s or older are often healthier and more ----- than those 20 years younger.
 1) civil 2) durable 3) robust 4) concurrent
- 10- One of the first prominent geologists to raise concern that global warming might ----- a catastrophic collapse of the Antarctic ice cap was J. H. Mercer.
 1) trigger 2) negate 3) exceed 4) replace

۱. گزینه «۳» متوسط

« در حال حاضر ۸۰ درصد داروها در آزمایشات بالینی اولیه از بین می‌روند زیرا موثر نیستند یا حتی سمی هستند. »
 (۱) intense: شدید، قوی (۲) initial: اولیه، ابتدایی (۳) toxic: سمی (۴) prior: قبلی، قبل از

۲. گزینه «۱» متوسط

« با چنین پیشرفت‌های سریعی در زمینه پیوند انسان، محققانی مانند من اکنون شروع به بررسی آنچه که برخی فکر می‌کردند غیرقابل تصور است، کرده‌اند: پیوند مغز انسان. »

(۱) deem: فکر کردن، گمان کردن (۲) pursue: دنبال کردن (۳) perplex: گیج کردن (۴) exclude: مستثنی کردن، محروم کردن

۳. گزینه «۲» سخت

« پیش‌بینی کننده‌های هوا، گروه غالباً درمانده‌ای هستند. هر چقدر هم که علم آنها پیشرفت کند، جو راه‌هایی برای ضدیت کردن با پیش‌بینی پیدا می‌کند. »

(۱) underlie: زمینه چیزی بودن (۲) defy: اطاعت نکردن، به مبارزه طلبیدن، ضدیت کردن

(۳) expose: در معرض گذاشتن، افشاء کردن، نشان دادن (۴) strive: تلاش کردن، کوشیدن

۴. گزینه «۴» متوسط

« بسیاری از گروه‌های مسلح به منظور جلوگیری از شناسایی، عمداً با مردم قاتی می‌شوند. گاهی اوقات آنها در واقع از غیرنظامیان به عنوان سپر استفاده می‌کنند. »

(۱) inherent: ذاتی، درونی (۲) coincidental: تصادفی، اتفاقی (۳) persuasive: متقاعد کننده (۴) deliberate: عمدی، قصدی

۵. گزینه «۲» سخت

« پس از دریافت تماس تلفنی مبنی بر اینکه بمبی در جایی از هتل کار گذاشته شده بود، پلیس دستور تخلیه ساختمان را صادر کرد. »
 (۱) resistance: مقاومت، ایستادگی (۲) evacuation: تخلیه (۳) authority: مجوز، اجازه (۴) invalidity: عدم اعتبار، معلولیت

۶. گزینه «۴» سخت

« با این وجود کیهان‌شناسان می‌توانند بر اساس تابش زمینه کیهانی، که حدود ۴۰۰۰۰۰ سال پس از انفجار بزرگ منتشر شده بود، در مورد جهان اولیه نتیجه‌گیری کنند. »

(۱) concession: امتیاز (انحصاری) (۲) ramification: انشعاب، تأثیر جانبی (۳) foundation: بنیاد (۴) deduction: استنباط، نتیجه‌گیری

۷. گزینه «۱» سخت

« این واقعیت که بسیاری از سیاره‌های شبیه به زمین در جهان وجود دارد، از این دیدگاه گسترده که حیات جهان را فرا گرفته است پشتیبانی می‌کند. »

(۱) pervade: فراگرفتن، پخش شدن (۲) innovate: نوآوری کردن (۳) exemplify: با مثال نشان دادن (۴) overlap: همپوشانی داشتن

۸. گزینه «۴» سخت

« قرن‌ها قبل از توسعه توپ‌های جنگی موثر، قطعات بزرگ توپخانه‌ای با پرتابه‌هایی به وزن یک پیانوه دیواری، دیوارهای قلعه را تخریب می‌کردند. »

(۱) estimation: تخمین، حدس (۲) ensemble: گروه (هنری) (۳) barricade: راهبند، مانع (۴) projectile: جسم پرتاب‌شونده، گلوله

۹. گزینه «۳» متوسط

« افرادی که در اواخر ۹۰ سالگی یا مسن تر هستند، معمولاً از کسانی که ۲۰ سال کوچکتر هستند سالم‌تر و تنومندتر هستند. »
 (۱) civil: مدنی، متمدن، حقوقی (۲) durable: بادوام (۳) robust: تنومند، قوی‌هیکل، باثبات (۴) concurrent: همسو، موافق، همزمان

۱۰. گزینه «۱» سخت

« یکی از اولین زمین‌شناسان برجسته‌ای که این نگرانی را مطرح کرد که گرم شدن کره زمین ممکن است باعث سقوط فاجعه‌بار کلاهک یخی قطب جنوب بشود، مرسر بود. »

(۱) trigger: باعث شدن، راه‌انداختن (۲) negate: بی‌اثر کردن (۳) exceed: تجاوز/تخطی کردن (۴) replace: جایگزین/عوض کردن

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

- 1- Walters could face ----- for his role in the robbery.
 1) prohibition 2) prosecution 3) collaboration 4) violation
- 2- The officer's historical role as a street cleaner occasionally required a measure of ----
 ----- and imagination.
 1) embezzlement 2) submission 3) masterpiece 4) dexterity
- 3- The daughter had all the brains and did all the accounts—the son was just the -----
 ----- boss of the business.
 1) nominal 2) tenable 3) unpretentious 4) decent
- 4- After the tennis match the boys----- the sandwiches in seconds.
 1) devoured 2) engraved 3) affronted 4) hallowed
- 5- Over the centuries, these animals have become ----- to living in a dry
 environment.
 1) inhibited 2) conducive 3) habituated 4) offensive
- 6- The results provide the most ----- and conclusive evidence to date of some
 enduring inequities in participation in such facilities.
 1) ambivalent 2) authoritative 3) inflexible 4) excessive
- 7- Language acquisition is one of the central topics in cognitive science. Every theory of
 cognition has tried to explain it; probably no other topic has ----- such
 controversy.
 1) assented to 2) appreciated 3) speculated 4) aroused
- 8- As supporter of the value of free trade, Bennett was often called upon to give speeches
 around the world extolling the ----- of unencumbered commerce.
 1) demerits 2) ambiguities 3) virtues 4) euphemisms
- 9- ----- those who challenge your thesis is more insulting than attacking them
 outright.
 1) Verifying 2) Amusing 3) Ignoring 4) Seeking
- 10- The student's purpose is specific and well defined, yet his method could be described
 as -----.
 1) wholehearted 2) haphazard 3) autonomous 4) credible

۱. گزینه «۲» متوسط

« والترز ممکن است به دلیل نقش خود در [این] سرقت تحت پیگرد قانونی قرار گیرد. »

(۱) prohibition: ممنوعیت، تحریم (۲) prosecution: پیگرد قانونی، دادستان (۳) collaboration: همکاری (۴) violation: تخلف

۲. گزینه «۴» سخت

« نقش تاریخی افسر به عنوان یک نظافتچی خیابان، گاهی اوقات به مقداری مهارت و تخیل نیاز داشت. »

(۱) embezzlement: اختلاس، دزدی (۲) submission: ارائه، تسلیم، فرمان برداری، اطاعت، پیشنهاد

(۳) masterpiece: شاهکار، کار بزرگ (۴) dexterity: چابکی، مهارت

۳. گزینه «۱» متوسط

« دختر [او] مغز متفکر بود و همه کارها را انجام می داد – پسر [او] فقط رئیسِ صوری تجارت بود. (یعنی اسماً پسرش رئیس بود، اما در عمل دخترش همه کاره بود). »

(۱) nominal: جزئی، صوری، اسمی (۲) tenable: قابل دفاع، معقول

(۳) unpretentious: فروتن، نامتظاهر (۴) decent: با نزاکت، محبوب، با کیفیت

۴. گزینه «۱» متوسط

« پس از مسابقه تنیس، پسران در عرض چند ثانیه ساندویچها را بلعیدند. »

(۱) devour: بلعیدن (۲) engrave: نقش بستن، حک کردن

(۳) affront: بی حرمتی کردن، توهین کردن (۴) hallow: تقدیس کردن، مقدس شمردن – قدیس

۵. گزینه «۳» متوسط

« در طول قرن ها، این حیوانات به زندگی در یک محیط خشک عادت کرده اند. »

(۱) inhibit: مانع شدن، جلوگیری کردن (۲) conducive: مناسب، متناسب

(۳) habituate: عادت کردن (۴) offensive: توهین آمیز، نامطلوب، هجومی

۶. گزینه «۲» متوسط

« [این] نتایج، تاکنون معتبرترین و قطعی ترین شواهد در مورد برخی نابرابری های پایدار در مشارکت در چنین تجهیزاتی را ارائه می دهد. »

(۱) ambivalent: نامطمئن، دمدمی (۲) authoritative: معتبر، توانا (۳) inflexible: انعطاف ناپذیر، سخت (۴) excessive: افراطی

۷. گزینه «۴» سخت

« کسب زبان یکی از مباحث اصلی در علوم شناختی است. هر نظریه شناختی سعی در توضیح آن داشته است. احتمالاً هیچ موضوع دیگری چنین جنجالی برنیا نگیخته است. »

(۱) assent: موافقت کردن (۲) appreciate: قدردانی کردن، درک کردن، ارزشمندتر شدن

(۳) speculate: حدس زدن (۴) arouse: تحریک کردن، برانگیختن، بیدار کردن

۸. گزینه «۳» متوسط

« به عنوان حامی ارزش تجارت آزاد، اغلب از بنت خواسته می شد تا در سراسر جهان سخنرانی کند و از فضایل تجارت بدون محدودیت تجلیل کند. »

(۱) demerit: عیب، نقص، اشکال (۲) ambiguity: ابهام، نامعلومی (۳) virtue: پاکدامنی، فضیلت (۴) euphemism: حسن تعبیر

۹. گزینه «۳» سخت

« نادیده گرفتن کسانی که پایان نامه شما را به چالش می کشند، بیش از حمله مستقیم به آنها توهین آمیز است. »

(۱) verify: تأیید کردن، بررسی کردن (۲) amusing: سرگرم کننده (۳) ignore: نادیده گرفتن، رد کردن (۴) seek: جستجو کردن، طلب کردن

۱۰. گزینه «۲» متوسط

« هدف [آن] دانشجو مشخص و کاملاً تعریف شده است، اما روش او را می توان تصادفی توصیف کرد. »

(۱) wholehearted: یکدل، صمیمانه (۲) haphazard: تصادفی، اتفاقی (۳) autonomous: خودمختار (۴) credible: باورکردنی

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

- 1- Ted's father seems eccentric; he is frequently observed behaving in an ----- manner.
 1) enthusiastic 2) adept 3) enduring 4) unconventional
- 2- The ----- of scientific thinking has institutionalized the idea that knowledge has to progress and can do so only through research.
 1) artifact 2) advent 3) oversight 4) renown
- 3- Paul----- the fact that his closest friend didn't trust him.
 1) resented 2) procured 3) notified 4) raised
- 4- Jill's dinner parties quickly became monotonous on account of her ----- for Mexican dishes.
 1) dispersal 2) flavor 3) penchant 4) rumor
- 5- When participating in a yoga class, Katarina attains a placid state; the ----- music and soft lighting invoke a serenity that is otherwise lacking in her frenzied existence.
 1) uproarious 2) sporadic 3) soothing 4) skyrocketing
- 6- Eighteenth-century urban dwellers lived in much worse conditions than their modern-----.
 1) mediators 2) residents 3) rivals 4) counterparts
- 7- However, many couples who have been unable to have children are, understandably, ----- to adopt mentally handicapped children.
 1) reluctant 2) insufficient 3) benevolent 4) fallacious
- 8- One of our students was unable to ----- her wheelchair up the ramp.
 1) enhance 2) propel 3) salvage 4) initiate
- 9- After the organization aided the catastrophe victims, it was given an award for -----.
 1) innovation 2) conciliation 3) lavishness 4) altruism
- 10- Although many women had little control over their own lives in medieval England, Margery Kempe's fifteenth-century autobiography ----- a remarkable degree of autonomy.
 1) compromises 2) negates 3) manipulates 4) demonstrates

۱. گزینه «۴» متوسط

« پدر تد عجیب و غریب به نظر می رسد؛ اغلب مشاهده می شود که او رفتاری غیرمتعارف دارد. »

- (۱) enthusiastic: مشتاق، علاقمند (۲) adept: ماهر، زبردست
(۳) enduring: همیشگی، جاودان، ماندنی (۴) unconventional: غیرمعمول، خلاف عرف

۲. گزینه «۲» سخت

« ظهور تفکر علمی این ایده را ایجاد کرده است که دانش باید پیشرفت کند و فقط از طریق تحقیق می تواند این کار را انجام دهد »

- (۱) artifact: مصنوع، محصول مصنوعی (۲) advent: ظهور (۳) oversight: اشتباه سهوی (۴) renown: شهرت، اعتبار

۳. گزینه «۱» سخت

« پائول از این واقعیت که نزدیکترین دوستش به او اعتماد نکرد، خشمگین شد. »

- (۱) resent: اظهار تنفر کردن، خشمگین شدن (۲) procure: به دست آوردن
(۳) notify: اطلاع دادن، آگاه کردن (۴) raise: بالا بردن، بالا رفتن، پروراندن، مطرح کردن، جمع کردن

۴. گزینه «۳» متوسط

« مهمانی های شام جیل، به دلیل علاقه زیاد او به غذاهای مکزیکی، به سرعت یکنواخت شد. »

- (۱) dispersal: پراکندگی، پخش (۲) flavor: طعم، مزه (۳) penchant: میل شدید، علاقه زیاد (۴) rumor: شایعه

۵. گزینه «۳» سخت

« هنگام شرکت در یک کلاس یوگا، کاتارینا به آرامش می رسد. موسیقی تسلّی بخش و نور ملایم، موجب آرامشی می شود که در صورت نبودن [کلاس یوگا]، در وجود دیوانه وار او [همچنین آرامشی] وجود ندارد. »

- (۱) uproarious: پر سر و صدا، خنده دار (۲) sporadic: تک و توک، گاه و بیگاه
(۳) soothing: تسلی بخش، تسکین دهنده (۴) skyrocket: به سرعت بالا رفتن

۶. گزینه «۴» سخت

« ساکنان شهری قرن هجدهم در شرایط بسیار بدتری نسبت به همتایان مدرن خود زندگی می کردند. »

- (۱) mediator: واسطه، میانجی گر (۲) resident: مقیم، ساکن (۳) rival: رقیب، حریف (۴) counterpart: همتا، هم رتبه

۷. گزینه «۱» متوسط

« با این حال، بسیاری از زوجینی که نتوانسته اند بچه دار شوند، قابل درک است که نسبت به پذیرش فرزندان معلول ذهنی، بی میل هستند. »

- (۱) reluctant: بی میل (۲) insufficient: ناکافی (۳) benevolent: خیر اندیش، خوش دل، مهربانانه (۴) fallacious: غلط، نادرست

۸. گزینه «۲» متوسط

« یکی از دانش آموزان ما نتوانست ویلچر خود را از سطح شیب دار حرکت دهد. (بالا ببرد). »

- (۱) enhance: بهبود دادن، بهتر کردن (۲) propel: سوق دادن، حرکت دادن (۳) salvage: نجات دادن (۴) initiate: آغاز کردن، وارد کردن

۹. گزینه «۴» متوسط

« بعد از اینکه سازمان به قربانیان فاجعه کمک کرد، به خاطر بشر دوستی، جایزه ای به آن [سازمان] اعطا شد. »

- (۱) innovation: نوآوری (۲) conciliation: مصالحه، توافق (۳) lavishness: ولخرجی، فراوانی (۴) altruism: نوع دوستی، بشردوستی

۱۰. گزینه «۴» متوسط

« اگرچه بسیاری از زنان، کنترل کمی در زندگی خود در قرون وسطی انگلیس داشتند، زندگی نامه قرن پانزدهم مارگری کمپه، میزان قابل توجهی از استقلال را نشان می دهد. »

- (۱) compromise: مصالحه و سازش کردن (۲) negate: بی اثر کردن، خنثی کردن، رد کردن
(۳) manipulate: با مهارت انجام دادن، اداره کردن، بازیچه قرار دادن (۴) demonstrate: نشان دادن، شرح دادن، تظاهرات کردن

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

- 1- Mrs. Harding herself was thin and frail but her son was a ----- sixteen-year-old.
 1) unbearable 2) verbose 3) sturdy 4) lethargic
- 2- Some tribes still ----- the more remote mountains and jungles of the country.
 1) forego 2) inhabit 3) ensue 4) aggravate
- 3- the ----- of coffee brought Christine into the small cafe.
 1) aroma 2) fragility 3) whim 4) badge
- 4- The client ----- our proposal because they found our presentation banal and unimpressive.
 1) recognized 2) emulated 3) hailed 4) rejected
- 5- Immediately overcome by ----- for the wrong I had done, I lowered him to the floor and tried to apologize.
 1) remorse 2) charity 3) stubbornness 4) esteem
- 6- A health inspector gave----- instructions on how to correct the problem; we all found out how to handle the situation.
 1) perpetual 2) rudimentary 3) explicit 4) trivial
- 7- I ----- the cold I was getting by taking plenty of vitamin C pills and wearing a scarf.
 1) vanished 2) squandered 3) forestalled 4) penetrated
- 8- Why would Ian want to claim his inheritance and then give all his money away? It was a ----- to me.
 1) riddle 2) peril 3) glory 4) fragment
- 9- He was later accused of writing ----- loan and deposit records, found guilty and sentenced to three years of imprisonment.
 1) essential 2) fraudulent 3) vulgar 4) witty
- 10- The question of how the murderer had gained entry to the house ----- the police for several weeks.
 1) exhilarated 2) assailed 3) countered 4) perplexed

۱. گزینه «۳» متوسط

« خانم هاردینگ خودش لاغر و ضعیف بود اما پسرش یک شانزده ساله تنومند بود. »

(۱) unbearable: غیرقابل تحمل (۲) verbose: وراچ، درازنویس (۳) sturdy: تنومند، قوی‌هیکل، باثبات (۴) lethargic: بی‌حال، سست

۲. گزینه «۲» متوسط

« برخی قبایل هنوز در کوه‌ها و جنگل‌های دور افتاده کشور زندگی می‌کنند. »

(۱) forego: صرف نظر کردن، بیخیال شدن inhabit (۲): زندگی کردن

(۳) ensue: در پی [چیزی] آمدن aggravate (۴): خشمگین کردن، بدتر کردن

۳. گزینه «۱» متوسط

« بوی خوش قهوه، کریستین را به کافه کوچک آورد. »

(۱) aroma: رایحه، بوی خوش (۲) fragility: شکنندگی، ظرافت (۳) whim: انگیزه ناگهانی، هوس (۴) badge: نشان، علامت

۴. گزینه «۴» متوسط

« مشتری پیشنهاد ما را رد کرد زیرا ارائه آن را پیش پا افتاده و غیرچشمگیر دانستند. »

(۱) recognize: شناختن، تشخیص دادن، به رسمیت شناختن، تصدیق کردن (۲) emulate: الگوبرداری کردن، تقلید کردن

(۳) hail: گرامی داشتن، صدا زدن reject (۴): رد کردن، نپذیرفتن

۵. گزینه «۱» متوسط

« بلافاصله با پیشیمانی از اشتباهی که مرتکب شده بودم، او را پایین آوردم (روی زمین خواباندم) و سعی کردم

عذرخواهی کنم. »

(۱) remorse: پیشیمانی (۲) charity: صدقه، خیریه، موسسه خیریه (۳) stubbornness: لجاجت، کله‌شقی (۴) esteem: احترام

۶. گزینه «۳» سخت

« یک بازرس بهداشتی دستورالعمل صریحی در مورد چگونگی اصلاح مشکل ارائه داد. همه ما فهمیدیم که چگونه

شرایط را کنترل کنیم. »

(۱) perpetual: همیشگی، دائمی (۲) rudimentary: ساده‌وابندایی، اولیه (۳) explicit: صریح، واضح، روشن (۴) trivial: ناچیز، جزئی

۷. گزینه «۳» سخت

« من با خوردن قرص‌های ویتامین C فراوان و پوشیدن شال، از سرماخوردگی جلوگیری کردم. »

(۱) vanish: ناپدید شدن squander (۲): هدر دادن

(۳) forestall: پیش دستی کردن، جلوگیری کردن penetrate (۴): نفوذ کردن، فهمیدن

۸. گزینه «۱» متوسط

« چرا یان باید بخواهد ارث خود را مطالبه کند و سپس همه پول خود را واگذار کند؟ این برای من یک معما بود »

(۱) riddle: معما، چیستان (۲) peril: خطر (۳) glory: شکوه، سربلندی (۴) fragment: قطعه، تکه

۹. گزینه «۲» سخت

« وی بعداً به نوشتن سوابق فریب‌آمیز وام و سپرده متهم شد، مجرم شناخته و به سه سال زندان محکوم شد »

(۱) essential: ضروری، لازم، اساسی (۲) fraudulent: فریب‌آمیز، حقه‌بازانه (۳) vulgar: رکیک، مبتذل (۴) witty: بذله‌گو، لطیفه‌دار

۱۰. گزینه «۴» متوسط

« این سوال که چگونه قاتل به خانه ورود پیدا کرده بود پلیس را برای چند هفته متحیر و گیج کرد. »

(۱) exhilarate: شادمان کردن، هیجان‌زده کردن assail (۲): هجوم آوردن، پر از چیزی کردن

(۳) counter: مقابله کردن، جواب دادن perplex (۴): گیج کردن

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

- 1- Bad weather has ----- the bombers that lack modern night-attack equipment.
1) grasped 2) hampered 3) utilized 4) abated
- 2- Jacob was ----- for always arriving late for work, a habit that finally led to his being fired from work.
1) haphazard 2) infinite 3) innate 4) notorious
- 3- It would put his career at risk, but that was already in -----, so what had he to lose?
1) jeopardy 2) perspective 3) magnitude 4) neglect
- 4- Legal requirements state that working hours must not ----- 42 hours a week.
1) legitimize 2) linger 3) mingle 4) exceed
- 5- The student's essay was empty of errors, indicating that it had been ----- written.
1) painstakingly 2) massively 3) impartially 4) ingenuously
- 6- The boy was simply a beggar: his bundle of newspapers was a -----, and we called him the Newspaper Boy.
1) legend 2) limitation 3) pretext 4) drawback
- 7- I do not ----- ever having been to Paris, although my mother says we went there when I was a child.
1) rehearse 2) recollect 3) recede 4) recast
- 8- Because of ----- conditions, the hikers decided to give up trying to climb the mountain.
1) vague 2) ungainly 3) adverse 4) vigorous
- 9- I sat watching as the sun reached its ----- and the muezzin began to call the people to prayers.
1) lucidity 2) triumph 3) spectacle 4) zenith
- 10- The children were tired and ----- and didn't seem interested in any of the games.
1) sluggish 2) mandatory 3) strict 4) cordial

۱. گزینه «۲» متوسط

« هوای نامناسب مانع از هواپیماهای بمب افکن شده است که فاقد تجهیزات مدرن حمله شبانه هستند. »
 (۱) grasp: محکم گرفتن، فهمیدن (۲) hamper: مانع شدن، جلوگیری کردن (۳) utilize: استفاده کردن (۴) abate: فروکش/نشست کردن

۲. گزینه «۴» سخت

« یعقوب به همیشه دیر رسیدن به سر کار معروف و بدنام بود، عادتى که سرانجام منجر به اخراج وی از کار شد »
 (۱) haphazard: تصادفی، اتفاقی (۲) infinite: نامحدود، بی‌نهایت (۳) innate: ذاتی، درونی (۴) notorious: بدنام، بدآوازه

۳. گزینه «۱» متوسط

« این کار حرفه او را به خطر می انداخت، اما آن از قبل در خطر بود، پس چه چیزی برای از دست دادن داشت؟ »

(۱) jeopardy: خطر (۲) perspective: دیدگاه، منظره، روشن بینی

(۳) magnitude: اهمیت، بزرگی (۴) neglect: بی توجهی کردن، غفلت کردن

۴. گزینه «۴» متوسط

« الزامات قانونی بیان می کند که ساعات کار در هفته نباید از ۴۲ ساعت تجاوز کند. »

(۱) legitimize: مشروع کردن، قانونی کردن (۲) linger: طول کشیدن، معطل شدن، منتظر ماندن، خیره ماندن

(۳) mingle: گرم گرفتن، مخلوط شدن، ترکیب شدن (۴) exceed: تجاوز کردن، تخطی کردن

۵. گزینه «۱» متوسط

« مقاله دانشجو خالی از خطا بود، که نشان می دهد با دقت زیاد نوشته شده بود. »

(۱) painstaking: موشکافانه، دقیق، کامل (۲) massive: عظیم، بزرگ، کلان

(۳) impartial: بی طرف، منصفانه (۴) ingenuous: ساده دل، صافه و ساده

۶. گزینه «۳» سخت

« [آن] پسر فقط یک گدا بود: بسته روزنامه او یک بهانه بود و ما او را پسر روزنامه می نامیدیم. »

(۱) legend: افسانه، اسطوره (۲) limitation: محدودیت، ضعف (۳) pretext: بهانه، عذر (۴) drawback: اشکال، نقص

۷. گزینه «۲» متوسط

« به خاطر نمی آورم که هرگز به پاریس رفته باشم، اگرچه مادرم می گوید وقتی که من کودک بودم به آنجا رفته ایم. »

(۱) rehearse: تکرار کردن، تمرین کردن (۲) recollect: به خاطر آوردن

(۳) recede: مقدم بودن، زودتر اتفاق افتادن (۴) recast: پیش بینی کردن

۸. گزینه «۳» سخت

« به دلیل شرایط نامطلوب، کوهنوردان تصمیم گرفتند تلاش برای صعود به کوه را کنار بگذارند. »

(۱) vague: مبهم (۲) ungainly: بدقواره (۳) adverse: ناسازگار، نامطلوب (۴) vigorous: نیرومند، سرسخت، انرژی بر

۹. گزینه «۴» متوسط

« نشسته بودم و نگاه می کردم که خورشید به اوج خود رسیده و مؤذن شروع به دعوت مردم به نماز می کند. »

(۱) lucidity: وضوح، شفافیت (۲) triumph: پیروزی (۳) spectacle: نمایش، منظره، تماشا (۴) zenith: اوج

۱۰. گزینه «۱» متوسط

« بچه ها خسته و کسل بودند و به نظر می رسید علاقه ای به هیچ یک از بازی ها ندارند. »

(۱) sluggish: کسل، کساد، کند (۲) mandatory: الزامی، واجب (۳) strict: سخت و جدی (۴) cordial: صمیمی، دوستانه

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

- 1- The two groups of students should be taught differently in that their learning needs are quite -----.
 1) bizarre 2) distinct 3) stable 4) reckless
- 2- This mildly picaresque novel ----- a boy's flight from prep school to an eventful weekend in a big city.
 1) recounts 2) accumulates 3) asserts 4) restricts
- 3- The two companies worked in ----- and lowered their prices to make their rival company collapse.
 1) ambivalence 2) validity 3) chaos 4) collusion
- 4- The U.S. was accused of ----- international efforts to combat global warming.
 1) regretting 2) convicting 3) undermining 4) accelerating
- 5- Richard is so----- that his diet consists almost exclusively of catfish and chicken liver—the two most inexpensive foods in the store.
 1) frugal 2) timid 3) selective 4) astute
- 6- Even after traveling 62 miles, the ----- runner kept on moving.
 1) congenial 2) indefatigable 3) flimsy 4) indifferent
- 7- As we traveled to college for the first time, the family car was laden with books, clothing, -----, and other necessities.
 1) warehouses 2) amenities 3) fragments 4) appliances
- 8- When Eileen ----- me to a fight, I could see the hatred in her eyes.
 1) strengthened 2) derived 3) challenged 4) justified
- 9- People like to be around George because he is so ----- and good-natured, so it comes as no surprise that he has so many good friends.
 1) affable 2) sarcastic 3) superficial 4) half-hearted
- 10- The new tax policy was criticized in that it was argued that the rich were actually the main ----- of the tax cuts.
 1) hedonists 2) savants 3) benefactors 4) beneficiaries

۱. گزینه «۲» متوسط

« [این] دو گروه دانش آموزان باید متفاوت تعلیم داده شوند، زیرا نیازهای یادگیری آنها کاملاً متمایز است. »

(۱) bizarre: عجیب و غریب (۲) distinct: مجزا، متمایز (۳) stable: پایدار (۴) reckless: بی فکر، بی ملاحظه گرانه

۲. گزینه «۱» سخت

« این رمان رندنامه ملایم، سفر یک پسر بچه را از مدرسه پیش‌دانشگاهی به یک آخر هفته پرحادثه در یک شهر

بزرگ، حکایت می‌کند. »

(۱) recount: حکایت کردن، تعریف کردن

(۲) accumulate: اندوختن، انباشتن

(۳) assert: ادعا کردن، اظهار کردن

(۴) restrict: محدود کردن، منحصر کردن

۳. گزینه «۴» سخت

« این دو شرکت تبانی کردند و قیمت‌های خود را پایین آوردند تا شرکت رقیب‌شان سقوط کند. »

(۱) ambivalence: دمدمی مزاجی، دوگانگی (۲) validity: اعتبار (۳) chaos: هرج و مرج (۴) collusion: تبانی، زد و بند

۴. گزینه «۳» متوسط

« ایالات متحده به تضعیف تلاش‌های بین‌المللی برای مبارزه با گرم شدن کره زمین متهم شد. »

(۱) regret: پشیمان بودن، متأسف بودن

(۲) convict: محکوم کردن

(۳) undermine: تحلیل بردن، تضعیف کردن

(۴) accelerate: سرعت دادن، شتاب گرفتن

۵. گزینه «۱» متوسط

« ریچارد آنقدر صرفه‌جو است که رژیم غذایی او تقریباً منحصرأ متشکل از گربه ماهی و جگر مرغ است – دو غذای

ارزان قیمت در فروشگاه. »

(۱) frugal: صرفه‌جو، ساده (۲) timid: ترسو، خجالتی (۳) selective: انتخابی، گزینشی، محتاط (۴) astute: باهوش، مبتکرانه، زیرکانه

۶. گزینه «۲» متوسط

« حتی پس از طی ۶۲ مایل، دوندۀ خستگی‌ناپذیر به حرکت خود ادامه می‌داد. »

(۱) congenial: دوستانه، مناسب

(۲) indefatigable: خستگی‌ناپذیر

(۳) flimsy: شل و ول، نازک، سست

(۴) indifferent: بی تفاوت، متوسط

۷. گزینه «۴» متوسط

« وقتی که برای اولین بار به کالج رفتیم، ماشین خانواده مملو از کتاب، لباس، لوازم خانه و سایر وسایل ضروری بود. »

(۱) warehouse: انبار (۲) amenity: تسهیل (۳) fragment: قطعه، تیکه (۴) appliance: لوازم خانه (خصوصاً لوازم برقی)

۸. گزینه «۳» متوسط

« وقتی آیلین من را به مبارزه طلبید، می‌توانستم نفرت را در چشمان او ببینم. »

(۱) strengthen: مستحکم کردن، تقویت کردن

(۲) derive: نتیجه گرفتن، مشتق گرفتن

(۳) challenge: به چالش کشیدن، به مبارزه طلبیدن

(۴) justify: توجیه کردن

۹. گزینه «۱» متوسط

« مردم دوست دارند در اطراف جورج باشند زیرا او بسیار خوش‌برخورد و مهربان است، بنابراین تعجب آور نیست

که او این همه دوست خوب دارد. »

(۱) affable: خوش‌رو، خوش‌برخورد (۲) sarcastic: طعنه‌آمیز (۳) superficial: سطحی (۴) half-hearted: از روی بی‌علاقگی، الکی

۱۰. گزینه «۴» سخت

« سیاست جدید مالیاتی از این نظر مورد انتقاد قرار گرفت که گفته شد ثروتمندان در واقع ذینفعان اصلی کاهش مالیات هستند. »

(۱) hedonist: فرد لذت‌جو، آدم خوش‌گذران

(۲) savant: دانا، دارای مهارت قوی در یک زمینه خاص

(۳) benefactor: خیرخواه، نیکوکار

(۴) beneficiary: ذینفع، ذیحق

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

- 1- Police officers should be commended for their ----- service to the community.
1) benevolent 2) harsh 3) hasty 4) peculiar
- 2- Despite her ----- arguments, the candidate attracted an enthusiastic following.
1) plausible 2) wholesome 3) specious 4) thorough
- 3- Toni has been ----- to achieve musical recognition for the past ten years.
1) prevailing 2) displaying 3) appreciating 4) striving
- 4- Thousands of families came here seeking ----- from the civil war.
1) remedy 2) refuge 3) remnant 4) rebellion
- 5- Many persons in the ----- were awakened by the blast, and some were thrown from their beds.
1) thrill 2) urbanity 3) vicinity 4) fatigue
- 6- I cannot believe that your parents would ----- such rude behavior.
1) endorse 2) hinder 3) postpone 4) seclude
- 7- Although I had already broken most of her dishes, Jacqueline was ----- enough to continue letting me use them.
1) thrifty 2) indigent 3) financial 4) magnanimous
- 8- Even when someone has been found innocent of a crime, the ----- often remains.
1) endeavor 2) stigma 3) urge 4) quest
- 9- I was badly scared when the explosion made the whole house -----.
1) vacillate 2) resurge 3) decline 4) quake
- 10- The poison produced by the frog's skin is so ----- that it can paralyze a bird or a monkey immediately.
1) pungent 2) swift 3) lethal 4) treacherous

۱. گزینه «۱» سخت

« باید از افسران پلیس به دلیل خدمات خیرخواهانه خود به جامعه تقدیر کرد. »

(۱) benevolent: خیراندیش، خوشدل، مهربانانه (۲) harsh: سخت و نامالایم، زننده (۳) hasty: شتاب زده (۴) peculiar: خاص و عجیب

۲. گزینه «۳» متوسط

« [آن] نامزد، علی‌رغم استدلال‌های گمراه‌کننده خود، طرفداران مشتاقی را به خود جلب کرد. »

(۱) plausible: شدنی، محتمل، پذیرفتنی (۲) wholesome: سالم (غذا، اخلاقی) (۳) specious: گمراه‌کننده (۴) thorough: جامع، کامل

۳. گزینه «۴» متوسط

« تونی در ده سال گذشته، تلاش کرده است تا به مقبولیت موسیقیایی برسد. »

(۱) prevail: شایع شدن، غالب آمدن (۲) display: نمایش دادن، نشان دادن

(۳) appreciate: قدردانی کردن، درک کردن، ارزشمندتر شدن (۴) strive: تلاش کردن، کوشیدن

۴. گزینه «۲» متوسط

« هزاران خانواده، از جنگ داخلی، در جستجوی پناهگاه به اینجا آمده‌اند. »

(۱) remedy: چاره، درمان (۲) refuge: پناه، پناهگاه (۳) remnant: باقی مانده، بقیه (۴) rebellion: شورش

۵. گزینه «۳» سخت

« بسیاری از افراد در مجاورت، با انفجار بیدار شدند و برخی از تخته‌خواب خود پرت شدند. »

(۱) thrill: هیجان (۲) urbanity: ادب، نزاکت (۳) vicinity: مجاورت، حومه (۴) fatigue: خستگی

۶. گزینه «۱» متوسط

« من نمی‌توانم باور کنم که پدر و مادر شما چنین رفتار گستاخانه‌ای را تأیید کنند. »

(۱) endorse: تأیید کردن، امضاء کردن، تبلیغ کردن (۲) hinder: مانع شدن، جلوگیری کردن

(۳) postpone: عقب انداختن، موکول کردن (۴) seclude: خلوت کردن، منزوی شدن

۷. گزینه «۴» سخت

« اگرچه من بیشتر ظروفش را شکسته بودم، اما ژاکلین آنقدر بزرگوار بود که اجازه داد همچنان از آنها استفاده کنم. »

(۱) thrifty: مقتصد، صرفه جو (۲) indigent: فقیر، بی چیز، نیازمند (۳) financial: مالی (۴) magnanimous: بزرگوار، بزرگواری

۸. گزینه «۲» متوسط

« حتی وقتی کسی از یک جرم بی‌گناه شناخته شود، لکه ننگ اغلب باقی می‌ماند. »

(۱) endeavor: نشانه، علامت (۲) stigma: لکه ننگ (۳) urge: میل، خواسته (۴) quest: جستجو

۹. گزینه «۴» متوسط

« وقتی انفجار باعث لرزیدن کل خانه شد به شدت ترسیدم. »

(۱) vacillate: مردد بودن، نوسان داشتن (۲) resurge: رستاخیز کردن، زنده شدن، دوباره برخاستن، دوباره موج زدن

(۳) decline: زوال یافتن، نپذیرفتن، کم شدن (۴) quake: لرزیدن

۱۰. گزینه «۳» متوسط

« سمی که توسط پوست قورباغه تولید می‌شود به قدری مرگبار است که می‌تواند بلافاصله یک پرنده یا میمون را

فلج کند. »

(۱) pungent: تند، زننده (۲) swift: فرزند، چابک، زرنک

(۳) lethal: مرگبار، کُشنده (۴) treacherous: خیانت آمیز، خائن، خطرناک

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

- 1- If we analyze food consumption based on body size, we find that ants eat their full body weight everyday while a whale eats the ----- of only one-thousandth of its body weight each day.
 1) absorption 2) equivalent 3) synonym 4) shortage
- 2- A clown is a similar comic character of pantomime and circus, known by his distinctive makeup and costume, ----- antics, and buffoonery, whose purpose is to induce hearty laughter.
 1) mercenary 2) unconscious 3) audacious 4) ludicrous
- 3- Besides ----- about 40,000 homes, the worst natural disaster in memory destroyed countless businesses and jobs.
 1) coinciding 2) annihilating 3) refurbishing 4) precluding
- 4- Jeff was so ----- in his view that it was impossible to have a rational debate with him.
 1) boisterous 2) substantial 3) intransigent 4) indulgent
- 5- Since Kelly was so -----, we asked her to proofread our group's report.
 1) meticulous 2) frugal 3) impulsive 4) impetuous
- 6- I was so happy when I got the acceptance letter from the University of Tehran that I sprinted home with great ----- to share the good news.
 1) dexterity 2) improvisation 3) alacrity 4) avarice
- 7- Ted ----- any allegations of his involvement in the bank robbery that had just happened.
 1) refuted 2) suspended 3) confessed 4) deduced
- 8- The fact that some fish ----- their offspring illustrates that these fish lack a nurturing instinct.
 1) mitigate 2) devour 3) withdraw 4) pursue
- 9- Because the company was forced to recall the faulty product and stop distribution, it soon had ----- of useless inventory.
 1) a recession 2) a denial 3) an abundance 4) an aptitude
- 10- Walters cannot be sent to jail now; we still have no ----- proof that he was at the scene of the crime.
 1) demonstrative 2) conclusive 3) redundant 4) immaterial
- 11- Lord Astor's racing horses possess speed but not -----; they consistently lead at the start of a race and fall behind at the end.
 1) elation 2) boldness 3) proximity 4) stamina
- 12- The regulations ----- that everything has to comply with the relevant safety.
 1) evoke 2) contribute 3) vow 4) stipulate

۱. گزینه « ۲ » متوسط

« اگر مصرف غذا را بر اساس اندازه بدن تجزیه و تحلیل کنیم، متوجه می‌شویم که مورچه‌ها به اندازه وزن بدن خود هر روز غذا می‌خورند در حالی که یک نهنگ هر روز فقط معادل یک هزارم وزن بدن خود غذا می‌خورد. »

(۱) absorption: جذب، شیفتهگی (۲) equivalent: معادل، هم‌ارز (۳) synonym: مترادف، هم معنی (۴) shortage: کمبود، کسری

۲. گزینه « ۴ » سخت

« دلک شخصیت کمیک مشابه پانتومیم و سیرک است، که با آرایش و لباس متمایز، شوخی‌های مسخره و لودگی شناخته شده است، که هدف او ایجاد خنده‌های از ته قلب است. »

(۱) mercenary: سرباز مزدور، پولکی (۲) unconscious: بیهوش، ناخودآگاه، بی‌خبر (۳) audacious: پر جرأت (۴) ludicrous: مسخره

۳. گزینه « ۲ » متوسط

« علاوه بر نابودی حدود ۴۰,۰۰۰ خانه، بدترین فاجعه طبیعی که به یاد داریم، باعث از بین رفتن کسب و کارها و مشاغل بی‌شماری شد. »

(۱) coincide: همزمان بودن، منطبق شدن (۲) annihilate: نابود کردن (۳) refurbish: بازسازی کردن، بهتر کردن (۴) preclude: مانع شدن

۴. گزینه « ۳ » سخت

« جف از نظر وی چنان کله‌شق بود که بحث منطقی با او غیرممکن بود. »

(۱) boisterous: پر هیاهو (۲) substantial: قابل توجه، زیاد (۳) intransigent: لجباز، لجبازانه، کله‌شق (۴) indulgent: آسان‌گیر، بخشنده

۵. گزینه « ۱ » متوسط

« از آنجا که کلی بسیار دقیق بود، از او خواستیم گزارش گروه ما را غلط‌گیری کند. »

(۱) meticulous: دقیق، وسواسی (۲) frugal: صرفه‌جو، ساده (۳) impulsive: بی‌فکر، بی‌ملاحظه‌گرانه (۴) impetuous: شتاب‌زده

۶. گزینه « ۳ » سخت

« وقتی نامه پذیرش دانشگاه تهران را دریافت کردم آنقدر خوشحال شدم که با اشتیاق فراوان به خانه دویدم تا خبر خوب را به اشتراک بگذارم. »

(۱) dexterity: چابکی، مهارت (۲) improvisation: بداهه‌گویی (۳) alacrity: رغبت، اشتیاق، چابکی (۴) avarice: حرص، طمع

۷. گزینه « ۱ » متوسط

« تد هرگونه ادعای مربوط به دخالت در سرقت از بانک را که به تازگی اتفاق افتاده بود رد کرد. »

(۱) refute: رد کردن، نپذیرفتن (۲) suspend: معلق کردن، محروم کردن (۳) confess: اعتراف کردن، اقرار کردن (۴) deduce: استنباط کردن

۸. گزینه « ۲ » سخت

« این واقعیت که برخی از ماهیان فرزندان خود را می‌بلعند نشان می‌دهد که این ماهیان فاقد غریزه پرورش هستند. »

(۱) mitigate: تسکین دادن، کاهش دادن (۲) devour: بلعیدن (۳) withdraw: خارج کردن پول از حساب، کنار کشیدن (۴) pursue: دنبال کردن

۹. گزینه « ۳ » سخت

« از آنجاکه [آن] شرکت مجبور شد محصول معیوب را فراخواند و توزیع آنرا متوقف کند، خیلی زود تعداد زیادی موجودی بی‌فایده داشت. »

(۱) recession: رکود (اقتصادی) (۲) denial: انکار، بیانیۀ تکذیب (۳) abundance: فراوانی، وفور (۴) aptitude: استعداد یا توانایی ذاتی

۱۰. گزینه « ۲ » متوسط

« والترز الان نمی‌تواند به زندان فرستاده شود؛ ما هنوز هیچ مدرک قطعی مبنی بر اینکه او در صحنه جرم بوده، نداریم. »

(۱) demonstrative: برون‌گرا (۲) conclusive: قطعی (۳) redundant: زائد (۴) immaterial: بی‌ربط، غیرمادی، معنوی

۱۱. گزینه « ۴ » متوسط

« اسب‌های مسابقه لرد آستور سرعت [زیادی] دارند اما استقامت و بُنیه ندارند. آنها در شروع مسابقه به طور مداوم پیشرو هستند و [اما] در پایان عقب می‌مانند. »

(۱) elation: وجد، شادی، شور و شغف (۲) boldness: شجاعت، جرأت (۳) proximity: نزدیکی، مجاورت (۴) stamina: استقامت، بنیه

۱۲. گزینه « ۴ » متوسط

« آیین‌نامه قید می‌کند که همه چیز باید با استانداردهای ایمنی مربوطه مطابقت داشته باشد. »

(۱) evoke: تداعی کردن، برانگیختن (۲) contribute: مشارکت کردن، همکاری کردن، کمک کردن

(۳) vow: قول دادن، متعهد شدن - قول، عهد (۴) stipulate: قید کرد

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

- 1- Branson later admitted that what he had said was false and that he has ----- the whole story.
1) fabricated 2) implemented 3) simulated 4) wondered
- 2- Since he failed his first exam, he has ----- himself in his studies so that such a thing would not happen again.
1) scattered 2) immersed 3) endeavored 4) disseminated
- 3- You may make the decisions you think appropriate, but we hold you ----- all the consequences.
1) rife with 2) indifferent to 3) affable to 4) accountable for
- 4- Nobody who regularly uses the motorway can say they haven't been warned about the dangers of driver -----.
1) thrill 2) fatigue 3) evasion 4) acceleration
- 5- The prime minister cannot go ahead with the plan unless he first manages to obtain the ----- of the parliament.
1) feasibility 2) extravagance 3) endorsement 4) eminence
- 6- Knowledge of medical cures advanced slowly, but deadly plagues no longer ----- huge segments of the population
1) thwarted 2) galvanized 3) exemplified 4) decimated
- 7- Because pasteurization kills bacteria, it is most ----- to offer only pasteurized juices.
1) potent 2) prudent 3) prevailing 4) pacific
- 8- The chemical industry makes a crucial contribution to our health and ----- and to protection of the environment.
1) legitimacy 2) magnitude 3) prosperity 4) recollection
- 9- The youngster ----- without a trace one day and has never been found.
1) vanished 2) uttered 3) receded 4) overlooked
- 10- Reginald bought Sharona a new dress to ----- her for the one he'd spilled his ice cream on.
1) conceal 2) compensate 3) pursue 4) salvage
- 11- Eating more animal foods is one way of boosting the caloric and ----- density of the diet, a shift that appears to have been conducive to human development.
1) nutrient 2) adroit 3) rigid 4) scarce
- 12- Knowing the potential ----- within a child prodigy's world, and how to counter them, can significantly improve each girl and boy's chances for success with their double-edged gifts.
1) knacks 2) merits 3) notions 4) pitfalls

۱. گزینه « ۱ » متوسط

« بعداً برانسون اعتراف کرد که گفته های او دروغ بوده و او کل داستان را از خودش درآورده بود. »

- (۱) fabricate: جعل کردن، ساختن، از خود در آوردن
(۲) implement: اجرا کردن، پیاده سازی کردن
(۳) simulate: شبیه سازی کردن، تظاهر کردن
(۴) wonder: تعجب کردن - تعجب، شگفت

۲. گزینه « ۲ » سخت

« از آنجا که او در اولین امتحان خود ناکام ماند، خود را در مطالعات خود غرق کرده است تا چنین اتفاقی دیگر تکرار نشود. »

- (۱) scatter: پراکنده کردن/شدن (۲) immerse: فروبردن (در مایع)، غرق کردن (۳) endeavor: تلاش کردن (۴) disseminate: منتشر / پخش کردن
۳. گزینه « ۴ » سخت

« شما ممکن است تصمیماتی را بگیرید که فکر می کنید مناسب است، اما ما شما را مسئول همه عواقب آن می دانیم. »

- (۱) rife: پُر، شایع (۲) indifferent: بی تفاوت، متوسط (۳) affable: خوشرو، خوش برخورد (۴) accountable: مسئول، پاسخگو

۴. گزینه « ۴ » متوسط

« هیچ کس که به طور منظم از بزرگراه استفاده می کند نمی تواند بگوید که در مورد خطرات افزایش سرعت راننده هشدار و تذکر دریافت نکرده است. »

- (۱) thrill: هیجان - به هیجان آوردن / آمدن (۲) fatigue: خستگی (۳) evasion: طفره، فرار (۴) acceleration: شتاب، افزایش سرعت
۵. گزینه « ۳ » سخت

« نخست وزیر نمی تواند برنامه را پیش ببرد مگر اینکه ابتدا موفق به گرفتن پشتیبانی مجلس شود. »

- (۱) feasibility: امکان پذیری (۲) extravagance: ولخرجی (۳) endorsement: حمایت، پشتیبانی، پشت نویسی (۴) eminence: شهرت، تپه
۶. گزینه « ۴ » سخت

« دانش در مورد درمان های پزشکی به آرامی پیشرفت می کرد، اما طاعون های مهلک دیگر بخش عظیمی از مردم را نابود نکرد. »

- (۱) thwart: مانع شدن (۲) galvanize: برانگیختن، وا داشتن (۳) exemplify: نمونه بودن، با مثال نشان دادن (۴) decimate: نابود/تخریب کردن
۷. گزینه « ۲ » سخت

« از آنجا که پاستوریزاسیون باعث از بین رفتن باکتریها می شود، فقط ارائه آب میوه های پاستوریزه شده، معقول ترین است. »

- (۱) potent: قوی، نیرومند (۲) prudent: معقول، سنجیده، محتاط (۳) prevailing: شایع، غالب (۴) pacific: آرام، صلح جو
۸. گزینه « ۳ » متوسط

« صنایع شیمیایی سهم بسزایی در سلامت و شکوفایی ما و حفاظت از محیط زیست دارند. »

- (۱) legitimacy: مشروعیت (۲) magnitude: اهمیت، بزرگی (۳) prosperity: رونق، کامیابی، شکوفایی (۴) recollection: خاطره، یادآوری
۹. گزینه « ۱ » متوسط

« [آن] جوان یک روز بدون هیچ ردی ناپدید شد و هرگز پیدا نشده است. »

- (۱) vanish: ناپدید شدن (۲) utter: گفتن، به زبان آوردن، کامل (۳) recede: عقب کشیدن، به عقب رفتن (۴) overlook: چشم پوشی کردن
۱۰. گزینه « ۲ » متوسط

« رجینالد به خاطر ریختن بستنی اش روی لباس شرونا، برای اینکه جبران کند، برای او لباس جدیدی خرید. »

- (۱) conceal: پنهان / مخفی کردن (۲) compensate: جبران کردن، غرامت دادن (۳) pursue: دنبال/تعقیب کردن (۴) salvage: نجات دادن
۱۱. گزینه « ۱ » متوسط

« خوردن غذاهای حیوانی بیشتر، یکی از راه های افزایش کالری و چگالی مواد مغذی در رژیم غذایی است، نوعی تغییر که به نظر می رسد برای رشد انسان مناسب است. »

- (۱) nutrient: مغذی - ماده مغذی (۲) adroit: ماهر، زبردست (۳) rigid: سفت و سخت، جدی (۴) scarce: کمیاب، نادر - به ندرت
۱۲. گزینه « ۴ » سخت

« دانستن مشکلات احتمالی دنیای یک کودک اعجوبه و نحوه مقابله با آنها، می تواند با هدیه های دو لبه (دو کاره) خود، شانس موفقیت هر دختر و پسر را به طور قابل توجهی بهبود بخشد »

- (۱) knack: استعداد، مهارت (۲) merit: مزیت، ویژگی خوب (۳) notion: ایده، عقیده (۴) pitfall: مشکل محتمل، سختی محتمل

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

- 1- All this rumor going around the new manager is baseless and I ----- it all categorically.
 1) conceal 2) annoy 3) refute 4) replace
- 2- A number of notable scholars and writers appeared by 788 and, by the last decade of the eighth century, a cultural revival was in full -----.
 1) commitment 2) indication 3) expertise 4) bloom
- 3- To those captivated by the spell of the free market, nothing seems good or normal that does not ----- with its requirements.
 1) emerge 2) accord 3) endow 4) symbolize
- 4- In my opinion, ancient artifacts are part of our global cultural -----, which should be available for all to appreciate.
 1) curiosity 2) encounter 3) mythology 4) heritage
- 5- To make the business world a fair one, the government is doing whatever it takes to ----- the development of the minority business sector.
 1) accelerate 2) exhibit 3) reconcile 4) uncover
- 6- One of the main points at ----- is that the whole international community wants a peace agreement to be signed as quickly as possible.
 1) issue 2) dawn 3) front 4) summit
- 7- As Mary's academic record was -----, the prestigious university refused to grant admission to her.
 1) imitative 2) complex 3) mediocre 4) thorough
- 8- One ----- of the new pesticide is that it decreases plant fecundity.
 1) debate 2) challenge 3) drawback 4) objection
- 9- He said that developed countries had a responsibility to ----- global economic growth to help new democracies.
 1) intend 2) foster 3) determine 4) compare
- 10- The hypothesis had to be backed up by empirical evidence in order to be considered -----.
 1) deliberate 2) formidable 3) sketchy 4) credible

۱. گزینه «۳» متوسط

« همه این شایعات پیرامون مدیر جدید بی اساس است و من همه آن را کاملاً رد می‌کنم. »

- (۱) conceal: پنهان کردن، مخفی کردن
(۲) annoy: رنجاندن، آزرده کردن
(۳) refute: رد کردن، نپذیرفتن
(۴) replace: جایگزین کردن، عوض کردن

۲. گزینه «۴» سخت

« تعدادی از دانشمندان و نویسندگان برجسته در سال ۷۸۸ ظاهر شدند و در دهه آخر قرن هشتم، یک احیای فرهنگی کاملاً شکوفا شد. »

- (۱) commitment: تعهد
(۲) indication: نشانه، دلالت
(۳) expertise: تخصص، خبرگی
(۴) bloom: شکوفه

۳. گزینه «۲» سخت

« برای کسانی که مجذوب بازار آزاد شده اند، هیچ چیز خوب یا عادی به نظر نمی‌رسد که با شرایط آن همخوانی نداشته باشد. »

- (۱) emerge: پدیدار شدن، بیرون آمدن
(۲) accord: دادن، همخوانی داشتن
(۳) endow: وقف کردن، موهبت بخشیدن
(۴) symbolize: مظهر چیزی بودن

۴. گزینه «۴» متوسط

« به نظر من، آثار باستانی بخشی از میراث فرهنگی جهانی ما هستند که باید در دسترس همگان برای قدردانی باشند. »

- (۱) curiosity: کنجکاوی
(۲) encounter: رویارویی
(۳) mythology: اسطوره‌شناسی، اساطیر
(۴) heritage: میراث

۵. گزینه «۱» سخت

« برای تبدیل دنیای تجارت به جهانی عادلانه، دولت برای سرعت بخشیدن به توسعه بخش تجارت اقلیت، هر کاری را که لازم باشد انجام می‌دهد. »

- (۱) accelerate: سرعت دادن، شتاب گرفتن
(۲) exhibit: به نمایش گذاشتن، ارائه دادن
(۳) reconcile: تطبیق دادن، آشتی دادن
(۴) uncover: کشف کردن، سرپوش برداشتن

۶. گزینه «۱» سخت

« یکی از نکات اصلی موضوع، این است که کل جامعه بین‌المللی خواهان امضای توافقنامه صلح در اسرع وقت هستند. »

- (۱) issue: مسئله، موضوع، نشریه
(۲) dawn: سپیده دم، سحر
(۳) front: جلو، نما، جبهه، کرانه
(۴) summit: قله، اوج، جلسه

۷. گزینه «۳» سخت

« از آنجا که سوابق علمی مری متوسط بود، [آن] دانشگاه معتبر از پذیرش وی خودداری کرد. »

- (۱) imitative: تقلیدی
(۲) complex: پیچیده
(۳) mediocre: متوسط
(۴) thorough: جامع، کامل

۸. گزینه «۳» متوسط

« یک اشکال [این] آفت کش جدید، این است که باعث کاهش باروری گیاه می‌شود. »

- (۱) debate: مناظره
(۲) challenge: چالش
(۳) drawback: اشکال، نقص
(۴) objection: اعتراض، مخالفت

۹. گزینه «۲» سخت

« او گفت که کشورهای پیشرفته وظیفه داشتند رشد اقتصادی جهانی را برای کمک به دموکراسی‌های جدید پرورش دهند (تقویت کنند). »

- (۱) intend: قصد داشتن
(۲) foster: پرورش دادن
(۳) determine: تعیین کردن، مشخص کردن
(۴) compare: مقایسه کردن

۱۰. گزینه «۴» متوسط

« برای اینکه فرضیه، معتبر تلقی شود باید با شواهد تجربی، پشتیبانی می‌شد. »

- (۱) deliberate: عمدی، قصدی
(۲) formidable: مهیب، قوی، دشوار
(۳) sketchy: بدون جزئیات، سطحی
(۴) credible: باورنکردنی

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

- 1- The living conditions of the tenants were certainly ----- when the landlord finally installed washing machines and dryers in the basement.
 1) displayed 2) distinguished 3) illuminated 4) enhanced
- 2- The first few moments after the explosion were pure -----: no one was sure what had happened, and the area was filled with people running and yelling.
 1) reluctance 2) chaos 3) malady 4) prevention
- 3- Of the seven ancient "Wonders of the World," only the pyramids of Egypt are still -- -----.
 1) recollected 2) controversial 3) extant 4) innovated
- 4- The lawyer ----- the contract, searching for any detail that could pose a risk for her client.
 1) reinforced 2) blamed 3) rationalized 4) scrutinized
- 5- The news of the plane crash has not yet been ----- by independent sources.
 1) verified 2) recognized 3) confronted 4) advocated
- 6- Mr. Peterson gave up the world of politics when he was still at the ----- of power, which really surprised everyone.
 1) zenith 2) cross-section 3) nadir 4) velocity
- 7- The committee members were won over to the project by the ----- arguments of the chairman.
 1) wholehearted 2) respectable 3) cogent 4) stubborn
- 8- Although he committed the crime, because he was mentally ill he should not be considered ----- for his actions.
 1) imaginative 2) culpable 3) vindictive 4) illicit
- 9- With difficulty, I could ----- the shape of a whale off the starboard bow, but it was too far away to determine its size or species.
 1) resolve 2) interpret 3) magnify 4) discern
- 10- His strength and ----- in the ring, and his ability to knock out the toughest of fighters, won his fame and acceptance.
 1) affectation 2) coercion 3) dexterity 4) impression

۱. گزینه «۴» متوسط

« وقتی سرانجام صاحبخانه ماشین‌های لباسشویی و خشک‌کن‌ها را در زیرزمین نصب کرد، مطمئناً شرایط زندگی مستأجرها بهتر شده بود. »

- (۱) display: نمایش دادن، نشان دادن
(۲) distinguish: تمیز دادن، تشخیص دادن
(۳) illuminate: روشن کردن، چراغانی کردن
(۴) enhance: بهبود دادن، بهتر کردن

۲. گزینه «۲» متوسط

« لحظات اولیه پس از انفجار، هرج و مرج کامل بود: هیچ‌کس مطمئن نبود که چه اتفاقی افتاده است، و منطقه پر شده بود از مردمی که در حال دویدن و فریاد زدن بودند. »

- (۱) reluctance: بی‌میلی، اکراه (۲) chaos: هرج و مرج (۳) malady: مشکل جدی، بیماری (۴) prevention: جلوگیری، پیش‌گیری

۳. گزینه «۳» سخت

« از هفت "عجایب جهان" باستان، فقط اهرام مصر هنوز باقی مانده‌اند. »

- (۱) recollect: به خاطر آوردن (۲) controversial: بحث‌برانگیز، جنجالی (۳) extant: موجود، باقی (۴) innovate: نوآوری کردن

۴. گزینه «۴» متوسط

« وکیل در جستجوی هرگونه جزئیاتی که می‌تواند خطری برای موکلش باشد، به دقت قرارداد را بررسی کرد. »

- (۱) reinforce: مستحکم کردن، تقویت کردن
(۲) blame: مقصر دانستن، سرزنش کردن
(۳) rationalize: توجیه کردن
(۴) scrutinize: به‌دقت بررسی کردن، موشکافی کردن

۵. گزینه «۱» متوسط

« خبر سقوط هواپیما هنوز توسط منابع مستقل تأیید نشده است. »

- (۱) verify: تأیید کردن، بررسی کردن
(۲) recognize: شناختن، تشخیص دادن، به رسمیت شناختن، تصدیق کردن
(۳) confront: مقابله کردن، رو به رو شدن
(۴) advocate: حمایت کردن، طرفداری کردن

۶. گزینه «۱» متوسط

« آقای پیترسون وقتی هنوز در اوج قدرت بود، دنیای سیاست را رها کرد، که واقعاً همه را متعجب کرد. »

- (۱) zenith: قله، اوج (۲) cross-section: سطح مقطع، نمونه (۳) nadir: قعر، پایین‌ترین حد (۴) velocity: سرعت، تندی

۷. گزینه «۳» سخت

« اعضای کمیته با استدلال‌های متقاعدکننده رئیس، در مورد پروژه مجاب شدند. »

- (۱) wholehearted: یکدل، صمیمانه (۲) respectable: محترم، آبرومند، خوب (۳) cogent: متقاعدکننده (۴) stubborn: لجباز، کله‌شق

۸. گزینه «۲» متوسط

« اگرچه او مرتکب جنایت شده بود، اما به دلیل اینکه از نظر روحی بیمار بود، نباید وی را مقصر دانست. »

- (۱) imaginative: خلاقانه، با قوه تخیل بالا (۲) culpable: مقصر، جنایی (۳) vindictive: کینه‌جو (۴) illicit: قاچاق، نامشروع

۹. گزینه «۴» سخت

« با دشواری می‌توانستم شکل یک نهنگ را از سمت راست جلوی کشتی تشخیص دهم، اما برای تعیین اندازه یا گونه آن، فاصله خیلی زیاد بود. »

- (۱) resolve: حل کردن، جدا کردن، تصمیم گرفتن
(۲) interpret: تفسیر و ترجمه کردن، درک کردن
(۳) magnify: بزرگ کردن، بزرگمایی کردن
(۴) discern: تشخیص دادن، تمیز دادن

۱۰. گزینه «۳» سخت

« قدرت و مهارت او در رینگ، و توانایی او در ناک‌اوت کردن سخت‌ترین مبارزان، شهرت و مقبولیت او را به همراه داشت. »

- (۱) affectation: تظاهر (۲) coercion: اجبار، فشار (۳) dexterity: چابکی، مهارت (۴) impression: تأثیر، احساس، نشان

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

- 1- Before you ----- to the next question, you should take some time to make sure you're happy with your answers so far.
 1) prescribe 2) precede 3) proceed 4) preface
- 2- My first day of babysitting was an absolute -----; the kids spilled food all over the kitchen and they wouldn't listen to anything I had to say.
 1) invasion 2) enigma 3) condemnation 4) fiasco
- 3- We were very unhappy with the ----- way the moving company tossed our boxes into our new house.
 1) haphazard 2) impatient 3) initial 4) neutral
- 4- The author used ----- when he said the dog was "as big as a house."
 1) shortsightedness 2) hyperbole 3) precision 4) pretension
- 5- I never thought you would get so upset about such a ----- matter.
 1) contradictory 2) consistent 3) colloquial 4) trivial
- 6- The police wondered about the man's ----- for committing the crime.
 1) inhibition 2) motive 3) impact 4) inspiration
- 7- While most club members have agreed with the decision, I expect Ricky to ----- -- forcibly.
 1) dissent 2) vanish 3) avoid 4) abate
- 8- "It is my firm -----," said the candidate, "that family farms must receive government help."
 1) speculation 2) safeguard 3) conviction 4) deprivation
- 9- You'll have a better chance of finding that unusual word if you look it up in a/an ----- dictionary.
 1) skilled 2) publicized 3) cultured 4) unabridged
- 10- Because the hikers planned to reunite at 4:00 P.M., they paused to ----- their watches.
 1) illuminate 2) reinforce 3) synchronize 4) chronicle

۱. گزینه «۳» سخت

« قبل از اینکه به سوال بعدی برید، باید کمی وقت بگذارید تا مطمئن شوید تا اینجا از جوابهای خود راضی هستید. »

- (۱) prescribe: تجویز کردن، در نظر گرفتن
(۲) precede: مقدم بودن، زودتر اتفاق افتادن
(۳) proceed: پیش رفتن، ادامه دادن
(۴) preface: مقدمه چینی کردن

۲. گزینه «۴» متوسط

« اولین روز پرستاری کردن من، فاجعه محض بود. بچه‌ها غذا را به سرتاسر آشپزخانه می‌ریختند و به حرف‌های من گوش نمی‌دادند. »

- (۱) invasion: تعرض، هجوم (۲) enigma: چیستان، معما (۳) condemnation: نکوهش، سرزنش (۴) fiasco: ناکامی بزرگ، فاجعه

۳. گزینه «۱» سخت

« ما از نحوه پرت کردن تصادفی جعبه‌هایمان به داخل خانه‌مان توسط [آن] شرکت باربری، بسیار ناراضی بودیم »

- (۱) haphazard: تصادفی، اتفاقی (۲) impatient: بی‌تاب (۳) initial: اولیه، ابتدایی (۴) neutral: بی‌طرف، خنثی، بی‌رنگ

۴. گزینه «۲» متوسط

« نویسنده وقتی گفت سگ "به اندازه یک خانه" بود، از اغراق استفاده کرد. »

- (۱) shortsightedness: نزدیک بینی، کوتاه بینی
(۲) hyperbole: اغراق، لاف
(۳) precision: دقت، صحت
(۴) pretension: وانمود، تظاهر، ادعا

۵. گزینه «۴» متوسط

« من هرگز فکر نمی‌کردم که شما از چنین مسئله جزئی و پیش پا افتاده‌ای انقدر ناراحت شوید. »

- (۱) contradictory: متناقض
(۲) consistent: باثبات، استوار، سازگار، مطابق
(۳) colloquial: محاوره‌ای، غیررسمی
(۴) trivial: ناچیز، جزئی

۶. گزینه «۲» متوسط

« پلیس از انگیزه این مرد برای ارتکاب [آن] جنایت متعجب شد. »

- (۱) inhibition: جلوگیری، منع (۲) motive: انگیزه (۳) impact: اثر، ضربه، اصابت (۴) inspiration: الهام، وحی

۷. گزینه «۱» سخت

« در حالی که اکثر اعضای باشگاه با این تصمیم موافقت کرده‌اند، من انتظار دارم که یکی قاطعانه مخالف باشد. »

- (۱) dissent: مخالف بودن
(۲) vanish: ناپدید شدن
(۳) avoid: اجتناب کردن، پیچوندن، دوری کردن
(۴) abate: فروکش کردن، نشست کردن

۸. گزینه «۳» سخت

« [آن] نامزد گفت: "این عقیده قاطعانه من است که مزارع خانوادگی باید از دولت کمک بگیرند." »

- (۱) speculation: حدس و گمان
(۲) safeguard: قانون امنیتی
(۳) conviction: عقیده، اعتقاد، محکومیت، اطمینان
(۴) deprivation: محرومیت، سلب

۹. گزینه «۴» سخت

« اگر آن‌را در یک دیکشنری کامل و خلاصه نشده جستجو کنید، شانس بیشتری برای یافتن آن کلمه غیر معمول خواهید داشت. »

- (۱) skilled: ماهر، مسلط (۲) publicize: به اطلاع عموم رساندن (۳) cultured: با فرهنگ (۴) unabridged: خلاصه نشده، کامل

۱۰. گزینه «۳» متوسط

« از آنجا که کوهنوردان قصد داشتند در ساعت ۴:۰۰ بعد از ظهر به هم پیوندند، برای همگام‌سازی ساعت‌های خود مکث کردند. »

- (۱) illuminate: روشن کردن (۲) reinforce: مستحکم کردن (۳) synchronize: همگام کردن (۴) chronicle: شرح وقایع دادن

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

- 1- Jane was terribly bored, but she ----- interest so as not to hurt her friend's feelings.
 1) admitted 2) validated 3) endeavored 4) feigned
- 2- Having a ----- knowledge of economics, I did not understand anything out of the speaker's speech.
 1) rudimentary 2) superfluous 3) hazardous 4) clandestine
- 3- In the hands of inexperienced drivers, high-powered cars are actually ----- weapons.
 1) inflexible 2) lethal 3) regretful 4) spontaneous
- 4- The many ----- in the text for sure detract from its real value.
 1) safeguards 2) variables 3) digressions 4) consistencies
- 5- The human brain is well known to differ considerably from the chimpanzee brain in ----- of size, organization and complexity, among other traits.
 1) light 2) regards 3) terms 4) aspect
- 6- Irrigation is essential to most high-yield farming, but many aquifers that supply irrigated crops are being drawn down faster than rain can ----- them.
 1) deplete 2) overcome 3) vanish 4) recharge
- 7- It is a pity that his ----- between the two neighboring countries is well rooted and hard to remove.
 1) misanthropy 2) antipathy 3) urgency 4) vagueness
- 8- Hair that's thick and ----- needs regular trimming.
 1) luxuriant 2) arbitrary 3) excessive 4) fragmented
- 9- Their lack of qualifications ----- them to a lifetime of boring, usually poorly-paid, work.
 1) devoted 2) conveyed 3) condemned 4) captivated
- 10- The ----- of differences among cultures clearly shows that mental health professionals are ill advised to apply their classifications of personality disorders to people from other cultures.
 1) dispersal 2) disarray 3) ignorance 4) multitude

۱. گزینه «۴» متوسط

«چین خیلی حوصله‌اش سر رفته بود، اما وانمود کرد که علاقه [دارد]، تا احساسات دوستش را جریحه دار نکند.»

- (۱) admit: پذیرفتن، اقرار کردن، بستری کردن
(۲) validate: اعتبار دادن، قانونی کردن، تأیید کردن
(۳) endeavor: تلاش کردن
(۴) feign: وانمود کردن

۲. گزینه «۱» متوسط

«من با داشتن دانش ساده و ابتدایی از اقتصاد، از صحبت‌های [آن] سخنران چیزی نفهمیدم.»

- (۱) rudimentary: ساده و ابتدایی، اولیه
(۲) superfluous: غیر ضروری
(۳) hazardous: خطرناک
(۴) clandestine: مخفی، پنهانی

۳. گزینه «۲» متوسط

«در دست رانندگان بی تجربه، اتومبیل‌های با قدرت بالا در واقع سلاح‌های کشنده‌ای هستند.»

- (۱) inflexible: انعطاف‌ناپذیر
(۲) lethal: مرگبار، کشنده
(۳) regretful: پشیمان، متأسف
(۴) spontaneous: خودبه‌خود، خودجوش

۴. گزینه «۳» سخت

«انحرافات فراوان در متن، از ارزش واقعی آن می‌کاهد.»

- (۱) safeguard: قانون امنیتی
(۲) variable: متغیر
(۳) digression: انحراف، گریز
(۴) consistency: ثبات، چگالی

۵. گزینه «۳» سخت

«شناخته شده است که مغز انسان از نظر اندازه، سازمان و پیچیدگی، در بین دیگر صفات، تفاوت قابل توجهی با مغز شامپانزه دارد.»

- (۱) light: نور، چراغ، آتش، فندک
(۲) regard: توجه، احترام
(۳) term: شرایط، اصطلاح، جمله، نیمسال، دوره
(۴) aspect: جنبه، منظر

In terms of: از نظر

۶. گزینه «۴» سخت

«آبیاری برای اکثر مزارع پرمحصول ضروری است، اما بسیاری از سفره‌های آب زیرزمینی که [آب] محصولات آبیاری را تأمین می‌کنند سریعتر از آنکه باران بتواند آن‌ها را دوباره شارژ کند، در حال تخلیه شدن هستند.»

- (۱) deplete: خالی کردن
(۲) overcome: غلبه کردن، چیره شدن
(۳) vanish: ناپدید شدن
(۴) recharge: دوباره شارژ کردن

۷. گزینه «۲» سخت

«حیف است که خصومت او بین دو کشور همسایه، کاملاً ریشه‌ای و حذف آن سخت است.»

- (۱) misanthropy: جامعه/انسان‌گریزی
(۲) antipathy: خصومت، دشمنی
(۳) urgency: فوریت، ضرورت
(۴) vagueness: ابهام

۸. گزینه «۱» متوسط

«موهای ضخیم و خوش‌استایل و قوی نیاز به اصلاح مرتب دارند.»

- (۱) luxuriant: مجلل، لوکس، خوش‌استایل و قوی
(۲) arbitrary: اختیاری، دلبخواهی
(۳) excessive: افراطی، بیش از حد
(۴) fragment: قطعه قطعه کردن

۹. گزینه «۳» متوسط

«فقدان صلاحیت، آنها را به یک عمر کار خسته کننده، معمولاً با درآمد ناچیز محکوم کرد.»

- (۱) devote: وقف کردن، اختصاص دادن
(۲) convey: حامل بودن، بیان کردن، حمل کردن
(۳) condemn: محکوم کردن
(۴) captivate: جلب کردن، مجذوب کردن

۱۰. گزینه «۴» سخت

«اختلافات زیاد در میان فرهنگها به وضوح نشان می‌دهد که به متخصصان بهداشت روان توصیه نمی‌شود که طبقه‌بندی خود از اختلالات شخصیتی را به افراد دیگر فرهنگ‌ها اعمال کنند.»

- (۱) dispersal: پراکندگی، پخش
(۲) disarray: بی‌نظمی
(۳) ignorance: بی‌خبری، جهل
(۴) multitude: تعداد زیاد، جمعیت زیاد، مردم عادی

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

- 1- Being an honest person, she was unwilling to ----- Peter in the swindle he had planned.
1) confirm 2) abet 3) jeopardize 4) impede
- 2- The girl is surrounded by so many possessions that testify to her family's -----.
1) opulence 2) activism 3) propensity 4) elitism
- 3- The physician advised the ----- man to lose weight if he wanted to not be afflicted with different medical complications.
1) craven 2) sturdy 3) immense 4) obese
- 4- Enlightened slave owners were willing to ----- their slaves and thus put an end to the evil.
1) initiate 2) emancipate 3) efface 4) reject
- 5- One of the most striking aspects of Indian cultures was the production of ceremonial costumes and ornaments worn during religious -----.
1) rituals 2) subtleties 3) fashions 4) prefaces
- 6- The Clarks' ----- spending habits have put them in debt.
1) extemporaneous 2) divisive 3) extravagant 4) passionate
- 7- The people who had lost their homes in the fire tried to ----- whatever was salvageable from the ruins of that fire.
1) confront 2) extinguish 3) exclude 4) glean
- 8- The new study will test different doses for safety. And scientists should be able to tell if the antibodies ----- some of Alzheimer's devastating mind robbing symptoms.
1) emerge 2) predict 3) alleviate 4) precede
- 9- Coaches often tell their players that a little nervousness is good because it keeps them on their -----.
1) limbs 2) toes 3) fingers 4) feet
- 10- Without liquids or food, people typically ----- after 10 to 14 days.
1) diminish 2) recede 3) falter 4) perish

۱. گزینه «۲» سخت

« او که فرد صادقی بود، تمایلی به همدستی کردن با پیت در کلاهبرداری‌ای که او برنامه ریزی کرده بود، نداشت. »

- (۱) confirm: تایید کردن، تصدیق کردن
(۲) abet: همدستی کردن، همکاری کردن
(۳) jeopardize: به خطر انداختن
(۴) impede: مانع شدن، جلوگیری کردن

۲. گزینه «۱» متوسط

« [آن] دختر با دارایی‌های زیادی احاطه شده است که تجمل خانواده‌اش را نشان می‌دهد. »

- (۱) opulence: توانگری، شکوه (۲) activism: کنشگری، فعالیت (۳) propensity: میل باطنی، گرایش، تمایل (۴) elitism: نخبه‌گرایی
۳. گزینه «۴» متوسط

« پزشک به [آن] مرد چاق توصیه کرد که اگر می‌خواهد با عوارض مختلف پزشکی درگیر نشود، وزن کم کند. »

- (۱) craven: بزدلانه، بزدل (۲) sturdy: تنومند، قوی هیکل، باثبات (۳) immense: عظیم، هنگفت (۴) obese: چاق
۴. گزینه «۲» سخت

« صاحبان برده‌روشن فکر حاضر بودند بردگان خود را آزاد کنند و بدین ترتیب شرارت را پایان دهند. »

- (۱) initiate: آغاز کردن، وارد کردن
(۲) emancipate: از زیر سلطه خارج کردن، رهایی بخشیدن
(۳) efface: از بین بردن، پاک کردن
(۴) reject: رد کردن، نپذیرفتن

۵. گزینه «۱» متوسط

« یکی از بارزترین جنبه‌های فرهنگ هند، تولید لباس‌های تشریفاتی و زیورآلات پوشیده شده در مراسم مذهبی بود. »

- (۱) ritual: مراسم، تشریفات مذهبی (۲) subtlety: ظرافت، باریک‌بینی (۳) fashion: روش، سبک، مد، رسم معمول (۴) preface: مقدمه
۶. گزینه «۳» متوسط

« عادات‌های خرج کردن گزاف کلارکس، باعث بدهی آنها شده است. »

- (۱) extemporaneous: فی البداهه، بدون آمادگی قبلی (۲) divisive: تفرقه‌انداز
(۳) extravagant: ولخرجانه، زیاده‌روی، گزاف
(۴) passionate: پر شور، احساساتی

۷. گزینه «۴» سخت

« افرادی که خانه‌های خود را در آتش از دست داده بودند سعی کردند هر آنچه که قابل نجات بود را از ویرانه‌های آن

آتش جمع کنند. »

- (۱) confront: مقابله کردن، رو به رو شدن
(۲) extinguish: خاموش کردن، فرونشاندن
(۳) exclude: مستثنی کردن، محروم کردن
(۴) glean: به سختی اطلاعات جمع کردن، خوشه‌چینی کردن

۸. گزینه «۳» سخت

« مطالعه جدید، دوزهای مختلف را برای ایمنی آزمایش می‌کند. و دانشمندان باید بتوانند دریابند که آیا آنتی بادی‌ها

برخی از علائم مخرب ذهنی آلزایمر را کاهش می‌دهند یا خیر. »

- (۱) emerge: پدیدار شدن، بیرون آمدن
(۲) predict: پیش‌بینی کردن
(۳) alleviate: تسکین دادن، کاهش دادن، سبک کردن
(۴) precede: مقدم بودن، زودتر اتفاق افتادن

۹. گزینه «۲» سخت

« مریبان اغلب به بازیکنان خود می‌گویند که کمی عصبی بودن خوب است زیرا آنها را هشیار می‌کند. »

- (۱) limb: دست یا پا، شاخه (۲) toe: پنجه، انگشت پا (۳) finger: انگشت دست (۴) foot: پا

هشیار کردن، کسی را گوش به زنگ کردن: keep somebody on their toes

۱۰. گزینه «۴» متوسط

« بدون مایعات و غذا، افراد معمولاً پس از ۱۰ تا ۱۴ روز، هلاک می‌شوند. »

- (۱) diminish: کم‌ارزش کردن، کم کردن، کم شدن
(۲) recede: عقب کشیدن، به عقب رفتن
(۳) falter: لکنت زبان پیدا کردن، ضعیف شدن
(۴) perish: مردن، هلاک شدن

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

- 1- Your new spokesperson is very ----- and clearly comfortable speaking in front of large audiences.
 1) impatient 2) willful 3) voluble 4) modish
- 2- That ring is made from an ----- of minerals; if it were pure gold it would never hold its shape.
 1) occurrence 2) elaboration 3) intervention 4) amalgam
- 3- Fortunately, the parliament ----- the new law that would prohibit companies from discriminating according to race in their hiring practices.
 1) abridged 2) ratified 3) magnified 4) persuaded
- 4- The teacher did not appreciate the student's ----- and gave him detention.
 1) sarcasm 2) advent 3) blunder 4) reverie
- 5- The police have not yet been able to find the missing child; to all of the searchers, the child's location is still a great -----.
 1) fallacy 2) enigma 3) remorse 4) sympathy
- 6- I really feel sad to say that we are now witnessing environmental destruction on an ----- scale.
 1) implicit 2) inadvertent 3) articulated 4) unprecedented
- 7- Ted was severely ----- by his colleagues for his use of offensive language when addressing the guests.
 1) deviated 2) castigated 3) resigned 4) hardened
- 8- As shrinking military budgets add to economic woes, arms manufacturers are ----- seeking to expand their markets.
 1) nocturnally 2) equivocally 3) indecisively 4) aggressively
- 9- Much to my -----, I should confess that we don't have a good indication that women are actually taking better care of themselves today.
 1) indifference 2) verification 3) chagrin 4) jubilation
- 10- It is to be remembered that living in a ----- country is no guarantee you will necessarily live a long life.
 1) prosperous 2) conceptual 3) conceivable 4) long-winded

۱. گزینه «۳» متوسط

« سخنگوی جدید شما بسیار پر حرف است و به وضوح راحت در مقابل مخاطبان زیاد، صحبت می کند.»

(۱) impatient: بی تاب (۲) willful: خودسر، خودرأی (۳) voluble: پر حرف، روان (۴) modish: شیک، مد روز

۲. گزینه «۴» متوسط

« این حلقه از مخلوط مواد معدنی ساخته شده است. اگر طلای خالص بود، هرگز شکل خود را حفظ نمی کرد.»

(۱) occurrence: رخداد، اتفاق (۲) elaboration: شرح، توضیح با جزئیات (۳) intervention: مداخله (۴) amalgam: ترکیب، مخلوط

۳. گزینه «۲» متوسط

«خوشبختانه، مجلس قانون جدیدی تصویب کرد که شرکت ها را از تبعیض نژادی در شیوه های استخدام منع می کند.»

(۱) abridged: خلاصه شده، مختصر (۲) ratify: تصویب کردن (۳) magnify: بزرگ/بزرگنمایی کردن (۴) persuade: راضی/قانع کردن

۴. گزینه «۱» سخت

« معلم از طعنه [آن] دانش آموز خوشش نیامد و او را [برای مدت کوتاهی در مدرسه] حبس کرد.»

(۱) sarcasm: طعنه، ریشخند (۲) advent: ظهور (۳) blunder: اشتباه (۴) reverie: خیال، عالم رویا

۵. گزینه «۲» متوسط

« پلیس هنوز نتوانسته است کودک گمشده را پیدا کند. برای همه جستجوگران، مکان کودک هنوز هم یک معمای

بزرگ است.»

(۱) fallacy: نقص، تصور غلط (۲) enigma: چیستان، معما (۳) remorse: پشیمانی (۴) sympathy: همدردی

۶. گزینه «۴» متوسط

« من واقعاً ناراحت هستم که می گویم اکنون شاهد تخریب محیط زیست در مقیاسی بی سابقه هستیم »

(۱) implicit: ضمنی، مطلق، غیرمستقیم (۲) inadvertent: ناخواسته، غیرعمدی

(۳) articulate: بیان کردن، واضح گفتن (۴) unprecedented: بی سابقه

۷. گزینه «۲» سخت

« تد به دلیل استفاده از زبان توهین آمیز هنگام صحبت با مهمانان، به شدت توسط همکارانش مورد نقد قرار گرفت.»

(۱) deviate: منحرف شدن (۲) castigate: بشدت نقد کردن، مجازات کردن

(۳) resign: استعفا دادن، کنار آمدن (۴) harden: سخت کردن، خشن کردن، مقاوم شدن

۸. گزینه «۴» سخت

« همزمان با اضافه شدن کاهش بودجه نظامی به گرفتاری های اقتصادی، تولیدکنندگان اسلحه به شدت به دنبال

گسترش بازارهای خود هستند.»

(۱) nocturnal: شبزی، شبانه (۲) equivocal: مبهم

(۳) indecisive: دو دل، نامعین، غیرقطعی (۴) aggressively: به طور خشونت آمیز، به شدت

۹. گزینه «۳» سخت

« گرچه باعث آزرده گی من است، باید اعتراف کنم که ما نشانه خوبی [از این موضوع] نداریم که امروز زنان واقعاً بهتر

از خودشان مراقبت می کنند.»

(۱) indifference: بی تفاوتی (۲) verification: تأیید (۳) chagrin: آزرده گی و ناامیدی (۴) jubilation: شادمانی

۱۰. گزینه «۱» متوسط

« لازم به یادآوری است که زندگی در یک کشور موفق، تضمینی برای لزوماً داشتن یک عمر طولانی نیست.»

(۱) prosperous: کامیاب، موفق (۲) conceptual: مفهومی، ادراکی

(۳) conceivable: قابل تصور، شدنی (۴) long-winded: طولانی و خسته کننده

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

- 1- Since there is a huge ----- between the results of the first and second experiment, the laboratory team will conduct a third test.
1) moderation 2) controversy 3) discrepancy 4) corruption
- 2- The ----- atmosphere in the room was negatively affected by an unexplained outburst of anger by one of those present, and presumably directed against the vice president of the company.
1) cordial 2) susceptible 3) quaint 4) tedious
- 3- If you damage your refrigerator while trying to fix it, you could possibly ----- your warranty and find yourself responsible for all the repair costs.
1) elude 2) nullify 3) manipulate 4) postpone
- 4- A true scientist is not expected to let his ----- compromise his scientific work.
1) recognitions 2) argumentations 3) initiations 4) preconceptions
- 5- The attorney lost his license to practice when it was discovered he often took steps to ----- evidence to keep his clients out of jail.
1) fabricate 2) substantiate 3) purify 4) intimidate
- 6- If there was an award for being -----, my aunt would win because she is always complaining about something.
1) benevolent 2) reticent 3) fanatical 4) querulous
- 7- Because education is not ----- in all countries, there are many children who do not attend school.
1) autonomous 2) flexible 3) compulsory 4) authentic
- 8- Given such animals' rapid ----- in numbers, she did not actually think she would ever get a chance to see one in the wild.
1) execution 2) domination 3) depletion 4) alienation
- 9- He ----- her blank stare as boredom and stopped telling her about his new job.
1) construed 2) detested 3) scrutinized 4) regretted
- 10- The ----- value of a college degree is worth more than the financial cost of obtaining a higher education.
1) arbitrary 2) intrinsic 3) complementary 4) innovative
- 11- Interrogators were reportedly frustrated by their inability to ----- useful information from him.
1) elicit 2) augment 3) extend 4) speculate
- 12- He has got such a ----- memory that even now, at the age of seventy, he can recall the formulate he had studied in his school days.
1) vigilant 2) deft 3) prodigious 4) feasible

۱. گزینه « ۳ » متوسط

« از آنجا که بین نتایج آزمایش اول و دوم اختلاف زیادی وجود دارد، تیم آزمایشگاه، آزمایش سوم را انجام می‌دهد. »
(۱) moderation: اعتدال، میانه‌روی (۲) controversy: جنجال (۳) discrepancy: اختلاف، تفاوت (۴) corruption: فساد، انحراف

۲. گزینه « ۱ » متوسط

« جو صمیمانه اتاق تحت تأثیر انفجار خشم غیر قابل توجیه یکی از حاضران قرار گرفت و احتمالاً علیه معاون رئیس شرکت بود. »
(۱) cordial: صمیمی، دوستانه-آمیوه (۲) susceptible: حساس، تأثیر پذیر (۳) quaint: بشکل عجیبی جذاب (۴) tedious: خسته/کسل کننده

۳. گزینه « ۲ » سخت

« اگر در هنگام تعمیر یخچال خود، به آن آسیب‌بزنید، احتمالاً وارانتهی خود را باطل کرده و خود را مسئول تمام هزینه‌های تعمیر می‌کنید. »
(۱) elude: پیچوندن، دور زدن (۲) nullify: باطل کردن، بی اعتبار کردن
(۳) manipulate: با مهارت انجام دادن، اداره کردن، بازیچه قرار دادن (۴) postpone: عقب انداختن، موکول کردن

۴. گزینه « ۴ » متوسط

« از یک دانشمند واقعی انتظار نمی‌رود که پیش‌داوری‌هایش کار علمی‌اش را به خطر بیندازد. »
(۱) recognition: تشخیص (۲) argumentation: فرآیند استدلال (۳) initiation: پذیرش، راه‌اندازی (۴) preconception: پیش‌داوری، تعصب

۵. گزینه « ۱ » متوسط

« [آن] وکیل، پروانه فعالیت خود را از دست داد، وقتی کشف شد که او معمولاً برای جعل کردن مدارکی برای خارج کردن موکل‌های خود از زندان، قدم‌هایی را برمی‌دارد. »

(۱) fabricate: جعل کردن، ساختن، از خود در آوردن (۲) substantiate: اثبات کردن (۳) purify: تصفیه/پاک کردن (۴) intimidate: ترساندن

۶. گزینه « ۴ » سخت

« اگر جایزه‌ای برای ایرادگیر بودن وجود داشت، عمه من برنده می‌شد زیرا او همیشه از چیزی شکایت دارد. »
(۱) benevolent: خیراندیش، خوش‌دل، مهربانانه (۲) reticent: کم‌حرف، تودار (۳) fanatical: متعصب، متعصبانه (۴) querulous: ایراد گیر

۷. گزینه « ۳ » سخت

« از آنجا که تحصیل در همه کشورها الزامی نیست، بسیاری از کودکان هستند که به مدرسه نمی‌روند. »
(۱) autonomous: خودمختار، مستقل (۲) flexible: انعطاف پذیر (۳) compulsory: الزامی، واجب (۴) authentic: موثق، اصلی

۸. گزینه « ۳ » سخت

« باتوجه‌به کاهش سریع تعداد چنین حیواناتی، او در واقع فکر نمی‌کرد هرگز فرصتی برای دیدن یکی از آن‌ها در حیات وحش پیدا کند. »
(۱) execution: اعدام، اجرا (۲) domination: تسلط، سلطه (۳) depletion: تخلیه، کاهش (۴) alienation: بیگانگی، ناهمبستگی

۹. گزینه « ۱ » متوسط

« او نگاه خالی او را به عنوان بی‌حوصلگی تعبیر کرد و از گفتن در مورد شغل جدیدش به وی امتناع کرد. »
(۱) construe: تعبیر/تفسیر کردن (۲) detest: تنفر داشتن (۳) scrutinize: به دقت بررسی/موشکافی کردن (۴) regret: پشیمان /متأسف بودن

۱۰. گزینه « ۲ » متوسط

« ارزش ذاتی مدرک دانشگاهی بیش از هزینه مالی گرفتن تحصیلات عالی است. »
(۱) arbitrary: اختیاری، دلخواهی (۲) intrinsic: ذاتی، باطنی (۳) complementary: مکمل (۴) innovative: خلاقانه، نوآورانه

۱۱. گزینه « ۱ » متوسط

« بنا به گزارش، بازجویان از ناتوانی در بیرون کشیدن اطلاعات مفید از وی ناامید شدند. »
(۱) elicit: بیرون کشیدن، در پی داشتن (۲) augment: افزایش دادن، زیاد کردن

(۳) extend: تمدید کردن، طول کشیدن، گسترش دادن، توسعه دادن (۴) speculate: حدس زدن

۱۲. گزینه « ۳ » متوسط

« او چنان حافظه حیرت‌آوری دارد که حتی اکنون، در هفتاد سالگی، می‌تواند فرمولی را که در روزهای تحصیلش آموخته بود به یاد بیاورد »

(۲) deft: ماهر، ماهرانه

(۱) vigilant: گوش‌بزرگ، هشیار

(۴) feasible: شدنی، عملی

(۳) prodigious: فوق‌العاده زیاد، فوق‌العاده بزرگ، حیرت‌آور

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

- 1- Although aluminum is not a heavy metal, -----evidence suggests that this substance may be harmful to our health.
1) inundated 2) simulated 3) duplicated 4) accumulated
- 2- Anorexia nervosa, self-induced starvation out of an intense fear of becoming ----- was first described 100 years ago.
1) obese 2) gullible 3) maniac 4) skeptical
- 3- Located between Germany and France and in -----of other European nations, the region known as Alsace has attracted travelers as well as invaders through history.
1) immunity 2) diversity 3) proximity 4) superiority
- 4- The defense attorney was not able to find a witness whose version of the incident -----with that of the accused
1) concurred 2) contended 3) congregated 4) contemplated
- 5- The airplane crash was tragic, killing many people immediately and inflicting injuries on others that would eventually prove -----.
1) hostile 2) stealthy 3) cynical 4) fatal
- 6- The pioneers who lived through the first bitter winters in the rugged wilderness must have had remarkable -----.
1) precision 2) magnificence 3) stamina 4) seclusion
- 7- With -----it is easy to say that they should not have released the man. I wonder how they could ever trust such a person.
1) humility 2) hindrance 3) hindsight 4) homogeneity
- 8- While there are numerous talks and courses that focus on presentation techniques, the best way to ----- presentation skills is through practice and experience.
1) exploit 2) hone 3) divulge 4) curtail
- 9- Although no one was interested in buying Vincent Van Gogh's paintings during his lifetime, they now sell for ----- prices.
1) eccentric 2) equivocal 3) exuberant 4) exorbitant
- 10- The ability of the Wright brothers to analyze a mechanical problem and move toward a solution was apparent from the ----- of their work in aeronautics.
1) outset 2) vigilance 3) foresight 4) charisma
- 11- Mr. Collins was fast becoming an -----member of the office, so they had no choice but to offer him a higher salary to stay on.
1) inadvertent 2) indispensable 3) indomitable 4) incompatible
- 12- The open-minded minister who disagreed with the monarch's views was inevitably ousted and replaced by someone more -----.
1) subservient 2) superfluous 3) sumptuous 4) superficial

۱. گزینه « ۴ » سخت

« اگرچه آلومینیوم یک فلز سنگین نیست، اما شواهد جمع آوری شده نشان می‌دهد که این ماده ممکن است برای سلامتی ما مضر باشد. »
 (۱) inundate: غرق چیزی کردن، پر از آب کردن (۲) simulate: شبیه سازی کردن، تظاهر کردن
 (۳) duplicate: کپی کردن، تکرار کردن - کپی، یکسان - المثنی (۴) accumulate: اندوختن، انباشتن

۲. گزینه « ۱ » متوسط

« بی‌اشتهایی عصبی، گرسنگی اعمال شده توسط خود فرد، از ترس شدید چاق شدن، برای اولین بار ۱۰۰ سال پیش توصیف شد. »
 (۱) obese: چاق (۲) gullible: گاگول، ساده لوح (۳) maniac: آدم دیوانه (۴) skeptical: شک دار، دیرباور، شکاک، شکاکانه

۳. گزینه « ۳ » متوسط

« منطقه‌ای که بین آلمان و فرانسه و در مجاورت سایر کشورهای اروپایی واقع شده است، به آلفاس شناخته شده و در طول تاریخ مسافران و همچنین مهاجمانی را به سمت خود جلب کرده است. »
 (۱) immunity: مصونیت (۲) diversity: تنوع (۳) proximity: نزدیکی، مجاورت (۴) superiority: برتری

۴. گزینه « ۱ » سخت

« وکیل مدافع توانست شاهی را پیدا کند که نسخه حادثه‌اش با متهم هم خوانی داشته باشد. »
 (۱) concur: هم رأی و موافق بودن (۲) contend: رقابت کردن، ادعا کردن (۳) congregate: گرد هم آمدن (۴) contemplate: در نظر گرفتن

۵. گزینه « ۴ » سخت

« سقوط هواپیما غم‌انگیز بود، بلافاصله بسیاری از مردم کشته شدند و به دیگران صدماتی وارد شد که در نهایت [این حادثه] مرگبار بود. »
 (۱) hostile: متخاصم، ضد، خصومت آمیز (۲) stealthy: یواشکی، دزدکی (۳) cynical: بدگمان (۴) fatal: مرگبار، کشنده

۶. گزینه « ۳ » متوسط

« پیشگامانی که اولین زمستان‌های تلخ را در سرزمین دست‌نخورده ناهموار تجربه کردند، باید از استقامت قابل توجهی برخوردار می‌بودند. »
 (۱) precision: دقت، صحت (۲) magnificence: شکوه، عظمت (۳) stamina: استقامت، بنیه (۴) seclusion: انزوا، گوشه نشینی

۷. گزینه « ۳ » سخت

« با واپس‌نگری می‌توان به راحتی گفت که آنها نباید [آن] مرد را آزاد می‌کردند. من تعجب می‌کنم که آنها چگونه می‌توانند به چنین شخصی اعتماد کنند. »
 (۱) humility: تواضع، فروتنی (۲) hindrance: مانع، سد (۳) hindsight: واپس‌نگری، ادراک (۴) homogeneity: همگنی، هم‌جنسی، تجانس

۸. گزینه « ۲ » سخت

« در حالی که سخنرانی‌ها و دوره‌های بی‌شماری وجود دارد که بر روی تکنیک‌های ارائه تمرکز دارند، بهترین راه برای بهتر کردن مهارت‌های ارائه، تمرین و تجربه است. »
 (۱) exploit: بهره برداری کردن، استثمار کردن (۲) hone: بهتر کردن، تیز کردن (۳) divulge: فاش کردن (۴) curtail: محدود کردن، کاهش دادن

۹. گزینه « ۴ » سخت

« گرچه هیچکس علاقه به خرید نقاشی‌های ونسان ون گوگ در دوران زندگی‌اش نداشت، اما اکنون این نقاشی‌ها با قیمت‌های نجومی به فروش می‌رسند. »
 (۱) eccentric: عجیب و غریب، غیرعادی (۲) equivocal: مبهم (۳) exuberant: باحال، سرزنده (۴) exorbitant: زیاد، نجومی

۱۰. گزینه « ۱ » سخت

« توانایی برادران رایت در تجزیه و تحلیل یک مسئله مکانیکی و حرکت به سمت یک راه حل از همان ابتدای کار آنها در هوانوردی مشهود بود. »
 (۱) outset: آغاز، ابتدا (۲) vigilance: هوشیاری، احتیاط (۳) foresight: آینده‌نگری، دوراندیشی (۴) charisma: جاذبه، کاریزما

۱۱. گزینه « ۲ » سخت

« آقای کالینز به سرعت در حال تبدیل شدن به یک عضو ضروری و مهم اداره بود، بنابراین آنها چاره‌ای نداشتند جز اینکه برای ماندن او، دستمزد بالاتری پیشنهاد دهند. »
 (۱) inadvertent: ناخواسته، غیر عمدی (۲) indispensable: ضروری، اساسی (۳) indomitable: راسخ، شجاع (۴) incompatible: ناسازگار

۱۲. گزینه « ۱ » سخت

« وزیر روشن‌فکری که با نظرات سلطان مخالف بود، ناگزیر برکنار شد و شخص چاپلوس‌تری جایگزین وی شد. »
 (۱) subservient: کم‌اهمیت‌تر، چاپلوس (۲) superfluous: غیر ضروری (۳) sumptuous: فاخر، مجلل (۴) superficial: سطحی، ظاهری

PART**A: Vocabulary**

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

- 1- In spite of the considerable effort -----, many questions still remain unanswered, thus justifying continuous research in this field of inquiry.
1) taken 2) wasted 3) invested 4) intended
- 2- The fact that "innovation" is frequently alluded to not only ----- the importance of the topic but also generates much confusion, because its meaning depends strongly on the context in which it is used.
1) highlights 2) circumvents 3) alleges 4) cites
- 3- He was stopped by the police for transgressing the law; he had actually been driving faster than the speed -----.
1) calculation 2) permit 3) monitoring 4) limit
- 4- I thought he was really hurt and became worried but later I realized that he was just ----- it.
1) emerging 2) faking 3) revealing 4) deserving
- 5- Irene's arguments in favor of his client's innocence were so ----- that no jury member could resist them.
1) colloquial 2) enthusiastic 3) cogent 4) competitive
- 6- Believe it or not, laughing is considered to be one of the easiest ----- exercises that can cure many diseases.
1) transparent 2) benevolent 3) provocative 4) therapeutic
- 7- While Alex is very spendthrift and spends money recklessly, his brother Stew is quite ----- and spends only when it is necessary.
1) thrifty 2) assiduous 3) gregarious 4) grumpy
- 8- Chronic illness can ----- people in hospital. But what if they could access all the care they needed at home in virtual wards?
1) suffer 2) necessitate 3) trap 4) involve
- 9- The underlying message of the film is that love can transcend all -----.
1) impacts 2) barriers 3) analogies 4) interjections
- 10- It is no use arguing over such a trifling matter; instead we should discuss the matters of importance and -----.
1) pragmatism 2) facility 3) priority 4) jeopardy

۱. گزینه «۳» خیلی سخت

« علیرغم تلاش قابل توجهی که صرف شد، بسیاری از سؤالات هنوز هم بی پاسخ مانده اند، بنابراین تحقیقات مداوم در این زمینه پرس و جویی را توجیه می کنند. »

(۱) take : برداشتن، گرفتن، بردن (۲) waste : هدر دادن (۳) invest : سرمایه گذاری کردن، صرف کردن (۴) intend : قصد داشتن
* گزینه ۱ هم چندان غلط نیست. اما گزینه ۳ صحیح تره.

۲. گزینه «۱» متوسط

« [این] واقعیت که "نوآوری" مکرراً مورد اشاره قرار می گیرد نه تنها اهمیت [این] موضوع را برجسته می کند بلکه باعث سردرگمی زیادی نیز می شود، زیرا معنای آن بشدت به متنی که در آن استفاده می شود بستگی دارد. »
(۱) highlight : برجسته کردن (۲) circumvent : دور زدن، پیچوندن (۳) allege : ادعا/ اظهار کردن (۴) cite : ذکر/ احضار کردن

۳. گزینه «۴» آسان

« او به دلیل نقض قانون توسط پلیس متوقف شد. او در واقع سریعتر از حد [مجاز] سرعت، در حال رانندگی بود. »
(۱) calculation : محاسبه، محاسبات (۲) permit : مجوز (۳) monitoring : کنترل، رصد، دیده بانی (۴) limit : حد

۴. گزینه «۲» آسان

« فکر کردم او واقعاً صدمه دید و مضطرب شد، اما بعداً فهمیدم که او فقط داره وانمود میکنه. »
(۱) emerge : پدیدار شدن (۲) fake : جعل/ وانمود کردن (۳) reveal : فاش/ آشکار کردن (۴) deserve : سزاوار بودن

۵. گزینه «۳» متوسط

« استدلال های آیرین به نفع بی گناهی موکلش، چنان متقاعد کننده بود که هیچ عضو هیئت منصفه، نتوانست در برابر آنها مقاومت کند. »
(۱) colloquial : محاوره ای، غیررسمی (۲) enthusiastic : مشتاق، علاقمند (۳) cogent : متقاعد کننده (۴) competitive : رقابتی

۶. گزینه «۴» آسان

« باور کنید یا نکنید، خندیدن یکی از ساده ترین تمرینات درمانی است که می تواند بسیاری از بیماری ها را درمان کند. »
(۱) transparent : شفاف (۲) benevolent : خیر اندیش، خوش دل، مهربانانه (۳) provocative : تحریک کننده (۴) therapeutic : درمانی، آرامش بخش

۷. گزینه «۱» متوسط

« در حالی که الکس بسیار ولخرج است و با بی ملاحظگی پول خرج می کند، برادرش استیو، بسیار مقتصد است و فقط در مواقع ضروری [پول] خرج می کند. »
(۱) thrifty : مقتصد، صرفه جو (۲) assiduous : سخت کوش (۳) gregarious : اجتماعی، خونگرم (۴) grumpy : بدخلق، ترشو

۸. گزینه «۳» متوسط

« بیماری مزمن می تواند افرادی [که] در بیمارستان [هستند] را به دام بیندازد. اما اگر آنها بتوانند به تمام مراقبت های لازم، در خانه در بخش های مجازی دسترسی پیدا کنند، چه؟ »
(۱) suffer : رنج بردن، متحمل شدن (۲) necessitate : مستلزم بودن، ضروری کردن (۳) trap : به دام انداختن (۴) involve : شامل شدن/ بودن

۹. گزینه «۲» متوسط

« پیام اساسی فیلم این است که عشق می تواند از همه موانع فراتر رفته و سبقت بگیرد. »
(۱) impact : اثر، ضربه، اصابت (۲) barrier : مانع، سد (۳) analogy : شباهت، مقایسه، قیاس (۴) interjection : حرف ندا

۱۰. گزینه «۳» متوسط

« بحث کردن بر سر چنین موضوع ناچیزی، بی فایده است. در عوض ما باید در مورد موضوعات با اهمیت و دارای اولویت، بحث کنیم. »
(۱) pragmatism : واقع بینی، عمل گرایی (۲) facility : تجهیز، امکان (۳) priority : اولویت، حق تقدم (۴) jeopardy : خطر

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

- 1- This evening's meeting is one in which important issues would be discussed; your attendance is -----.
 1) obligatory 2) didactic 3) relevant 4) explicit
- 2- After a long ----- between the former husband and wife over the custody of the child, the court finally decided to grant the custody to the mother.
 1) contradiction 2) cruelty 3) squabble 4) hesitation
- 3- In Australia, animals are reared on crop residue. Without the animals, these residues would have to be ----- by other means before another crop can be grown- often by burning.
 1) deprived of 2) disposed of 3) resorted to 4) alluded to
- 4- Unable to ----- the tyrannical rules and regulations at the hostel, young Vivian thought of escaping in the dark of the night.
 1) scold 2) acclaim 3) bear 4) treat
- 5- Why do some animals, such as humans ----- to sleep, whereas others, such as elephants and giraffes, stand?
 1) require 2) snore 3) set up 4) lie down
- 6- With sixteen victories in a row, the Australian cricket team was looking quite unassailable, but they were finally ----- at the hands of the Indians.
 1) dispersed 2) vanquished 3) confronted 4) disregarded
- 7- The salesboy tried to persuade the old man to buy goods from him, but had to give up when the old man told him ----- that he would not buy anything from him.
 1) arbitrarily 2) haphazardly 3) unequivocally 4) necessarily
- 8- But he had become ----- to the rush and whirr of missiles, and now paid no heed whatever to them.
 1) inured 2) rendered 3) constrained 4) affirmed
- 9- The judge openly associated with racist organizations; nevertheless, he showed no -- ----- in his decisions during his career.
 1) uniqueness 2) dexterity 3) gratitude 4) prejudice
- 10- I don't have any explanation for his ----- behavior at last night's party, though I'm sure that he is quite apologetic about it.
 1) credible 2) resolute 3) distinct 4) bizarre

۱. گزینه «۱» آسان

« جلسه عصر امروز جلسه‌ای است که در آن موضوعات مهم مورد بحث قرار می‌گیرد. حضور شما الزامی است. »
 (۱) obligatory: الزامی، واجب (۲) didactic: تعلیمی، آموزشی (۳) relevant: مربوط، مرتبط (۴) explicit: صریح، واضح، روشن

۲. گزینه «۳» متوسط

« پس از جدال و نزاع طولانی بین زن و شوهر سابق بر سر حضانت فرزند، سرانجام دادگاه تصمیم گرفت که حضانت را به مادر اعطا کند. »

(۱) contradiction: تناقض، مخالفت (۲) cruelty: ظلم، خشونت (۳) squabble: داد و بیداد، نزاع (۴) hesitation: تردید، درنگ

۳. گزینه «۲» سخت

« در استرالیا حیوانات با پسماند محصولات پرورش می‌یابند. بدون حیوانات، این پسماندها قبل از رشد محصول دیگر، غالباً با سوزاندن، باید با روش‌های دیگر دفع شوند. »

(۱) deprive: سلب و محروم کردن (۲) dispose: مرتب/ دفع کردن، خلاص شدن (۳) resort: متوسل شدن (۴) allude: اشاره کردن

۴. گزینه «۳» متوسط

« ویویان جوان [که] قادر به تحمل قوانین و مقررات استبدادی در پانسیون (خوابگاه) نبود، فکر کرد که در تاریکی شب فرار کند. »

(۱) scold: سرزنش کردن، بدحرفی کردن (۲) acclaim: ستایش کردن، تمجید کردن

(۳) bear: تحمل کردن، نگه داشتن، پذیرفتن، داشتن (۴) treat: درمان کردن، رفتار کردن

۵. گزینه «۴» آسان

« چرا بعضی از حیوانات مانند انسان، برای خوابیدن دراز می‌کشند، در حالی که برخی دیگر مانند فیل‌ها و زرافه‌ها ایستاده [می‌خوابند]؟ »

(۱) require: نیاز داشتن (۲) snore: خروپف کردن (۳) set up: راه‌انداختن، مرتب کردن (۴) lie down: دراز کشیدن، استراحت کردن

۶. گزینه «۲» آسان

« تیم کریکت استرالیایی با شانزده پیروزی پیاپی، کاملاً شکست ناپذیر بود، اما در نهایت آن‌ها به دست هندی‌ها شکست خوردند. »

(۱) disperse: پراکنده کردن (۲) vanquish: شکست دادن (۳) confront: مقابله کردن، رو به‌رو شدن (۴) disregard: نادیده گرفتن

۷. گزینه «۳» متوسط

« پسر فروشنده سعی کرد [آن] پیرمرد را ترغیب کند که از او کالایی بخرد، اما وقتی پیرمرد صریحاً به او گفت که از او چیزی نمی‌خرد، باید تسلیم می‌شد. »

(۱) arbitrarily: به صورت اختیاری و دلخواهی (۲) haphazardly: به صورت پراکنده

(۳) unequivocally: به صورت واضح، صریحاً (۴) necessarily: ضرورتاً

۸. گزینه «۱» سخت

« اما او به شلوغی و صدای غرغر موشک‌ها عادت کرده بود، و اکنون هیچ توجهی به آنها نکرد. »

(۱) inure: عادت دادن (۲) render: ارائه کردن، باعث شدن (۳) constrain: محدود/ منحصر کردن (۴) affirm: تایید/ اظهار کردن

۹. گزینه «۴» آسان

« [آن] قاضی آشکارا با سازمان‌های نژادپرستانه ارتباط داشت. با این وجود، او هیچ تبعیضی در تصمیمات خود در طول زندگی شغلی خود، نشان نداد. »

(۱) uniqueness: یکتایی، یگانگی (۲) dexterity: چابکی، مهارت (۳) gratitude: تشکر، سپاسگزاری (۴) prejudice: تبعیض

۱۰. گزینه «۴» آسان

« هیچ توضیحی در مورد رفتار عجیب او در مهمانی دیشب ندارم، اگرچه مطمئن هستم که او کاملاً راجع به آن [رفتار] شرم‌منده است. »

(۱) credible: باورکردنی، قابل اعتماد (۲) resolute: مصمم، قاطع (۳) distinct: مجزا، متمایز (۴) bizarre: عجیب و غریب

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

- 1- That ----- car has none of the features, like power windows and steering, that make modern cars so great.
1) antiquated 2) superficial 3) aesthetic 4) hazardous
- 2- With several agencies regulating the reports, it was difficult for the accused to argue against its -----.
1) infamy 2) relevance 3) veracity 4) anticipation
- 3- Since Jack did not want a speeding ticket, he tried to ----- the police officer by giving her a compliment.
1) convict 2) appease 3) reinforce 4) escape
- 4- Trudy studied harder, but there was only ----- improvement in her grades, so she agreed to get a tutor.
1) marginal 2) commonplace 3) monotonous 4) unbearable
- 5- Living apes - chimpanzees, gorillas, orangutans, gibbons and siamangs - and humans share a constellation of ----- that set them apart from other primates.
1) demands 2) certainties 3) disciplines 4) traits
- 6- Have you ever noticed how a coin at the bottom of a swimming pool seems to wobble? This occurs because the water in the pool bends the path of light ----- from the coin.
1) generated 2) recognized 3) reflected 4) differentiated
- 7- Publicity available Web services (e.g. Google, InfoSeek, Northernlight and AltaVista) ----- various techniques to speed up and refine their searches.
1) specify 2) capture 3) determine 4) employ
- 8- Owing to the protests of the Dominicans and other regulars, the book was prohibited in 1760, but the second part was issued ----- in 1768.
1) meticulously 2) surreptitiously 3) profoundly 4) recklessly
- 9- While admissions offices do admit many students with similar profiles, a college is still a/ an ----- and diverse community.
1) mundane 2) controversial 3) anonymous 4) heterogeneous
- 10- Despite the security, the thief's ability to break into the museum without being caught remains an ----- to the police.
1) infection 2) enigma 3) illusion 4) authorization

۱. گزینه «۱» متوسط

« آن اتومبیل قدیمی و منسوخ، هیچ کدام از ویژگی ها که باعث می شود ماشین های مدرن بسیار عالی باشند، مانند شیشه های برقی و فرمان خودکار را ندارد. »

(۱) antiquated: کهنه، منسوخ (۲) superficial: سطحی، ظاهری (۳) aesthetic: وابسته به زیبایی (۴) hazardous: خطرناک

۲. گزینه «۳» متوسط

«[با وجود] چند دفتر نمایندگی [که] در حال تنظیم گزارشها [بودند]، برای متهم، استدلال کردن علیه صحت آن [گزارش]، سخت بود.»

(۱) infamy: بدنامی، ننگ (۲) relevance: ارتباط، ربط (۳) veracity: صحت، درستی (۴) anticipation: انتظار، پیش بینی

۳. گزینه «۲» متوسط

«از آنجاکه جک نمیخواست به خاطر سرعت غیرمجاز جریمه بشه، سعی کرد با تعریف کردن از [آن] مأمور پلیس، او را آرام کند.»

(۱) convict: محکوم کردن (۲) appease: آرام / دلجویی کردن (۳) reinforce: مستحکم / تقویت کردن (۴) escape: فرار کردن

جریمه سرعت غیر مجاز: speeding ticket

۴. گزینه «۱» متوسط

« ترویدی سخت تر (بیشتر) درس می خواند، اما در نمرات او فقط پیشرفت جزئی وجود داشت، بنابراین موافقت کرد

که یک مدرس (معلم خصوصی) بگیرد. »

(۱) marginal: حاشیه ای، جزئی (۲) commonplace: پیش پا افتاده (۳) monotonous: کسل کننده (۴) unbearable: غیر قابل تحمل

۵. گزینه «۴» متوسط

« میمون های زنده - شامپانزه ها، گوریل ها، اورانگوتان ها، گیبون ها و سیامانگ ها - و انسانها دارای گروهی از

صفات و ویژگی ها هستند که آنها را از سایر راسته پستانداران نخستین، جدا می کند. »

(۱) demand: تقاضا (۲) certainty: اطمینان (۳) discipline: نظم (۴) trait: ویژگی، خاصیت

۶. گزینه «۳» متوسط

« آیا تا به حال متوجه شده اید که چگونه یک سکه در انتهای یک استخر شنا، نوسان می کند؟ این امر به این دلیل

رخ می دهد که آب استخر، مسیر نوری که از سکه منعکس می شود را کج و خم می کند. »

(۱) generate: تولید کردن (۲) recognize: تشخیص دادن (۳) reflect: منعکس / فکر کردن (۴) differentiate: تشخیص دادن

۷. گزینه «۴» متوسط

« خدمات وب در دسترس عمومی، (به عنوان مثال Google، Northernlight، InfoSeek و AltaVista) تکنیک

های مختلفی را برای سرعت بخشیدن و بهبود جستجوهای خود، به کار می گیرند. »

(۱) specify: تعیین کردن (۲) capture: گرفتن (۳) determine: تعیین کردن (۴) employ: استخدام / مشغول کردن، بکار گرفتن

۸. گزینه «۲» سخت

« به دلیل اعتراضات دومینیکن ها و دیگر مشتری ها، [این] کتاب در سال ۱۷۶۰ ممنوع شد، اما بخش دوم در سال

۱۷۶۸ به صورت دزدکی و مخفیانه منتشر شد. »

(۱) meticulous: دقیق، وسواسی (۲) surreptitious: پواشکی (۳) profound: ژرف، عمیق (۴) reckless: بی ملاحظه گرانه

مشتریان یا اعضای که به طور منظم و ثابت به یک فروشگاه، مغازه و... می روند: regulars

۹. گزینه «۴» متوسط

« در حالیکه دفاتر پذیرش، دانشجویان زیادی را با پروفایل های مشابه پذیرش می کنن، کالج هنوزم یک انجمن ناهمگون و متفاوته.»

(۱) mundane: خسته کننده، دنیوی (۲) controversial: بحث برانگیز

(۳) anonymous: بی نام و نشان (۴) heterogeneous: ناهمگون، نامتجانس

۱۰. گزینه «۲» متوسط

« علیرغم امنیت، توانایی سارق برای ورود به موزه، بدون اینکه دستگیر شود، برای پلیس یک معما باقی مانده است. »

(۱) infection: عفونت، سرایت (۲) enigma: چیستان، معما (۳) illusion: توهم، خیال باطل (۴) authorization: مجوز، اجازه

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

- 1- With the pace of life in Indian metros getting faster by the day, many of the old Indian traditions have fallen into ----- and are no longer practiced.
1) indifference 2) equilibrium 3) abeyance 4) annoyance
- 2- We thought he was reliable till we realized that he had given us a ----- address.
1) dishonest 2) fake 3) skeptical 4) vulnerable
- 3- His expression was gloomy at every game; I don't think I saw him smile even when his team ----- a hundred points.
1) scored 2) connected 3) achieved 4) displayed
- 4- The approaching rain gave us a ----- excuse to escape the boring party.
1) harmless 2) monotonous 3) secret 4) plausible
- 5- The relationship between the earthworm and the garden is -----: the garden provides a home for the earthworm, while the earthworm provides manure for the garden and keeps it fertile.
1) impractical 2) symbiotic 3) latent 4) paradoxical
- 6- When it was discovered that he had been operating as a spy, he was badly ----- in the press as being a traitor.
1) incorporated 2) censured 3) concerned 4) constrained
- 7- Contemporary research into the origins of DeLong culture indicates that a hunter-gatherer society was established about 2,000 years earlier than was ----- thought.
1) similarly 2) sufficiently 3) previously 4) accurately
- 8- An attempt was made to ignore this brilliant and irregular book, but in -----; it was read all over Europe.
1) jeopardy 2) chaos 3) contempt 4) vain
- 9- He strictly warned him that if he did not take the medicine in time, the pain would not -----.
1) subside 2) degrade 3) avoid 4) collapse
- 10- To reduce -----, the company will no longer mail monthly paper statements to those with access to online statements.
1) fright 2) hesitation 3) conflict 4) waste

۱. گزینه «۳» متوسط

« با سرعت زندگی در متروهای هند [که] روز به روز سریعتر می شود (با رشد روز افزون تکنولوژی و سرعت متروها)، بسیاری از سنت‌ها [و وسیله‌های] قدیمی هندی به حالت تعلیق در آمده‌اند و دیگر مورد استفاده قرار نمی‌گیرند. »
(۱) indifference: بی تفاوتی (۲) equilibrium: تعادل، آرامش (۳) abeyance: تعلیق، بی‌تکلیفی (۴) annoyance: رنجش

۲. گزینه «۲» آسان

« فکر کردیم که او قابل اعتماد است، تا آنکه فهمیدیم که او به ما یک آدرس جعلی داده است. »
(۱) dishonest: دغل، نادرست، بی شرف (۲) fake: جعلی (۳) skeptical: دیرباور، شکاک، شکاکانه (۴) vulnerable: آسیب پذیر

۳. گزینه «۱» سخت

« بیان او در هر بازی دلگیر و ناراحت کننده بود. فکر نمی‌کنم حتی وقتی تیمش صد امتیاز کسب کرده بود لبخند زده باشد. »
(۱) score: گل زدن، امتیاز کسب کردن (۲) connect: وصل کردن، متصل شدن
(۳) achieve: دست یافتن، رسیدن، موفقیت کسب کردن (۴) display: نمایش دادن، نشان دادن

۴. گزینه «۴» آسان

« باران نزدیک شونده، یک بهانه پذیرفتنی برای فرار از [آن] مهمانی خسته‌کننده، به ما داد. »
(۱) harmless: بی ضرر، بی خطر (۲) monotonous: کسل کننده (۳) secret: پنهانی، محرمانه (۴) plausible: پذیرفتنی

۵. گزینه «۲» متوسط

« رابطه بین کرم خاکی و باغچه به صورت همزیستی است که باغ خانه ای برای کرم خاکی فراهم می کند، در حالی که کرم خاکی کود باغ را فراهم می کند و آن را بارور و حاصلخیز می کند. »
(۱) impractical: غیرعملی (۲) symbiotic: همزیستی (۳) latent: نهفته، پنهان (۴) paradoxical: متناقض، پر از پارادوکس
کود حیوانی: manure

۶. گزینه «۲» متوسط

« هنگامی که مشخص شد که او بعنوان جاسوس کار می کرده است، در مطبوعات بعنوان یک خائن، به سختی مورد انتقاد قرار گرفت. »

(۱) incorporate: گنجانیدن، تأسیس کردن (۲) censure: انتقاد کردن
(۳) concern: نگران / درگیر کردن، مربوط بودن (۴) constrain: محدود / منحصر کردن

۷. گزینه «۳» متوسط

« تحقیقات اخیر (معاصر)، در مورد منشأ فرهنگ DeLong نشان می دهد که یک جامعه عشایری شکارچی در حدود ۲۰۰۰ سال زودتر از آنچه قبلاً تصور می شد تأسیس شده است. »
(۱) similarly: به طور مشابه (۲) sufficiently: بقدر کافی (۳) previously: سابقاً، قبلاً (۴) accurately: به درستی، به دقت
کسی که معمولاً با شکار حیوانات، ماهی گیری، خوردن گیاهان و... زندگی می کند: hunter-gatherer

۸. گزینه «۴» آسان

« تلاش شد که این کتاب درخشان و غیرمعمولی نادیده گرفته شود، اما [آن تلاش] بیهوده [بود]؛ [کتاب] در سراسر اروپا خوانده شد. »

(۱) jeopardy: خطر (۲) chaos: هرج و مرج (۳) contempt: تحقیر، اهانت (۴) vain: بیهوده، عبث، خودشیفته

۹. گزینه «۱» آسان

« او به شدت بهش هشدار داد که اگر به موقع [آن] دارو را نخورد، درد فروکش نمی کند. »
(۱) subside: فروکش / نشست کردن (۲) degrade: تنزل دادن (۳) avoid: اجتناب کردن، پیچوندن (۴) collapse: متلاشی شدن

۱۰. گزینه «۴» آسان

« برای کاهش ضایعات، شرکت، اظهارنامه های ماهانه را دیگر به کسانی که دسترسی به اظهارات آنلاین دارند ارسال نخواهد کرد. »
(۱) fright: ترس (۲) hesitation: تردید، درنگ (۳) conflict: مغایرت، کشمکش، جنگ، ناسازگاری (۴) waste: اتلاف، ضایعات

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

- 1- I preferred a definite answer, but my boss kept ----- between the distinct options available to us.
1) fluctuating 2) assessing 3) vacillating 4) diverging
- 2- The students were ----- and weary after the history examination, which was tough as well as lengthy.
1) resilient 2) outgoing 3) exhaustive 4) enervated
- 3- The judge's ruling was on the simple commonsense ----- that no man is above the law.
1) tenet 2) privilege 3) acclaim 4) endeavor
- 4- The spokesperson made such a/an ----- statement that no one, including the members of his own party, could understand it.
1) somber 2) opaque 3) credulous 4) emphatic
- 5- He is a real sycophant today; you will often see him flattering his boss; and the ----- behind all this is to get a promotion.
1) motive 2) lucidity 3) causality 4) domination
- 6- The scheme's investors, fearful of bankruptcy, decided to ----- the project and start a new venture.
1) discomfit 2) exacerbate 3) disappoint 4) abandon
- 7- Some company managers are asking for reforms but others have been ----- defenders of the status quo.
1) regrettable 2) obdurate 3) indifferent 4) haphazard
- 8- Some of the best linguists were strict schoolmasters accustomed to give top marks only to those boys who presented ----- accurate translations.
1) willingly 2) adroitly 3) meticulously 4) anxiously
- 9- A violent temper, which he made no attempt to control or -----, led him into trouble with his superiors.
1) abolish 2) conceal 3) encourage 4) elevate
- 10- Any time he comes across evidence that is not in harmony with his claim, he tends to ----- it to make it match his claim.
1) verify 2) preserve 3) entail 4) tailor
- 11- Under Pericles, Athens also attained her greatest measure of commercial -----, and the activity of her traders all over the Levant, the Black Sea and the West, is attested not only by literary authority, but also by numerous Attic coins and vases.
1) beneficiary 2) originality 3) heredity 4) prosperity
- 12- I am now losing my trust in you because what you said yesterday is not ----- what you are suggesting now.
1) consistent with 2) peripheral to 3) heedless of 4) extraneous to

۱. گزینه «۳» سخت

« یک جواب قطعی را ترجیح می‌دادم، اما رئیس بین گزینه‌های متمایز در دسترس ما، همچنان مردد بود. »

- (۱) fluctuate: نوسان داشتن
(۲) assess: ارزیابی کردن، سنجیدن
(۳) vacillate: مردد بودن، نوسان داشتن
(۴) diverge: از هم دور شدن، انشعاب یافتن، واگرایییدن

۲. گزینه «۴» سخت

« دانش‌آموزان پس از بررسی تاریخ، که سخت و همچنین طولانی بود، بی‌حال و خسته بودند. »

- (۱) resilient: سرسخت، انعطاف‌پذیر
(۲) outgoing: اجتماعی، بیرون‌رونده، خروجی
(۳) exhaustive: جامع و کامل
(۴) enervated: ناتوان، بی‌حال

۳. گزینه «۱» سخت

« رأی قاضی بر مبنای [این] اصل عاقلانه ساده بود که هیچ کس بالاتر از قانون نیست. »

- (۱) tenet: اصل، عقیده
(۲) privilege: امتیاز، حق ویژه
(۳) acclaim: ستایش، تمجید
(۴) endeavor: تلاش

۴. گزینه «۲» سخت

« سخنگو چنان اظهار نظر مبهمی کرد که هیچ کس، از جمله اعضای حزب خودش، متوجه آن نشد. »

- (۱) somber: تیره و تار، ناراحت، غمگینانه
(۲) opaque: مات و کدر، مبهم و غیرشفاف
(۳) credulous: ساده لوح، گاهول، ساده لوح
(۴) emphatic: مؤکد، تأکیدی، قاطع، محکم

۵. گزینه «۱» متوسط

« او امروز واقعاً چالپوس است. اغلب او را خواهید دید که چالپوسی رئیسش را می‌کند. و انگیزه پشت همه این‌ها ترفیع گرفتن است. »

- (۱) motive: انگیزه
(۲) lucidity: وضوح، شفافیت
(۳) causality: علیت، خاصیت سببی
(۴) domination: سلطه، تسلط

۶. گزینه «۴» متوسط

« سرمایه‌گذاران [این] طرح، از ترس ورشکستگی، تصمیم به ترک پروژه و آغاز یک سرمایه‌گذاری جدید گرفتند. »

- (۱) discomfit: شرمند کردن، ناراحت کردن
(۲) exacerbate: بدتر کردن
(۳) disappoint: ناامید / دلسرد کردن
(۴) abandon: ترک کردن، رها کردن

۷. گزینه «۲» سخت

« برخی از مدیران شرکت خواستار اصلاحات هستند اما برخی دیگر مدافعان کله‌شق وضع موجود هستند. »

- (۱) regrettable: تأسف‌بار
(۲) obdurate: لجباز، کله‌شق
(۳) indifferent: بی تفاوت، متوسط
(۴) haphazard: تصادفی، اتفاقی

۸. گزینه «۳» سخت

« بعضی از بهترین زبان‌شناسان، استادان سختگیر مدرسه بودند که عادت داشتند فقط به پسرانی که ترجمه‌هایی با نهایت

دقت ارائه می‌دادند، نمرات برتر و عالی بدهند. »

- (۱) willing: مایل، حاضر
(۲) adroit: ماهر، زبردست
(۳) meticulous: دقیق، وسواسی
(۴) anxious: نگران، نگران‌کننده، مشتاق

۹. گزینه «۲» سخت

« خلق و خوی خشن، که او هیچ تلاشی برای کنترل یا پنهان [آن] نکرد، او را با مافوق‌های خود به مشکل انداخت. »

- (۱) abolish: لغو / منسوخ کردن
(۲) conceal: پنهان کردن
(۳) encourage: تشویق کردن
(۴) elevate: بالا بردن، ترفیع‌دادن، زیاد کردن

۱۰. گزینه «۴» سخت

« هر وقت شواهدی پیدا می‌کند که با ادعای او هماهنگ نیست، تمایل دارد آن را متناسب کند تا با ادعایش سازگار شود. »

- (۱) verify: تأیید / بررسی کردن
(۲) preserve: نگهداری / حفظ کردن
(۳) entail: متضمن بودن، مستلزم / شامل بودن
(۴) tailor: متناسب کردن

۱۱. گزینه «۴» سخت

« در زمان پریکلس، آتن همچنین بیشترین میزان رونق تجاری خود را به دست آورد، و فعالیت تاجران در سرتاسر لوانت،

دریای سیاه و غرب، نه تنها توسط کارشناسان ادبی، بلکه توسط سکه‌ها و گلدان‌های متعدد آتیک، به اثبات رسیده است. »

- (۱) beneficiary: ذینفع، ذیحق
(۲) originality: اصالت
(۳) heredity: انتقال موروثی، وراثت
(۴) prosperity: رونق، کامیابی

۱۲. گزینه «۱» سخت

« اکنون اعتماد خود به شما را دارم از دست می‌دهم، زیرا آنچه دیروز گفتید با آنچه اکنون پیشنهاد می‌کنید مطابقت ندارد »

- (۱) consistent: باثبات، استوار، مطابق
(۲) peripheral: حاشیه‌ای
(۳) heedless: بی‌اعتنا
(۴) extraneous: بی‌ربط، غیرضروری

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

- 1- Mr. Shwarz has turned hundred today, and the secret of his ----- is regular exercise and well balanced diet.
1) longevity 2) revival 3) persistence 4) permanence
- 2- He did not consider the journalist's question was ----- to the main issue of the press conference, and chose to ignore it.
1) attentive 2) sensitive 3) peripheral 4) pertinent
- 3- The balcony of his new home ----- his neighbor's land and thus had to be demolished.
1) imposed on 2) infiltrated into 3) deprived of 4) encroached on
- 4- Our neighbor's house has merely ----- beauty and is rather dirty from within.
1) tender 2) extrinsic 3) aesthetic 4) decorous
- 5- We were impressed by the ----- with which the sculptor carved out of the ice statue.
1) dexterity 2) aggression 3) implementation 4) abruptness
- 6- The public soon became aware of his Machiavellian tactics to win the election, and ----- his deceitful methods.
1) threatened 2) dissatisfied 3) condemned 4) overlooked
- 7- Kim is a ----- eater who manages to find faults in food cooked even by the finest of chefs.
1) crucial 2) daunting 3) superfluous 4) fastidious
- 8- The little girl very cleverly ----- my question about the occupation of her father, asking me instead about the gadget in my hand.
1) deflected 2) exposed 3) accused 4) retaliated
- 9- I made a/an ----- between plant and animal-life, and told her that seeds are eggs as truly as hens' eggs and birds' eggs – that the mother hen keeps her eggs warm and dry until the little chicks come out.
1) generalization 2) distinction 3) equilibrium 4) analogy
- 10- The omnipresence of the mosquitoes ----- us from sleeping; we had to spend the whole night looking for something that could drive away the mosquitoes.
1) avoided 2) prevented 3) withdrew 4) withheld
- 11- The way he dresses up and spends money lavishly clearly indicates his ----- family background.
1) opulent 2) influential 3) benevolent 4) frugal
- 12- I'm desperately looking for a late evening, part-time job to ----- my meager earnings from the job I have now.
1) prolong 2) amalgamate 3) augment 4) release

۱. گزینه «۱» متوسط

« آقای شوارتز امروز به صد سالگی رسیده است و راز عمر طولانی وی ورزش منظم و رژیم‌های متعادل است. »

(۲) revival: احیا، تقویت

(۱) longevity: طول عمر، عمر طولانی

(۴) permanence: پایداری، دوام، ماندگاری

(۳) persistence: سماجت، تداوم

۲. گزینه «۴» سخت

« او در نظر نگرفت که سوال خبرنگار مرتبط با موضوع اصلی کنفرانس مطبوعاتی بود و تصمیم به نادیده گرفتن آن گرفت. »

(۱) attentive: حواس جمع، کمک حال (۲) sensitive: حساس (۳) peripheral: حاشیه‌ای، پیرامونی (۴) pertinent: مرتبط

۳. گزینه «۴» سخت

« بالکن خانه جدید وی، به زمین همسایه‌اش تعدی کرده بود و بنابراین باید تخریب می‌شد. »

(۲) infiltrate: نفوذ کردن

(۱) impose: تحمیل کردن

(۴) encroach: تعدی / غصب کردن، بیش از حد استفاده کردن

(۳) deprive: سلب و محروم کردن

۴. گزینه «۲» آسان

« خانه همسایه ما صرفاً زیبایی بیرونی دارد و داخلش کثیف است. »

(۱) tender: نرود، حساس، لطیف (۲) extrinsic: بیرونی، خارجی (۳) aesthetic: وابسته به زیبایی (۴) decorous: مؤدب، مناسب

۵. گزینه «۱» سخت

« ما از مهارت مجسمه‌ساز که آن مجسمه یخی را تراشیده بود، تحت تأثیر قرار گرفتیم. »

(۲) aggression: پرخاشگری، حمله

(۱) dexterity: چابکی، مهارت

(۴) abruptness: تند، ناگهانی، بی‌ادبی

(۳) implementation: پیاده‌سازی، اجرا

۶. گزینه «۳» متوسط

« افکار عمومی زود از تاکتیک‌های غیراخلاقی او برای پیروزی در انتخابات آگاه شدند و روش‌های فریبکارانه او را محکوم کردند. »

(۲) dissatisfy: ناراضی / ناامید کردن

(۱) threaten: تهدید کردن

(۴) overlook: چشم پوشی کردن، نادیده گرفتن، مشرف بودن بر

(۳) condemn: محکوم کردن

۷. گزینه «۴» سخت

« کیم یک خورنده و وسواسی است که قادر به یافتن عیب و نقص در غذای پخته شده حتی توسط بهترین سرآشپه‌ها است. »

(۱) crucial: بحرانی، حیاتی (۲) daunting: دلهره‌آور (۳) superfluous: غیرضروری (۴) fastidious: دقیق، وسواسی

۸. گزینه «۱» سخت

« آن دختر کوچک، خیلی هوشمندانه سوالم در مورد شغل پدرش را منحرف کرد و به جای آن از وسیله موجود در دست من، از من پرسید. »

(۱) deflect: کج کردن، منحرف شدن (۲) expose: افشاء کردن، نشان دادن (۳) accuse: تهمت زدن (۴) retaliate: تلافی کردن

۹. گزینه «۴» سخت

« من بین زندگی گیاهان و حیوانات مقایسه‌ای انجام دادم و به او گفتم که بذرها، همانند تخم مرغ‌ها و تخم پرندگان هستند –

که مرغ مادر تا بیرون آمدن جوجه‌های کوچک، تخم‌های خود را گرم و خشک نگه می‌دارد. »

(۱) generalization: تعمیم (۲) distinction: تمایز، برتری (۳) equilibrium: تعادل، آرامش (۴) analogy: شباهت، مقایسه، قیاس

۱۰. گزینه «۲» متوسط

« حضور مطلق پشه‌ها مانع از خوابیدن ما شد. ما مجبور شدیم تمام شب را صرف جستجوی چیزی کنیم که بتواند پشه‌ها را از بین ببرد. »

(۱) avoid: اجتناب کردن، پیچوندن (۲) prevent: مانع شدن، جلوگیری کردن (۳) withdraw: خارج کردن، کنار کشیدن (۴) withhold: دریغ کردن

۱۱. گزینه «۱» متوسط

« نحوه لباس پوشیدن و خرج کردن با اسراف پول، به وضوح نشانگر پیشینه خانوادگی لاکچری او است. »

(۱) opulent: باشکوه، لاکچری (۲) influential: پرنفوذ، تاثیرگذار (۳) benevolent: خیر اندیش، خوش دل (۴) frugal: صرفه‌جو، ساده

۱۲. گزینه «۳» سخت

« به شدت در جستجوی شغل نیمه وقت آخر وقتی هستم (هم نیمه وقت باشه، هم شبا برم سر کار)، تا درآمد ناچیز خود از

شغلی که اکنون دارم را افزایش دهم. »

(۲) amalgamate: آمیختن، ادغام کردن

(۱) prolong: طولانی کردن، بلند کردن

(۴) release: رها / مرخص کردن، منتشر کردن

(۳) augment: افزایش دادن، زیاد کردن

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

- 1- Lawyers for both parties will convene this morning to see if a -----can be reached before the matter reaches the court.
1) transparency 2) realism 3) settlement 4) discipline
- 2- Later he -----his daughter for having talked to her teacher impolitely.
1) prevented 2) scolded 3) restricted 4) neglected
- 3- The volcano had remained -----for over a hundred years, and most people thought it would never burst again.
1) dormant 2) drastic 3) severe 4) incidental
- 4- You will certainly -----your sprained ankle if you attempt to play basketball today.
1) coerce 2) avoid 3) discomfit 4) exacerbate
- 5- My medical condition is ----- and cannot be altered even with meditation.
1) immutable 2) exhaustible 3) durable 4) demanding
- 6- The comedian hoped his jokes would ----- a great deal of laughter from the audience.
1) pursue 2) explode 3) necessitate 4) elicit
- 7- Because Kelly's parents were not affectionate, she grew up suffering from a/an -----of love and affection
1) isolation 2) malfunction 3) violation 4) deprivation
- 8- Although we may never completely -----every disease on earth, it's heartening to see the progress medicine has made on so many fronts.
1) overlook 2) eradicate 3) suspend 4) forecast
- 9- As people mature, their -----skills become more developed, so they are capable of solving more complex problems.
1) collective 2) sufficient 3) cognitive 4) hypothetical
- 10- I wonder why Cathy spends so much time telling me -----facts that have nothing to do with me.
1) curious 2) identical 3) irrelevant 4) unequivocal

۱. گزینه «۳» متوسط

« وکلا برای هر دو طرف صبح امروز تشکیل جلسه می دهند تا ببینند آیا قبل از رسیدن موضوع به دادگاه می توان به توافق دست یافت [یا نه]. »

(۱) transparency: شفافیت، وضوح (۲) realism: واقع گرایی (۳) settlement: توافق، تسویه (حساب) (۴) discipline: انضباط

۲. گزینه «۲» متوسط

« بعداً او دخترش را به دلیل صحبت گستاخانه با معلمش مورد سرزنش قرار داد. »

(۱) prevent: مانع شدن، جلوگیری کردن
(۲) scold: سرزنش کردن، بدحرفی کردن
(۳) restrict: محدود کردن، منحصر کردن
(۴) neglect: بی توجهی کردن، غفلت کردن

۳. گزینه «۱» آسان

« [این] کوه آتشفشان بیش از صد سال خاموش مانده بود، و بیشتر مردم فکر می کردند که دیگر هرگز منفجر نخواهد شد »

(۱) dormant: خوابیده، خاموش (۲) drastic: شدید و ناگهانی (۳) severe: شدید، طاقت فرسا (۴) incidental: اتفاقی، مربوط

۴. گزینه «۴» متوسط

« مطمئناً اگر امروز سعی کنی بسکتبال بازی کنی، میچ پای پیچ خورده ات را بدتر خواهی کرد. »

(۱) coerce: مجبور کردن
(۲) avoid: اجتناب کردن، پیچوندن، دوری کردن
(۳) discomfit: شرمند کردن، ناراحت کردن
(۴) exacerbate: بدتر کردن

۵. گزینه «۱» متوسط

« وضعیت پزشکی من تغییر ناپذیر است و حتی با مدیتیشن قابل تغییر نیست. »

(۱) immutable: تغییر ناپذیر (۲) exhaustible: تمام شدنی (۳) durable: بادوام (۴) demanding: پر مسئولیت، دشوار، پرتوقع

۶. گزینه «۴» متوسط

« [آن] گم‌دین (طنز پرداز) امیدوار بود که لطیفه‌هایش خنده زیادی از سوی تماشاگران در پی داشته باشد. »

(۱) pursue: دنبال کردن، تعقیب کردن
(۲) explode: منفجر شدن، منفجر کردن، زیاد شدن
(۳) necessitate: مستلزم بودن، ضروری کردن
(۴) elicit: بیرون کشیدن، در پی داشتن

۷. گزینه «۴» متوسط

« از آنجا که والدین کلی عاطفی نبودند، او در حالی که با محرومیت از عشق و محبت رنج می برد، بزرگ شد. »

(۱) isolation: انزوا، قرنطینه (۲) malfunction: اشکال در عملکرد (۳) violation: نقض، تخطی (۴) deprivation: محرومیت، سلب

۸. گزینه «۲» متوسط

« اگرچه ممکن است ما هرگز همه بیماری‌ها را به طور کامل در زمین ریشه کن نکنیم، [اما] پیشرفتی که پزشکی در جبهه های زیادی به دست آورده است، بسیار دلچسب می باشد. »

(۱) overlook: چشم پوشی کردن، نادیده گرفتن، مشرف بودن بر
(۲) eradicate: ریشه کن کردن
(۳) suspend: معلق کردن، محروم کردن
(۴) forecast: پیش بینی کردن

۹. گزینه «۳» سخت

« با بالغ شدن افراد، مهارت‌های شناختی آنها توسعه یافته تر می شود، بنابراین آن ها قادر به حل مشکلات پیچیده تر هستند. »

(۱) collective: جمعی، اشتراکی (۲) sufficient: کافی (۳) cognitive: شناختی (۴) hypothetical: فرضی

۱۰. گزینه «۳» آسان

« نمی دانم چرا کتی انقدر وقت می گذارد تا حقایق بی ربطی را به من بگوید که هیچ ارتباطی با من ندارند. »

(۱) curious: کنجکاو، عجیب (۲) identical: یکسان، شبیه (۳) irrelevant: بی ربط، غیر ضروری (۴) unequivocal: واضح، صریح

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

- 1- By signing these papers, I agree to not ----- any of my company's financial records to anyone outside of my firm.
 1) authorize 2) articulate 3) divulge 4) victimize
- 2- Without an antidote to treat the patient, the poisonous snakebite would prove -----.
 1) vulnerable 2) fatal 3) massive 4) extreme
- 3- Stifling a yawn Jackie covered her mouth as she listened to one of her mother's ----- stories about her childhood.
 1) interminable 2) credible 3) widespread 4) literal
- 4- After learning the lawyer accepted a bribe, the committee decided to -----him and suspend his license.
 1) encounter 2) retaliate 3) underestimate 4) rebuke
- 5- The government will ----- any property that has been purchased with money earned through illegal means.
 1) resist 2) seize 3) eliminate 4) avoid
- 6- Now that I have got another offer of employment, which sounds as good as the earlier one, I am in a ----- as to which one to choose.
 1) necessity 2) comparison 3) postponement 4) dilemma
- 7- Since there is a huge ----- between the results of the first and second experiment, the laboratory team will conduct a third test.
 1) discrepancy 2) autonomy 3) randomness 4) opposition
- 8- To get a good grade on the research project, you must ----- your report with provable facts.
 1) inform 2) outline 3) substantiate 4) interfere
- 9- We thought that the power cuts were temporary and would end but we have now realize that this is a ----- problem and will never end.
 1) chaotic 2) perennial 3) fragile 4) memorable
- 10- If a ----- answer can provide the information requested, there is no reason to bore a person with a long response.
 1) boundless 2) conceptual 3) concise 4) logical

۱. گزینه «۳» متوسط

«با امضای این اوراق، من موافقت می‌کنم که هیچ یک از سوابق مالی شرکت را به کسی که بیرون از شرکت من است، آشکار نکنم.»
(۱) authorize: مجوز دادن (۲) articulate: بیان کردن، واضح گفتن (۳) divulge: فاش / آشکار کردن (۴) victimize: قربانی کردن

۲. گزینه «۲» متوسط

« بدون پادزهر برای معالجه [این] بیمار، مار گزیدگی سمی، کشنده خواهد بود. »
(۱) vulnerable: آسیب پذیر (۲) fatal: مرگبار، کشنده (۳) massive: عظیم، بزرگ، کلان (۴) extreme: شدید، جدی، افراطی

۳. گزینه «۱» متوسط

« جکی برای جلوگیری از خمیازه، دهانش را پوشاند، در حالی که به یکی از داستانهای تمام نشدنی و خسته کننده مادرش درباره کودکی اش گوش می داد. »

(۱) interminable: تمام نشدنی، طولانی و خسته کننده
(۲) credible: قابل اعتماد
(۳) widespread: گسترده، شایع، همه جا پخش شده
(۴) literal: تحت اللفظی

۴. گزینه «۴» متوسط

« پس از پی بردن [به اینکه آن] وکیل رشوه قبول کرده، کمیته تصمیم به توبیخ وی و تعلیق مجوزش گرفت. »

(۱) encounter: رو به رو شدن، ملاقات کردن
(۲) retaliate: تلافی کردن
(۳) underestimate: دست کم گرفتن
(۴) rebuke: سرزنش کردن، توبیخ کردن

۵. گزینه «۲» متوسط

« دولت هر اموالی که با پول بدست آمده از طریق روش‌های غیرقانونی خریداری شده اند را صادر خواهد کرد. »

(۱) resist: مقاومت کردن، ایستادگی کردن
(۲) seize: تصاحب کردن، صادره کردن، گرفتن
(۳) eliminate: از بین بردن، حذف کردن
(۴) avoid: اجتناب کردن، پیچوندن، دوری کردن

۶. گزینه «۴» متوسط

« اکنون که پیشنهاد دیگری برای اشتغال دریافت کرده‌ام، که به نظر می‌رسد به همان اندازه قبلی خوب است، من در مورد اینکه کدام یک را انتخاب کنم، در دو راهی و وضع دشواری قرار دارم. »

(۱) necessity: ضرورت، نیاز (۲) comparison: مقایسه (۳) postponement: تعویق، تاخیر (۴) dilemma: دو راهی، وضع دشوار

۷. گزینه «۱» آسان

« از آنجا که اختلاف زیادی بین نتایج آزمایش اول و دوم وجود دارد، تیم آزمایشگاه آزمایش سوم را انجام خواهد داد. »

(۱) discrepancy: اختلاف، تفاوت
(۲) autonomy: خودمختاری، استقلال
(۳) randomness: رندوم و تصادفی بودن
(۴) opposition: مخالفت، مخالفان، رقیب، تضاد

۸. گزینه «۳» سخت

« برای به دست آوردن نمره خوب در مورد پروژه تحقیقاتی، باید گزارش خود را با حقایق قابل اثبات، اثبات کنید. »

(۱) inform: اطلاع دادن، آگاه کردن
(۲) outline: شرح کلی دادن، مطرح کردن، مرز چیزی را نشان دادن
(۳) substantiate: اثبات کردن
(۴) interfere: فضولی کردن، مداخله کردن

۹. گزینه «۲» سخت

« ما فکر می کردیم که قطعی برق موقت است و به پایان خواهد رسید، اما اکنون متوجه شده ایم که این یک مشکل همیشگی است و هرگز به پایان نخواهد رسید. »

(۱) chaotic: بی نظم، پر هرج و مرج
(۲) perennial: دو یا چند ساله (گیاه)، همیشگی
(۳) fragile: شکننده، ظریف، ضعیف
(۴) memorable: خاطره انگیز، به یاد ماندنی

۱۰. گزینه «۳» سخت

« اگر یک پاسخ مختصر بتواند اطلاعات درخواست شده را ارائه دهد هیچ دلیلی وجود ندارد که یک فرد را با به پاسخ طولانی خسته کنیم. »

(۱) boundless: بی حد و مرز (۲) conceptual: مفهومی، ادراکی (۳) concise: مختصر، خلاصه (۴) logical: منطقی

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

- 1- You might not be thinking about cholesterol yet, but high levels of cholesterol increase your ----- of heart disease, so find out what your level is now.
1) risk 2) level 3) strength 4) exposure
- 2- With the ----- of the Internet, working from home has become a real phenomenon.
1) demonstration 2) credibility 3) advent 4) dexterity
- 3- The teacher was gratified to see two older students ----- to settle the playground dispute between a number of third and fourth graders.
1) raise 2) encourage 3) promote 4) intervene
- 4- Even though the unemployment rate continues to -----, voters are still unhappy with the president's economic plan.
1) restore 2) abandon 3) abate 4) delay
- 5- Her maudlin display of tears at work did not impress her new boss, who felt she should try to control her -----.
1) emotions 2) secrets 3) errors 4) restrictions
- 6- The heavy rain did not -----, so they cancelled their camping trip
1) emerge 2) evaporate 3) subside 4) collapse
- 7- Whitney is ----- about her shoes, arranging them on a shelf in a specific order, each pair evenly spaced.
1) spectacular 2) fastidious 3) conscientious 4) conventional
- 8- This agreement is very ----- and open to various interpretations.
1) intentional 2) diverse 3) superficial 4) ambiguous
- 9- Because our instructor was so unclear, I had to continually ask him to ----- and repeat what he was saying.
1) justify 2) clarify 3) emerge 4) improvise
- 10- Because of the chef's ----- cooking style, his food is easily identified in a taste test.
1) experimental 2) flexible 3) distinct 4) constant

۱. گزینه «۱» آسان

« ممکن است هنوز به فکر کلسترول نباشید، اما میزان بالای کلسترول، خطر ابتلا به بیماری های قلبی شما را افزایش می دهد، بنابراین اکنون سطح [کلسترول] خود را بدانید. »

(۱) risk: خطر (۲) level: سطح، میزان (۳) strength: قدرت، توان (۴) exposure: افشاء، در معرض گذاری

۲. گزینه «۳» آسان

« با ظهور اینترنت، کار کردن از خانه به یک پدیده واقعی تبدیل شده است. »

(۱) demonstration: تظاهرات، نمایش، اثبات (۲) credibility: اعتبار (۳) advent: ظهور (۴) dexterity: چابکی، مهارت

۳. گزینه «۴» متوسط

« معلم از دیدن دخالت دو دانش آموز بزرگتر برای پایان دادن به جر و بحث [در مورد] زمین بازی [که] بین تعدادی از سال سوم و سال چهارمی ها [شکل گرفته بود]، خوشحال شد. »

(۱) raise: بالا بردن / رفتن، پروراندن، مطرح کردن (۲) encourage: تشویق کردن
(۳) promote: ترفیع / ترویج دادن (۴) intervene: دخالت کردن، فاصله خوردن

۴. گزینه «۳» متوسط

« با اینکه نرخ بیکاری همچنان در حال کاهش و فروکش کردن است، رأی دهندگان هنوز از برنامه اقتصادی رئیس جمهور ناراضی اند. »

(۱) restore: بحالت اول برگرداندن، تعمیر کردن (۲) abandon: ترک کردن، رها کردن
(۳) abate: فروکش / نشست کردن (۴) delay: عقب انداختن، موکول کردن

۵. گزینه «۱» آسان

« نمایش احساساتی [پر] از اشک او در محل کار، رئیس جدیدش را که احساس می کرد او باید برای کنترل احساسات خود تلاش کند، تحت تأثیر قرار نداد. »

(۱) emotion: احساس (۲) secret: رمز و راز (۳) error: خطا، ارور (۴) restriction: محدودیت

۶. گزینه «۳» متوسط

« باران شدید فروکش نکرد، بنابراین آن ها سفر اردوگاهی (پیک نیک) خود را لغو کردند. »

(۱) emerge: پدیدار شدن (۲) evaporate: بخار شدن، تبخیر کردن، از بین رفتن
(۳) subside: فروکش / نشست کردن (۴) collapse: متلاشی شدن، فرو ریختن

۷. گزینه «۲» متوسط

« ویتنی در مورد کفش های خود وسواسی و دقیق است، آنها را با نظم خاصی بر روی قفسه قرار می دهد، هر جفت با فاصله مساوی [روی قفسه] گذاشته [می شوند]. »

(۱) spectacular: تماشایی (۲) fastidious: دقیق، وسواسی (۳) conscientious: وظیفه شناس (۴) conventional: سنتی

۸. گزینه «۴» متوسط

« این توافق بسیار مبهم است و برای تفسیرهای مختلف باز است (برداشت های متفاوتی میشه از این توافق داشت). »

(۱) intentional: عمدی، قصدی (۲) diverse: متنوع، گوناگون، مختلف (۳) superficial: سطحی، ظاهری (۴) ambiguous: مبهم

۹. گزینه «۲» آسان

« از آنجا که مربی ما خیلی نامفهوم بود [و حرفاشو متوجه نمیشدم]، مجبور بودم به طور مداوم از او بخواهم آنچه را که داشت می گفت را شفاف و تکرار کند. »

(۱) justify: توجیه کردن (۲) clarify: توضیح دادن، شفاف کردن
(۳) emerge: پدیدار شدن، بیرون آمدن (۴) improvise: فی البداهه ساختن، بدون آمادگی سخن گفتن

۱۰. گزینه «۳» متوسط

« به دلیل سبک آشپزی متمایز [آن] سرآشپز، غذای او به راحتی در تست طعم و مزه، تشخیص داده می شود. »

(۱) experimental: آزمایشی، تجربی (۲) flexible: انعطاف پذیر (۳) distinct: مجزا، متمایز (۴) constant: ثابت و پیوسته، مداوم

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

- 1- The alchemists' most familiar ----- was to find the philosopher's stone, a magical substance that would transmute ordinary metals into gold.
1) apex 2) relic 3) omen 4) quest
- 2- When the library was destroyed by fire not long after, the enemies of Avicenna accused him of burning it, in order for ever to ----- the sources of his knowledge.
1) conceal 2) convert 3) concoct 4) consecrate
- 3- This afternoon's solar eclipse will be a(n) ----- phenomenon, so make sure you are ready to observe it as soon as it begins.
1) intrinsic 2) transient 3) arbitrary 4) precarious
- 4- The prince was silent, but the princess noticed the ironical and ----- look that showed itself on his face.
1) unanimous 2) voluminous 3) homogeneous 4) contemptuous
- 5- If you have children, then you know how important it is to keep them from ----- doing things that may harm them.
1) subsequently 2) substantially 3) inadvertently 4) chronologically
- 6- A large number of manuscripts were saved from deterioration under the program of Library -----.
1) conservation 2) compilation 3) congregation 4) commemoration
- 7- Jim does not wish to ----- his mother's worries, so he is not going to tell her about his problems at work.
1) humiliate 2) captivate 3) exacerbate 4) eradicate
- 8- The chairman of a major airline once remarked that coffee stains on the flip-down trays mean to the passengers that we do our engine ----- wrong.
1) resemblance 2) maintenance 3) exuberance 4) forbearance
- 9- For the first time Aunt Rachel thought about the fact that she had no ----- toward her nephews at all, yet she had risked her life for them.
1) compliment 2) commitment 3) amendment 4) testament
- 10- It is important for a person in a leadership role to have ----- and the knack for interacting with a large variety of people.
1) vivacity 2) diversity 3) immunity 4) prosperity
- 11- Adults love fairy tales as much as kids because it gives them the hope that even their own ----- lives will be touched by magic one day.
1) legitimate 2) prevalent 3) dominant 4) mundane
- 12- I had to return the software back to the store because it was not ----- with my computer.
1) compatible 2) plausible 3) eligible 4) ostensible

۱. گزینه «۴» متوسط

« آشناترین جستجوی کیمیاگران پیدا کردن سنگ فیلسوف بود، ماده جادویی که می تواند فلزات عادی را به طلا تبدیل کند. »

(۱) apex: قله، رأس (۲) relic: عتیقه، یادگار (۳) omen: علامت، نشانه (۴) quest: جستجو

۲. گزینه «۱» سخت

« چندی پس از آنکه کتابخانه توسط آتش ویران شد، دشمنان ابن سینا او را متهم به سوزاندن آن کردند تا همیشه منابع

دانش او را پنهان کنند. »

(۱) conceal: پنهان کردن (۲) convert: تبدیل کردن، تغییر رویه دادن

(۳) concoct: از خود در آوردن، درست کردن (۴) consecrate: تقدیس کردن

۳. گزینه «۲» سخت

« خورشیدگرفتگی امروز بعد از ظهر، یک پدیده گذرا خواهد بود، بنابراین اطمینان حاصل کنید که به محض شروع، آماده رصد آن باشید. »

(۱) intrinsic: ذاتی، درونی (۲) transient: گذرا، موقت، زودگذر (۳) arbitrary: اختیاری، دلبخواهی (۴) precarious: پرخطر، نامطمئن

۴. گزینه «۴» سخت

« شاهزاده ساکت بود، اما شاهزاده خانم متوجه نگاه طعنه آمیز و تحقیرآمیزی شد که خود را بر چهره او (شاهزاده) نشان می داد. »

(۱) unanimous: هم رأی، همگانی (۲) voluminous: بزرگ، حجیم (۳) homogeneous: همگن، یکجور (۴) contemptuous: تحقیرآمیز

۵. گزینه «۳» سخت

« اگر فرزند دارید، پس می دانید چقدر مهم است که آنها را از انجام ناخواسته کارهایی که ممکن است به آنها آسیب برساند،

دور نگه دارید. »

(۱) subsequent: بعدی، متعاقب (۲) substantial: قابل توجه، زیاد (۳) inadvertent: ناخواسته، غیر عمدی (۴) chronological: زمانی

۶. گزینه «۱» سخت

« تعداد زیادی از نسخه های خطی تحت برنامه حفظ و نگهداری از کتابخانه، از خراب شدن نجات یافتند. »

(۱) conservation: حفظ، نگهداری (۲) compilation: گردآوری، تألیف (۳) congregation: جماعت (۴) commemoration: یادبود

۷. گزینه «۳» متوسط

« جیم نمی خواهد نگرانی های مادرش را بدتر و تشدید کند، بنابراین قصد ندارد در مورد مشکلات خود در محل کار، به او بگوید. »

(۱) humiliate: تحقیر / خوار کردن (۲) captivate: جذب / جلب کردن (۳) exacerbate: بدتر کردن (۴) eradicate: ریشه کن کردن

۸. گزینه «۲» سخت

« رئیس یک شرکت هواپیمایی بزرگ یکبار خاطرنشان کرد: لکه های قهوه روی سینی های چرخشی برای مسافران، به این

معنا است که ما نگهداری تعمیرات موتور خود را اشتباه انجام می دهیم. »

(۱) resemblance: شباهت (۲) maintenance: نگهداری (۳) exuberance: نشاط، سرزندگی (۴) forbearance: شکیبایی، بردباری

۹. گزینه «۲» متوسط

« خاله راشل برای اولین بار به این واقعیت فکر کرد که اصلاً هیچ تعهدی نسبت به خواهرزاده های خود ندارد، اما او زندگی

خود را برای آنها به خطر انداخته بود. »

(۱) compliment: ستایش، تمجید (۲) commitment: تعهد (۳) amendment: اصلاح (۴) testament: مهر تایید، مدرک، وصیت نامه

۱۰. گزینه «۱» سخت

« برای یک شخص در نقش رهبری بسیار مهم است که دارای نشاط و مهارت برای تعامل با افراد زیادی باشد. »

(۱) vivacity: سرزندگی، نشاط (۲) diversity: تنوع (۳) immunity: مصونیت (۴) prosperity: رونق، کامیابی

۱۱. گزینه «۴» سخت

« بزرگسالان به اندازه بچه ها افسانه ها را دوست دارند، زیرا این امید را به آنها می دهند که حتی زندگی خسته کننده خود

آنها، یک روز با جادو تماس خواهد داشت. »

(۱) legitimate: برحق و درست، قانونی (۲) prevalent: شایع، رایج (۳) dominant: مسلط، غالب، چیره (۴) mundane: خسته کننده، دنیوی

۱۲. گزینه «۱» آسان

« مجبور شدم نرم افزار را به فروشگاه برگردانم زیرا با کامپیوتر من سازگار نبود. »

(۱) compatible: سازگار (۲) plausible: شدنی، پذیرفتنی (۳) eligible: واجد شرایط (۴) ostensible: الکی، صوری، ظاهری

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

- 1- Research Institute for Social Development is a(n) ----- body which is responsible for doing research into issues of social and economic development worldwide.
1) autonomous 2) incredulous 3) sedentary 4) spontaneous
- 2- When Mary reached for the receiver, he released it ----- and then lounged against the wall where he could hear her conversation.
1) exclusively 2) reluctantly 3) functionally 4) profoundly
- 3- My son appears to be behaving well now, yet my husband and I are still preparing for his ----- prison sentence.
1) tangible 2) invincible 3) ostensible 4) inevitable
- 4- When the volcano erupts, lava will ----- the town and force people out of their homes.
1) humiliate 2) inundate 3) alienate 4) accelerate
- 5- The new minister demands more ----- especially between employers and employees through new forms of cooperation and communication.
1) solidarity 2) verbosity 3) obscurity 4) frigidity
- 6- Many people believe that the informal atmosphere of the student Lounge was ----- to making new friends.
1) inquisitive 2) submissive 3) addictive 4) conducive
- 7- The girl's features, which were originally noble and not irregular, were ----- by her malady.
1) depleted 2) distorted 3) despised 4) discarded
- 8- In 1969, a leading American surgeon claimed that for the majority of people, the use of tobacco has a ----- effect.
1) nocturnal 2) vocational 3) beneficial 4) conventional
- 9- My cousin is a famous writer who enjoys his privacy so he uses a ----- to hide his true identity.
1) synopsis 2) paradigm 3) pseudonym 4) hierarchy
- 10- Martin's gaze fell on the stone in front of him, and he read aloud to himself the ----- there.
1) corruption 2) aspiration 3) disposition 4) inscription
- 11- These oil paintings show a respect for the Pre-Raphaelites, Picasso, Munch and Van Gogh, yet are highly -----, urban and modern.
1) contemporary 2) vulnerable 3) impulsive 4) arbitrary
- 12- The doctor's ----- about using herbs as medicine disappeared when the patient was cured of malaria.
1) plagiarism 2) skepticism 3) syllogism 4) fatalism

۱. گزینه «۱» سخت

« پژوهشکده توسعه اجتماعی یک نهاد مستقل است که وظیفه انجام تحقیقات در زمینه توسعه اجتماعی و اقتصادی در سراسر جهان را بر عهده دارد. »

- (۱) autonomous: خودمختار، مستقل (۲) incredulous: دیرباور، شکاک، شکاکانه
(۳) sedentary: پشت میز نشینی، بی تحرک (۴) spontaneous: خود به خود، خود جوش

۲. گزینه «۲» سخت

« وقتی مریم به گیرنده رسید، او آن را با بی میلی آزاد کرد و سپس در مقابل دیوار که در آنجا می توانست مکالمه او را بشنود، لم داد. »

- (۱) exclusive: انحصاری، منحصر، گران (۲) reluctant: بی میلی (۳) functional: کاربردی (۴) profound: ژرف، عمیق
۳. گزینه «۴» متوسط

« بنظر می رسد پسر ام اکنون به خوبی رفتار می کند، اما من و همسر من هنوز در حال آماده شدن برای حکم زندان اجتناب ناپذیر او هستیم. »

- (۱) tangible: ملموس (۲) invincible: شکست ناپذیر، قوی (۳) ostensible: الکی، صوری، ظاهری (۴) inevitable: اجتناب ناپذیر
۴. گزینه «۲» سخت

« هنگامی که آتشفشان فوران کند، مواد مذاب شهر را غرق خود می کند و مردم را از خانه های خود به بیرون می راند. »

- (۱) humiliate: تحقیر / خوار کردن (۲) inundate: غرق چیزی کردن، پر از آب کردن
(۳) alienate: بیگانه کردن، حس بیگانگی دادن (۴) accelerate: سرعت دادن، شتاب گرفتن

۵. گزینه «۱» متوسط

« وزیر جدید از طریق شکل های جدید همکاری و ارتباطات، همبستگی بیشتری را می خواهد، خصوصاً بین کارفرمایان و کارمندان. »

- (۱) solidarity: اتحاد و همبستگی (۲) verbosity: پرگویی، گزافه گویی (۳) obscurity: گمنامی، ابهام (۴) frigidity: سردمزاجی
۶. گزینه «۴» متوسط

« بسیاری از مردم بر این باورند که فضای غیررسمی سالن دانشجویی برای پیدا کردن دوستان جدید، مناسب است. »

- (۱) inquisitive: کنجکاو (۲) submissive: مطیع، تسلیم، حرف شنو (۳) addictive: اعتیاد آور (۴) conducive: مناسب، متناسب
۷. گزینه «۲» سخت

« ویژگی های [آن] دختر، که در اصل نجیب بودند و غیرعادی نبودند، توسط بیماری او تغییر داده شده بود. »

- (۱) deplete: خالی کردن (۲) distort: تغییر دادن، غیر واقعی جلوه دادن (۳) despise: تنفر داشتن (۴) discard: دور انداختن
۸. گزینه «۳» متوسط

« در سال ۱۹۶۹، یک جراح برجسته آمریکایی ادعا کرد که برای اکثر مردم، استفاده از توتون و تنباکو اثر مفیدی دارد. »

- (۱) nocturnal: شب زوی، شبانه (۲) vocational: مربوط به حرفه (۳) beneficial: سودمند، مفید (۴) conventional: معمولی، سنتی
۹. گزینه «۳» سخت

« پسر عموی من نویسنده مشهوری است که از حریم شخصی خود لذت می برد و از یک نام مستعار برای مخفی کردن هویت واقعی خود استفاده می کند. »

- (۱) synopsis: چکیده (۲) paradigm: الگو (۳) pseudonym: تخلص، نام مستعار (۴) hierarchy: سلسله مراتب، سران و اعضای مهم
۱۰. گزینه «۴» سخت

« نگاه مارتین روی سنگ رو به رویش افتاد و او با صدای بلند، سنگ نوشته آنجا را خواند. »

- (۱) corruption: فساد، انحراف (۲) aspiration: آرزو، اشتیاق (۳) disposition: وضع، حالت، تمایل (۴) inscription: کتیبه، سنگ نوشته
۱۱. گزینه «۱» سخت

« این نقاشی های روغنی به پیش از رافائلی ها، پیکاسو، مونک و ون گوگ، احترام می گذارد، که هنوز بسیار هم عصر شهری و مدرن اند. »

- (۱) contemporary: معاصر، هم دوره (۲) vulnerable: آسیب پذیر (۳) impulsive: بی فکر، بی ملاحظه گرانه (۴) arbitrary: اختیاری
۱۲. گزینه «۲» سخت

« شک و تردید پزشک در مورد استفاده از گیاهان بعنوان دارو، وقتی که [آن] بیمار مالاریایی درمان شد، از بین رفت. »

- (۱) plagiarism: سرقت ادبی (۲) skepticism: شک گرایی، شک (۳) sylogism: قیاس منطقی (۴) fatalism: تقدیرگرایی

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

- 1- Fierce winds and deadly waves were only one ----- many explorers like Christopher Columbus confronted when sailing to unknown lands.
1) suspension 2) obstacle 3) shortage 4) variation
- 2- In urban desert areas potable water supplies are stressed by increasing demands that leave water managers ----- to find new supplies.
1) discouraging 2) refusing 3) invading 4) struggling
- 3- The sense of smell diminishes with advancing age—much more so than the sensitivity to taste. This ----- may result from an accumulated loss of sensory cells in the nose.
1) decrease 2) merit 3) ambiguity 4) defense
- 4- True, all economic activities have environmental consequences. Nevertheless, the goal of shrimp producers should be to reduce the ----- effects on the environment as much as possible.
1) indigenous 2) competitive 3) deleterious 4) imaginary
- 5- Like most successful politicians, she is pertinacious and single-minded in the ----- of her goals.
1) pursuit 2) discipline 3) permanence 4) involvement
- 6- Knowing that everyone would ----- after graduation, she was worried that she would not see her friends anymore.
1) emerge 2) conflict 3) differentiate 4) diverge
- 7- Certain mental functions slow down with age, but the brain ----- in ways that can keep seniors just as sharp as youngsters.
1) composes 2) conveys 3) compensates 4) corrodes
- 8- It is argued by some that hypnosis is an effective intervention for ----- pain from cancer and other chronic conditions.
1) displacing 2) alleviating 3) exploring 4) hiding
- 9- Children who get ----- atmosphere at home for studies perform better than students who are brought up under tense and indifferent family atmosphere.
1) favorable 2) valid 3) obedient 4) traditional
- 10- The post office has promised to resume first class mail ----- to the area on Friday.
1) attention 2) progress 3) expression 4) delivery

۱. گزینه «۲» متوسط

« بادهای شدید و امواج مرگبار تنها یک مانع بودند [که] خیلی از مکتشفان مانند کریستفر کلمب، هنگام دریانوردی به سرزمین های ناشناخته، رو به رو می شدند. »

(۱) suspension: تعلیق، اخراج موقت (۲) obstacle: مانع، سد (۳) shortage: کمبود، کسری (۴) variation: تغییر، اختلاف

۲. گزینه «۴» متوسط

« در مناطق بیابانی شهری، منابع آب آشامیدنی به خاطر افزایش درخواستها، تحت فشار هستند که باعث می شود مدیران آب، در تلاش برای پیدا کردن منابع جدیدی باشند. »

(۱) discourage: دلسرد کردن، سست کردن (۲) refuse: رد کردن، نپذیرفتن (۳) invade: تجاوز کردن، هجوم بردن (۴) struggle: تقلا کردن، تلاش کردن، مبارزه کردن

۳. گزینه «۱» آسان

« حس بویایی با افزایش سن، افت می کند (ضعیف تر می شود) - خیلی بیشتر از حساسیت به طعم [افت می کند]. (به طور کلی داره میگه که وقتی آدم سنش میره بالا، حس بویایی بیشتر از حس چشایی ضعیف میشه). این کاهش ممکن است نتیجه از دست دادن انباشته سلول های حسی در بینی باشد. »

(۱) decrease: کاهش (۲) merit: مزیت (۳) ambiguity: ابهام، نامعلومی (۴) defense: دفاع

۴. گزینه «۳» متوسط

« درست است [که] تمامی فعالیت های اقتصادی پیامدهای زیست محیطی دارند. با این وجود، تا آنجایی که ممکن است هدف تولید کنندگان میگو باید کاهش اثرات زیان آور، روی محیط زیست باشد. »

(۱) indigenous: محلی، بومی (۲) competitive: رقابتی (۳) deleterious: مضر، زیان آور (۴) imaginary: خیالی، موهومی

۵. گزینه «۱» متوسط

« مانند اکثر سیاستمداران موفق، او در پیگیری اهدافش، کله شق و هدفمند است (انقدر دنبال هدفش میره تا بهش برسه). »

(۱) pursuit: تعقیب، دنبال، فعالیت، پیگیری (۲) discipline: انضباط، نظم (۳) permanence: پایداری، دوام، ماندگاری (۴) involvement: مشارکت، درگیری

۶. گزینه «۴» متوسط

« با دانستن این [موضوع] که همه بعد از فارغ التحصیلی از هم دور می شوند، او نگران بود که دیگر [هیچوقت] دوستانش را نبیند. »

(۱) emerge: پدیدار شدن، بیرون آمدن (۲) conflict: ناسازگار بودن (۳) differentiate: تمیز دادن، تشخیص دادن (۴) diverge: از هم دور شدن، انشعاب یافتن، واگرایییدن

۷. گزینه «۳» سخت

« عملکردهای ذهنی خاصی با [افزایش] سن، کند میشوند، اما مغز به نحوی [آن را] جبران می کند تا بتواند بزرگترها را به اندازه نوجوان ها تیز و سریع نگه دارد. »

(۱) compose: ساختن، آهنگ سازی کردن، تشکیل دادن (۲) convey: حمل کردن، حامل بودن، بیان کردن (۳) compensate: جبران کردن، غرامت دادن (۴) corrode: دچار خوردگی کردن، زنگ زدن، ضعیف کردن

۸. گزینه «۲» متوسط

« توسط برخی استدلال میشود که هیپنوتیزم یه مداخله موثر برای تسکین درد ناشی از سرطان و دیگر شرایط مُزمن است. »

(۱) displace: جابجا/ آواره کردن (۲) alleviate: تسکین/ کاهش دادن، سبک کردن (۳) explore: کاوش/ کشف کردن (۴) hide: پنهان کردن

۹. گزینه «۱» آسان

« بچه هایی که فضای مطلوبی برای مطالعه در خانه دریافت میکنند، بهتر از دانش آموزانی عمل میکنند که تحت فشار و در فضای خانوادگی بی تفاوتی بزرگ میشوند. »

(۱) favorable: مساعد، مطلوب، خواستنی (۲) valid: معتبر (۳) obedient: مطیع، حرف شنو (۴) traditional: مرسوم، سنتی

۱۰. گزینه «۴» آسان

« اداره پست قول داده است در روز جمعه تحویل نامه درجه ۱ به منطقه را ادامه دهد. »

(۱) attention: توجه، دقت (۲) progress: پیشرفت، ترقی (۳) expression: بیان، اظهار، حالت، عبارت (۴) delivery: تحویل، ارائه، زایمان

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

- 1- Animal welfare science is an emerging field that seeks to answer questions ----- by the keeping and use of animals.
1) raised 2) resolved 3) settled 4) evolved
- 2- The low soil fertility problem can be ----- by applying the appropriate lime and organic fertilizers.
1) traced 2) preceded 3) mitigated 4) necessitated
- 3- The chef furnished his assistant with very explicit instructions regarding the ----- to be used for the new dish.
1) properties 2) aesthetics 3) ceremonies 4) ingredients
- 4- The problem of power cut was so important that we decided not to bother about the other ----- issues that were not much of a concern at that time.
1) gradual 2) peripheral 3) tranquil 4) lucrative
- 5- Everybody knows that Ted is a chronic procrastinator; he ----- put off doing his assignment until the last minute.
1) spontaneously 2) marginally 3) habitually 4) superficially
- 6- The world's governments have made a joint ----- to significantly reduce greenhouse gas emissions by the year 2030.
1) malady 2) determination 3) involvement 4) pledge
- 7- Scientists do their best try to ----- themselves from their biases and be objective.
1) detach 2) delete 3) ignore 4) strengthen
- 8- The local businessman accused the newspaper of defaming him by publishing an article that said his company was ----- managed.
1) seriously 2) centrally 3) poorly 4) crucially
- 9- Landing a plane on an aircraft carrier requires a great deal of -----, as you can crash if you miss the landing zone by even a little bit.
1) determination 2) precision 3) rationality 4) consultation
- 10- New growth of the body's smallest vessels, for instance, enables cancers to enlarge and spread and contributes to blindness that can ----- diabetes.
1) cause 2) halt 3) identify 4) accompany

۱. گزینه «۱» سخت

« علم رفاه حیوانات یک حوزه در حال ظهور است که به دنبال پاسخ به سوالاتی است که با نگهداری و استفاده از حیوانات، مطرح شده است. »

- (۱) raise: بالا بردن، پروراندن، جمع / مطرح کردن
(۲) resolve: حل / جدا کردن، تصمیم گرفتن
(۳) settle: مستقر شدن، نهایی کردن
(۴) evolve: تکامل یافتن

۲. گزینه «۳» متوسط

« مشکل حاصلخیزی پایین خاک می تواند با اعمال آهک مناسب و کودهای آلی تسکین و کاهش داده شود. »
(۱) trace: رد چیزی را زدن (۲) precede: مقدم بودن (۳) mitigate: تسکین دادن، کاهش دادن (۴) necessitate: مستلزم بودن

۳. گزینه «۴» متوسط

« [آن] سرآشپز، دستیارش را با دستور العمل های خیلی شفاف در مورد مواد لازم مورد استفاده در [آن] غذای جدید، مجهز کرد. (یعنی هرچی که لازم بود رو بهش گفت). »

- (۱) property: دارایی، ویژگی (۲) aesthetic: زیبایی شناسی (۳) ceremony: مراسم، جشن (۴) ingredients: مواد لازم

۴. گزینه «۲» متوسط

« مسئله قطعی برق آنقدر مهم بود که ما تصمیم گرفتیم در مورد دیگر مسائل حاشیه ای که در آن زمان دغدغه به حساب نمی آمدند، [به خودمان] زحمت ندهیم. »

- (۱) gradual: تدریجی (۲) peripheral: حاشیه ای، پیرامونی (۳) tranquil: آرام، آرامش بخش (۴) lucrative: سودآور، پرمفعت

۵. گزینه «۳» متوسط

« همه می دانند که تد به شدت یک آدم تعویق انداز است. او بر حسب عادت تکالیف و وظایفش را تا آخرین لحظه به تاخیر می اندازد. »

- (۱) spontaneously: به طور خود به خود
(۲) marginally: حاشیه ای
(۳) habitually: بر حسب عادت
(۴) superficially: به صورت سطحی و ظاهری

۶. گزینه «۴» متوسط

« دولت های جهان به طور مشترک تعهد داده اند تا به طور قابل ملاحظه ای انتشار گازهای گلخانه ای را تا سال ۲۰۳۰ کاهش دهند. »

- (۱) malady: مشکل، بیماری (۲) determination: عزم، اراده، تعیین (۳) involvement: مشارکت، درگیری (۴) pledge: تعهد، گرو

۷. گزینه «۱» متوسط

« دانشمندان تمام سعی شان را می کنند تا خودشان را از تبعیض و جهت گیری ها جدا کنند و بی طرف باشند (بی طرفانه قضاوت کنند). »

- (۱) detach: جدا کردن / شدن (۲) delete: حذف کردن (۳) ignore: نادیده گرفتن، رد کردن (۴) strengthen: مستحکم کردن، تقویت کردن

۸. گزینه «۳» آسان

« [آن] تاجر [آن] روزنامه را به خاطر انتشار یک مقاله که گفته بود شرکت او به طور بدی مدیریت می شود، به بی آبرو کردن او متهم کرد. (یعنی از نظر اون تاجر، اون روزنامه میخواست که آبروی تاجر رو ببره). »

- (۱) seriously: به طور جدی، جدأ، به شدت (۲) centrally: مرکزی، در مرکز (۳) poorly: به طور بد (۴) crucially: به صورت حیاتی

۹. گزینه «۲» متوسط

« فرود آوردن یک هواپیما روی یک ناو هواپیمابر نیازمند دقت بسیار زیادی است، چونکه اگر منطقه فرود را حتی به اندازه کوچکی از دست دهید، میتونید در هم بشکنید. (اگه اشتباه فرود بیاید کارتون تمومه!). »

- (۱) determination: عزم، اراده، تعیین (۲) precision: دقت، صحت (۳) rationality: عقلانیت (۴) consultation: مشورت، مشاوره

۱۰. گزینه «۴» متوسط

« رشد جدید کوچکترین رگ های بدن، برای مثال باعث می شود سرطان ها بزرگ و پخش شوند و به نابینایی که می تواند همزمان با دیابت باشد، کمک می کند. »

- (۱) cause: موجب شدن (۲) halt: متوقف کردن / شدن (۳) identify: تشخیص هویت دادن (۴) accompany: همراهی کردن، همزمان بودن

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

- 1- In the central highlands of New Guinea, the sudden ----- from the society of the stone ax to the society of sailing ships (and now of airplanes) has not been easy to make.
1) manifestation 2) deterioration 3) transition 4) sophistication
- 2- I want your help with my literature review. ----- to the e-mail are some questions. Please answer them.
1) Raised 2) Posed 3) Inquired 4) Attached
- 3- There is no single or widely used definition of children's literature. It can be ----- defined as anything that children read or more specifically defined as fiction, non-fiction, poetry, or drama intended for and used by children and young people.
1) broadly 2) optimistically 3) controversially 4) neutrally
- 4- When many of the spoken languages of the Native American Indians were ----- as a result of colonialism by English, French, Spanish or Portuguese, they became extinct.
1) distributed 2) replicated 3) illustrated 4) replaced
- 5- During the winter storm, the road conditions were so ----- that schools were cancelled for a week.
1) reckless 2) deplorable 3) superficial 4) erratic
- 6- Laying a bouquet of flowers and the gift-wrapped doll upon the bed, the young mother kissed the sleeping Soha and said this -----: "A happy birthday, and God bless you, my daughter!"
1) beneficence 2) malediction 3) benediction 4) valediction
- 7- People who ----- their dreams do what they love and they go for greatness.
1) chase 2) involve 3) gather 4) require
- 8- Attention is essential in achieving anything. If you can't pay attention, you can't get the job -----.
1) taken 2) made 3) tried 4) done
- 9- Everything man-made around you was ----- a thought in someone's head.
1) socially 2) originally 3) quickly 4) desirably
- 10- The strength of the United Nations is dependent upon the ----- of its member countries.
1) encounter 2) assumption 3) cooperation 4) urgency

۱. گزینه «۳» متوسط

« در ارتفاعات مرکزی گینه‌نو، انتقال ناگهانی از جامعه تبر سنگی به جامعه کشتی های دریانوردی (و اکنون هواپیماها) آسان نبوده است. »

(۱) manifestation: تجلی، ظهور، علامت (۲) deterioration: زوال (۳) transition: گذار، انتقال (۴) sophistication: پیچیدگی، کمال

۲. گزینه «۴» آسان

« از تون میخوام که در بررسی ادبیاتم بهم کمک کنید. برخی از سؤالات در ایمیل ضمیمه شده است. لطفاً به آنها پاسخ دهید. »

(۱) raise: بالا رفتن، پروراندن، مطرح کردن (۲) pose: ژست گرفتن، به وجود آوردن (۳) inquire: پرسیدن (۴) attach: ضمیمه کردن، چسباندن

۳. گزینه «۱» متوسط

« هیچ تعریف واحد یا گسترده ای از ادبیات کودکان وجود ندارد. به صورت کلی می توان هر چیزی را که کودکان می خوانند [ادبیات کودکان] تعریف کرد و یا به طور خاص تر مثل داستان، غیر داستانی، شعر یا درامی که برای کودکان و نوجوانان در نظر گرفته شده است را [ادبیات کودکان] تعریف کرد. »

(۱) broadly: به صورت کلی (۲) optimistically: به صورت خوشبینانه

(۳) controversially: به صورت بحث برانگیز (۴) neutrally: به صورت بی طرفانه

۴. گزینه «۴» سخت

« وقتی بسیاری از زبانهای گفتاری هندی های بومی آمریکا به دلیل استعمار با انگلیسی، فرانسوی، اسپانیایی یا پرتغالی جایگزین شدند، [آن زبان های گفتاری] منقرض گشتند. »

(۱) distribute: توزیع کردن، پخش کردن (۲) replicate: تکثیر شدن، تکرار کردن

(۳) illustrate: شفاف سازی کردن (۴) replace: جایگزین / عوض کردن

۵. گزینه «۲» متوسط

« در هنگام طوفان زمستانی، شرایط جاده ای به حدی بد بود که مدارس به مدت یک هفته لغو شدند. »

(۱) reckless: بی فکر، بی ملاحظه (۲) deplorable: رقت انگیز، بسیار بد (۳) superficial: سطحی (۴) erratic: دمدمی مزاج، نامنظم

۶. گزینه «۳» متوسط

« مادر جوان با گذاشتن یک دسته گل و عروسک کادو پیچ شده روی تخت، سوهای خوابیده را بوسید و این دعای خیر را گفت: "تولدت مبارک و خدا نگهدارت باشد، دختر من!" »

(۱) beneficence: نیکوکاری، بخشش (۲) malediction: نفرین، لعنت (۳) benediction: دعای خیر (۴) valediction: وداع، بدرود

۷. گزینه «۱» آسان

« افرادی که رؤیاهای خود را تعقیب می کنند، آنچه را که دوست دارند انجام می دهند و به دنبال عظمت و بزرگی می روند. »

(۱) chase: تعقیب کردن، وادار به فرار کردن (۲) involve: شامل شدن / بودن

(۳) gather: جمع کردن / شدن، فهمیدن (۴) require: نیاز داشتن، لازم بودن

۸. گزینه «۴» آسان

« توجه برای دستیابی به هر چیز ضروری است. اگر نمی توانید توجه کنید، نمی توانید [آن] کار را انجام دهید. »

(۱) take (۲) make (۳) try (۴) do

برای «انجام دادن کار» از کلمه do استفاده می کنیم (do the job)

۹. گزینه «۲» آسان

« همه چیزهای ساخت بشر در اطراف شما، در اصل یک فکر و ایده در ذهن یک نفر بوده است. »

(۱) social: اجتماعی (۲) original: اصلی، ابتکاری، اصیل (۳) quick: سریع (۴) desirable: مطلوب، خواستنی

در اصل، اصالتاً original + ly → originally

۱۰. گزینه «۳» آسان

« قدرت سازمان ملل متحد به همکاری کشورهای عضو آن، بستگی دارد. »

(۱) encounter: رویارویی (۲) assumption: فرض، گمان، اتخاذ (۳) cooperation: همکاری، تعاون (۴) urgency: فوریت، ضرورت

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

- 1- The link between ivory and violence adds even more ----- to the need to quash this deadly trade.
1) dispute 2) speculation 3) ingenuity 4) urgency
- 2- Astronomers have been able to examine much of the universe's history by training their telescopes on distant galaxies and quasars that ----- their light billions of years ago.
1) emitted 2) disguised 3) replicated 4) impeded
- 3- When J. Langdon Down first described savant syndrome in 1887, coining its name and noting its association with ----- powers of memory, he cited a patient who could recite Edward Gibbon's *The Decline and Fall of the Roman Empire* verbatim.
1) implicit 2) hasty 3) astounding 4) innovative
- 4- Because anemia can be treated with blood transfusions, some historians state that in the dark ages people with porphyria might have tried drinking blood as a folk -----.
1) misnomer 2) remedy 3) persistence 4) prejudice
- 5- The toxins will cause the white blood cells to ----- to the point they are no longer able to fight germs.
1) demote 2) degenerate 3) evolve 4) soar
- 6- The history of the kingdom of Naples is ----- interwoven with that of Sicily, with which for long periods it was united as the kingdom of the two Sicilies.
1) loyally 2) zealously 3) inflexibly 4) inextricably
- 7- When a big company takes over a little company, the smaller company loses its separate identity and is ----- the bigger one.
1) attributed to 2) challenged by 3) assimilated into 4) detracted from
- 8- To be better able to do his call presentation, the history student ----- the information he found in the encyclopedia with interviews of people who had fought in the war.
1) augmented 2) gathered 3) exploited 4) concurred
- 9- For most of us, there is an obvious discrepancy between the current self and the ideal future self. Self-discrepancy theory states that people will be motivated to reduce this discrepancy so that their current self begins to -----their vision of their ideal self.
1) contradict 2) overcome 3) disillusion 4) approach
- 10- Wayan Suta Negara was born on the slope of the sacred volcano but was forced to leave his home recently when fears of an eruption led to a mass -----.
1) genocide 2) evacuation 3) expediency 4) anomaly
- 11- Pterosaurs terrorized the skies for more than 160 million years until they went extinct alongside the dinosaurs some 66 million years ago. They are the largest animals to have ever flown, with some like the ----- Quetzalcoatlus having wingspans as large as fighter jets.
1) colossal 2) primary 3) influential 4) coincidental
- 12- While the brain, a physical entity, is ----- scientific investigation, the mind—an abstract, elusive quarry—is far less so, and questions about its architecture have occupied philosophers at intervals since classical antiquity.
1) resistant to 2) hazardous for 3) amenable to 4) consistent with

۱. گزینه «۴» سخت

« پیوند بین عاج فیل و خشونت، فوریت و ضرورت بیشتری به لزوم پایان دادن به این تجارت کشنده، می‌افزاید. »

(۱) dispute: مشاجره (۲) speculation: حدس و گمان (۳) ingenuity: نبوغ، ابتکار (۴) urgency: فوریت، ضرورت

۲. گزینه «۱» سخت

« اخترشناسان توانسته‌اند با آموزش به تلسکوپ‌های خود بر روی کهکشان‌ها و کوازارهای دوردست که میلیاردها سال قبل، نورشان را

ساطع کردند، بیشتر تاریخ جهان را بررسی کنند. »

(۱) emit: بیرون دادن، ساطع کردن (۲) disguise: تغییر چهره دادن، لاپوشانی کردن (۳) replicate: تکثیر شدن (۴) impede: مانع شدن، جلوگیری کردن

۳. گزینه «۳» سخت

« هنگامی که جی لانگدون داون برای اولین بار در سال ۱۸۸۷ سندرم ساوان را توصیف کرد، نام آن را ساخت و ارتباطش با قدرت‌های حیرت‌انگیز

حافظه را ذکر کرد، به یک بیمار اشاره کرد که می‌توانست کلمه به کلمه [اثر] "سقوط و افول امپراتوری روم" ادوارد گیبون را از بر بخواند »

(۱) implicit: ضمنی، مطلق، غیرمستقیم (۲) hasty: شتابزده، عجول (۳) astounding: حیرت‌انگیز (۴) innovative: خلاقانه، نوآورانه

۴. گزینه «۲» سخت

« از آنجا که کم‌خونی می‌تواند با تزریق خون درمان شود، برخی از مورخان اظهار دارند که در سال‌های تاریک (سال‌های بین قرن ششم و

دهم اروپا، بعد از پایان امپراتوری روم) افراد مبتلا به پورفیریا ممکن است نوشیدن خون را به عنوان داروی بومی امتحان کرده باشند. »

(۱) misnomer: نام غلط (۲) remedy: درمان، دارو (۳) persistence: سماجت، تداوم (۴) prejudice: دید تبعیضانه‌داند، تاثیر بد گذاشتن

۵. گزینه «۲» سخت

« سموم باعث رو به انحطاط گذاشتن سلول‌های سفید خون می‌شوند تا جایی که دیگر قادر به مقابله با میکروب‌ها نیستند. »

(۱) demote: تنزل رتبه دادن (۲) degenerate: بدتر شدن، رو به انحطاط گذاشتن (۳) evolve: تکامل یافتن (۴) soar: اوج گرفتن، بالا رفتن

۶. گزینه «۴» سخت

« تاریخ پادشاهی نابل به طور جدانشدنی با تاریخ سیسیل در هم آمیخته است، که با آن برای مدت طولانی بعنوان پادشاهی دو سیسیل متحد شده بود »

(۱) loyal: وفادار (۲) zealous: مشتاق (۳) inflexible: انعطاف ناپذیر (۴) inextricable: جدانشدنی، غیرقابل انکار

۷. گزینه «۳» سخت

« وقتی یک شرکت بزرگ یک شرکت کوچک را تصاحب می‌کند، شرکت کوچکتر هویت جداگانه خود را از دست می‌دهد و به شرکت بزرگتر

جذب می‌شود. »

(۱) attribute: نسبت دادن (۲) challenge: به چالش کشیدن (۳) assimilate: یکی کردن / شدن، جذب کردن (۴) detract: کم جلوه دادن

۸. گزینه «۱» سخت

« برای این که بهتر بتواند ارائه خود را انجام دهد، [آن] دانشجوی تاریخ، اطلاعاتی که در دانشنامه پیدا کرد را با مصاحبه‌های افرادی که در

جنگ جنگیده بودند، زیاد کرد. »

(۱) augment: زیاد کردن (۲) gather: جمع کردن، فهمیدن (۳) exploit: بهره‌برداری / استثمار کردن (۴) concur: هم‌رأی و موافق بودن

۹. گزینه «۴» سخت

« برای بیشتر ما، اختلاف آشکاری بین خود فعلی و خود آینده ایده‌آل وجود دارد. نظریه خود-ناهمخوانی بیان می‌کند که افراد برای کاهش

این اختلاف انگیزه پیدا می‌کنند به گونه‌ای که خود فعلی آن‌ها شروع به نزدیک شدن به بینش آن‌ها در مورد خود ایده‌آل‌شان می‌کند. »

(۱) contradict: تناقض داشتن، رد کردن (۲) overcome: غلبه کردن (۳) disillusion: از توهم بیرون آوردن (۴) approach: نزدیک شدن، درخواست کردن

۱۰. گزینه «۲» سخت

« وایان سوتا نگارا در دامنه آتشفشان مقدس متولد شد اما اخیراً هنگامی که ترس از فوران [آتشفشان] منجر به تخلیه گسترده شد، مجبور

شد خانه خود را ترک کند. »

(۱) genocide: نسل کشی (۲) evacuation: تخلیه (۳) expediency: مصلحت (۴) anomaly: خلاف قاعده، ناهنجاری

۱۱. گزینه «۱» سخت

« پتروزارها بیش از ۱۶۰ میلیون سال، با ترساندن در آسمان‌ها حکمرانی کردند، تا اینکه ۶۶ میلیون سال پیش در کنار دایناسورها منقرض

شدند. آنها بزرگترین حیواناتی هستند که تاکنون پرواز کرده‌اند، و برخی از آنها مانند کویتزالکواتلوس غول‌پیکر، دارای پهنای بال به بزرگی

جت‌های جنگنده بودند. »

(۱) colossal: غول‌پیکر، زیاد (۲) primary: اصلی، ابتدایی (۳) influential: پرنفوذ، تاثیرگذار (۴) coincidental: تصادفی، اتفاقی

۱۲. گزینه «۳» سخت

« در حالی که مغز، یک موجودیت فیزیکی، پاسخگوی تحقیقات علمی است، ذهن - یک معدن انتزاعی و دیرفهم - به مراتب کمتر از این

است، و سؤالات مربوط به معماری آن، فیلسوفان را در فواصل زمانی از دوران باستان کلاسیک، مشغول کرده است. »

(۱) resistant: مقاوم (۲) hazardous: خطرناک (۳) amenable: پذیرا، تابع، پاسخگو (۴) consistent: باثبات، استوار، مطابق

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

- 1- Though little is yet agreed in Paris as the UN climate talks enter their final days, nobody seems to doubt a deal will be -----.
 1) blown 2) shaken 3) sworn 4) struck
- 2- The coming of the machine age, which placed less of ----- on physical strength, might well have been expected to ease the subjection of women.
 1) an endeavor 2) a distinction 3) a premium 4) an aggression
- 3- When dinosaurs lived, this region was hot and humid, so there would have been no need for them to -----.
 1) emerge 2) sprout 3) hibernate 4) evaporate
- 4- The manager considered the support of his staff ----- for the success of his project; he knew that without their cooperation he alone could not even think of it.
 1) indispensable 2) concurrent 3) redundant 4) spontaneous
- 5- The actor was known for giving very ----- answers to interviewers, so everyone was surprised when he spoke to the journalist at length about his early life and his influences.
 1) reliable 2) compatible 3) covert 4) laconic
- 6- Sophie did quite poorly on her first two math tests, but on ----- exams she averaged between 90 and 100%.
 1) subsequent 2) pragmatic 3) hypothetical 4) minimal
- 7- After a comprehensive investigation, the fact-finding committee announced that the accident was caused by a -----.
 1) propulsion 2) density 3) defect 4) headway
- 8- The newly designed national plan sounded perfect in theory, but the authorities did not proceed to implement it because it was not economically -----.
 1) frugal 2) inflationary 3) eternal 4) viable
- 9- While the members of the president's cabinet wanted him to take a belligerent stance against a neighboring country, the president sought a peaceful -----.
 1) continuum 2) compromise 3) impression 4) stimulation
- 10- During a violent revolt in 1989, the Romanian people did whatever they could to ----- the government that was no longer sensitive to their needs.
 1) inflict 2) impose 3) overthrow 4) diminish
- 11- Tom Bradley once observed that the only thing that will stop you from ----- your dreams is you.
 1) fulfilling 2) foretelling 3) persevering 4) speculating
- 12- ----- and greed are said to always attract bad karma. You may benefit in the short term, but you will end up paying later.
 1) Autonomy 2) Longevity 3) Reaction 4) Malice

۱. گزینه «ع» سخت

« اگرچه با ورود مذاکرات اقلیمی سازمان ملل به روزهای پایانی خود، هنوز توافق اندکی در پاریس حاصل شده، به نظر نمی-رسد کسی شک داشته باشد که توافق حاصل خواهد شد. »

به توافق رسیدن: **strike a deal**

۲. گزینه «۳» سخت

« با ظهور عصر ماشین، که بهای کمتری به نیروی فیزیکی می داد، شاید انتظار می رفته که استیلای زنان، کمتر شود. »

(۱) endeavor: تلاش (۲) distinction: تمایز، فرق، برتری (۳) premium: مبلغ پرداختی، بها (۴) aggression: پرخاشگری، حمله

۳. گزینه «۳» سخت

« وقتی دایناسورها زندگی می کردند، این منطقه گرم و مرطوب بود، بنابراین نیازی نبود که به خواب زمستانی بروند. »

(۱) emerge: پدیدار شدن، بیرون آمدن (۲) sprout: جوانه زدن (۳) hibernate: به خواب زمستانی رفتن (۴) evaporate: از بین رفتن، بخار شدن

۴. گزینه «۱» سخت

« مدیر، پشتیبانی و حمایت از کارمندان خود را برای موفقیت پروژه خود، ضروری می دانست؛ او می دانست که بدون همکاری آنها (کارمندان)، به تنهایی حتی نمی تواند فکرش را هم کند. »

(۱) indispensable: ضروری، اساسی (۲) concurrent: همزمان، همسو (۳) redundant: زائد (۴) spontaneous: خود به خود، خود جوش

۵. گزینه «۴» متوسط

« [این] بازیگر به دادن پاسخهای بسیار کوتاه به مصاحبه کنندگان شهرت داشت، بنابراین وقتی او با روزنامه نگاری در مورد زندگی ابتدایی (دوران کودکی) و تأثیراتش صحبت کرد، همه شگفت زده شدند. »

(۱) reliable: قابل اعتماد (۲) compatible: سازگار (۳) covert: مخفی، مخفیانه (۴) laconic: کوتاه، مختصر

۶. گزینه «۱» متوسط

« سوفی در دو آزمون ریاضی اول خود بسیار ضعیف عمل کرد، اما در امتحانات بعدی، میانگین [نمراتش] بین ۹۰ تا ۱۰۰ بود »

(۱) subsequent: بعدی، متعاقب (۲) pragmatic: عملگرایانه، عملگرا (۳) hypothetical: فرضی (۴) minimal: حداقل، کمترین حد

۷. گزینه «۳» متوسط

« کمیته تحقیق و تفحص، پس از یک بررسی جامع اعلام کرد که [این] حادثه ناشی از یک نقص بوده است. »

(۱) propulsion: پیش رانش (۲) density: چگالی، تراکم (۳) defect: اشکال، نقص، عیب (۴) headway: پیشروی

۸. گزینه «۴» سخت

« طرح ملی که به تازگی طراحی شده، از نظر تئوری بی نقص به نظر می رسید، اما مقامات برای اجرای آن اقدام نکردند زیرا از نظر اقتصادی مناسب و قابل اعتماد نبود. »

(۱) frugal: صرفه جو، ساده (۲) inflationary: تورمزا (۳) eternal: ابدی، جاودان (۴) viable: قابل اعتماد، مناسب، قابل دوام

۹. گزینه «۲» متوسط

« در حالی که اعضای کابینه رئیس جمهور از او خواستند که موضع خصمانه ای را علیه یک کشور همسایه اتخاذ کند، رئیس-جمهور به دنبال یک سازش صلح آمیز بود. »

(۱) continuum: سلسله، زنجیره (۲) compromise: سازش (۳) impression: تأثیر، احساس، نشان (۴) stimulation: تحریک، انگیزش

۱۰. گزینه «۳» سخت

« در طی یک شورش خشونت آمیز در سال ۱۹۸۹، مردم رومانی برای سرنگون کردن دولتی که دیگر به نیازهای آنها حساس نبود (توجهی نداشت)، هر کاری که می توانستند انجام دادند. »

(۱) inflict: وارد آوردن (خسارت) (۲) impose: تحمیل کردن (۳) overthrow: سرنگون کردن (۴) diminish: کم کردن، کم کردن / شدن

۱۱. گزینه «۱» متوسط

« تام بردلی زمانی اظهار کرد که تنها چیزی که شما را از تحقق بخشیدن به رویاهای خود باز می دارد شما هستید »

(۱) fulfill: تحقق بخشیدن، برآورده کردن (۲) foretell: پیش بینی کردن (۳) persevere: ثابت قدم ماندن (۴) speculate: حدس زدن

۱۲. گزینه «۴» سخت

« گفته می شود که بدجنسی و حرص و طمع همیشه کارمای بد را [به سوی خود] جذب می کند. ممکن است شما در کوتاه مدت سود ببرید، اما بعداً نتیجه اش را خواهید دید. »

(۱) autonomy: خودمختاری، استقلال (۲) longevity: طول عمر، عمر طولانی (۳) reaction: واکنش (۴) malice: بدجنسی، کینه توزی

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

- 1- It's an ----- to their friends as to why the couple broke up because they seem perfect for each other.
 1) interference 2) inference 3) alteration 4) enigma
- 2- Mr. Baker has decided to move to a big city because of a ----- of employment opportunities in his small hometown.
 1) demonstration 2) foundation 3) trace 4) dearth
- 3- Do you know an alternate route we could take to ----- having to drive through the city.
 1) circumvent 2) delight in 3) partake of 4) suggest
- 4- My political science professor presents her lectures in a relaxed manner using ----- rather than elaborate language.
 1) loquacious 2) colloquial 3) literary 4) inflated
- 5- My uncle, a farmer, is an ----- pessimist when he discusses the weather. For example, if the sun is shining, he's sure a drought is beginning; if it's raining, he's sure his crops will be washed away.
 1) initial 2) instant 3) immutable 4) interactive
- 6- The pharmaceutical company had to ----- its advertising claim regarding the healing power of its new arthritis medicine because research studies clearly indicate the medicine isn't effective.
 1) repudiate 2) enhance 3) distribute 4) replicate
- 7- I would like to compliment Jaden for the course of action he recommended because I think it will ----- our problem once and for all.
 1) sequence 2) speculate 3) signify 4) settle
- 8- An ----- is often expressed as a simile, as in "The football game was like a battle between gladiators."
 1) endeavor 2) invasion 3) analogy 4) arena
- 9- There are many good reasons for not smoking, but those having to do with health are the most -----
 1) passionate 2) cogent 3) paradoxical 4) accidental
- 10- ----- therapy is a psychological approach designed to help individuals change harmful thought patterns to more constructive ones.
 1) Inherent 2) Thoughtful 3) Cognitive 4) Epidemiological

۱. گزینه «۴» آسان

«یه معا برای دوستان آنها است که چرا [آن] زوج جدا شدند، زیرا آنها خیلی برای همدیگر ایده‌آل به نظر می‌رسند.»
(۱) interference: دخالت، اختلال (۲) inference: استنباط (۳) alteration: تغییر، اصلاح (۴) enigma: چیستان، معا

۲. گزینه «۴» متوسط

« آقای پیکر تصمیم گرفته که به شهر بزرگتری نقل مکان کنه، بخاطر کمبود فرصتهای شغلی در زادگاه کوچکش. »
(۱) demonstration: تظاهرات، نمایش، اثبات (۲) foundation: بنیاد، اساس (۳) trace: رد پا، اثر (۴) dearth: کمبود، کسری

۳. گزینه «۱» متوسط

« آیا مسیر جایگزینی می‌شناسی که ما بتونیم بریم، تا مجبور نباشیم از میان شهر رانندگی کنیم و دور بزیمیش؟ »
(۱) circumvent: کسی/ چیزی را دور زدن (۲) delight in: لذت بردن (۳) partake of: خوردن، سهم بردن (۴) suggest: پیشنهاد دادن، گفتن

۴. گزینه «۲» سخت

« استاد علوم سیاسی من، به صورت ریلکس تدریس میکنه، و بیشتر از اینکه بخواد با زبان پیچیده صحبت کنه، از زبان محاوره ای استفاده می کنه. »
(۱) loquacious: پر حرف، وراج (۲) colloquial: محاوره ای، غیررسمی (۳) literary: ادبی (۴) inflated: متورم، باد شده، مهمتر جلوه داده شده

۵. گزینه «۳» متوسط

« عمومی من، [که] یک کشاورز [است]، وقتی که درباره آب و هوا صحبت میکند یک فرد بدبین تغییرناپذیر است (همیشه بدبینه). »

مثلاً، اگر آفتاب بتابه، او مطمئن که خشکسالی در راه است؛ اگر بارون بیاد، او مطمئن که تمام محصولاتش را آب (سیل) خواهد برد.
(۱) initial: ابتدایی، اولیه (۲) instant: بی درنگ، فوری (۳) immutable: تغییر ناپذیر (۴) interactive: تعاملی، بر هم کنشی

۶. گزینه «۱» متوسط

« [این] شرکت دارویی مجبور بود ادعای تبلیغاتی اش، مبنی بر قدرت درمانی داروی آرتروز (ورم مفاصل) جدیدش را پس بگیرد، زیرا مطالعات تحقیقاتی به صورت واضح نشان می دهند که [این] دارو مؤثر نیست. »
(۱) repudiate: رد کردن، نپذیرفتن (۲) enhance: بهبود دادن (۳) distribute: توزیع/ پخش کردن (۴) replicate: تکثیر شدن، تکرار کردن

۷. گزینه «۴» سخت

« میخوام جیدن رو به خاطر راهکارهایی که پیشنهاد داد ستایش و تحسین کنم، زیرا فکر میکنم مشکلمان را یکبار و برای همیشه، پایان خواهد داد. »

(۱) sequence: توالی، دنباله، صحنه (۲) speculate: حدس زدن (۳) signify: حاکی بودن (از)، (۴) settle: مستقر شدن، پایان دادن

۸. گزینه «۳» سخت

« یک قیاس، اغلب به عنوان یک تشبیه (استعاره) بیان می شود، مثلاً در [جمله]: "بازی فوتبال مانند یک نبرد بین گلا دیاتورها بود." »

(۱) endeavor: تلاش (۲) invasion: تعرض، هجوم (۳) analogy: شباهت، مقایسه، قیاس (۴) arena: عرصه، میدان مسابقه

۹. گزینه «۲» آسان

« دلایل خوب زیادی برای سیگار نکشیدن وجود دارد، اما آنهایی که در رابطه با سلامت هستند، متقاعد کنندهترین هستند. »

(۱) passionate: پُر شور، احساساتی (۲) cogent: متقاعد کننده

(۳) paradoxical: متناقض، پر از پارادوکس (۴) accidental: تصادفی، اتفاقی

۱۰. گزینه «۳» متوسط

« درمان شناختی یک رویکرد روانشناسی است که طراحی شده تا به افراد کمک کنه الگوهای فکری مُضر را به الگوهای سازنده‌تری تغییر دهند. »

(۱) inherent: درونی (۲) thoughtful: متفکر (۳) cognitive: شناختی (۴) epidemiological: مرتبط با علم واگیرشناسی

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

- 1- Some vegetarians are not just indifferent to meat; they have a/an ----- toward it.
1) immorality 2) tendency 3) antipathy 4) commitment
- 2- A recent study shows that the prevalence and sometimes misuse of cell phones and computers has led to a/an ----- in some people about the benefits of technology.
1) ambivalence 2) distinction 3) encouragement 4) compromise
- 3- My niece has a ----- imagination. She can turn a tree and a stick into a castle and a wand and spend hours in her fairy kingdom.
1) vacuous 2) vivid 3) cyclical 4) careless
- 4- The singer's mellifluous voice kept the audience ----- for two hours.
1) disputed 2) disregarded 3) frustrated 4) enchanted
- 5- His family, relatives, and friends still cling to the hope that Jeff will someday ----- himself from the destructive hole he now finds himself in.
1) evade 2) prevent 3) deprive 4) extricate
- 6- Logan has been working long hours, but that is no excuse for him to be ----- to customers.
1) ingenious 2) intimate 3) discourteous 4) redundant
- 7- Although he was found -----, he continued to assert that he was innocent and had been falsely indicted.
1) critical 2) guilty 3) problematic 4) gloomy
- 8- The old sailor's skin had become wrinkled and ----- from years of being out in the sun and the wind.
1) desiccated 2) emerged 3) intensified 4) exposed
- 9- The promoters conducted a survey to study the ----- of the project before investing their money in it.
1) impression 2) visibility 3) feasibility 4) preparation
- 10- That is too ----- an explanation for this strange phenomenon – I am sure there's something more complex at work.
1) simplistic 2) lengthy 3) profound 4) initial

۱. گزینه «۳» سخت

« بعضی از گیاه خواران، فقط نسبت به گوشت بی تفاوت نیستند؛ بلکه آن ها با گوشت، خصومت و دشمنی دارند. » (همه گیاه خواران که گوشت نمیخورند، نسبت به گوشت بی تفاوت نیستند. به سرپاشون با گوشت خصومت و دشمنی دارن، واسه همون سراغ گوشت نمیرن)
(۱) immorality: فساد، بد اخلاقی (۲) tendency: گرایش، تمایل (۳) antipathy: خصومت، دشمنی (۴) commitment: تعهد

۲. گزینه «۱» متوسط

« یک مطالعه اخیر، نشان میدهد که شیوع و گاهی استفاده نادرست از موبایل ها و کامپیوترها، یک حس دوگانگی در برخی از افراد نسبت به مزایای تکنولوژی، به وجود آورده است. »
(۱) ambivalence: حس دوگانگی (۲) distinction: تمایز، برتری (۳) encouragement: تشویق، ترغیب (۴) compromise: سازش

۳. گزینه «۲» متوسط

« دختر برادرم/ خواهرم، تخیل روشن و واضحی داره. او میتونه به درخت و به تیکه چوب رو به به قلع و به چوب جادویی تبدیل کنه. و ساعت ها رو در پادشاهی جادویی خودش سپری می کنه. »
(۱) vacuous: بوج، بی معنی (۲) vivid: واضح، روشن (۳) cyclical: چرخه ای (۴) careless: بی توجه، بی دقت

۴. گزینه «۴» سخت

« صدای ملج و شیرین [آن] خواننده، به مدت دو ساعت، شنوندگان را مسحور نگه داشت. »
(۱) dispute: مشاجره کردن، رد کردن (۲) disregard: نادیده گرفتن (۳) frustrate: اذیت کردن، مختل کردن (۴) enchant: افسون / مسحور کردن

۵. گزینه «۴» متوسط

« خانواده، خویشاوندان و دوستان او، هنوز این امید را دارند که چف یک روز خودش را از چالۀ مخربی که خودش را در آن می بیند، (از این مخمصه ای که توش افتاده) خلاص خواهد کرد. »
(۱) evade: طفره رفتن، فرار کردن (۲) prevent: جلوگیری کردن (۳) deprive: سلب و محروم کردن (۴) extricate: خلاص شدن، خلاص کردن

۶. گزینه «۳» سخت

« لوگان، ساعت زیادی که داره کار میکنه، (طبیعتاً خیلی خسته شده)، اما این [موضوع] نباید بهانه ای برای او باشه تا نسبت به مشتری ها گستاخ بشه. »
(۱) ingenious: باهوش، مبتکرانه (۲) intimate: خودمانی، صمیمی (۳) discourteous: بی ادب، گستاخانه (۴) redundant: زائد

۷. گزینه «۲» آسان

« با وجود اینکه گناهکار شناخته شد، او به اظهار اینکه بی گناه است و اشتباهی متهم شده است ادامه داد. »
(۱) critical: انتقادی، بحرانی (۲) guilty: مقصر، مجرم، گناهکار (۳) problematic: مشکل ساز، گیج کننده (۴) gloomy: تیره، تاریک، افسرده، دلگیر

۸. گزینه «۱» سخت

« پوست [آن] دریانورد پیر، به خاطر سالها جلوی خورشید و باد بودن، چروک و خشک شده بود. »
(۱) desiccated: خشک شده، خشک (۲) emerge: پدیدار شدن، بیرون آمدن (۳) intensify: تشدید کردن (۴) expose: افشاء کردن، نشان دادن

۹. گزینه «۳» متوسط

« ترویج کنندگان، برای مطالعه امکان پذیری [آن] پروژه، قبل از سرمایه گذاری پولشان در آن، یک نظرسنجی انجام دادند. »
(۱) impression: تأثیر، احساس، نشان (۲) visibility: دید، قابلیت رؤیت (۳) feasibility: امکان پذیری (۴) preparation: آماده سازی، تهیه

۱۰. گزینه «۱» آسان

« آن [صحبت و اظهار نظر] در مورد این پدیده عجیب و غریب، بسیار سطحی و ساده گرایانه است - مطمئنم چیز بسیار پیچیده تری در کار است. » (موضوع به این سادگی که شماها فکر میکنید نیست...)
(۱) simplistic: ساده گرایانه (۲) lengthy: طولانی، طویل (۳) profound: عمیق، ژرف (۴) initial: اولیه، ابتدایی

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

- 1- Animal husbandry is the branch of agriculture ----- with animals that are raised for meat, fiber, milk, eggs, or other products.
1) handled 2) concerned 3) included 4) interfered
- 2- Named by Portuguese explorer Ferdinand Magellan, who believed it to be free of --- ----- storms, the Pacific Ocean is not, in fact, so pacific.
1) violent 2) distant 3) temporary 4) pointless
- 3- Animal rights is not just a philosophy—it is a social movement that ----- society's traditional view that all nonhuman animals exist solely for human use.
1) asserts 2) magnifies 3) distinguishes 4) challenges
- 4- If people can raise enough fish on farms, it stands to ----- that they will be less inclined to hunt them from the sea.
1) logic 2) rationality 3) reason 4) attention
- 5- The programmer ----- an analogy between the human brain and the computer.
1) drew 2) bore 3) took 4) put
- 6- The ----- of the editor's comments made us think that he hadn't really read the manuscript.
1) intensity 2) ignorance 3) tolerance 4) superficiality
- 7- The two boys tried to sound ----- at the police station, but they weren't really sorry that they had herded the sheep into Mr. Ingersoll's house.
1) resistant 2) impatient 3) regretful 4) indifferent
- 8- Though he spoke for over an hour, the lecturer was completely ----- and the students had no idea what he was talking about.
1) solitary 2) inarticulate 3) curious 4) effortless
- 9- For years no one could make this particular therapy work in animals larger than rodents, but now two research groups have demonstrated its ----- in dogs.
1) efficacy 2) restriction 3) sympathy 4) vulnerability
- 10- The African elephant has become the object of one of the biggest, broadest international efforts yet ----- to turn a threatened species off the road to extinction.
1) intruded 2) explored 3) mounted 4) compensated

۱. گزینه «۲» متوسط

« دام پروری، شاخه ای از کشاورزی مرتبط با حیواناتی است که برای گوشت، ایاف، شیر، تخم مرغ یا دیگر محصولات، پروراند می شوند. »

- (۱) handle: رسیدگی کردن، مدیریت کردن، به کار بردن
(۲) concern: نگران کردن، مربوط بودن، درگیر کردن
(۳) include: شامل شدن، شامل بودن
(۴) interfere: فزولی کردن، مداخله کردن

۲. گزینه «۱» متوسط

« نام گذاری شده توسط مکتشف پرتغالی، فردیناند ماژلان، کسی که [به این موضوع] باور داشت که [در اقیانوس آرام] طوفان شدید وجود ندارد، [در حالی که] "اقیانوس آرام" در حقیقت، خیلی آرام نیست. »
(۱) violent: خشن، شدید (۲) distant: دور، فاصله دار، غیرصمیمی (۳) temporary: موقت، زودگذر (۴) pointless: بی معنی، بیهوده

۳. گزینه «۴» آسان

« حقوق حیوانات فقط یک فلسفه نیست. [بلکه] یک جنبش اجتماعی است که دیدگاه سنتی جامعه که تمام موجودات غیرانسانی فقط برای استفاده بشر وجود دارند را به چالش می کشد. »
(۱) assert: ادعا کردن، اظهار داشتن (۲) magnify: بزرگ کردن (۳) distinguish: تشخیص دادن (۴) challenge: به چالش کشیدن

۴. گزینه «۳» خیلی سخت

« اگر مردم بتوانند به اندازه کافی در مزارع، ماهی پرورش دهند، بدیهی است که آن ها کمتر متمایل به صید آن ها (ماهی ها) در دریا خواهند بود. » (اگر این تست رو درست زدید به این معنی که کارتون خیلی درسته. البته به شرط اینکه شانس نبوده باشه)
(۱) logic: منطق، استدلال (۲) rationality: عقلانیت (۳) reason: دلیل، عقل (۴) attention: توجه، دقت
بدیهی است (که) **it stands to reason (that)**

۵. گزینه «۱» سخت

« [آن] برنامه نویسی مقایسه ای بین مغز انسان و کامپیوتر انجام داد. »
(۱) draw: رسم کردن، کشیدن و... (۲) bear: تحمل کردن، نگه داشتن (۳) take: گرفتن، برداشتن و... (۴) put: گذاشتن، قرار دادن و...
مقایسه کردن، قیاس: **draw an analogy / make an analogy:**

۶. گزینه «۴» متوسط

« سطحی بودن اظهار نظرهای [آن] ویراستار، باعث شد که ما فکر کنیم که او واقعاً [آن] دست نوشته را نخوانده بود. »
(۱) intensity: شدت، جدیت (۲) ignorance: بی خبری، جهل (۳) tolerance: تحمل، بردباری (۴) superficiality: سطحی بودن

۷. گزینه «۳» آسان

« [آن] دو پسر سعی کردند که در ایستگاه پلیس، پشیمان به نظر بیایند، اما آن ها واقعاً متأسف نبودند که [آن] گوسفند را به خانه آقای اینگرسل هدایت کرده بودند. »
(۱) resistant: مقاوم (۲) impatient: بی تاب (۳) regretful: پشیمان، متأسف (۴) indifferent: بی تفاوت، متوسط

۸. گزینه «۲» متوسط

« با اینکه بیش از یک ساعت صحبت می کرد، سخنران کاملاً نامفهوم بود و دانش آموزان اصلاً نمی دانستند که او راجع به چه چیزی دارد صحبت می کند. »

- (۱) solitary: منفرد، تنها، منزوی (۲) inarticulate: نامفهوم (۳) curious: کنجکاو، عجیب (۴) effortless: بدون دردسر، راحت

۹. گزینه «۱» متوسط

« برای سال ها، هیچکس نمیتوانست این کار درمانی خاص را روی حیواناتی بزرگ تر از جوندگان (مثل خرگوش، همستر و...) انجام دهد، اما اکنون دو گروه تحقیقاتی، اثربخشی آن را در سگ ها نشان داده اند. »
(۱) efficacy: اثربخشی (۲) restriction: محدودیت (۳) sympathy: همدردی (۴) vulnerability: آسیب پذیری

۱۰. گزینه «۳» سخت

« فیل آفریقایی، تبدیل شده است به هدف یکی از بزرگترین و گسترده ترین تلاش های بین المللی که تاکنون برای خارج کردن گونه های تهدید شده از جاده انقراض سازماندهی شده اند. » (منظورش اینه که الان همه زوم کردن روی فیل آفریقایی، تا نذارن منقرض بشه)
(۱) intrude: مزاحم شدن (۲) explore: کاوش کردن (۳) mount: سازماندهی کردن، بالا رفتن، سوار شدن (۴) compensate: جبران کردن

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

1. Ten years ago such huge telescopes were impossible, but since then engineers have developed various ways to ----- and support their huge, unwieldy mirrors.
1) reflect 2) replicate 3) detect 4) fabricate
2. A barrage of natural and man-made forces threaten bridges, from the imperceptibly slow degradation of salt water, corrosive soils and heavy traffic to the sudden ----- destruction of earthquakes.
1) inflexible 2) sluggish 3) cataclysmic 4) sarcastic
3. The real test of a building is its ability to ----- hurricanes and earthquakes.
1) withstand 2) deter 3) consolidate 4) repudiate
4. The study of contemporary climates incorporates meteorological data ----- over many years, such as records of rainfall, temperature and atmospheric composition.
1) complicated 2) assured 3) accumulated 4) estimated
5. The harmful use of animals in experiments is often ----- because animals do not get many of the human diseases that people do.
1) pragmatic 2) inevitable 3) authentic 4) ineffective
6. In a comprehensive and compelling fashion, *Sustaining Life*, edited by Eric Chivian and Aaron Bernstein, makes the case that the maintenance of biological diversity and human well-being are deeply-----; we cannot have one at the expense of the other.
1) reversed 2) interceded 3) proscribed 4) entwined
7. Unwilling to submit to the ----- forces of weather and time that break down mountains, Japan, in 1982, erected a wall to halt erosion of the perfectly formed, snow-capped cone of their sacred Mount Fuji.
1) tenuous 2) inexorable 3) intrinsic 4) dormant
8. A recent study shows that the prevalence and sometimes misuse of cell phones and computers has led to an ----- in some people about the benefits of technology.
1) impression 2) impulse 3) ambivalence 4) ignorance
9. One example of a ----- is seen in the life of the butterfly. Butterflies go through a four-stage metamorphosis from egg to larva (a caterpillar) to pupa (the resting stage) to adult.
1) transformation 2) disappearance 3) propagation 4) redundancy
10. As you plan your speech, make sure your examples are ----- your topic. You should use examples that deal with the subject you are talking about.
1) at odds with 2) devoid of 3) germane to 4) replete with
11. Many people today enjoy the ease of shopping, banking and paying bills online. However, if your personal information is not securely -----, problems can arise.
1) intervened 2) divulged 3) disregarded 4) encrypted
12. In the 1960s a historian suspected foul play in Napoleon's death in 1821 on the island of St. Helena. Arrangements were made to exhume his body, and a hair sample was then taken. Because hair doesn't -----, scientists were able to do chemical studies on it checking for toxic substances.
1) evolve 2) decay 3) persist 4) sap

۱. گزینه «۴» متوسط

« ده سال پیش چنین تلسکوپ های عظیمی غیرممکن بودند، اما از آن زمان مهندسين روش های مختلفی را برای ساخت و پشتیبانی از آینه های عظیم و سنگین شان ایجاد کرده اند. »

(۱) reflect: منعکس / فکر کردن (۲) replicate: تکثیر شدن (۳) detect: کشف کردن، یافتن، پی بردن (۴) fabricate: جعل کردن، ساختن، از خود در آوردن

۲. گزینه «۳» سخت

« موجی از نیروهای طبیعی و انسانی پل ها را تهدید می کند، از فرسایش آهسته غیرمحسوس آب شور، خاک های خورنده و ترافیک سنگین گرفته تا تخریب ناگهانی فاجعه آمیز توسط زمین لرزه ها. »

(۱) inflexible: انعطاف ناپذیر، خشک، سخت (۲) sluggish: کسل، کساد، کند (۳) cataclysmic: فاجعه آمیز (۴) sarcastic: طعنه آمیز

۳. گزینه «۱» آسان

« آزمایش واقعی یک ساختمان، توانایی آن در مقاومت در برابر طوفان ها و زمین لرزه ها است. »

(۱) withstand: مقاومت کردن، ایستادگی کردن (۲) deter: بر حذر داشتن، ترساندن (۳) consolidate: تقویت کردن، یکی کردن (۴) repudiate: رد کردن

۴. گزینه «۳» سخت

« مطالعه شرایط آب و هوایی معاصر شامل داده های هواشناسی انباشته شده در طی سال های متمادی، مانند سوابق بارندگی، دما و ساختار جوی است »

(۱) complicated: پیچیده (۲) assure: اطمینان دادن، بیمه کردن (۳) accumulate: اندوختن، انباشتن (۴) estimate: تخمین زدن

۵. گزینه «۴» متوسط

« استفاده مضر از حیوانات در آزمایشات، اغلب بیهوده است زیرا حیوانات به بسیاری از بیماری های انسانی که مردم دچار می شوند، مبتلا نمی شوند. »

(۱) pragmatic: واقع بین، عملگرا (۲) inevitable: اجتناب ناپذیر، ناگزیر (۳) authentic: موثق، اصلی (۴) ineffective: بیهوده، بی اثر

۶. گزینه «۴» سخت

« با شیوه ای جامع و قانع کننده، کتاب *Sustaining Life*، تدوین شده توسط اریک چویان و آرون برنشتاین، استدلال می کند که حفظ تنوع زیستی و رفاه انسان عمیقاً در هم تنیده شده است و ما نمی توانیم یکی را به بهای دیگری داشته باشیم. »

(۱) reverse: وارونه کردن، دنده عقب رفتن (۲) intercede: وساطت کردن (۳) proscribe: ممنوع کردن (۴) entwine: دور چیزی پیچیدن، در هم تنیدن

۷. گزینه «۲» سخت

« ژاپن در سال ۱۹۸۲، [که] مایل نبود در برابر نیروهای غیرقابل توقف آب و هوا و زمان که کوه ها را در هم شکستند، تسلیم شود، دیواری بنا کرد تا فرسایش مخروط بی عیب و پوشیده از برف کوه مقدس فوجی شان را متوقف سازد. »

(۱) tenuous: نازک، ضعیف، نامطمئن (۲) inexorable: غیر قابل توقف (۳) intrinsic: ذاتی، درونی (۴) dormant: خوابیده، خاموش

۸. گزینه «۳» متوسط

« یک مطالعه جدید نشان می دهد که شیوع و برخی اوقات سوءاستفاده از تلفن های همراه و رایانه ها منجر به دوگانگی و تردید در بعضی از افراد درباره مزایای فناوری شده است. »

(۱) impression: تأثیر، احساس، نشان (۲) impulse: میل، تکانه، ضربه (۳) ambivalence: دمدمی مزاجی، دوگانگی (۴) ignorance: بی خبری، جهل

۹. گزینه «۱» متوسط

« یک نمونه از دگرگونی و تحول در زندگی پروانه دیده می شود. پروانه ها از طریق یک دگردیسی چهار مرحله ای از تخم به لارو (یک کرم ابریشم) به شفیره (مرحله استراحت) به بزرگسالی می رسند. »

(۱) transformation: تبدیل، دگرگونی (۲) disappearance: ناپیدی، ناپدید شدن (۳) propagation: انتشار، تکثیر (۴) redundancy: افزونگی، اخراج

۱۰. گزینه «۳» متوسط

« وقتی برای سخنرانی خود، برنامه ریزی می کنید، اطمینان حاصل کنید که مثال های شما مرتبط با موضوع تان است. باید از مثال هایی استفاده کنید که با موضوعی که در مورد آن صحبت می کنید در ارتباط باشد. »

(۱) at odds with: در تقابل با، مخالف (۲) devoid of: خالی از، تهی از (۳) germane to: مربوط به، مرتبط با (۴) replete with: سرشار از، پر از

۱۱. گزینه «۴» متوسط

« امروزه بسیاری از افراد از سهولت خرید، امور بانکی و پرداخت قبوض به صورت آنلاین، لذت می برند. هرچند، اگر اطلاعات شخصی شما به طور ایمن رمزگذاری نشده باشد، مشکلاتی می تواند به وجود بیاید. »

(۱) intervene: دخالت کردن (۲) divulge: فاش کردن، آشکار کردن (۳) disregard: نادیده گرفتن، اعتنا نکردن (۴) encrypt: رمزگذاری کردن

۱۲. گزینه «۲» سخت

« در دهه ۱۹۶۰ یک تاریخ شناس به نمایش شنیع در مرگ ناپلئون در سال ۱۸۲۱ در جزیره سنت هلن مشکوک شد. مقدمات برای نبش قبر کردن جسد او صورت گرفت و یک نمونه مو [از جسد وی] گرفته شد. از آنجا که موها پوسیده نمی شوند، دانشمندان توانستند مطالعات شیمیایی را برای بررسی مواد سمی، بر روی آن انجام دهند. »

(۱) evolve: تکامل یافتن، توسعه دادن (۲) decay: فاسد شدن، منحل شدن، پوسیده شدن (۳) persist: اصرار کردن (۴) sap: ضعیف کردن

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

- 1- When I offered my witty friend a piece of bubble gum, he shook his head and said, "Bubble gum is something I -----, not chew".
 1) eschew 2) spew 3) skew 4) withdrew
- 2- Although she had received an invitation, Patty was unable to attend the -----of the new governor.
 1) appointment 2) inauguration 3) ritual 4) registration
- 3- Trying to generalize about postmodern literature is not only difficult but also foolish because this work ----- many different styles and elements.
 1) inspires 2) deserves 3) foretells 4) encompasses
- 4- There is no difficulty which we cannot resolve by courage and -----.
 1) determination 2) appreciation 3) speculation 4) correlation
- 5- The soldiers were ordered not to eat the plant because it was ----- . But they were dying anyway from hunger.
 1) novel 2) sparse 3) noxious 4) adventurous
- 6- Throughout this work, Anthony became widely recognized as the face of the women's rights movement. She also began to receive ----- attention; male columnists from anti-suffrage papers mocked her cruelly.
 1) autonomous 2) unwelcome 3) inconsistent 4) judicious
- 7- Crops need a favorable environment to give a good -----.
 1) irrigation 2) outcome 3) yield 4) plowing
- 8- Since time -----, countless scholars have asked the question: What is beauty?
 1) immemorial 2) archaic 3) immortal 4) permanent
- 9- Although skeptics say financial problems will probably prevent our establishing a base on the Moon, supporters of the project remain enthusiastic, saying that human curiosity should ----- such pragmatic constraints.
 1) scrutinize 2) overcome 3) postpone 4) involve
- 10- When I stood before a large number of students, I almost forgot what I wanted to say and began trembling all over the presentation turned out to be nothing but a complete -----, unfortunately.
 1) restriction 2) fiasco 3) imitation 4) uncertainty
- 11- By putting the ----- on me, my friends actually used me as a scapegoat. It was actually they who started the fire and caused the damage.
 1) consequence 2) chore 3) function 4) blame
- 12- The notion that fat in general is to be avoided mainly ----- observations that affluent Western countries have both high intakes of fat and high rates of coronary heart disease.
 1) challenges 2) generates 3) stems from 4) results in

۱. گزینه «۱» سخت

« هنگامی که به دوست شوخ طبعم یک تکه آدامس بادکنکی پیشنهاد دادم، او سرش را تکان داد و گفت: "آدامس بادکنکی چیزی است که من از آن اجتناب می‌کنم، نمی‌جویم." »

- (۱) eschew: اجتناب کردن، خودداری کردن (۲) spew: با فشار خارج کردن، خارج شدن
(۳) skew: منحرف کردن (۴) withdraw: خارج کردن پول از حساب، کنار کشیدن، عقب کشاندن

۲. گزینه «۲» سخت

« اگرچه پتی یک دعوت نامه دریافت کرده بود، [اما] قادر به شرکت کردن در مراسم معارفه فرماندار جدید، نبود. »

- (۱) appointment: قرار ملاقات، انتصاب (۲) inauguration: مراسم معارفه، افتتاح (۳) ritual: مراسم، تشریفات مذهبی (۴) registration: نام نویسی، ثبت

۳. گزینه «۴» متوسط

« تلاش برای عمومی کردن ادبیات پسامدرن نه تنها کاری دشوار، بلکه احمقانه است؛ زیرا این کار شامل بسیاری از سبک‌ها و عناصر مختلف است. »

- (۱) inspire: الهام بخشیدن (۲) deserve: سزاوار بودن، استحقاق داشتن (۳) foretell: پیش بینی کردن (۴) encompass: شامل شدن، شامل بودن

۴. گزینه «۱» آسان

« هیچ مشکلی وجود ندارد که با شجاعت و اراده نتوانیم آن را برطرف کنیم. »

- (۱) determination: عزم، اراده، تعیین (۲) appreciation: سپاس، قدردانی، درک (۳) speculation: حدس، گمان (۴) correlation: همبستگی، ارتباط

۵. گزینه «۳» متوسط

« به سربازان دستور داده شد که [آن] گیاه را نخورند زیرا سمی و مضر است. اما به هر حال آنها داشتند از گرسنگی می‌مردند. »

- (۱) novel: بدیع، تازه (۲) sparse: پراکنده (۳) noxious: سمی، مضر (۴) adventurous: ماجراجو، ریسک پذیر

۶. گزینه «۲» سخت

« در طول این کار، آنتونی به طور گسترده ای به عنوان چهره جنبش حقوق زنان شناخته شد. او همچنین شروع به جلب توجه ناخواسته و ناخوشایندی کرد. آقایان مقاله نویسی روزنامه های مخالف حق رأی، او را به طور بی رحمانه ای مسخره کردند. »

- (۱) autonomous: خودمختار، مستقل (۲) unwelcome: ناخواسته، نامطبوع (۳) inconsistent: ناسازگار (۴) judicious: عاقل، عاقلانه، زیرک

۷. گزینه «۳» خیلی سخت

« محصولات برای داشتن بازدهی و محصول خوب، به محیط مطلوبی احتیاج دارند. »

- (۱) irrigation: آبیاری، آبرسانی (۲) outcome: نتیجه (۳) yield: بازده، سود، محصول (۴) plowing: شخم زنی
گزینه ۳، پاسخ بهتری است، هرچند گزینه ۲ نیز غلط نیست.

۸. گزینه «۱» سخت

« از زمان بسیار قدیم، دانشمندان بی شماری [این] سؤال را مطرح کرده‌اند: زیبایی چیست؟ »

- (۱) immemorial: دیرین، بسیار قدیم (۲) archaic: قدیمی، باستانی (۳) immortal: نامیرا، جاودان (۴) permanent: دائمی

۹. گزینه «۲» متوسط

« اگرچه افراد بدبین می‌گویند که مشکلات مالی احتمالاً مانع ایجاد پایگاه ما در ماه خواهد شد، [اما] طرفداران [این] پروژه همچنان مشتاق هستند و می‌گویند کنجکاوی انسان باید بر چنین محدودیت‌های عملکرد، غلبه کند. »

- (۱) scrutinize: به دقت بررسی کردن، موشکافی کردن (۲) overcome: غلبه کردن، چیره شدن
(۳) postpone: عقب انداختن، تاخیر ایجاد کردن (۴) involve: شامل شدن، شامل بودن

۱۰. گزینه «۲» متوسط

« وقتی در مقابل تعداد زیادی از دانشجویان ایستادم، تقریباً آنچه که می‌خواستم بگویم را فراموش کردم و شروع به لرزیدن در تمام طول ارائه کردم، [که] متأسفانه چیزی جز یک فاجعه کامل، از آب در نیامد. »

- (۱) restriction: محدودیت، منع (۲) fiasco: فاجعه، مصیبت (۳) imitation: تقلید، کپی (۴) uncertainty: عدم قطعیت

۱۱. گزینه «۴» آسان

« دوستانم با انداختن تقصیر بر [گردن] من، در واقع از من به عنوان یک قربانی استفاده کردند. در حقیقت آنها بودند که آتش‌سوزی را شروع کرده و خسارت وارد کردند. »

- (۱) consequence: نتیجه (۲) chore: کار روزمره، کار عادی و خسته کننده (۳) function: تابع، کار (۴) blame: تقصیر

کسی را مقصر دانستن، تقصیر را گردن کسی انداختن: **put the blame on sb**

۱۲. گزینه «۳» متوسط

« [این] عقیده که از [مصرف] چربی باید اجتناب شود، عمدتاً ناشی از مشاهداتی است که [نشان می‌دهد] کشورهای ثروتمند غربی هم دریافت (میزان مصرف) چربی بالا و هم نرخ بیماری قلبی عروقی بالایی دارند. »

- (۱) challenge: به چالش کشیدن (۲) generate: ساختن، به وجود آوردن (۳) stem from: ناشی بودن از، نشأت گرفتن از (۴) result in: منجر شدن به

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

- 1- I omitted all the extraneous details while explaining the ----- of the matter to him.
1) breach 2) distinction 3) qualm 4) gist
- 2- While his brother writes in an unclear and clumsy way, Sam himself is known for his ----- style of writing.
1) lucid 2) verbose 3) dull 4) feasible
- 3- Poultry farms place the eggs into incubators to ----- the growth of the embryo into chicken.
1) conquer 2) hasten 3) outline 4) elude
- 4- With as many as three witnesses giving evidence against her, the ----- of her claim that she was innocent was in serious doubt.
1) demonstration 2) paradigm 3) veracity 4) empiricism
- 5- I did not like her way of teaching because her lecture had too many digressions; she kept on wandering to various subjects, most of them not ----- to the central idea of her topic.
1) vulnerable 2) peripheral 3) pertinent 4) loyal
- 6- With the advent of electric bulbs and emergency lights, the use of gas lamps became ----- .
1) imprecise 2) repetitive 3) idealistic 4) obsolete
- 7- The employee did not believe the implausible story that Janet ----- to justify her absence from work.
1) concocted 2) scrutinized 3) manipulated 4) reassured
- 8- The doctor has advised him to ----- adhere to the prescribed regimen; otherwise, there is a danger of relapse of the illness.
1) sequentially 2) strictly 3) ineptly 4) selectively
- 9- The ----- in her speech can put off almost anyone; she urgently needs to tone down the harsh words she uses.
1) explicitness 2) enigma 3) shortsightedness 4) acerbity
- 10- He is so wasteful; he has ----- all the money that he has borrowed from me, and is now back again asking for more.
1) allocated 2) neglected 3) depleted 4) accumulated

۱. گزینه «۴» متوسط

« من در حالی که لُب مطلب را به او توضیح می دادم، تمامی جزئیات غیرضروری را حذف کردم. »

(۱) breach: تخلف، نقض (۲) distinction: تمایز، برتری (۳) qualm: عذاب وجدان، شک و تردید (۴) gist: لُب مطلب

۲. گزینه «۱» متوسط

« در حالی که برادرش به طور مبهم و ناشیانه می نویسد، خود سام به سبک نوشتن واضح و صریح خود، معروف است. »

(۱) lucid: شفاف، واضح (۲) verbose: درازگو، وراژ، دراز نویس (۳) dull: خسته کننده، کُدر (۴) feasible: شدنی، عملی

۳. گزینه «۲» متوسط

« مرغداری ها تخم مرغ ها را در دستگاه های پرورش قرار می دهند تا رشد جنین به جوجه، تسریع شود. »

(۱) conquer: فتح کردن (۲) hasten: تسریع کردن، شتافتن (۳) outline: شرح کلی دادن، مطرح کردن (۴) elude: پیچوندن، دور زدن

۴. گزینه «۳» متوسط

« باوجود حدود سه شاهدی که علیه وی مدارکی ارائه می دادند، صحت ادعای او مبنی بر بیگناه بودنش، کاملاً مورد تردید بود. »

(۱) demonstration: تظاهرات، نمایش (۲) paradigm: الگو، نمونه (۳) veracity: صحت، درستی (۴) empiricism: تجربه گرایی

۵. گزینه «۳» سخت

« من شیوه تدریس او را دوست نداشتم زیرا ارائه وی، انحرافات زیادی داشت. او همچنان به موضوعات مختلف

گریز می زد، که اکثر آنها به ایده اصلی موضوعش، مرتبط نبودند. »

(۱) vulnerable: آسیب پذیر (۲) peripheral: حاشیه ای، پیرامونی (۳) pertinent: مرتبط (۴) loyal: وفادار

۶. گزینه «۴» سخت

« با ظهور لامپ های برقی و چراغ های اضطراری، استفاده از لامپ های گازی منسوخ شد. »

(۱) imprecise: مبهم، غیر دقیق (۲) repetitive: تکراری (۳) idealistic: ایده آل گرایانه (۴) obsolete: منسوخ، از کار افتاده

۷. گزینه «۱» سخت

« [آن] کارمند، [آن] داستان غیرمحتمل را که جانت (Janet) برای توجیه غیبت خود از کار، درست کرده بود باور نکرد. »

(۱) concoct: از خود در آوردن، درست کردن (۲) scrutinize: به دقت بررسی کردن، موشکافی کردن

(۳) manipulate: با مهارت انجام دادن، اداره کردن، بازیچه قرار دادن (۴) reassure: خاطر جمع کردن، قوت قلب دادن

۸. گزینه «۲» متوسط

« پزشک بهش توصیه کرده که به طور جدی از رژیم تجویز شده پیروی کند. در غیر این صورت، خطر عود بیماری وجود دارد. »

(۱) sequential: متوالی، ترتیبی (۲) strict: سفت و سخت، جدی (۳) inept: نالایق، بی عرضه (۴) selective: انتخابی، گزینشی، محتاط

۹. گزینه «۴» متوسط

« تندی گفتار او تقریباً هر کسی را از انجام کار باز می دارد. او باید فوراً کلمات زنده ای که به کار می برد، کمتر کند. »

(۱) explicitness: صراحت، روشنی (۲) enigma: معما (۳) shortsightedness: نزدیک بینی، کوتاه بینی (۴) acerbity: تند، تلخی

۱۰. گزینه «۳» متوسط

« او بسیار اِتلاف کننده است. او تمام پولی را که از من قرض گرفته بود، خالی و تمام کرده است و اکنون دوباره

برگشته و پول بیشتری می خواهد. »

(۱) allocate: تخصیص دادن (۲) neglect: بی توجهی کردن (۳) deplete: خالی کردن، تمام کردن (۴) accumulate: اندوختن

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

- 1- Living close to a lake means we have an ----- supply of water.
1) inherent 2) abundant 3) inconsistent 4) eclectic
- 2- The advertisement for the weight loss pills is very ----- since studies have shown they're ineffective.
1) persistent 2) interminable 3) sensitive 4) misleading
- 3- The twins hated to be apart, so they bought houses in a close ----- to each other.
1) pertinence 2) proximity 3) acquaintance 4) scrutiny
- 4- With few new jobs created, the economy has remained ----- for the past five years.
1) conservative 2) infeasible 3) stagnant 4) impassive
- 5- Two days after the flood, fortunately the seawater finally began to ----- from our house.
1) recede 2) secede 3) proceed 4) intercede
- 6- The business used only to make bicycles, but they've now ----- a range of other cycling products.
1) diversified into 2) emerged from 3) reverted to 4) stemmed from
- 7- The audience clearly loved the play – the ----- was deafening. So it's not surprising that it got glowing reviews.
1) merit 2) rivalry 3) applause 4) benediction
- 8- Experienced Iditarod runners tried to ----- Gary Paulsen from competing in the grueling Alaska race, but they were not successful. The writer and his team of sled dogs nearly perished during the race.
1) elicit 2) derive 3) snatch 4) dissuade
- 9- The Kalapalo Indians, who live on the savannas of central Brazil, have little ----- to change their leisurely lifestyle. They work just several hours a week to provide food, their only need.
1) disinterest 2) impetus 3) impact 4) rigidity
- 10- ----- by the rude behavior of the clerk, Ms. Caine reported him to the manager. She believes that customers deserve courteous treatment, even when returning merchandise.
1) Withdrawn 2) Arisen 3) Restricted 4) Incensed

۱. گزینه «۲» متوسط

« زندگی در نزدیکی دریاچه، به معنای منبع آب فراوان است. »

(۱) inherent: ذاتی، درونی (۲) abundant: فراوان، وافر (۳) inconsistent: ناسازگار (۴) eclectic: متنوع، منتخب

۲. گزینه «۴» متوسط

« تبلیغات قرص های کاهش وزن، بسیار گمراه کننده است زیرا مطالعات نشان داده است که آنها بی اثر هستند. »

(۱) persistent: مکرر، مصرانه، پافشارانه (۲) interminable: تمام نشدنی (۳) sensitive: حساس (۴) misleading: گمراه کننده

۳. گزینه «۲» متوسط

« دوقلوها از جدا بودن متنفر بودند، به همین دلیل در نزدیکی یکدیگر، [برای خود] خانه خریدند. »

(۱) pertinence: ارتباط (۲) proximity: نزدیکی، مجاورت (۳) acquaintance: آشنایی، آشنا (۴) scrutiny: موشکافی

۴. گزینه «۳» سخت

« با ایجاد تعداد کمی شغل جدید، اقتصاد در پنج سال گذشته، راکد مانده است. »

(۱) conservative: محافظه کار (۲) infeasible: نشدنی (۳) stagnant: راکد، بی رونق، کساد (۴) impassive: آرام، خونسرد

۵. گزینه «۱» متوسط

« دو روز پس از سیل، خوشبختانه سرانجام آب دریا از خانه ما عقب نشینی کرد. »

(۱) recede: عقب کشیدن، به عقب رفتن (۲) secede: جدا شدن، کناره گیری کردن (۳) proceed: پیش رفتن (۴) intercede: وساطت کردن

۶. گزینه «۱» سخت

« این تجارت فقط برای ساخت دوچرخه استفاده میشد اما حالا بطیف وسیعی از دیگر محصولات دوچرخه سواری متنوع شده اند. »

(۱) diversify: متنوع شدن، تنوع بخشیدن (۲) emerge: پدیدار شدن (۳) revert: برگشتن (۴) stem from: ناشی بودن از

۷. گزینه «۳» متوسط

« حضار به وضوح عاشق نمایشنامه شدند - تشویق ها کر کننده بود. بنابراین جای تعجب ندارد که [این نمایشنامه] بازخوردهای

درخشان دریافت کرده است. »

(۱) merit: مزیت (۲) rivalry: رقابت (۳) applause: تشویق (۴) benediction: دعای خیر

۸. گزینه «۴» سخت

« دوندۀ های باتجربه Iditarod سعی کردند گری پائولسن را از رقابت در مسابقۀ خسته کننده آلاسکا منصرف کنند، اما موفق

نبودند. نویسنده و تیم سگ های سورتمه کش او، تقریباً در طول مسابقه از بین رفتند. »

(۱) elicit: بیرون کشیدن (۲) derive: نتیجه گرفتن، مشتق گرفتن (۳) snatch: ربودن، قاپیدن (۴) dissuade: منصرف کردن

۹. گزینه «۲» متوسط

« سرخپوستان Kalapalo، که در زمین های هموار برزیل مرکزی زندگی می کنند، انگیزه کمی برای تغییر سبک زندگی

تفریحانۀ خود دارند. آنها فقط چند ساعت در هفته برای تهیه غذا، تنها نیازشان، کار می کنند. »

(۱) disinterest: بی علاقه، بی تفاوتی (۲) impetus: تحرک، انگیزه (۳) impact: اثر، ضربه (۴) rigidity: استحکام، سختی، جدیت

۱۰. گزینه «۴» سخت

« خانم کاین در حالی که از رفتار ناشایست منشی، به شدت عصبانی بود، او را به مدیر گزارش داد. او معتقد است که مشتریان

حتی در هنگام برگشت دادن کالا، مستحق رفتار مودبانه هستند. »

(۱) withdraw: خارج کردن پول از حساب، کنار کشیدن، پس گرفتن (۲) arise: برخاستن، رخ دادن، شروع کردن

(۳) restrict: محدود کردن، منحصر کردن (۴) incense: به شدت عصبانی کردن

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

- 1- It had not rained on the prairie for several months. Because of the drought, the climate had become very -----.
1) unsteady 2) rigid 3) intense 4) arid
- 2- Deserted for six months, the property began to look more like a jungle and less like a residence – weed grew ----- in the front yard.
1) unchecked 2) unjustified 3) complicated 4) scanty
- 3- Can you please ----- this last part of the lesson for me; I'm not sure I understood.
1) recapitulate 2) identify 3) postulate 4) recount
- 4- Gerry's dissatisfaction with our work was ----- in his expression, although he never criticized us directly.
1) vulnerable 2) bright 3) implicit 4) humble
- 5- The world's coal, oil and gas ----- are finite; one day they will run out, so think now about what you can do to consume less.
1) appliances 2) deposits 3) relics 4) amenities
- 6- You are recommended to use mnemonics to help you ----- important items of information.
1) enumerate 2) expose 3) recall 4) withdraw
- 7- The lifespan of a mayfly is -----, lasting from a few hours to a couple of days.
1) imprecise 2) ephemeral 3) superficial 4) swift
- 8- His words to the press were deliberately -----; he didn't deny the reports but neither did he confirm them.
1) mutual 2) essential 3) dogmatic 4) equivocal
- 9- Hundreds of people had come to see a popular satire, but during the performance a fire started in the theater, and the audience and actors had to ----- the building immediately.
1) expel 2) evacuate 3) disperse 4) detach
- 10- Computers have helped solve some of the mathematical ----- which have puzzled man for many centuries.
1) conundrums 2) caprices 3) artifacts 4) chronologies

۱. گزینه «۴» سخت

« بر روی علفزار چند ماه باران نباریده بود. به دلیل خشکسالی، آب و هوا بسیار خشک شده است. »

(۱) unsteady: بی تعادل، متزلزل (۲) rigid: سفت و سخت، جدی (۳) intense: شدید، قوی (۴) arid: بی آب و علف، خشک

۲. گزینه «۱» سخت

« [در حالی که] به مدت شش ماه رها شده بود، [این] ملک بیشتر به یک جنگل شبیه بود و کمتر شبیه به یک محل سکونت

[بود] - علف های هرز در حیاط جلویی، [به طور] کنترل نشده، رشد می کردند. »

(۱) unchecked: بررسی نشده، کنترل نشده (۲) unjustified: ناعادلانه، غیر ضروری (۳) complicated: پیچیده (۴) scanty: کوتاه، تنگ

۳. گزینه «۱» سخت

« آیا می توانید لطفاً آخرین قسمت از درس را برای من، [به طور خلاصه] بازگو کنید. مطمئن نیستم که [این قسمت را] درست

فهمیده باشم. »

(۱) recapitulate: بازگو کردن، خلاصه کردن (۲) identify: تشخیص هویت دادن (۳) postulate: فرض کردن (۴) recount: حکایت کردن

۴. گزینه «۳» متوسط

« ناراضی گری (Gerry) از کار ما در حالت او غیرمستقیم و ضمنی بود (از نگاهش میشد فهمید که از کار ما ناراضیه)، اگرچه

او هرگز مستقیماً از ما انتقاد نکرد. »

(۱) vulnerable: آسیب پذیر (۲) bright: درخشان، روشن (۳) implicit: ضمنی، مطلق، غیر مستقیم (۴) humble: فروتن، متواضع، سطح پایین

۵. گزینه «۲» متوسط

« انباشت و ذخایر ذغال سنگ، نفت و گاز در جهان متناهی و محدود است. یک روز آنها تمام خواهند شد، بنابراین اکنون به

این فکر کنید که چه کاری می توانید برای مصرف کمتر [آن ها] انجام بدهید. »

(۱) appliance: لوازم خانه (۲) deposit: بیعانه، سپرده، ته نشین، انباشت (۳) relic: عتیقه، یادگار (۴) amenity: تسهیل

۶. گزینه «۳» متوسط

« برای کمک به یادآوری (به خاطر آوردن) موارد مهم اطلاعات، به شما توصیه میشود از روش های تقویت حافظه استفاده کنید. »

(۱) enumerate: برشمردن (۲) expose: افشاء کردن (۳) recall: به خاطر آوردن (۴) withdraw: خارج کردن پول از حساب، کنار کشیدن

۷. گزینه «۲» سخت

« طول عمر یک حشره یک روزه، بسیار ناپایدار است و از چند ساعت تا چند روز ادامه دارد. »

(۱) imprecise: مبهم، غیر دقیق (۲) ephemeral: ناپایدار، بی دوام (۳) superficial: سطحی، ظاهری (۴) swift: فرز، چابک، زرنگ

۸. گزینه «۴» متوسط

« سخنان او به مطبوعات عمداً مبهم بود. او گزارش ها را تکذیب نکرد اما آنها را تأیید نیز نکرد. »

(۱) mutual: متقابل، دوجانبه (۲) essential: ضروری، لازم، اساسی (۳) dogmatic: واپسگرا، متحجر (۴) equivocal: مبهم

۹. گزینه «۲» سخت

« صدها نفر برای دیدن یک طنز پرطرفدار آمده بودند، اما در حین اجرا آتش سوزی در تئاتر آغاز شد و تماشاگران و بازیگران

مجبور شدند فوراً ساختمان را تخلیه کنند. »

(۱) expel: بیرون انداختن، خارج کردن (۲) evacuate: تخلیه کردن (۳) disperse: پراکنده کردن، متفرق شدن (۴) detach: جدا کردن، جدا شدن

۱۰. گزینه «۱» سخت

« رایانه ها به حل برخی از معماهای (مسائل) ریاضیاتی که قرن ها انسان را گیج کرده اند کمک کرده اند. »

(۱) conundrum: معما، معضل (۲) caprice: هوس (۳) artifact: مصنوع، محصول مصنوعی (۴) chronology: رویداد نگاری، گاه شماری

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

- 1- Among the ----- of stars in the universe, there are a couple that are of great importance to people on Earth.
1) multitude 2) luminance 3) affluence 4) interdependence
- 2- The atmosphere outside the courtroom where the victim's parents confronted the defendant's family was quite -----, but police were able to keep everything under control.
1) transient 2) impartial 3) volatile 4) apathetic
- 3- During the space shuttle's -----, the Earth became larger and larger.
1) periphery 2) solitude 3) latitude 4) descent
- 4- Once the insect falls on a planet, it must ----- itself to avoid being spotted by hungry birds.
1) camouflage 2) reinforce 3) preserve 4) bewilder
- 5- Our arteries circulate blood around the body and are essential to good health, but the blood flow can be ----- by fatty plaque that can clog them.
1) bypassed 2) impeded 3) obscured 4) infected
- 6- Industrial ----- is a serious problem in many parts of the world, with factories producing illegal copies of top brand names.
1) infringement 2) breach 3) corruption 4) piracy
- 7- A doomsday scenario for the environment sees our ----- as a world choked with pollution, where many plants and animals have become extinct.
1) speculation 2) pessimism 3) ancestry 4) destiny
- 8- Powell's legacy in the geology community is that of an explorer: a ----- adventurer who fearlessly blazed through the unknown.
1) gutless 2) feckless 3) relentless 4) reckless
- 9- The promise of technology is to ----- human capabilities to engage in productive, inclusive and contemplative decision-making about how society is governed.
1) augment 2) interpret 3) quantify 4) justify
- 10- The lack of diversity weakens resilience to the growing risks of climate disruption, soil -----, pollution and pollinator loss.
1) differentiation 2) deterioration 3) diffusion 4) distribution
- 11- His inventions include a disposable cardboard incubator for ----- babies, which he's currently testing in a clinical trial in India, and a wearable fluorescent blood-glucose sensor for people with diabetes in the Philippines.
1) premature 2) sluggish 3) perilous 4) intricate
- 12- If you're cramming for exams, take an occasional walk to give yourself a -----from the intensity.
1) distinction 2) margin 3) diversity 4) respite

۱. گزینه «۱» متوسط

«در میان تعداد زیاد ستارگان جهان، یک زوج وجود دارند که برای مردم روی کره زمین از اهمیت بالایی برخوردارند.»
(۱) multitude: تعداد زیاد، جمعیت زیاد (۲) luminance: درخشندگی (۳) affluence: ثروت، فراوانی (۴) interdependence: اتکاء متقابل

۲. گزینه «۳» متوسط

«فضای بیرون از دادگاه که والدین قربانی با خانواده متهم رو به رو شدند کاملاً بی ثبات بود اما پلیس تونست همه چیزو تحت کنترل نگه داره.»

(۱) transient: موقت، زودگذر (۲) impartial: بی طرف، منصفانه (۳) volatile: بی ثبات، فرار (۴) apathetic: بی تفاوت، بی علاقه، بی احساس

۳. گزینه «۴» متوسط

« در هنگام فرود شاتل فضایی، زمین بزرگتر و بزرگتر شد.»

(۱) periphery: حاشیه، پیرامون (۲) solitude: انزوا، خلوت، تنهایی (۳) latitude: عرض جغرافیایی (۴) descent: فرود، سقوط، سرآشویی، تبار

۴. گزینه «۱» سخت

هنگامیکه [این] حشره روی سطحی می افتد، باید خود را استتار کند تا از تشخیص داده شدن توسط پرندگان گرسنه جلوگیری کند

(۱) camouflage: استتار کردن (۲) reinforce: مستحکم / تقویت کردن (۳) preserve: نگهداری کردن (۴) bewilder: گیج / سردرگم کردن

۵. گزینه «۲» سخت

« سرخرگ های ما، خون را در بدن به گردش در می آورند و برای سلامتی ضروری هستند، اما جریان خون می تواند توسط جرم (توده) چربی که می تواند آنها (سرخرگ ها) را مسدود کند، جلوگیری و متوقف شود.»

(۱) bypass: دور زدن (مکان، قانون، مانع و...) (۲) impede: مانع شدن، جلوگیری کردن (۳) obscure: ناشناخته، مبهم (۴) infect: آلوده کردن

۶. گزینه «۴» متوسط

«تکثیر غیرقانونی صنعتی در بسیاری از نقاط جهان مشکلی جدیست که کارخانه ها نسخه های غیرقانونی از برندهای برتر را تولید میکنند»

(۱) infringement: تخلف، تعدی (۲) breach: تخلف، نقض (۳) corruption: فساد، انحراف (۴) piracy: دزدی دریایی، تکثیر غیرقانونی

۷. گزینه «۴» متوسط

« یک سناریوی پایان جهان برای محیط زیست، سرنوشت ما را به عنوان جهانی پر از آلودگی، که در آن بسیاری از گیاهان و حیوانات منقرض شده اند، می بیند.»

(۱) speculation: حدس و گمان (۲) pessimism: بدبینی، منفی نگری (۳) ancestry: تبار، دودمان (۴) destiny: سرنوشت، تقدیر

۸. گزینه «۳» خیلی سخت

« میراث پاول در انجمن زمین شناسی، یک مکتشف است: یک ماجراجوی سرسخت و مصمم، که بدون ترس وارد ناشناخته ها می شود.»

(۱) gutless: ترسو، بی اراده (۲) feckless: بی اراده، بی خاصیت (۳) relentless: سرسخت، مصمم، بی وقفه (۴) reckless: بی فکر، بی ملاحظه

۹. گزینه «۱» متوسط

«وعده فناوری افزایش توانایی های انسانی برای مشارکت در تصمیمگیری های پربازده، فراگیر و تأمل برانگیز درمورد نحوه اداره جامعه است»

(۱) augment: زیاد کردن (۲) interpret: تفسیر / درک کردن (۳) quantify: اندازه گیری کردن، کمیت را سنجیدن (۴) justify: توجیه کردن

۱۰. گزینه «۲» متوسط

عدم تنوع، انعطاف پذیری را در برابر خطرات فزاینده اختلال در آب و هوا فرسایش خاک، آلودگی و از بین رفتن گرده افشان ها تضعیف میکند

(۱) differentiation: تمایز، تشخیص، تفکیک (۲) deterioration: زوال، فرسایش (۳) diffusion: انتشار (۴) distribution: پخش، توزیع

۱۱. گزینه «۱» سخت

«اختراعات وی شامل یک دستگاه پرورش اطفال مقوایی یکبار مصرف برای نوزادان زودرس است که وی در حال حاضر در یک کارآزمایی بالینی در هند [آن را] آزمایش می کند و یک حسگر قند خون مهتابی پوشیدنی برای مبتلایان به دیابت در فیلیپین.»

(۱) premature: زودرس، نارس (۲) sluggish: کسل، کند، کساد (۳) perilous: خطرناک (۴) intricate: پیچیده

۱۲. گزینه «۴» سخت

« اگر (در زمانی کوتاهی) در حال آماده کردن خود برای امتحانات هستید، یکبار پیاده روی کنید تا از فشار [امتحانات] کمی به خودتان وقفه و امان بدهید (کمی احساس آرامش کنید و از فشار درس خارج بشید) »

(۱) distinction: تمایز، فرق، برتری (۲) margin: حاشیه، لبه، تفاوت (۳) diversity: تنوع (۴) respite: وقفه، امان

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

- 1- Many separate fires ----- in the humus of the forest floor.
1) spread 2) display 3) illuminate 4) extinguish
- 2- The newly elected official thinks that he can just ----- the recent statistics on inner-city under the carpet.
1) utilize 2) sweep 3) generalize 4) impose
- 3- People who engage in extreme sports are well aware of the risks they are -----.
1) involving 2) making 3) getting 4) taking
- 4- Parkinson became ----- at the social media of his age – producing periodical articles, broadsheets and pamphlets, often under the pseudonym Old Hubert.
1) adroit 2) deceptive 3) ingenuous 4) mysterious
- 5- Recent research shows that people who spend time meditating each day improve their mental abilities. It seems that meditation particularly ----- our ability to think in creative, unusual ways, in other words, to think 'outside the box'.
1) notices 2) invades 3) enhances 4) fascinates
- 6- She applied to several universities and was fortunate enough to ----- a place at Cambridge University to read English Literature.
1) surmount 2) evacuate 3) secure 4) furnish
- 7- Paul was facing a unique -----, something of the kind he had never faced before in life and would require all of his wits to solve.
1) resolution 2) commitment 3) junction 4) conundrum
- 8- As the camera focused on the creepy old house, ----- music added a wicked mood to the film.
1) placid 2) sinister 3) buoyant 4) bucolic
- 9- That she was fearful of rock climbing did not ----- her determination to join her friends on a rock-climbing expedition.
1) diminish 2) impress 3) disclose 4) dispute
- 10- While my supervisor liked to think of himself as an open-minded individual, he was really ----- and always had to have the last word.
1) indifferent 2) pragmatic 3) dogmatic 4) jealous
- 11- Unwilling to admit that they had been in error, the researchers tried to -----their case with more data obtained from dubious sources.
1) rebut 2) buttress 3) preclude 4) compromise
- 12- Though *Adam Bede* is presented to us by the author as ----- fiction, there are none of the life-like meanderings of the story of *Amos Barton*.
1) distinct 2) cheerful 3) unconventional 4) realistic

۱. گزینه «۱» متوسط

« آتش سوزی های جداگانه زیادی در گیاهاک کف جنگل گسترش می یابد.»

(۱) spread: پخش کردن، گسترش یافتن (۲) display: نمایش دادن (۳) illuminate: روشن کردن، چراغانی کردن (۴) extinguish: خاموش کردن، فرونشاندن

۲. گزینه «۲» سخت

« مقام رسمی تازه انتخاب شده فکر می کند که می تواند آمارهای اخیر در مورد منطقه مرکزی فقیرنشین شهر را به زیر فرش جارو کند (پنهان کند). »

(۱) utilize: استفاده کردن (۲) sweep: جارو زدن، کنار زدن (۳) generalize: تعمیم دادن، عمومیت دادن (۴) impose: تحمیل کردن

منطقه مرکزی فقیرنشین شهر: inner city (n)

۳. گزینه «۴» متوسط

« افرادی که در ورزش های شدید مشغول فعالیت هستند، از خطر کردن های آن به خوبی آگاه هستند »

(۱) involve (۲) make (۳) get (۴) take (اصطلاح معروف take a risk به معنای خطر کردن می باشد.)

۴. گزینه «۱» سخت

« پارکینسون در رسانه های اجتماعی عصر خود، ماهر و زیردست شد- با تولید مقالات دوره ای، روزنامه های صفحه بزرگ و رساله ها، اغلب

با نام مستعار Old Hubert

(۱) adroit: ماهر، زیردست (۲) deceptive: فریبنده (۳) ingenuous: ساده دل، صاف و ساده (۴) mysterious: مرموز، اسرار آمیز

۵. گزینه «۳» متوسط

« تحقیقات اخیر نشان می دهد افرادی که هر روز برای مدیتیشن (ژرفایش روحی) می گذرانند، توانایی های ذهنی خود را بهبود می بخشند. به نظر می رسد که ژرفایش روحی، به ویژه توانایی ما را در فکر کردن به طور خلاقانه و غیرمعمول، به عبارت دیگر، فکر کردن در خارج از چارچوب، بهتر می کند. »

(۱) notice: توجه کردن، متوجه شدن (۲) invade: تجاوز کردن، هجوم بردن (۳) enhance: بهبود دادن، بهتر کردن (۴) fascinate: جذب کردن

۶. گزینه «۳» سخت

« او به چندین دانشگاه درخواست داد و به اندازه کافی خوش شانس بود که مکانی را در دانشگاه کمبریج برای خواندن ادبیات انگلیسی، [برای خود] تأمین و حفظ کند. »

(۱) surmount: بر فراز چیزی بودن، غلبه کردن (۲) evacuate: تخلیه کردن (۳) secure: حفظ کردن، تأمین کردن، ایمن کردن (۴) furnish: مجهز / تأمین کردن

۷. گزینه «۴» سخت

« پائول با یک معضل و معمای منحصر به فرد روبرو بود، با نوعی که قبلاً در زندگی هرگز با آن روبرو نبوده است و او همه عقل خود را برای حل [این معما] نیاز دارد. »

(۱) resolution: تصمیم، حل، قول، وضوح، عزم راسخ (۲) commitment: تعهد (۳) junction: تقاطع، نقطه اتصال (۴) conundrum: معما، معضل

۸. گزینه «۲» متوسط

« همانطور که دوربین به خانه قدیمی ترسناک متمرکز شده بود، موسیقی شیطانی، حال و هوای بدی را به فیلم اضافه کرد »

(۱) placid: متین، سر به راه، آرام (۲) sinister: شیطانی (۳) buoyant: شاد، شناور (۴) bucolic: روستایی

۹. گزینه «۱» متوسط

« اینکه او از صخره نوردی می ترسید، عزمش را برای پیوستن به دوستانش برای یک سفر کوهنوردی کم نکرد. »

(۱) diminish: کم کردن، کم ارزش کردن (۲) impress: تحت تاثیر قرار دادن، اثر گذاشتن (۳) disclose: فاش کردن (۴) dispute: مشاجره کردن، رد کردن

۱۰. گزینه «۳» سخت

« در حالی که سرپرست من دوست داشت خودش را به عنوان یک فرد روشن فکر در نظر بگیرد، اما او واقعاً متحجر و واپسگرا بود و همیشه باید حرف آخر را می زد. »

(۱) indifferent: بی تفاوت، متوسط (۲) pragmatic: عملگرایانه، عملگرا (۳) dogmatic: واپسگرا، متحجر (۴) jealous: حسود، حسادت آمیز

۱۱. گزینه «۲» سخت

« محققان در حالی که برای پذیرش اینکه اشتباه کرده بودند، بی میل بودند (دوست نداشتند بگویند که دچار اشتباه شده اند)، سعی کردند مورد (کیس) خود را با داده های بیشتر به دست آمده از منابع مشکوک، تقویت و قوی کنند. »

(۱) rebut: نپذیرفتن (۲) buttress: تقویت / حمایت کردن، قوی کردن (۳) preclude: مانع شدن، جلوگیری کردن (۴) compromise: مصالحه و سازش کردن

۱۲. گزینه «۴» متوسط

« اگرچه Adam Bede توسط نویسنده به عنوان داستان واقع بینانه، به ما معرفی شده است، [با این حال] هیچ پیچ و خم (نمونه) واقعی از داستان Amos Barton وجود ندارد. (در واقعیت، همچنین اتفاق هایی رخ نمیده) »

(۱) distinct: مجزا، متمایز (۲) cheerful: خوشحال (۳) unconventional: غیر معمول، خلاف عرف (۴) realistic: واقع بین، واقع بینانه

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

- 1- The police only believed me after an eyewitness ----- my account of the accident.
1) displayed 2) constituted 3) corroborated 4) suspected
- 2- The plan is to our ----- advantage; we will all benefit greatly from it.
1) concurrent 2) mutual 3) devoted 4) involved
- 3- Our organization is committed to pursuing its aims through peaceful ----- . We totally reject violence as a means of political change.
1) means 2) instruments 3) devices 4) gadgets
- 4- All parents receive a booklet which ----- the school's aims and objectives before their children start their first term.
1) clarifies 2) injects 3) conducts 4) notifies
- 5- Increasing the state pension is a ----- aim, but I don't think the country can afford it.
1) redundant 2) diverse 3) flexible 4) laudable
- 6- The primary aim in sumo wrestling is to knock your ----- right out of the ring!
1) protagonist 2) opponent 3) referee 4) beneficiary
- 7- The cost of the damage caused by the oil ----- will be around \$200 million.
1) spill 2) guilt 3) demerit 4) extent
- 8- Most of us ----- when we hear that many children spend more time watching TV than they spend in school. It's a rather scary thought.
1) withdraw 2) retreat 3) recoil 4) regress
- 9- Even though he isn't enrolled right now, Calvin says he will go to college ----- .
1) creatively 2) delicately 3) sentimentally 4) eventually
- 10- You should avoid driving during the snowstorm because the icy roads are ----- .
1) superficial 2) frigid 3) perilous 4) cautious

۱. گزینه « ۳ » سخت

« پلیس فقط پس از اینکه یک شاهدعینی گزارش من از تصادف را تأیید کرد، [حرف] مرا باور کرد. »

(۱) display: نمایش دادن، نشان دادن (۲) constitute: تأسیس کردن، تشکیل دادن، ساختن

(۳) corroborate: تأیید کردن، تصدیق و اثبات کردن (۴) suspect: شک داشتن، بدگمان شدن

۲. گزینه « ۲ » سخت

« این طرح به نفع متقابل ماست. همه ما از آن بسیار سود خواهیم برد. »

(۱) concurrent: همزمان، همسو، موافق (۲) mutual: متقابل، دوجانبه

(۳) devote: وقف کردن، اختصاص دادن (۴) involve: شامل شدن، شامل بودن، وارد کردن

۳. گزینه « ۱ » متوسط

« سازمان ما متعهد است اهداف خود را از طریق مسالمت‌آمیز دنبال کند. ما خشونت را به عنوان روشی برای تغییر سیاسی کاملاً رد می‌کنیم. »

(۱) means: روش، طریق، پول و درآمد (۲) instrument: وسیله، آلت (۳) device: دستگاه (۴) gadget: وسیله، گجت، ابزارک

۴. گزینه « ۱ » متوسط

« همه والدین دفترچه‌ای دریافت می‌کنند که اهداف مدرسه را قبل از شروع اولین دوره تحصیلی فرزندان نشان شفاف می‌کند. »

(۱) clarify: توضیح دادن، شفاف کردن (۲) inject: تزریق کردن (۳) conduct: انجام دادن، هدایت کردن (۴) notify: اطلاع دادن، آگاه کردن

۵. گزینه « ۴ » متوسط

« افزایش حقوق بازنشستگی دولتی یک هدف قابل‌ستایش است، اما من فکر نمی‌کنم کشور از عهده آن برآید. »

(۱) redundant: زائد (۲) diverse: متنوع، گوناگون، مختلف (۳) flexible: انعطاف پذیر (۴) laudable: سزاوار، شایسته، قابل ستایش

۶. گزینه « ۲ » متوسط

« هدف اصلی در گشتی سومو این است که حریف خود را از رینگ خارج کنید! »

(۱) protagonist: پروتاگونیست، قهرمان اصلی (۲) opponent: حریف، مخالف، طرف مقابل (۳) referee: داور (۴) beneficiary: ذینفع، ذیحق

۷. گزینه « ۱ » متوسط

« هزینه خسارت ناشی از نشت نفت حدود ۲۰۰ میلیون دلار خواهد بود. »

(۱) spill: ریزش، نشت، عمل ریختن، عمل افتادن (۲) guilt: تقصیر، گناه (۳) demerit: عیب، نقص، اشکال (۴) extent: وسعت، محدوده

۸. گزینه « ۳ » سخت

« بیشتر ما وقتی می‌شنویم که بسیاری از کودکان برای تلویزیون بیشتر از مدرسه وقت صرف می‌کنند. یکه میخوریم. این یک

فکر نسبتاً ترسناک است. »

(۱) withdraw: خارج کردن پول از حساب، کنار کشیدن، پس گرفتن (۲) retreat: عقب‌نشینی کردن، عقب رفتن

(۳) recoil: یکه خوردن، خود را پس کشیدن (۴) regress: بازگشتن، پسرفت کردن

۹. گزینه « ۴ » آسان

« با وجود اینکه در حال حاضر کالوین ثبت نام نکرده است، او می‌گوید که نهایتاً به دانشگاه خواهد رفت. »

(۱) creative: خلاقانه، نوآورانه (۲) delicate: حساس، ظریف، خوش طعم (۳) sentimental: احساساتی، احساسی (۴) eventually: نهایتاً

۱۰. گزینه « ۳ » متوسط

« در هنگام طوفان برف، باید از رانندگی خودداری کنید زیرا یخبندان جاده‌ها خطرناک است. »

(۱) superficial: سطحی، ظاهری (۲) frigid: بسیار سرد (۳) perilous: خطرناک (۴) cautious: محتاط، مواظب

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

- 1- I ----- the argument because I didn't know enough about the subject.
1) broached 2) dropped 3) confronted 4) depicted
- 2- Because my husband is a ----- supporter of the high school football team, he donates money to their organization every year.
1) successive 2) receptive 3) anomalous 4) zealous
- 3- Since the journey is -----, be sure to bring a first-aid kit.
1) perilous 2) enormous 3) cautious 4) courageous
- 4- The writer's stories appeal to a wide range of people—young and old, ----- and poor, literary and nonliterary.
1) elite 2) affluent 3) financial 4) economical
- 5- His nostalgic ----- of growing up in a small city are comical, though they are perhaps embellished for comic effect.
1) bibliographies 2) entertainments 3) accounts 4) impacts
- 6- On a chilly night, you might like to curl up by the fireside and ----- a cup of hot chocolate while reading one of Thurber's books.
1) fascinate 2) relieve 3) amalgamate 4) imbibe
- 7- Although Mr. Jackson was -----, he attempted to be jovial so that his colleagues at the meeting wouldn't think there was a problem.
1) attentive 2) apprehensive 3) painstaking 4) unpretentious
- 8- Obviously the network is overreacting and engaging in ----- when they say "55 million people are in danger!" for normal thunderstorms.
1) justification 2) expectation 3) exaggeration 4) distinction
- 9- My high school biology teacher loved to ----- from science into personal anecdotes about his college adventures.
1) digress 2) reverse 3) convert 4) evolve
- 10- Landing a plane on an aircraft carrier requires a great deal of -----, as you can crash if you miss the landing zone by even a little bit.
1) variability 2) superiority 3) innovation 4) precision

۱. گزینه « ۲ » متوسط

« من بحث را کنار گذاشتم زیرا در مورد موضوع به اندازه کافی نمی‌دانستم »

- (۱) broach: مطرح کردن، باز کردن (۲) drop: انداختن، کنار گذاشتن، افتادن، سقوط کردن، پیاده کردن
(۳) confront: مقابله کردن، رو به رو شدن (۴) depict: شرح دادن، به تصویر کشیدن

۲. گزینه « ۴ » متوسط

« از آنجا که شوهرم حامی پراشتیاق تیم فوتبال دبیرستان است، هر سال به سازمان آن‌ها پول اهدا می‌کند. »

- (۱) successive: پیاپی، متوالی (۲) receptive: پذیرا، شنوا (۳) anomalous: مغایر، غیرعادی (۴) zealous: مشتاق، پراشتیاق، پرشور و حرارت

۳. گزینه « ۱ » متوسط

« از آنجا که [این] سفر، خطرناک است، حتماً یک بسته کمک‌های اولیه همراه داشته باشید. »

- (۱) perilous: خطرناک (۲) enormous: عظیم، هنگفت (۳) cautious: محتاط، مواظب (۴) courageous: شجاع، شجاعانه

۴. گزینه « ۲ » متوسط

« داستان‌های نویسنده برای طیف وسیعی از مردم - جوان و پیر، ثروتمند و فقیر، ادبی و غیرادبی مناسب است. »

- (۱) elite: نخبه، قشر خاص (۲) affluent: ثروتمند (۳) financial: مالی (۴) economical: مقتصد، صرفه‌جو

۵. گزینه « ۳ » سخت

« گزارش‌ها و شرح‌حال نوستالژیک او در مورد بزرگ شدن در یک شهر کوچک، بامزه است، هرچند که شاید به خاطر جلوه‌های

کمیک آراسته شده باشد. (واسه اینکه خنده‌دارتر بشه، پیاز داغشو زیاد کرده باشه). »

- (۱) bibliography: فهرست کتب (۲) entertainment: سرگرمی (۳) account: حساب، گزارش، شرح، صورتحساب (۴) impact: اثر، ضربه

۶. گزینه « ۴ » سخت

« در یک شب سرد، ممکن است هنگام خواندن یکی از کتاب‌های توریر، دوست داشته‌باشید کنار آتش چنبره‌زده و یک فنجان هات‌چاکلت بنوشید. »

- (۱) fascinate: جلب توجه کردن، جذب کردن (۲) relieve: تسلی دادن، کاهش دادن، تغییر پست دادن
(۳) amalgamate: آمیختن، ادغام کردن (۴) imbibe: نوشیدن

۷. گزینه « ۲ » سخت

« اگرچه آقای جکسون دلوایس‌ونگران بود، اما سعی میکرد خوشحال باشد تا همکارانش در جلسه فکر نکنند مشکلی وجود دارد. »

- (۱) attentive: حواس جمع، کمک‌حال (۲) apprehensive: دلوایس، نگران (۳) painstaking: موشکافانه، کامل (۴) unpretentious: فروتن

۸. گزینه « ۳ » متوسط

« بدیهی است که شبکه وقتی برای یک طوفان همراه با رعد و برق طبیعی، می‌گوید "۵۵ میلیون نفر در معرض خطر هستند!"

واکنش بیش از حد نشان داده و اغراق می‌کند. »

- (۱) justification: توجیه (۲) expectation: انتظار، امید، توقع (۳) exaggeration: اغراق، لاف (۴) distinction: تمایز، فرق، برتری

۹. گزینه « ۱ » سخت

« معلم زیست‌شناسی دبیرستان من دوست داشت که از علم به حکایت‌های شخصی درباره ماجراهای دانشگاهی خود گریز بزند. »

- (۱) digress: گریز زدن، از موضوع اصلی منحرف شدن (۲) reverse: وارونه کردن، برگرداندن، دنده عقب رفتن
(۳) convert: تبدیل کردن، تغییر رویه دادن (۴) evolve: تکامل یافتن، توسعه دادن

۱۰. گزینه « ۴ » متوسط

« فرود هواپیما روی ناو هواپیمابر به دقت بسیار زیادی نیاز دارد، زیرا اگر حتی اندکی منطقه فرود را از دست بدهید می‌توانید سقوط کنید. »

- (۱) variability: تنوع، تغییرپذیری (۲) superiority: برتری (۳) innovation: نوآوری، ابداع (۴) precision: دقت، صحت

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

- 1- During the ----- between arriving at the airport and boarding the plane, we'll probably do a bit of window shopping.
1) interval 2) intervention 3) imbalance 4) inconsistency
- 2- That ugly vacant lot ----- from the beauty of the neighborhood.
1) depletes 2) derives 3) detracts 4) deviates
- 3- At first, the Savings Mart didn't do well, but after it lowered its prices and increased its advertising, the store began to -----.
1) prosper 2) subside 3) arise 4) strive
- 4- The movement of clouds may seem to be -----, but scientists know that there is a pattern to how they move.
1) compatible 2) specific 3) transient 4) random
- 5- Since my math class was very difficult for me, I consider the B that I got for the course to be a great -----.
1) illusion 2) triumph 3) obligation 4) disapproval
- 6- The hardware store sells ----- stones made of plastic that you can open and hide a house key in. Then you can hide the key by leaving the "stone" somewhere near your door.
1) confidential 2) artificial 3) superficial 4) metaphorical
- 7- Rhoda's budget is so tight that she felt it would be ----- to buy herself even a ten-dollar pair of earrings.
1) plausible 2) tangible 3) sufficient 4) extravagant
- 8- When the climbers reached the peak of the tallest mountain in the world, they felt it was a ----- occasion and filled with pride.
1) momentary 2) moribund 3) meticulous 4) momentous
- 9- The ramification of committing a murder is to serve a prison sentence even if you ----- your actions.
1) implement 2) renew 3) regret 4) exceed
- 10- It is often an attorney's job to construe the meaning of a contract and then share that ----- with a client and, if needed, with a judge or jury.
1) justification 2) interpretation 3) transformation 4) condemnation

۱. گزینه « ۱ » متوسط

« در فاصله زمانی بین رسیدن به فرودگاه و سوار شدن به هواپیما، احتمالاً کمی مغازه‌گردی می‌کنیم. »

(۱) interval: فاصله، وقفه (۲) intervention: مداخله (۳) imbalance: عدم تعادل، نابرابری (۴) inconsistency: ناسازگاری، تناقض

۲. گزینه « ۳ » متوسط

« آن زمین خالی زشت، از زیبایی محله می‌کاهد. »

(۱) deplete: خالی کردن (۲) derive: نتیجه گرفتن، مشتق گرفتن (۳) detract: کاستن، کم جلوه دادن (۴) deviate: منحرف شدن

۳. گزینه « ۱ » متوسط

« در ابتدا Savings Mart عملکرد خوبی نداشت، اما پس از کاهش قیمت و افزایش تبلیغات، فروشگاه شروع به رونق یافتن کرد. »

(۱) prosper: رونق یافتن، کامیاب شدن (۲) subside: فروکش/نشست کردن (۳) arise: برخاستن، رخ دادن، شروع کردن (۴) strive: تلاش کردن

۴. گزینه « ۴ » متوسط

« به نظر می‌رسد حرکت ابرها تصادفی باشد، اما دانشمندان می‌دانند که الگویی در نحوه حرکت آنها وجود دارد. »

(۱) compatible: سازگار (۲) specific: مخصوص، مشخص (۳) transient: گذرا، موقت، زودگذر (۴) random: رندوم و تصادفی

۵. گزینه « ۲ » متوسط

« از آنجا که کلاس ریاضی‌ام برای من بسیار دشوار بود، من نمره B را که برای دوره کسب کردم یک پیروزی بزرگ می‌دانم. »

(۱) illusion: توهم، خیال باطل (۲) triumph: پیروزی (۳) obligation: التزام، تکلیف (۴) disapproval: عدم تایید، مخالفت

۶. گزینه « ۲ » متوسط

« [این] فروشگاه ابزارآلات، سنگ‌های مصنوعی ساخته شده از پلاستیک می‌فروشد که می‌توانید آن را باز کنید و کلید خانه را در آن مخفی کنید. سپس می‌توانید کلید را با گذاشتن "سنگ" در جایی نزدیک درب خانه خود پنهان کنید. »

(۱) confidential: محرمانه، خصوصی (۲) artificial: ساخته دست بشر، انسانی، مصنوعی

(۳) superficial: سطحی، ظاهری (۴) metaphorical: استعاری

۷. گزینه « ۴ » متوسط

« بودجه رودا آنقدر کم است که احساس می‌کرد خرید یک جفت گوشواره ده‌دلاری برای خود زیاده‌روی و ولخرجانه خواهد بود. »

(۱) plausible: شدنی، محتمل، پذیرفتنی (۲) tangible: ملموس، قابل لمس (۳) sufficient: کافی (۴) extravagant: ولخرجانه، زیاده‌روی، گزاف

۸. گزینه « ۴ » سخت

« وقتی کوهنوردان به قله بلندترین کوه جهان رسیدند، احساس کردند که این یک رویداد مهم است و احساس غرور کردند. »

(۱) momentary: لحظه‌ای، موقتی (۲) moribund: رو به زوال، رو به مرگ (۳) meticulous: دقیق، وسواسی (۴) momentous: مهم

۹. گزینه « ۳ » متوسط

« تاثیر جانبی ارتکاب یک قتل، گذراندن حکم زندان است، حتی اگر از عمل خود پشیمان شوید. »

(۱) implement: اجرا کردن، پیاده‌سازی کردن (۲) renew: تمدید کردن، از نو شروع کردن

(۳) regret: متأسف بودن، پشیمان بودن (۴) exceed: تجاوز کردن، تخطی کردن

۱۰. گزینه « ۲ » متوسط

« معمولاً وظیفه وکیل است که معنای قرارداد را تفسیر کرده و سپس آن تفسیر را با مشتری و در صورت لزوم با قاضی یا هیئت

منصفه به اشتراک بگذارد. »

(۱) justification: توجیه (۲) interpretation: تفسیر، برداشت (۳) transformation: تبدیل دگرگونی (۴) condemnation: اتهام، نکوهش

PART B: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

- 1- Dogs growl and show their teeth in an attempt to frighten the animal or person they perceive as a -----.
1) threat 2) habitat 3) prey 4) suspicion
- 2- Based on his recent poor decisions, it was obvious that Seth lacked even a modicum of good -----.
1) sensitivity 2) sentiment 3) sense 4) sensation
- 3- The judge ----- the extraneous evidence because it was not pertinent to the trial.
1) distorted 2) disclosed 3) distended 4) dismissed
- 4- The more frequently employees take time to exercise during working hours each week, the fewer sick days they -----.
1) recall 2) expend 3) save 4) take
- 5- Classic psychology experiments have shown that when rats are first ----- with an electrical shock to fear a tone when it sounds, they later fear the tone even without the associated shock.
1) intended 2) conditioned 3) sparkled 4) displayed
- 6- In 1998 Gordon Sinclair, the owner of a well-known Chicago restaurant, was struggling with a problem that ----- all restaurateurs. Patrons frequently reserve a table but, without notice, fail to appear.
1) evades 2) delegates 3) afflicts 4) intensifies
- 7- Despite what the scientist said, the volcano eruption is not -----, so do not be concerned!
1) imminent 2) impassive 3) negotiable 4) vulnerable
- 8- At the landfill, the ----- process is in full swing, turning much of the garbage into gasses.
1) pressurization 2) conversion 3) restoration 4) decomposition
- 9- Because I am an extreme planner who needs to control everything, I never engage in -----.
1) spontaneity 2) justification 3) pretension 4) coincidence
- 10- The roads in our town already have too much traffic; building a new shopping mall will ----- the problem.
1) exploit 2) frustrate 3) exacerbate 4) preserve
- 11- The movie *Close Encounters of the Third Kind* tells the story of the first contact between beings from outer space and ----- creatures, that is, those living on earth.
1) affable 2) terrestrial 3) dominant 4) ingenious
- 12- There is ----- agreement that an airport is needed; no one disputes that, but there is fundamental disagreement about where to build it.
1) unanimous 2) uniform 3) utilitarian 4) unique

۱. گزینه « ۱ » متوسط

« سگها خرخر می کنند و دندانهای خود را نشان می دهند تا حیوان یا شخصی را که یک تهدید می پندارند، بترسانند. »
 (۱) threat: تهدید (۲) habitat: زیستگاه، مسکن طبیعی (۳) prey: طعمه، شکار (۴) suspicion: شک، سوء ظن

۲. گزینه « ۳ » سخت

« با توجه به تصمیمات ضعیف اخیرش، بدیهی بود که سب حتی ذره ای از درک خوب برخوردار نبود. »
 (۱) sensitivity: حساسیت (۲) sentiment: نظر، عاطفه، احساس (۳) sense: حس، درک (۴) sensation: حس، احساس، شور

۳. گزینه « ۴ » متوسط

« قاضی [آن] شواهد بی ربط را رد کرد زیرا مربوط به [آن] جلسه دادرسی نبود. »
 (۱) distort: تغییر دادن، غیر واقعی جلوه دادن (۲) disclose: فاش کردن، آشکار کردن (۳) distend: متورم شدن، ورم کردن، منبسط شدن (۴) dismiss: رد کردن، عزل کردن

۴. گزینه « ۴ » سخت

« هرچه کارمندان هر هفته در ساعتهای کاری وقت خود را بیشتر به ورزش اختصاص دهند تعداد روزهای کمتری بیمار می شوند. »
 (۱) recall: به خاطر آوردن، فراخواندن (۲) expend: هزینه کردن، صرف کردن (۳) save: ذخیره کردن، نجات دادن (۴) take: برداشتن، گرفتن، بردن و ...

طول کشیدن: to take time

۵. گزینه « ۲ » سخت

« آزمایش های روانشناسی کلاسیک نشان داده است که وقتی موش های صحرایی در ابتدا با شوک الکتریکی عادت می کنند تا هنگام به صدا در آمدن یک زنگ، از آن بترسند، بعداً حتی بدون [آن] شوک مرتبط، از [آن] زنگ می ترسند. »
 (۱) intend: قصد داشتن (۲) condition: عادت دادن، قید کردن، نرم و براق کردن (۳) sparkle: برق زدن درخشیدن (۴) display: نمایش دادن، نشان دادن

۶. گزینه « ۳ » سخت

« در سال ۱۹۹۸ گوردون سینکلر، صاحب یک رستوران معروف در شیکاگو، با مشکلی دست و پنجه نرم می کرد که همه رستوران داران را رنج می دهد. مراجعین اغلب یک میز را رزرو می کنند اما بدون اطلاع قبلی حضور پیدا نمی کنند. »
 (۱) evade: طفره رفتن (۲) delegate: سپردن (مسئولیت و کارها به افراد پایین دست)، نماینده کردن (۳) afflict: گرفتار کردن، رنجاندن (۴) intensify: تشدید کردن

۷. گزینه « ۱ » سخت

« علی رغم آنچه [آن] دانشمند گفت، فوران آتشفشان قریب الوقوع نیست، بنابراین نگران نباشید! »
 (۱) imminent: قریب الوقوع، حتمی (۲) impassive: آرام، خونسرد (۳) negotiable: قابل مذاکره، قابل عبور، قابل انتقال (۴) vulnerable: آسیب پذیر

۸. گزینه « ۴ » سخت

« در محل دفن زباله، روند تجزیه با تمام ظرفیت در حال انجام است و بسیاری از زباله ها را به گاز تبدیل می کنند. »
 (۱) pressurization: عمل تحت فشار قرار دادن (۲) conversion: تبدیل، تغییر (۳) restoration: ترمیم، بازسازی (۴) decomposition: تجزیه

۹. گزینه « ۱ » سخت

« از آنجا که من یک برنامه ریز جدی و افراطی هستم که باید همه چیز را کنترل کند، هرگز خود به خودی درگیر [چیزی] نمی شوم. »
 (۱) spontaneity: خود به خودی، خود انگیختگی (۲) justification: توجیه (۳) pretension: وانمود، تظاهر (۴) coincidence: تهاهم، تصادف، انطباق

۱۰. گزینه « ۳ » متوسط

« جاده های شهر ما در حال حاضر بیش از حد ترافیک دارند؛ ساخت یک مرکز خرید جدید، این مشکل را بدتر می کند. »
 (۱) exploit: بهره برداری/استثمار کردن (۲) frustrate: ناراحت و اذیت کردن، مختل کردن/شدن (۳) exacerbate: بدتر کردن (۴) preserve: نگهداری کردن

۱۱. گزینه « ۲ » سخت

« فیلم Close Encounters of the Third Kind داستان اولین تماس موجودات فضای بیرونی با موجودات زمینی، یعنی کسانی که در زمین زندگی می کنند را می گوید. »

(۱) affable: خوشرو، خوش برخورد (۲) terrestrial: زمینی، خاکی (۳) dominant: مسلط، غالب، چیره (۴) ingenious: باهوش، مبتکرانه

۱۲. گزینه « ۱ » متوسط

« در مورد نیاز به فرودگاه، توافق همگانی وجود دارد؛ هیچ کس در این مورد اختلاف نظر ندارد، اما در مورد محل ساخت آن اختلاف نظر اساسی وجود دارد. »

(۱) unanimous: هم رأی، همگانی (۲) uniform: یک شکل (۳) utilitarian: کاربردی، سودمند، فایده گرا (۴) unique: یکتا، یگانه

PART B: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

- 1- The ----- of a second row of houses on Bayley Street and the removal of the railway line made room for a spacious park and children's play area.
1) deterrence 2) demolition 3) deficiency 4) demarcation
- 2- The coach knows the sport inside out, and we treat her with the respect she -----.
1) diffuses 2) reminds 3) exposes 4) deserves
- 3- The virus remains ----- in nerve tissue until activated.
1) dormant 2) diverse 3) innate 4) harmful
- 4- In order to cut cost, my boss has asked me to eliminate all positions that are not ----- to day-to-day operations.
1) incompatible 2) indiscriminate 3) indispensable 4) indeterminate
- 5- In Hank's family, the genetic factors of ----- must be strong because most of the members live to be over ninety years of age.
1) perception 2) anticipation 3) prosperity 4) longevity
- 6- The amount of air coming out from vents is ----- and not nearly enough to cool the room.
1) momentous 2) negligible 3) exceptional 4) terrestrial
- 7- The cup warmer will allow your beverage to ----- its temperature for at least an hour.
1) rotate 2) regress 3) retain 4) reverse
- 8- Glenn's lack of ----- of the guitar is what caused his audience to leave the recital during the intermission.
1) mastery 2) performance 3) impact 4) reception
- 9- The newspaper's crossword puzzles are definitely -----, although they get harder as the week goes on, and Saturday's puzzle is a real brain-teaser.
1) tangible 2) demanding 3) flexible 4) soluble
- 10- It is rumored that dogs have a great ----- for cats, yet Lois's two dogs and three cats get along famously.
1) consequence 2) hesitation 3) compromise 4) antipathy
- 11- Given how hot it has been all day, someone was bound to ----- the idea of going swimming.
1) confirm 2) broach 3) provoke 4) apply
- 12- Because the scientist knew his solution was not evident, he tried to offer his investors a ----- alternative so they would continue to fund his research.
1) customary 2) puzzling 3) derivative 4) plausible

۱. گزینه « ۲ » متوسط

«تخریب ردیف دوم خانه‌ها در خیابان بیلی و حذف خط راه‌آهن، فضایی برای یک پارک بزرگ و فضای بازی کودکان ایجاد کرد.»

(۱) deterrence: بازدارندگی (۲) demolition: تخریب (۳) deficiency: کمبود، نقص (۴) demarcation: مرزبندی، تعیین حدود

۲. گزینه « ۴ » متوسط

« [آن] مربی، زیر و بم [این] ورزش را می‌شناسد و ما با او با احترامی که سزاوارش است رفتار می‌کنیم. »

(۱) diffuse: پخش کردن / شدن (۲) remind: یادآوری کردن (۳) expose: در معرض گذاشتن، افشاء کردن، نشان دادن (۴) deserve: سزاوار بودن، استحقاق داشتن

۳. گزینه « ۱ » متوسط

« [این] ویروس تا زمان فعال شدن در بافت عصبی خاموش باقی می‌ماند. »

(۱) dormant: خوابیده، خاموش، غیرفعال (۲) diverse: متنوع، گوناگون، مختلف (۳) innate: ذاتی، درونی (۴) harmful: مضر، زیان آور

۴. گزینه « ۳ » سخت

« برای کاهش هزینه‌ها، رئیس از من خواسته است تمام موقعیت‌های کاری را که برای عملیات روزمره ضروری نیستند حذف

کنم. »

(۱) incompatible: ناسازگار (۲) indiscriminate: کورکورانه (۳) indispensable: ضروری، لازم، اساسی (۴) indeterminate: نامشخص، نامعلوم

۵. گزینه « ۴ » سخت

« در خانوادهٔ هَنک، عوامل ژنتیکی طول عمر باید قوی باشد زیرا اکثر اعضاء، بیش از نود سال عمر می‌کنند. »

(۱) perception: ادراک، درک (۲) anticipation: انتظار، پیش‌بینی (۳) prosperity: رونق، کامیابی (۴) longevity: طول عمر، عمر طولانی

۶. گزینه « ۲ » سخت

« مقدار هوایی که از دریچه‌ها خارج می‌شود ناچیز است و برای خنک کردن اتاق اصلاً کافی نیست. »

(۱) momentous: مهم (۲) negligible: ناچیز، جزئی (۳) exceptional: استثنایی، عالی (۴) terrestrial: زمینی، خاکی

۷. گزینه « ۳ » متوسط

« گرم‌کنندهٔ فنان، به نوشیدنی شما اجازه می‌دهد حداقل یک ساعت دمای خود را حفظ کند. »

(۱) rotate: چرخان، چرخاندن، چرخیدن (۲) regress: پسرفت کردن، بازگشتن (۳) retain: نگه‌داشتن، حفظ کردن (۴) reverse: وارونه کردن، برگرداندن، دنده عقب رفتن

۸. گزینه « ۱ » سخت

« عدم تسلط گِلن بر گیتار همان چیزی است که باعث شد حُضار هنگام میان‌پرده (وقفه بین دو اجرا)، کنسرت را ترک کنند. »

(۱) mastery: مهارت، تسلط، چیرگی (۲) performance: اجرا، کارایی (۳) impact: اثر، ضربه، اصابت (۴) reception: پذیرش، استقبال، اتاق پذیرش، مهمانی

۹. گزینه « ۴ » متوسط

« معماهای جدول کلمات متقاطع [این] روزنامه قطعاً قابل حل است، اگرچه هرچه از هفته می‌گذرد سخت‌تر می‌شود و معمای

روز شنبه، یک معمای فکری واقعی است. (در بسیاری از کشورها، شنبه آخرین روز هفته است) »

(۱) tangible: ملموس، قابل لمس (۲) demanding: پر مسئولیت، دشوار، پرتوقع (۳) flexible: انعطاف پذیر (۴) soluble: حل شدنی، قابل حل

۱۰. گزینه « ۴ » متوسط

« شایعه شده است که سگها نسبت به گربه ها خصومت و دشمنی زیادی دارند، با این حال دو سگ و سه گربهٔ لوئیس، به

خوبی باهم معاشرت می‌کنند. »

(۱) consequence: نتیجه، پی‌آمد (۲) hesitation: تردید، درنگ (۳) compromise: سازش، مصالحه (۴) antipathy: خصومت، دشمنی

۱۱. گزینه « ۲ » سخت

« با توجه به گرم بودن هوا در تمام طول روز، محتمل بود که یک نفر ایدهٔ شنا رفتن را مطرح کند. »

(۱) confirm: تأیید کردن، تصدیق کردن (۲) broach: مطرح کردن، بازکردن (۳) provoke: برانگیختن، تحریک کردن (۴) apply: درخواست دادن، اعمال کردن

۱۲. گزینه « ۴ » سخت

« از آنجا که [آن] دانشمند می‌دانست که راه حل وی واضح و روشن نیست، سعی کرد به سرمایه‌گذاران خود یک جایگزین

پذیرفتنی ارائه دهد تا آنها همچنان در تحقیقات او سرمایه‌گذاری کنند. »

(۱) customary: معمول، رایج (۲) puzzle: گیج کردن (۳) derivative: غیراصلی، گرفته شده، مشتق (۴) plausible: شدنی، محتمل، پذیرفتنی

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

1. Growing older and more decrepit appeared to be an _____ and necessary part of being human.
 1) inevitable 2) intangible 3) unforeseeable 4) unsentimental
2. I don't really think I'd have the _____ to finish a marathon.
 1) concern 2) candor 3) endurance 4) autonomy
3. Her marriage started to improve once her husband finally _____ he had an anger problem and began to take counseling.
 1) identified 2) emerged 3) hesitated 4) acknowledged
4. Society is an independent system that _____ widespread cooperation to function.
 1) proceeds 2) requires 3) fascinates 4) conveys
5. Our blue planet is a _____. Life depends on water, yet in its natural form, the water in the oceans will not sustain us because we cannot drink salt water.
 1) refuge 2) remedy 3) paradox 4) vacillation
6. I thought I was buying a/an _____ native Indian carving, but discovered later that it was machine-made.
 1) genuine 2) definitive 3) secretive 4) artificial
7. The entrepreneur had a well-deserved reputation for _____, having accurately anticipated many changes unforeseen by established business leaders.
 1) modesty 2) hindsight 3) prescience 4) extroversion
8. Studies of longevity among turtles are sometimes _____ by the fact that the subjects live so long that researchers retire before the studies can be completed.
 1) stabilized 2) hampered 3) diversified 4) verified
9. Kevlar is a _____ new material which is used for everything from airplane wings, to bullet-proof vests, to hockey sticks.
 1) prescriptive 2) versatile 3) dormant 4) derivative
10. If exploitation of the planet's resources continues as at present, then the lifestyle we currently enjoy _____ the risk of causing significant damage to the world.
 1) proposes 2) puts 3) shapes 4) runs

(۱) گزینه « ۱ » صحیح است - سطح متوسط

« به نظر می‌رسید که بزرگ شدن و فرسودگی یک بخش اجتناب ناپذیر و ضروری انسان بودن است. »

(۱) inevitable: اجتناب ناپذیر، ناگزیر (۲) intangible: ناملموس، غیر قابل لمس

(۳) unforeseeable: غیر قابل پیش بینی، غیر منتظره (۴) unsentimental: غیر احساسی

(۲) گزینه « ۳ » صحیح است - سطح متوسط

« من واقعاً فکر نمی‌کنم استقامت [لازم] برای پایان بردن یک دوی ماراتن را داشته باشم. »

(۱) concern: نگرانی، دغدغه (۲) candor: صداقت، خلوص (۳) endurance: استقامت، تحمل، پایداری (۴) autonomy: خودمختاری، استقلال

(۳) گزینه « ۴ » صحیح است - سطح متوسط

« زمانی که شوهرش در نهایت تصدیق کرد که مشکل [کنترل] عصبانیت دارد و شروع به [گرفتن] مشاوره کرد، ازدواج او شروع به بهبود کرد. »

(۱) identify: شناختن، تشخیص هویت دادن (۲) emerge: پدیدار شدن، بیرون آمدن

(۳) hesitate: مردد بودن، درنگ کردن (۴) acknowledge: تصدیق کردن، قدردانی کردن

(۴) گزینه « ۲ » صحیح است - سطح متوسط

« جامعه یک سیستم مستقل است که برای کارکردن به همکاری گسترده نیاز دارد. »

(۱) proceed: پیش رفتن، ادامه دادن (۲) require: نیاز داشتن، لازم بودن

(۳) fascinate: جذب کردن (۴) convey: حامل بودن، بیان کردن، حمل کردن

(۵) گزینه « ۳ » صحیح است - سطح متوسط

« سیاره‌آبی ما یک پارادوکس است. زندگی به آب بستگی دارد اما در شکل طبیعی خود، آب اقیانوس‌ها ما را حفظ نمی‌کند زیرا ما نمی‌توانیم آب نمک بنوشیم. »

(۱) refuge: پناه، پناهگاه (۲) remedy: چاره، درمان (۳) paradox: پارادوکس، بیان مغایر (۴) vacillation: نوسان، تردید

(۶) گزینه « ۱ » صحیح است - سطح سخت

« فکر می‌کردم دارم یک حکاکي بومی واقعی و اصل می‌خرم، اما بعداً متوجه شدم که ماشینی است »

(۱) genuine: خالص، واقعی، راستگو (۲) definitive: نهایی، قطعی، قاطع، معتبر (۳) secretive: پنهانی، مخفیانه (۴) artificial: انسانی، مصنوعی

(۷) گزینه « ۳ » صحیح است - سطح سخت

« این کارآفرین به دلیل پیش‌بینی دقیق بسیاری از تغییرات پیش‌بینی نشده توسط رهبران کسب‌وکار، شهرت شایسته‌ای در پیش‌آگاهی داشت. »

(۱) modesty: تواضع، فروتنی (۲) hindsight: واپس‌نگری، ادراک (۳) prescience: پیش‌آگاهی، علم غیب (۴) extroversion: برون‌گرایی

(۸) گزینه « ۲ » صحیح است - سطح متوسط

« مطالعات طول عمر در میان لاک‌پشت‌ها گاهی اوقات به دلیل این واقعیت که این موجودات آنقدر عمر می‌کنند که محققان قبل از تکمیل مطالعات بازنشسته می‌شوند با مشکل مواجه می‌شود. (طول عمر لاک پشت‌ها مانع مطالعات می‌شود). »

(۱) stabilize: تثبیت کردن، ثابت کردن (۲) hamper: مانع شدن، جلوگیری کردن

(۳) diversify: متنوع شدن، تنوع بخشیدن (۴) verify: تأیید کردن، بررسی کردن

(۹) گزینه « ۲ » صحیح است - سطح متوسط

« کولار یک ماده جدید همه‌کاره است که برای همه چیز از بال هواپیما گرفته تا جلیقه ضد گلوله و چوب‌هاکی استفاده می‌شود. »

(۱) prescriptive: تجویزی (۲) versatile: همه‌فن‌حریف، همه‌کاره (۳) dormant: خوابیده، خاموش (۴) derivative: غیراصلی، گرفته شده، مشتق

(۱۰) گزینه « ۴ » صحیح است - سطح سخت

« اگر بهره‌برداری از منابع سیاره زمین مانند حال حاضر ادامه یابد، سبک زندگی که ما در حال حاضر از آن لذت می‌بریم آسیب قابل توجهی به جهان وارد خواهد آورد. »

(۱) propose: پیشنهاد کردن (۲) put: گذاشتن، قرار دادن و... (۳) shape: شکل دادن (۴) run: این کلمه معانی بسیار بسیار زیادی دارد

run the risk of doing sth

انجام دادن کاری، وقتی که ممکن است باعث خرابی، شکست، یا اتفاق ناخوشایندی شود.

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

1. The rising death toll is _____ largely to the growing number of elderly people, who are especially vulnerable to the flu.
1) converted 2) transferred 3) attributed 4) debilitated
2. The couple were finally _____ by the landlord after not paying rent for six months.
1) elicited 2) evacuated 3) extended 4) evicted
3. We have a _____ clientele in our language program, with students from Asia, Europe and South America.
1) diverse 2) haphazard 3) complex 4) symmetrical
4. But the possibility of these adversaries acting like friends, despite their longstanding _____ and mutual dislike, is on the horizon.
1) advocacy 2) justification 3) rivalry 4) inclination
5. Debating that aliens exist cannot be deemed an _____ truth as we have yet to see proof of their existence.
1) insensitive 2) incontrovertible 3) unintelligible 4) unforeseeable
6. The girls wanted to set the table, but they were more of a _____ than a help.
1) hindrance 2) pretension 3) compliment 4) thrill
7. The government is to consult the attorney general on whether the enacting of such a law would be in _____ of the constitution.
1) rationalization 2) caprice 3) provenance 4) breach
8. Someone once joked that man blames most accidents on _____, but feels a more personal responsibility when he makes a hole-in-one on the golf course.
1) verdict 2) fate 3) legality 4) charge
9. The trial collapsed when it became clear that the main witness for the prosecution was not _____.
1) singular 2) conjectural 3) credible 4) subjective
10. The rising number of minority inmates in prison only goes to _____ the stereotype that members of minority groups are bad people.
1) downplay 2) perpetuate 3) overlook 4) belie

(۱) گزینه « ۳ » صحیح است - سطح متوسط
« افزایش تعداد مرگ و میر، بیشتر به افزایش تعداد افراد مسن نسبت داده می‌شود که به ویژه در برابر آنفولانزا آسیب پذیر هستند. »

(۱) convert: تبدیل کردن، تغییر رویه دادن (۲) transfer: انتقال دادن، منتقل شدن، واگذار کردن
(۳) attribute: نسبت دادن (۴) debilitate: ضعیف کردن ناتوان کردن

(۲) گزینه « ۴ » صحیح است - سطح سخت
« [آن] زوج در نهایت پس از شش ماه عدم پرداخت اجاره بها، توسط صاحبخانه از خانه بیرون شدند. »
(۱) elicit: بیرون کشیدن، در پی داشتن (۲) evacuate: تخلیه کردن
(۳) extend: تمدید کردن، طول کشیدن، گسترش دادن (۴) evict: بیرون کردن

توجه کنید که آدما تخلیه نمی‌شوند، بلکه جایی را تخلیه می‌کنند. یعنی گزینه ۲ نمیتونه درست باشه.
(۳) گزینه « ۱ » صحیح است - سطح متوسط

« ما مشتریان متنوعی در برنامه زبان خود داریم، با [داشتن] دانشجویانی از آسیا، اروپا و آمریکای جنوبی. »
(۱) diverse: متنوع، گوناگون، مختلف (۲) haphazard: تصادفی، اتفاقی (۳) complex: پیچیده (۴) symmetrical: متقارن

(۴) گزینه « ۳ » صحیح است - سطح متوسط
« اما این احتمال وجود دارد که این دشمنان، علی‌رغم رقابت دیرینه و عدم علاقه متقابل، مانند دوستان [یکدیگر] عمل کنند. »
(۱) advocacy: طرفداری، هواداری (۲) justification: توجیه (۳) rivalry: رقابت (۴) inclination: گرایش، تمایل، خم، سرازیری

(۵) گزینه « ۲ » صحیح است - سطح سخت
« بحث در مورد وجود بیگانگان را نمی‌توان یک حقیقت مسلم تلقی کرد زیرا ما هنوز مدرکی دال بر وجود آنها ندیده‌ایم. »
(۱) insensitive: بی عاطفه، بی ملاحظه (۲) incontrovertible: انکار ناپذیر، مسلم، بی چون و چرا
(۳) unintelligible: نامفهوم، غیر قابل فهم (۴) unforeseeable: غیر قابل پیش بینی، غیر منتظره

(۶) گزینه « ۱ » صحیح است - سطح متوسط
« دخترها می‌خواستند سفره را بچینند، اما بیشتر مانع بودند تا کمک. »
(۱) hindrance: مانع، سد (۲) pretension: وانمود، تظاهر (۳) compliment: ستایش، تمجید (۴) thrill: هیجان

(۷) گزینه « ۴ » صحیح است - سطح سخت
« دولت باید با دادستان کل مشورت کند که آیا تصویب چنین قانونی نقض قانون اساسی است یا خیر. »
(۱) rationalization: توجیه (۲) caprice: میل زود گذر، هوس (۳) provenance: منشاء (۴) breach: تخلف، نقض

(۸) گزینه « ۲ » صحیح است - سطح متوسط
« یک بار شخصی به شوخی گفت که انسان بیشتر تصادفات را به گردن سرنوشت می‌اندازد، اما وقتی در زمین گلف اولین ضربه‌اش وارد سوراخ می‌شود، مسئولیت شخصی بیشتری احساس می‌کند. »
(۱) verdict: حکم، رأی، نظر (۲) fate: سرنوشت، تقدیر (۳) legality: مشروعیت، قانونی بودن (۴) charge: شارژ، هزینه، اتهام و...

(۹) گزینه « ۳ » صحیح است - سطح متوسط
« وقتی مشخص شد که شاهد اصلی دادسرا قابل اعتماد نیست، دادگاه به شکست انجامید. »
(۱) singular: مفرد، منحصر به فرد (۲) conjectural: حدسی، فرضی
(۳) credible: باورکردنی، قابل اعتماد (۴) subjective: فردی، شخصی، فاعلی

(۱۰) گزینه « ۲ » صحیح است - سطح سخت
« افزایش تعداد زندانیان اقلیت در زندان، تنها باعث تداوم این کلیشه می‌شود که اعضای گروه‌های اقلیت افراد بدی هستند. »
(۱) downplay: کم اهمیت جلوه دادن (۲) perpetuate: تداوم بخشیدن، زنده نگه داشتن
(۳) overlook: چشم پوشی کردن، نادیده گرفتن، مشرف بودن بر (۴) belie: عوضی جلوه دادن، بد وانمود کردن

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

1. Please leave _____ directions for the housekeeper, so she knows what needs to be done.
 1) restless 2) explicit 3) authentic 4) cursory
2. These islands _____ their name from the sacred images found on them by the early European navigators.
 1) illustrate 2) grasp 3) derive 4) infer
3. People love the Presidio because it is in close _____ to many area attractions, including the famous aquarium, the SFB Morse Botanical Reserve and the Spanish Bay Resort Golf Course.
 1) proximity 2) observation 3) relevance 4) accord
4. This system, which for many years subsequently was regarded as authoritative, has been subjected to _____ criticism by later economists and it is perhaps not too much to say that it now possesses mainly a historical interest.
 1) feeble 2) shaky 3) transient 4) vigorous
5. Although Norman could _____ his sister's story about her innocence to absolve her, he refused to do so because he was angry at her.
 1) testify 2) retain 3) corroborate 4) fulfil
6. When he came in to tea, silent, _____ and with tear-stained face, everybody pretended not to notice anything.
 1) showy 2) morose 3) facetious 4) mercurial
7. Since color is absorbed as it travels through water, the deeper you are, the more likely you will notice a _____ in the clarity of reds, oranges and yellows.
 1) deception 2) competition 3) intensification 4) reduction
8. As the students argued, the teacher tried to _____ them into silence with the threat of a detention.
 1) condemn 2) coerce 3) impose 4) condense
9. Teachers who consider cartoons and comic books _____ to students' literacy skills often use class time to deride these media.
 1) harmful 2) indispensable 3) pertinent 4) conductive
10. Salt is valued not only because of its _____ as a condiment and preservative, but also because it is essential to the health of humans and animals.
 1) properties 2) temptations 3) variances 4) predictors

- (۱) گزینه « ۲ » صحیح است - سطح متوسط
 « لطفاً دستورالعمل‌های صریح را برای نظافتچی بگذارید تا او بداند چه کاری باید انجام شود. »
 (۱) restless: بی‌قرار، بی‌تاب، ناآرام (۲) explicit: صریح، واضح، روشن (۳) authentic: موثق، اصلی (۴) cursory: سرسری، سریع
- (۲) گزینه « ۳ » صحیح است - سطح متوسط
 « این جزایر نام خود را از تصاویر مقدسی که دریانوردان اولیه اروپایی بر روی آنها یافتند، گرفته‌اند. »
 (۱) illustrate: با مثال روشن کردن، شفاف‌سازی کردن (۲) grasp: محکم گرفتن، فهمیدن (۳) derive: نتیجه گرفتن، مشتق گرفتن، به دست آوردن (۴) infer: پی بردن، استنباط کردن
- (۳) گزینه « ۱ » صحیح است - سطح متوسط
 « مردم Presidio را دوست دارند زیرا در مجاورت بسیاری از جاذبه‌های منطقه، از جمله آکواریوم معروف، ذخیره‌گاه گیاه‌شناسی موریس SFB و زمین گلف Bay Resort اسپانیایی قرار دارد. »
 (۱) proximity: نزدیکی، مجاورت (۲) observation: مشاهده، مراقبت (۳) relevance: ارتباط، ربط (۴) accord: توافق، موافقت
- (۴) گزینه « ۴ » صحیح است - سطح سخت
 « این سیستم که سال‌ها متعاقباً معتبر تلقی می‌شد، مورد انتقاد شدید و قاطع اقتصاددانان بعدی قرار گرفته و شاید بیراه نباشد که بگوییم اکنون عمدتاً دارای منافع تاریخی است. »
 (۱) feeble: ضعیف (۲) shaky: لرزان، سست، متشنج (۳) transient: گذرا، موقت، زودگذر (۴) vigorous: نیرومند، سرسخت، انرژی‌بر، قاطع
- (۵) گزینه « ۳ » صحیح است - سطح سخت
 « اگرچه نورمن می‌توانست داستان بی‌گناهی خواهرش را تأیید کند تا او را تبرئه کند، اما از این کار خودداری کرد زیرا از دست او عصبانی بود. »
 (۱) testify: شهادت دادن (۲) retain: نگه داشتن (۳) corroborate: تأیید کردن، تصدیق و اثبات کردن (۴) fulfil: تحقق بخشیدن، برآورده کردن
- (۶) گزینه « ۲ » صحیح است - سطح خیلی سخت
 « وقتی او ساکت و کج خلق و با چهره‌ای پر از اشک برای [صرف] جای وارد شد، همه وانمود کردند که به چیزی توجه نمی‌کنند. »
 (۱) showy: پر جلوه، چشمگیر، گیرا (۲) morose: عبوس، کج خلق (۳) facetious: بی‌جا، لوس (۴) mercurial: دمدمی مزاج، ناپایدار، متغیر
- (۷) گزینه « ۴ » صحیح است - سطح متوسط
 « از آنجایی که رنگ هنگام حرکت در آب جذب می‌شود، هر چه عمیق‌تر باشید، به احتمال بیشتر متوجه کاهش شفافیت رنگ‌های قرمز، نارنجی و زرد خواهید شد. »
 (۱) deception: فریب‌کاری، حقه‌بازی (۲) competition: رقابت، مسابقه (۳) intensification: تشدید، تقویت (۴) reduction: کاهش
- (۸) گزینه « ۲ » صحیح است - سطح متوسط
 « همانطور که دانش آموزان بحث می‌کردند، معلم سعی کرد با تهدید به بازداشت، آنها را مجبور به سکوت کند. »
 (۱) condemn: محکوم کردن (۲) coerce: مجبور کردن (۳) impose: تحمیل کردن (۴) condense: مایع شدن، منقبض کردن، کوتاه کردن
- (۹) گزینه « ۱ » صحیح است - سطح متوسط
 « معلمانی که کارتون‌ها و کتاب‌های مصور را برای مهارت‌های سوادآموزی دانش‌آموزان مضر می‌دانند، اغلب از زمان کلاس برای تمسخر این رسانه‌ها استفاده می‌کنند. »
 (۱) harmful: مضر، زیان‌آور (۲) indispensable: ضروری، لازم، اساسی (۳) pertinent: مرتبط (۴) conductive: رسانا
- (۱۰) گزینه « ۱ » صحیح است - سطح متوسط
 « نمک نه تنها به دلیل ویژگی‌ها و خواصی که به عنوان چاشنی و نگهدارنده دارد، بلکه به این دلیل که برای سلامت انسان و حیوانات ضروری است، ارزشمند است. »
 (۱) property: دارایی، ویژگی (۲) temptation: وسوسه (۳) variance: واریانس، مغایرت، اختلاف، تضاد، ستیز (۴) predictor: پیشگو

PART B: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

1. We will have to repeat the experiment because the results were not -----.
 1) equivocal 2) credulous 3) conclusive 4) spontaneous
2. The doctor's medical license was ----- after it was discovered that, out of sheer cupidity, he had diagnosed people with illnesses they didn't have and pocketed insurance money for performing procedures they didn't need.
 1) overlooked 2) revoked 3) diminished 4) belittled
3. When she didn't receive the job, she asked the company for ----- feedback to help her with future employment.
 1) unexceptional 2) foreseeable 3) hierarchical 4) constructive
4. Although I tried to pay you a compliment, you have unfortunately decided to ----- my words as an insult.
 1) adopt 2) construe 3) contribute 4) qualify
5. The twins began school ----- but they did not graduate at the same time.
 1) simultaneously 2) interchangeably 3) symmetrically 4) chronologically
6. Though we are in ----- on what our goals should be, we differ on the means for achieving them.
 1) monotony 2) accord 3) homogeneity 4) jeopardy
7. The debate is becoming polarized and there appears to be little in the way of ----- ground between the two sides.
 1) similar 2) clear 3) slippery 4) middle
8. The main dish had little flavor, but I made it more ----- by adding condiments.
 1) affordable 2) unrecognizable 3) palatable 4) memorable
9. In our ----- to leave for our camping trip we'd long been looking forward to, we actually forgot to bring our tent.
 1) haste 2) scheme 3) apathy 4) collaboration
10. Any dispute over finances is likely to sour the relationship to the ----- of both parties.
 1) intensity 2) detriment 3) barrier 4) isolation

(۱) گزینه « ۳ » صحیح است - سطح متوسط

« ما باید آزمایش را تکرار کنیم زیرا نتایج قطعی نبود »

(۱) equivocal: مبهم (۲) credulous: گاکول، ساده لوح (۳) conclusive: قطعی (۴) spontaneous: خود به خود، خود جوش

(۲) گزینه « ۲ » صحیح است - سطح متوسط

« پروانه پزشکی دکتر پس از اینکه مشخص شد او به دلیل طمع محض، بیماری هایی را در افراد تشخیص داده است که نداشتند و پول بیمه را برای انجام اقداماتی که به آنها نیاز نداشتند به جیب زده است، لغو و باطل شد. »

(۱) overlook: چشم پوشی کردن، نادیده گرفتن، مشرف بودن بر (۲) revoke: لغو کردن
(۳) diminish: کم ارزش کردن، کم کردن، کم شدن (۴) belittle: کوچک شمردن

(۳) گزینه « ۴ » صحیح است - سطح سخت

« هنگامی که او [آن] کار را دریافت نکرد (استخدام نشد)، از شرکت درخواست بازخورد سازنده کرد تا به او در شغل آینده کمک کند »

(۱) unexceptional: عادی، معمولی (۲) foreseeable: قابل پیشبینی (۳) hierarchical: سلسله مراتبی (۴) constructive: سازنده، سودمند

(۴) گزینه « ۲ » صحیح است - سطح متوسط

« با وجود اینکه سعی کردم از شما تعریف کنم، اما شما متأسفانه تصمیم گرفتید حرف من را توهین تعبیر کنید »

(۱) adopt: به فرزند خواندگی قبول کردن، انتخاب کردن (۲) construe: تعبیر کردن، تفسیر کردن
(۳) contribute: مشارکت کردن، همکاری کردن، کمک کردن (۴) qualify: واجد شرایط بودن، واجد شرایط کردن، صلاحیت پیدا کردن

(۵) گزینه « ۱ » صحیح است - سطح متوسط

« دوقلوها به طور همزمان مدرسه را شروع کردند اما همزمان فارغ التحصیل نشدند. »

(۱) simultaneous: همزمان (۲) interchangeable: قابل تعویض، قابل مبادله، مشابه
(۳) symmetrical: متقارن (۴) chronologically: به ترتیب زمانی

(۶) گزینه « ۲ » صحیح است - سطح سخت

« اگرچه ما در مورد اهدافمان توافق داریم، اما در مورد ابزار دستیابی به آنها اختلاف نظر داریم »

(۱) monotony: یکنواختی، بی تنوعی (۲) accord: توافق، موافقت (۳) homogeneity: همگنی، تجانس (۴) jeopardy: خطر

(۷) گزینه « ۴ » صحیح است - سطح سخت

« بحث در حال دو قطبی شدن است و به نظر می‌رسد که حد وسطی بین دو طرف وجود ندارد. »

(۱) similar: مشابه، یکسان (۲) clear: واضح، صریح، روشن (۳) slippery: لیز، لغزان (۴) middle: میانه، وسط، وسطی

(۸) گزینه « ۳ » صحیح است - سطح سخت

« غذای اصلی طعم کمی داشت، اما من با اضافه کردن چاشنی، آن را خوشمزه تر کردم. »

(۱) affordable: مقرون به صرفه، ارزان (۲) unrecognizable: نامشخص، غیر قابل تشخیص
(۳) palatable: خوشمزه، دلپذیر، خوشایند (۴) memorable: خاطره انگیز

(۹) گزینه « ۱ » صحیح است - سطح متوسط

« در عجله مان برای رفتن به سفر کمپینگی که مدتها منتظرش بودیم، در واقع فراموش کردیم چادر خود را بیاوریم. »

(۱) haste: عجله، شتاب (۲) scheme: طرح، برنامه، توطئه (۳) apathy: بی تفاوتی، بی توجهی (۴) collaboration: همکاری

(۱۰) گزینه « ۲ » صحیح است - سطح متوسط

« هر گونه اختلاف بر سر مسائل مالی احتمالاً روابط را به ضرر هر دو طرف تیره می‌کند »

(۱) intensity: شدت، جدیت (۲) detriment: خسارت، ضرر (۳) barrier: مانع، سد (۴) isolation: انزوا، قرنطینه

PART B: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

1. I couldn't believe my ears and I was so ----- when the bank manager said they were willing to cancel my debts.
 1) commercial 2) grateful 3) unpredictable 4) beneficial
2. It seems right to say that the love of money is the root of all evil. It has brought more suffering than all the wars ----- so far.
 1) founded 2) convicted 3) waged 4) exerted
3. The derelict edifice was falling to bits. Years of poor ----- were to blame.
 1) maintenance 2) construction 3) supplement 4) endeavor
4. With three consecutive defeats ----- on his mind, his play lacked confidence, and he lost the first set 6-1.
 1) counting 2) weighing 3) relying 4) imposing
5. It was easy to tell that the speaker's talk was memorized, though she tried to make it seem -----.
 1) plausible 2) extemporaneous 3) rational 4) contentious
6. In her new post the executive will supervise eight hundred employees. She has never before had a responsibility of such -----.
 1) discrimination 2) flexibility 3) endurance 4) magnitude
7. To ----- local sales taxes, shoppers buy in neighboring communities that do not have such taxes.
 1) replace 2) diminish 3) circumvent 4) disguise
8. The candidate who ----- the hearts and minds of the voters with his passion for office and his integrity will win this election.
 1) justifies 2) converts 3) manifests 4) captures
9. "I paint by -----" the artist said. "In a flash, I see how a work should look. I don't really think it out."
 1) intuition 2) clarity 3) indifference 4) tendency
10. Common ----- effects of this medication include bleeding, nausea and vomiting.
 1) dubious 2) adverse 3) derivative 4) casual

(۱) گزینه « ۲ » صحیح است - سطح متوسط

« نمی توانستم گوش هایم را باور کنم و وقتی مدیر بانک گفت که حاضرند بدهی هایم را لغو کنند بسیار سپاسگزار بودم. »
 (۱) commercial: تجاری، بازرگانی (۲) grateful: سپاسگزار، قدردان (۳) unpredictable: غیر قابل پیشبینی (۴) beneficial: سودمند، مفید

(۲) گزینه « ۳ » صحیح است - سطح سخت

« درست به نظر می رسد که بگوئیم عشق به پول ریشه همه بدی هاست. [عشق به پول] رنجی بیشتر از تمام جنگ های که تاکنون به پا شده است به همراه داشته است »

(۱) found: تأسیس کردن، ساختن، راه انداختن
 (۲) convict: محکوم کردن
 (۳) wage: جنگیدن، جنگ به پا کردن
 (۴) exert: اعمال کردن، زیاد تلاش کردن

(۳) گزینه « ۱ » صحیح است - سطح سخت

« عمارت متروک داشت تکه تکه می شد. سالها نگهداری ضعیف باید مقصر دانسته میشد. »
 (۱) maintenance: نگهداری (۲) construction: عمارت، ساخت و ساز (۳) supplement: مکمل، ضمیمه (۴) endeavor: تلاش

(۴) گزینه « ۲ » صحیح است - سطح متوسط

« بازی او، با سه شکست متوالی که بر ذهنش سنگینی می کرد، اعتماد به نفس نداشت و ست اول را ۶-۱ واگذار کرد. »
 (۱) count: شمردن، اهمیت داشتن (۲) weigh: وزن داشتن، وزن کردن، سنجیدن (۳) rely: تکیه کردن، اعتماد کردن (۴) impose: تحمیل کردن

(۵) گزینه « ۲ » صحیح است - سطح متوسط

« به راحتی می توانستیم بگوئیم که صحبت های گوینده حفظ شده بود، اگرچه او سعی می کرد آن را فی البداهه جلوه دهد. »
 (۱) plausible: شدنی، محتمل، پذیرفتنی
 (۲) extemporaneous: فی البداهه، بدون آمادگی قبلی
 (۳) rational: منطقی، عقلانی، گویا
 (۴) contentious: دعوایی، بحث برانگیز

(۶) گزینه « ۴ » صحیح است - سطح متوسط

« در پست جدید خود، مدیر اجرایی بر هشتصد کارمند نظارت خواهد کرد. او قبلاً هرگز مسئولیتی به این بزرگی نداشته است. »
 (۱) discrimination: تبعیض، بصیرت (۲) flexibility: انعطاف پذیری (۳) endurance: تحمل، استقامت (۴) magnitude: اهمیت، بزرگی

(۷) گزینه « ۳ » صحیح است - سطح متوسط

« برای دور زدن مالیات فروش محلی، خریداران در جوامع همسایه که چنین مالیاتی ندارند خرید می کنند. »
 (۱) replace: جایگزین کردن، عوض کردن
 (۲) diminish: کم ارزش کردن، کم کردن، کم شدن
 (۳) circumvent: کسی یا چیزی را دور زدن، پیچاندن
 (۴) disguise: تغییر چهره دادن، لاپوشانی کردن

(۸) گزینه « ۴ » صحیح است - سطح متوسط

« کاندیدایی که قلب و ذهن رای دهندگان را با اشتیاق و صداقت خود تسخیر کند در این انتخابات پیروز خواهد شد. »
 (۱) justify: توجیه کردن (۲) convert: تبدیل کردن، تغییر رویه دادن (۳) manifest: معلوم کردن، آشکار ساختن (۴) capture: گرفتن، تسخیر کردن

(۹) گزینه « ۱ » صحیح است - سطح سخت

« هنرمند گفت: "من با حس درونی نقاشی می کنم." "در یک لحظه می بینم که یک اثر چگونه باید باشد. من واقعاً آن را به دقت بررسی نمی کنم."»

(۱) intuition: حس درونی، حس ششم (۲) clarity: شفافیت (۳) indifference: بی اعتنایی، بی تفاوتی، بی اهمیتی (۴) tendency: گرایش، تمایل

(۱۰) گزینه « ۲ » صحیح است - سطح سخت

« عوارض منفی و نامطلوب رایج این دارو شامل خونریزی، تهوع و استفراغ است »

(۱) dubious: بد، مشکوک، نامطمئن
 (۲) adverse: ناسازگار، نامطلوب، منفی
 (۳) derivative: غیراصیل، گرفته شده، مشتق
 (۴) casual: آسوده، موقتی، معمولی، غیررسمی

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

1. When you ----- a meeting, it is important to speak clearly, confidently and at a good pace.
 1) assess 2) propagate 3) address 4) impress
2. People like the newly proposed system, but because of the costs involved we do not believe it is -----, and we need to look for other options.
 1) compliant 2) defensive 3) ingenuous 4) viable
3. The country in question is very poor, and one in seven children dies in -----.
 1) infancy 2) nutrition 3) malfunction 4) mortality
4. I don't consider myself to be particularly -----, but when I'm given a job, I make sure it gets done.
 1) industrious 2) spontaneous 3) risky 4) unexceptional
5. The new airliner is more environmentally-friendly than other aircraft, its only ----- being its limited flying range.
 1) demand 2) drawback 3) controversy 4) attribute
6. The celebrity will ----- assistance from the police to keep stalkers away from his property.
 1) extend 2) invoke 3) absolve 4) withdraw
7. When plates in the Earth's crust slide or grind against one another, an earthquake with devastating consequences may be -----.
 1) derived 2) surpassed 3) triggered 4) traced

(۱) گزینه « ۳ » صحیح است - سطح سخت

« هنگامی که در یک جلسه سخنرانی می‌کنید، مهم است که واضح، با اعتماد به نفس و با سرعت خوب، صحبت کنید. »

- (۱) assess: ارزیابی کردن، سنجیدن
(۲) propagate: پخش کردن، منتشر کردن، قلمه زدن
(۳) address: نشانی دادن، گفتن، سخن گفتن
(۴) impress: تحت تأثیر قرار دادن، اثر گذاشتن

(۲) گزینه « ۴ » صحیح است - سطح متوسط

« مردم سیستم پیشنهادی جدید را دوست دارند، اما به دلیل هزینه‌های موجود، ما معتقد نیستیم که [این سیستم] مناسب است و باید به دنبال گزینه‌های دیگری باشیم. »

- (۱) compliant: مطیع، منطبق
(۲) defensive: دفاعی، تدافعی
(۳) ingenuous: ساده‌دل، صاف و ساده، ساده‌لوح
(۴) viable: قابل اعتماد، مناسب، قابل دوام

(۳) گزینه « ۱ » صحیح است - سطح متوسط

« کشور مورد بحث بسیار فقیر است و از هر هفت کودک یک کودک در خردسالی می‌میرد. »

- (۱) infancy: خردسالی، دوران قبل از ۲ سالگی
(۲) nutrition: تغذیه
(۳) malfunction: اشکال در عملکرد
(۴) mortality: مرگ و میر، فناپذیری

(۴) گزینه « ۱ » صحیح است - سطح متوسط

« من خودم را منحصراً سخت‌کوش و پرتلاش نمی‌دانم، اما وقتی کاری به من محول می‌شود، مطمئن می‌شوم که آن کار انجام شود. »

- (۱) industrious: پرتلاش، زحمت‌کش
(۲) spontaneous: خود به خود، خود جوش
(۳) risky: خطرناک
(۴) unexceptional: عادی، معمولی

(۵) گزینه « ۲ » صحیح است - سطح متوسط

« هواپیمای جدید نسبت به سایر هواپیماها دوستدار محیط زیست است و تنها اشکال آن برد محدود پرواز آن است. »

- (۱) demand: تقاضا، مطالبه، نیاز
(۲) drawback: اشکال، نقص
(۳) controversy: جنجال، بحث
(۴) attribute: ویژگی، خاصیت

(۶) گزینه « ۲ » صحیح است - سطح متوسط

« [این] سلبریتی از پلیس کمک خواهد خواست تا مزاحم‌ها را از دارایی خود دور نگه دارد. »

- (۱) extend: تمديد کردن، طول کشیدن، گسترش دادن، توسعه دادن
(۲) invoke: استناد کردن، به کار بردن، فراخوانی کردن، تداعی کردن
(۳) absolve: آمرزیدن، تبرئه کردن
(۴) withdraw: خارج کردن پول از حساب، کنار کشیدن، پس گرفتن

(۷) گزینه « ۳ » صحیح است - سطح متوسط

« هنگامی که صفحات در پوسته زمین بر روی یکدیگر می‌لغزند یا ساییده می‌شوند، ممکن است زلزله‌ای با پیامدهای ویرانگر، راه بیفتد. »

- (۱) derive: نتیجه گرفتن، مشتق گرفتن
(۲) surpass: پیش افتادن از، بهتر بودن از
(۳) trigger: باعث شدن، راه انداختن
(۴) trace: رد چیزی را زدن

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

1. **Despite the fact that Gross Domestic Product (GDP) has increased substantially in the industrialized West, the levels of human contentment have remained -----.**
 1) apposite 2) interwoven 3) static 4) implicit
2. **Immigration ----- from the Latin word migration and means the act of a foreigner entering a country in the aim of obtaining the right of permanent residence.**
 1) gathers 2) obtains 3) arises 4) derives
3. **Not speaking the same language as your customers can lead to communication -----.**
 1) breakdown 2) brevity 3) gesture 4) imitation
4. **The factory's workforce has ----- from over 4,000 to a few hundred.**
 1) withdrawn 2) dwindled 3) undercut 4) forecasted
5. **The police came up empty-handed despite an ----- exploration of the suspect's home.**
 1) exhaustive 2) inescapable 3) ephemeral 4) inevitable
6. **When the old man married a woman in her thirties, all everyone talked about was the ----- in the couple's ages.**
 1) diversity 2) disparity 3) longevity 4) extension
7. **One local factory will ----- the town's job shortage by providing 250 more jobs.**
 1) overlook 2) adjust 3) displace 4) alleviate

(۱) گزینه « ۳ » صحیح است - سطح سخت

«علیرغم این واقعیت که تولید ناخالص داخلی (GDP) به طور قابل توجهی در غرب صنعتی افزایش یافته است، سطح رضایت انسان ثابت مانده است.»

- (۱) apposite: مناسب، متناسب
(۲) interwoven: در هم تنیده، در هم بافته
(۳) static: ایستا، ساکن، ثابت، استاتیک
(۴) implicit: ضمنی، مطلق، غیرمستقیم

این کلمه رو ما تو فارسی هم استفاده میکنیم. جواب دادن به این تست، اونقدرها هم مشکل نبود.

(۲) گزینه « ۴ » صحیح است - سطح متوسط

« مهاجرت (immigration) از کلمه لاتین migration گرفته شده است و به معنای اقدام یک خارجی برای ورود به یک کشور به منظور اخذ حق اقامت دائم است. »

- (۱) gather: جمع شدن، جمع کردن، فهمیدن
(۲) obtain: بدست آوردن، وجود داشتن
(۳) arise: برخاستن، رخ دادن، شروع کردن
(۴) derive: نتیجه گرفتن، مشتق گرفتن

(۳) گزینه « ۱ » صحیح است - سطح سخت

« صحبت نکردن به زبان مشتریان شما می تواند منجر به اختلال در ارتباط شود. »

- (۱) breakdown: فروپاشی، خرابی، شکست
(۲) brevity: کوتاهی، اختصار، ایجاز
(۳) gesture: اشاره، حرکت، ژست
(۴) imitation: تقلید، کپی

(۴) گزینه « ۲ » صحیح است - سطح متوسط

« نیروی کار این کارخانه از بیش از ۴۰۰۰ نفر به چند صد نفر کاهش یافته است. »

- (۱) withdraw: خارج کردن پول از حساب، کنار کشیدن، پس گرفتن
(۲) dwindle: به تدریج کاهش یافتن
(۳) undercut: تخفیف دادن، کاهش دادن قیمت
(۴) forecast: پیش بینی کردن

(۵) گزینه « ۱ » صحیح است - سطح متوسط

« پلیس با وجود جستجوی کامل در خانه مظنون، دست خالی آمد. »

- (۱) exhaustive: جامع و کامل
(۲) inescapable: اجتناب ناپذیر، ناگزیر
(۳) ephemeral: ناپایدار، بی دوام
(۴) inevitable: اجتناب ناپذیر، ناگزیر

(۶) گزینه « ۲ » صحیح است - سطح متوسط

« وقتی پیرمرد با زنی سی و چند ساله ازدواج کرد، همه صحبت ها درباره اختلاف سنی این زوج بود. »

- (۱) diversity: تنوع
(۲) disparity: اختلاف، تفاوت
(۳) longevity: طول عمر، عمر طولانی
(۴) extension: تمدید، توسعه، بسط

(۷) گزینه « ۴ » صحیح است - سطح متوسط

« یک کارخانه محلی با ایجاد ۲۵۰ شغل دیگر، کمبود شغل در شهر را کاهش خواهد داد. »

- (۱) overlook: چشم پوشی کردن، نادیده گرفتن، مشرف بودن بر
(۲) adjust: تنظیم کردن، وفق پیدا کردن، سازگار شدن
(۳) displace: جابجا کردن، آواره کردن
(۴) alleviate: تسکین دادن، کاهش دادن، سبک کردن

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

1. ----- eye contact with your audience while giving your presentation.
 1) Take 2) Insure 3) Direct 4) Make
2. If ----- hold true, future global population growth will be heavily concentrated in Latin America, Africa, and South Asia.
 1) projections 2) inclinations 3) interventions 4) realizations
3. **Warning:** Anyone caught stealing from these premises will be -----.
 1) exonerated 2) intensified 3) prosecuted 4) legitimized
4. The manager's inflammatory comments are just ----- an already difficult situation. He should think before he opens his mouth next time.
 1) challenging 2) exacerbating 3) dispelling 4) affirming
5. The internet seems to have almost ----- every mode of communication ever invented!
 1) captivated 2) superseded 3) allocated 4) commenced
6. The woman is known as an ----- woman because she gives away millions of dollars every year to various charities.
 1) economical 2) aesthetic 3) unforeseen 4) altruistic
7. Jen takes medicine at the first sight of a/an ----- headache; Lin, by contrast, resists taking medicine even when she's really sick.
 1) incipient 2) skeptical 3) ambiguous 4) credible

(۱) گزینه « ۴ » صحیح است - سطح متوسط

« هنگام ارائه سخنرانی با مخاطبان خود ارتباط چشمی برقرار کنید. »

- (۱) take: گرفتن، برداشتن و... (۲) insure: اطمینان دادن، تضمین کردن، بیمه کردن
(۳) direct: هدایت کردن، کارگردانی کردن، دستور دادن (۴) make: ساختن، درست کردن، انجام دادن، مجبور کردن و...

این یک اصطلاح می باشد: **make eye contact**. حدس زدش خیلی سخت نبود.

(۲) گزینه « ۱ » صحیح است - سطح سخت

« اگر پیش‌بینی‌ها درست باشد، رشد جمعیت جهانی آینده به شدت در آمریکای لاتین، آفریقا و جنوب آسیا متمرکز خواهد شد. »

- (۱) projection: نمایش، وضوح، رسایی، برآورد (۲) inclination: گرایش، تمایل، خم، سرازیری
(۳) intervention: مداخله (۴) realization: درک

(۳) گزینه « ۳ » صحیح است - سطح متوسط

« اخطار: هرکسی که در حال سرقت از این شهرک دستگیر شود، تحت پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت. »

- (۱) exonerate: تبرئه کردن (۲) intensify: تشدید کردن
(۳) prosecute: تحت پیگرد قانونی قرار دادن، ادامه دادن (۴) legitimize: مشروع کردن، قانونی کردن

(۴) گزینه « ۲ » صحیح است - سطح متوسط

« اظهارنظرهای تحریک آمیز مدیر فقط وضعیت دشوار موجود را بدتر می‌کند. دفعه بعد قبل از اینکه دهانش را باز کند باید فکر کند. »

- (۱) challenge: به چالش کشیدن، به مبارزه طلبیدن (۲) exacerbate: بدتر کردن
(۳) dispel: برطرف کردن، از بین بردن (۴) affirm: تایید کردن، اظهار داشتن

(۵) گزینه « ۲ » صحیح است - سطح سخت

« به نظر می‌رسد اینترنت تقریباً جایگزین هر روش ارتباطی‌ای که تاکنون ابداع شده است، شده! »

- (۱) captivate: جلب کردن، مجذوب کردن (۲) supersede: از دور خارج شدن، جایگزین شدن
(۳) allocate: تخصیص دادن، سهم دادن (۴) commence: شروع کردن، آغاز شدن

(۶) گزینه « ۴ » صحیح است - سطح متوسط

« این زن به عنوان یک زن نوع دوست شناخته می‌شود زیرا سالانه میلیون‌ها دلار به خیریه‌های مختلف اهدا می‌کند. »

- (۱) economical: مقتصد، صرفه‌جو، باصرفه (۲) aesthetic: وابسته به زیبایی
(۳) unforeseen: پیش بینی نشده (۴) altruistic: بشردوست، نوع‌دوستانه

(۷) گزینه « ۱ » صحیح است - سطح متوسط

« جن با اولین نشانه سردرد اولیه، دارو مصرف می‌کند. در مقابل، لین حتی زمانی که واقعاً بیمار است در برابر مصرف دارو مقاومت می‌کند. »

- (۱) incipient: اولیه، آغازین (۲) skeptical: شک‌دار، دیرباور، شکاک، شکاکانه
(۳) ambiguous: مبهم (۴) credible: باورکردنی، قابل اعتماد

PART B: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

1. The past is ----- . It is gone and will never, ever come back, no matter what you do, no matter how much you cry.
 1) irrevocable 2) unsurpassable 3) inevitable 4) unreliable
2. The resort's marketing campaign was so broad that is attracted not only the wealthy but also those of limited ----- .
 1) zeal 2) means 3) rudiments 4) appeal
3. This engine is the last ----- of a once great car manufacturer of the early 20th century.
 1) uproar 2) proximity 3) tyro 4) vestige
4. He's a very ----- young actor who's as happy in highbrow dramas as he is in TV comedies.
 1) versatile 2) capricious 3) divisive 4) malleable
5. The treaty was formally ----- this afternoon and will pass into law once signed by the Prime Minister later tonight.
 1) nominated 2) pledged 3) released 4) ratified
6. I can't explain how I knew – I just had an ----- that you'd been involved in an accident.
 1) idiosyncrasy 2) intuition 3) attribution 4) ambiguity
7. Vehicles ----- only the simplest of the engine improvements that methanol makes feasible would still contribute to an immediate lessening of urban air pollution.
 1) incorporating 2) penetrating 3) conceding 4) disabusing
8. In 1887, an ingenious experiment performed by Albert Michelson and Edward Morley severely ----- classical physics by failing to confirm the existence of "ether" a ghostly massless medium that was thought to permeate the universe.
 1) predetermined 2) reiterated 3) undermined 4) presaged
9. Though not known for her -----, the principle allowed the students' misconduct to go unpunished.
 1) candor 2) leniency 3) severity 4) punctuality
10. If you look inside of most classrooms, you will not see chalkboards because they are nearly ----- in education today.
 1) neutral 2) transient 3) obsolete 4) invaluable
11. Although computers can ----- people's ability to communicate, computer games are a cause of underdeveloped communication skills in children.
 1) enhance 2) duplicate 3) disclose 4) anticipate
12. After his boss praised him for his work on the big project, Sam felt it was an ----- time to ask for a promotion.
 1) arbitrary 2) apparent 3) ambitious 4) auspicious

(۱) گزینه « ۱ » صحیح است - سطح سخت

« گذشته تغییرناپذیر است. رفته است و هرگز و هرگز برنخواهد گشت، مهم نیست که چه کاری انجام دهید، مهم نیست چقدر گریه کنید. »
(۱) irrevocable: فسخ ناپذیر، تغییر ناپذیر (۲) unsurpassable: غیر قابل غلبه (۳) inevitable: ناگزیر (۴) unreliable: غیر قابل اعتماد

(۲) گزینه « ۲ » صحیح است - سطح سخت

« کمپین بازاریابی این اقامتگاه به قدری گسترده بود که نه تنها افراد ثروتمند، بلکه افراد دارای پول و درآمد محدود را نیز جذب می‌کند. »
(۱) zeal: شور و اشتیاق (۲) means: روش، طریق، پول و درآمد (۳) rudiments: اصول اولیه، ساختار ابتدایی (۴) appeal: درخواست، جذابیت

(۳) گزینه « ۴ » صحیح است - سطح متوسط

« این موتور آخرین اثر یک خودرو ساز بزرگ در اوایل قرن بیستم است. »
(۱) uproar: جنجال، صدای بلند، غرش (۲) proximity: نزدیکی، مجاورت: پنهان (۳) tyro: مبتدی، تازه کار (۴) vestige: اثر، رد و نشانه، ذره

(۴) گزینه « ۱ » صحیح است - سطح سخت

« او یک بازیگر جوان بسیار همه فن حریف است که در درام‌های پرطرفدار به همان اندازه که در کمدی‌های تلویزیونی راضی است، خوشحال است. »
(۱) versatile: همه فن حریف، همه کاره (۲) capricious: دمدمی مزاج، بی ثبات (۳) divisive: تفرقه‌انداز (۴) malleable: چکش‌خوار، نرم

(۵) گزینه « ۴ » صحیح است - سطح متوسط

« [آن] معاهده امروز بعد از ظهر رسماً تصویب شد و با امضای نخست وزیر اواخر امشب به قانون تبدیل خواهد شد. »
(۱) nominate: نامزد/ منصوب کردن (۲) pledge: متعهد شدن، تعهد گرفتن (۳) release: رها کردن، مرخص کردن (۴) ratify: تصویب کردن

(۶) گزینه « ۲ » صحیح است - سطح سخت

« نمی‌توانم توضیح دهم که چگونه می‌دانستم. من فقط یک حس ششم داشتم که شما درگیر تصادف شده‌اید. »
(۱) idiosyncrasy: ویژگی منحصر به فرد (۲) intuition: حس درونی، حس ششم (۳) attribution: نسبت، ارتباط (۴) ambiguity: ابهام

(۷) گزینه « ۱ » صحیح است - سطح سخت

« خودروهایی که ساده‌ترین پیشرفت‌های موتوری که متانول امکان‌پذیر می‌سازد را همراه دارند، همچنان به کاهش فوری آلودگی هوای شهری کمک می‌کنند. »
(۱) incorporate: گنجانیدن، همراه داشتن، تأسیس کردن (۲) penetrate: نفوذ کردن (۳) concede: پذیرفتن (۴) disabuse: [از اشتباه] در آوردن

(۸) گزینه « ۳ » صحیح است - سطح متوسط

« در سال ۱۸۸۷، آزمایش مبتکرانه‌ای که توسط آلبرت مایکلسون و ادوارد مورلی انجام شد، فیزیک کلاسیک را به شدت تضعیف کرد، زیرا نتوانست وجود "اثر" یک وسیله بدون جرم شبیه مانند را که احتمالاً در جهان نفوذ می‌کند تأیید کند. »
(۱) predetermine: از پیش تعیین کردن (۲) reiterate: دوباره گفتن (۳) undermine: تضعیف کردن (۴) presage: پیش آگاهی دادن

(۹) گزینه « ۲ » صحیح است - سطح سخت

« اگرچه او به بخشنده‌گی معروف نبود، اما این اصل اجازه می‌داد که رفتار نادرست دانش آموزان بدون مجازات باقی بماند. »
(۱) candor: صداقت، خلوص (۲) leniency: ملایمت، بخشندگی (۳) severity: شدت، سختی (۴) punctuality: وقت‌شناسی

(۱۰) گزینه « ۳ » صحیح است - سطح متوسط

« اگر به داخل بیشتر کلاس‌ها نگاه کنید، تخته‌های سیاه را نمی‌بینید زیرا [این تخته‌ها] امروزه در آموزش تقریباً منسوخ شده‌اند. »
(۱) neutral: بی‌طرف، خنثی، بی‌رنگ (۲) transient: گذرا، موقت (۳) obsolete: منسوخ، از کار افتاده (۴) invaluable: بسیار مفید، ارزشمند

(۱۱) گزینه « ۱ » صحیح است - سطح متوسط

« اگرچه رایانه‌ها می‌توانند توانایی افراد در برقراری ارتباط را بهتر کنند، بازی‌های رایانه‌ای یکی از دلایل عدم توسعه مهارت‌های ارتباطی در کودکان است. »
(۱) enhance: بهبود دادن، بهتر کردن (۲) duplicate: کپی کردن، تکرار کردن (۳) disclose: فاش کردن (۴) anticipate: پیش بینی کردن

(۱۲) گزینه « ۴ » صحیح است - سطح سخت

« بعد از اینکه رئیسش او را به خاطر کارش در پروژه بزرگ تحسین کرد، سام احساس کرد که زمان مناسبی برای درخواست ترفیع است. »
(۱) arbitrary: اختیاری (۲) apparent: واضح، روشن (۳) ambitious: جاه‌طلب، بلند پروازانه (۴) auspicious: خوشایند، مساعد، مناسب

PART B: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

1. Wendy first tried to ----- from the task of telling her parents about the car accident, but she finally got the courage and told them.
1) derive 2) conceal 3) reject 4) shrink
2. Isn't it a pity that this beautiful edifice is going to be -----?
1) demolished 2) retracted 3) precluded 4) distorted
3. Choosing a career is a matter that calls for -----, but I haven't yet given enough thought.
1) solitude 2) autonomy 3) reflection 4) stability
4. We ----- kept Glenda off the planning committee because we didn't want her to know that the party was to be in her honor.
1) implicitly 2) randomly 3) genuinely 4) deliberately
5. The lives of thousands of birds are in ----- as a result of the oil spillage.
1) vain 2) jeopardy 3) advance 4) shortage
6. Because a waterfall is so -----, people can sit and watch it for hours.
1) sensible 2) elusive 3) captivating 4) unexceptional
7. Your mining enterprise is just in its ----- stage; wait for its successful outcome when it is fully fledged.
1) rudimentary 2) unobtainable 3) resourceful 4) inevitable
8. If you do not ----- your scientific theories with facts, the members of the scientific community will disregard all your ideas.
1) withstand 2) quantify 3) substantiate 4) compromise
9. The work is considered too subjective and fanciful, the great fault of the author being that he lacks the ----- of objective historical insight.
1) demerit 2) eccentricity 3) deviation 4) impartiality
10. Poverty levels used to be of great concern, but in recent years governments have, to a large -----, neglected the problem.
1) level 2) basis 3) range 4) extent
11. The trial collapsed when it became clear that the main witness for the prosecution was not -----.
1) credible 2) feasible 3) compliant 4) tendentious
12. Alex and Paula are always ----- attention; I have to be very careful to devote equal time to them both if I don't want to be accused of favoritism.
1) shrinking from 2) vying for 3) suffering from 4) reneging on

- (۱) گزینه « ۴ » صحیح است - سطح سخت
« وندی ابتدا سعی کرد از وظیفه گفتن به والدینش در مورد تصادف رانندگی عقب بکشد، اما در نهایت جرات پیدا کرد و به آنها گفت. »
(۱) derive: مشتق گرفتن (۲) conceal: پنهان کردن (۳) reject: رد کردن، نپذیرفتن (۴) shrink: آب رفتن، کوچک کردن، عقب کشیدن
- (۲) گزینه « ۱ » صحیح است - سطح متوسط
« حیف نیست که این بنای زیبا تخریب و نابود شود؟ »
(۱) demolish: نابود کردن، شکست دادن (۲) retract: پس گرفتن (ادعا، حرف و...) (۳) preclude: مانع شدن (۴) distort: تغییر دادن
- (۳) گزینه « ۳ » صحیح است - سطح متوسط
« انتخاب شغل موضوعی است که نیاز به تأمل دارد، اما من هنوز به اندازه کافی فکر نکرده‌ام. »
(۱) solitude: انزوا، خلوت، تنهایی (۲) autonomy: خودمختاری، استقلال (۳) reflection: انعکاس، فکر، تأمل (۴) stability: ثبات
- (۴) گزینه « ۴ » صحیح است - سطح متوسط
« ما عمداً گلندا را از کمیته برنامه‌ریزی دور نگه داشتیم، زیرا نمی‌خواستیم او بداند که مهمانی قرار است به افتخار او باشد. »
(۱) implicit: ضمنی، مطلق، غیرمستقیم (۲) random: رندوم و تصادفی (۳) genuine: خالص، راستگو (۴) deliberate: عمدی، قصدی
- (۵) گزینه « ۲ » صحیح است - سطح متوسط
« زندگی هزاران پرنده در نتیجه نشت نفت در خطر است »
(۱) vain: بیهوده، عبث، خودشیفته (۲) jeopardy: خطر (۳) advance: پیش، پیشروی، پیشرفت (۴) shortage: کمبود، کسری
- (۶) گزینه « ۳ » صحیح است - سطح متوسط
« از آنجایی که آبشار بسیار جذاب است، مردم می‌توانند ساعت‌ها به تماشای آن بنشینند. »
(۱) sensible: معقول، مطلع، کاربردی (۲) elusive: گریزان، دشوار (۳) captivate: جلب/مجنذب کردن (۴) unexceptional: معمولی
- (۷) گزینه « ۱ » صحیح است - سطح متوسط
« شرکت معدنی شما در مرحله ابتدایی خود است؛ وقتی که به طور کامل توسعه یافت، منتظر نتیجه موفقیت آمیز آن باشید. »
(۱) rudimentary: ساده و ابتدایی، اولیه (۲) unobtainable: به دست نیامدنی (۳) resourceful: کاردان (۴) inevitable: اجتناب ناپذیر
- (۸) گزینه « ۳ » صحیح است - سطح متوسط
« اگر نظریات علمی خود را با حقایق اثبات نکنید، اعضای جامعه علمی به تمام ایده‌های شما بی‌اعتنایی خواهند کرد. »
(۱) withstand: مقاومت کردن (۲) quantify: اندازه‌گیری کردن (۳) substantiate: اثبات کردن (۴) compromise: سازش کردن
- (۹) گزینه « ۴ » صحیح است - سطح متوسط
« این اثر بیش از حد ذهنی و خیالی تلقی می‌شود، اشتباه بزرگ نویسنده این است که او فاقد بی‌طرفی بینش تاریخی ملموس است. »
(۱) demerit: عیب، نقص، اشکال (۲) eccentricity: رفتار غیرعادی (۳) deviation: انحراف (۴) impartiality: بی‌طرفی، بی‌غرضی
- (۱۰) گزینه « ۴ » صحیح است - سطح سخت
« سطح فقر قبلاً نگران‌کننده بود، اما در سال‌های اخیر دولت‌ها، تا اندازه زیادی، از این مشکل غفلت کرده‌اند. »
(۱) level: سطح، میزان (۲) basis: پایه، اساس (۳) range: محدوده، گستره، دامنه، رشته (کوه) (۴) extent: وسعت، محدوده، حد، اندازه
- (۱۱) گزینه « ۱ » صحیح است - سطح متوسط
« دادگاه زمانی که مشخص شد که شاهد اصلی دادسرا معتبر نیست، به شکست انجامید. »
(۱) credible: باورکردنی، قابل اعتماد (۲) feasible: شدنی، عملی (۳) compliant: مطیع (۴) tendentious: گرایش‌دار، متعصب
- (۱۲) گزینه « ۲ » صحیح است - سطح خیلی سخت
« الکس و پائولا همیشه برای جلب توجه رقابت می‌کنند. اگر نخواهیم به طرفداری متهم شوم، باید بسیار مراقب باشیم که زمان مساوی را به هر دو اختصاص دهیم. »
(۱) shrink: آب رفتن، کوچک کردن (۲) vie: رقابت کردن (۳) suffer: رنج بردن، متحمل شدن (۴) renege: زیر قول زدن، انکار کردن

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

1. But at this point, it's pretty hard to hurt my ----- so I've heard it all, and I'm still here.
 1) pain 2) characterization 3) feelings 4) sentimentality
2. Be sure your child wears sunscreen whenever she's ----- to the sun.
 1) exposed 2) demonstrated 3) confronted 4) invulnerable
3. Many of these popular best-sellers will soon become dated and -----, and will eventually go out of print.
 1) paramount 2) irrelevant 3) permanent 4) fascinating
4. The men who arrived in the ----- of criminals were actually undercover police officers.
 1) distance 2) uniform 3) job 4) guise
5. It was more ----- to take my meals in bed, where all I had to do was push away my tray with its uneaten food and fall back upon my pillows.
 1) vigorous 2) haphazard 3) reckless 4) convenient
6. His victory sparked a rare wave of ----- in his home country. Nicaraguans poured into the streets, honking car-horns and waving the national flag.
 1) euphoria 2) serendipity 3) tranquility 4) aspersion
7. He liked the ease and glitter of the life, and the luster ----- on him by being a member of this group of rich and conspicuous people.
 1) fabricated 2) conferred 3) equivocated 4) attained

(۱) گزینه « ۳ » صحیح است - سطح آسان

اما اکنون، جریحه‌دار کردن احساساتم بسیار سخت است، حالا من همه چیز را شنیده‌ام، و هنوز اینجا هستم (عقب نمی‌کشم).

- (۱) pain = درد، رنج
(۲) characterization = شخصیت‌پردازی
(۳) feeling = احساس
(۴) sentimentality = احساس‌گرایی، گرایش به احساسات

عبارت معروف hurt someone's feelings، یعنی «احساسات کسی را جریحه‌دار کردن، کسی را ناراحت کردن».

(۲) گزینه « ۱ » صحیح است - سطح متوسط

«اطمینان حاصل کنید که کودک شما هر زمان که در معرض آفتاب قرار می‌گیرد از کرم ضد آفتاب استفاده کند.»

- (۱) expose = در معرض گذاشتن، افشاء کردن، نشان دادن
(۲) demonstrate = نشان دادن، شرح دادن، تظاهرات کردن
(۳) confront = مقابله کردن، رو به رو شدن
(۴) invulnerable = آسیب‌ناپذیر، مصون

(۳) گزینه « ۲ » صحیح است - سطح متوسط

«بسیاری از این محصولات پر فروش و محبوب به زودی قدیمی و غیر ضروری می‌شوند، و سرانجام از چاپ خارج می‌شوند.»

- (۱) paramount = سرآمد، مهمترین
(۲) irrelevant = بی ربط، غیر ضروری
(۳) permanent = دائمی
(۴) fascinating = جذاب

(۴) گزینه « ۴ » صحیح است - سطح سخت

«مردانی که در پوشش مجرمان وارد شدند در واقع افسران پلیس مخفی بودند.»

- (۱) distance = فاصله، مسافت
(۲) uniform = یونیفرم - یک شکل
(۳) job = شغل
(۴) guise = نقاب، پوشش

(۵) گزینه « ۴ » صحیح است - سطح متوسط

«راحت تر بود که غذا را به رختخواب ببرم، جایی که تنها کاری که باید انجام می‌دادم این بود که سینی را با غذای نخورده‌اش کنار بزنم و دوباره روی بالش‌هایم بیفتم.»

- (۱) vigorous = نیرومند، سرسخت، انرژی‌بر
(۲) haphazard = تصادفی، اتفاقی
(۳) reckless = بی‌فکر، بی‌ملاحظه، بی‌ملاحظه‌گرانه
(۴) convenient = دم‌دست، راحت، مناسب

(۶) گزینه « ۱ » صحیح است - سطح سخت

«پیروزی او موج نادری از سرخوشی را در کشورش برانگیخت. نیکاراگوئه‌ای‌ها به خیابانها ریختند و بوق می‌زدند و پرچم ملی را به اهتزاز درمی‌آوردند.»

- (۱) euphoria = سرخوشی، خوشحالی
(۲) serendipity = نیک‌بختی، خوشبختی
(۳) tranquility = آرامش، سکون
(۴) aspersion = تهمت، توهین

(۷) گزینه « ۲ » صحیح است - سطح سخت

«او آسانی و زرق و برق زندگی را دوست داشت و با عضویت در این گروه از افراد ثروتمند و قابل توجه، به او درخشندگی داده شد.»

- (۱) fabricate = جعل کردن، ساختن، از خود در آوردن
(۲) confer = مشورت کردن، اعطا کردن
(۳) equivocate = دو پهلو حرف زدن، مبهم گویی کردن
(۴) attain = نائل شدن، دست یافتن

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

1. If you want to excel at what you love and take your skills to the next level, you need to make a ----- to both yourself and your craft.
1) commitment 2) passion 3) statement 4) venture
2. It is usually difficult to ----- clearly between fact and fiction in her books.
1) gloat 2) rely 3) raise 4) distinguish
3. Some people seem to lack a moral -----, but those who have one are capable of making the right choice when confronted with difficult decisions.
1) aspect 2) compass 3) dilemma 4) sensation
4. The factual error may be insignificant; but it is surprising in a book put out by a/an ----- academic publisher.
1) complacent 2) incipient 3) prestigious 4) notorious
5. In a society conditioned for instant -----, most people want quick results.
1) marrow 2) gratification 3) spontaneity 4) consternation
6. One medically-qualified official was ----- that a product could be so beneficial and yet not have its medical benefit matched by commensurate commercial opportunity.
1) incredulous 2) quintessential 3) appeased 4) exhilarated
7. Some aspects of zoological gardens always ----- me, because animals are put there expressly for the entertainment of the public.
1) deliberate 2) surmise 3) patronize 4) appall

(۱) گزینه « ۱ » صحیح است - سطح متوسط

«اگر می خواهید در آنچه که دوست دارید بدرخشید و مهارت های خود را به سطح بالاتر برسانید، نیاز دارید هم به خودتان و هم به کاری که انجام می دهید، تعهد داشته باشید.»

- (۱) commitment = تعهد
(۲) passion = شور، علاقه، احساس شدید
(۳) statement = بیانیه، قطعنامه، شرح
(۴) venture = سرمایه گذاری، ریسک

(۲) گزینه « ۴ » صحیح است - سطح متوسط

« معمولاً در کتاب های او، تشخیص واضح واقعیت از داستان، دشوار است.»

- (۱) gloat = پز دادن (موفقیت خود)، شادی کردن
(۲) rely = تکیه کردن، اعتماد کردن
(۳) raise = بالا بردن، بالا رفتن، پروراندن، مطرح کردن، جمع کردن
(۴) distinguish = تمیز دادن، تشخیص دادن

(۳) گزینه « ۲ » صحیح است - سطح سخت

«برخی افراد به نظر می رسد که قطب نمای اخلاقی (راهنمای اخلاقی) را ندارند، اما کسانی که دارای آن هستند، قادرند در مواجهه با تصمیمات دشوار، انتخاب صحیح داشته باشند.»

- (۱) aspect = جنبه، منظر، سیما
(۲) compass = دامنه، محدوده، حیطة، قطب نما، پرگار
(۳) dilemma = دو راهی، وضع دشوار
(۴) sensation = حس، احساس، شور

قطب نمای اخلاقی (moral compass) مجموعه ای از باورهاست، در مورد اینکه چه چیزی درست و چه چیزی غلط است، و رفتار فرد را هدایت می کند.

(۴) گزینه « ۳ » صحیح است - سطح متوسط

«خطای واقعی، ممکن است بی اهمیت باشد؛ اما در یک کتاب منتشر شده توسط یک ناشر آموزشی معتبر، عجیب است.»

- (۱) complacent = از خود راضی
(۲) incipient = اولیه، آغازین
(۳) prestigious = معتبر، با پرستیژ
(۴) notorious = بدنام، بدآوازه

(۵) گزینه « ۲ » صحیح است - سطح سخت

« در یک جامعه ای که برای ارضاء و رضایت آنی عادت داده شده است، بیشتر مردم نتایج سریع می خواهند.»

- (۱) marrow = مغز استخوان، کدو مسمایی
(۲) gratification = ارضاء
(۳) spontaneity = خود به خودی، خود انگیختگی
(۴) consternation = بهت و حیرت، نگرانی

(۶) گزینه « ۱ » صحیح است - سطح متوسط

«یکی از مقامات دارای صلاحیت پزشکی، شک داشت که یک محصول بتواند تا این حد مفید باشد و در عین حال مزیت پزشکی آن با فرصت های تجاری متناسب، مطابقت نداشته باشد.»

- (۱) incredulous = دیرباور، شکاک، شکاکانه
(۲) quintessential = بهترین مثال از چیزی، نمونه
(۳) appease = آرام کردن، دلجویی کردن
(۴) exhilarate = شادمان کردن، هیجان زده کردن

(۷) گزینه « ۴ » صحیح است - سطح سخت

«برخی جنبه های باغ وحش ها همیشه مرا می ترساند، زیرا حیوانات به طور واضح برای سرگرمی مردم در آنجا قرار داده می شوند.»

- (۱) deliberate = فکر کردن
(۲) surmise = حدس زدن
(۳) patronize = احمق فرض کردن، تحقیر کردن
(۴) appall = وحشت زده کردن، ترساندن

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

1. One theory holds that humans became highly ----- because evolution selected those of our forefathers who were especially good at solving problems.
1) successive 2) concerned 3) passionate 4) intelligent
2. Is it true that the greenhouse -----, the feared heating of the earth's atmosphere by burning coal and oil, is just another false alarm?
1) effect 2) energy 3) force 4) warmth
3. In most people, the charitable and ----- motives operate in some reasonable kind of balance.
1) obvious 2) high 3) selfish 4) prime
4. Whatever the immediate ----- of the Nigerian-led intervention, West African diplomats said the long-term impact of recent events in Sierra Leone would be disastrous.
1) reciprocity 2) outcome 3) reversal 4) meditation
5. The last thing I would wish to do is to ----- a sense of ill will, deception or animosity in an otherwise idyllic environment.
1) postpone 2) accuse 3) foster 4) divest
6. While the movie offers unsurpassed action, ----- script makes this the least of the three "Die Hards."
1) an auspicious 2) a stirring 3) an edifying 4) a feeble
7. Relations between Communist China and the Soviet Union have unfortunately begun to ----- again after a period of relative restraint in their ideological quarrel. We can only hope that common sense prevails again.
1) ameliorate 2) deteriorate 3) solemnize 4) petrify

(۱) گزینه « ۴ » صحیح است - سطح متوسط

« یک نظریه می‌گوید که انسان‌ها به شدت باهوش شدند، زیرا تکامل، آن دسته از نیاکان ما را انتخاب کرد که در حل مسائل مهارت ویژه‌ای داشتند. »

- (۱) successive = پیایی، متوالی
(۲) concern = نگران کردن، درگیر کردن، مربوط بودن
(۳) passionate = پر شور، احساساتی
(۴) intelligent = باهوش، زیرکانه، مبتکرانه

(۲) گزینه « ۱ » صحیح است - سطح متوسط

« آیا درست است که اثر گلخانه‌ای، گرمایش نگران‌کننده‌ی جو زمین بر اثر سوزاندن زغال‌سنگ و نفت، فقط یک هشدار نادرست دیگر است؟ »

- (۱) effect = تاثیر، اثر
(۲) energy = انرژی
(۳) force = نیرو، زور
(۴) warmth = گرما

(۳) گزینه « ۳ » صحیح است - سطح سخت

« در بیشتر افراد، انگیزه‌های خیرخواهانه و خودخواهانه در نوعی تعادل منطقی، عمل می‌کنند. »

- (۱) obvious = واضح، صریح، روشن
(۲) high = بلند، بالا، عالی
(۳) selfish = خودخواه، خودخواهانه
(۴) prime = مهمترین، نخست، درجه یک

(۴) گزینه « ۲ » صحیح است - سطح سخت

« صرف‌نظر از نتیجه‌ی فوری مداخله‌ی نیجریه، دیپلمات‌های غرب آفریقا گفتند که پیامدهای بلندمدت رویدادهای اخیر در سیرالتون فاجعه‌بار خواهد بود. »

- (۱) reciprocity = عمل متقابل، معامله به مثل
(۲) outcome = نتیجه، پیامد
(۳) reversal = برعکس، عکس
(۴) meditation = مدیتیشن، مراقبه، تفکر

(۵) گزینه « ۳ » صحیح است - سطح متوسط

« آخرین کاری که من دوست دارم انجام دهم، پرورش حس بدخواهی، فریب یا دشمنی در محیطی است که به طور کلی محیطی باصفا است. »

- (۱) postpone = عقب انداختن، موکول کردن
(۲) accuse = تهمت زدن
(۳) foster = پرورش دادن، تقویت کردن
(۴) divest = محروم کردن، بی بهره کردن، لباس درآوردن

(۶) گزینه « ۴ » صحیح است - سطح سخت

« درحالی‌که این فیلم، اکشن بی‌نظیر ارائه می‌دهد، فیلمنامه‌ای ضعیف باعث شده که این فیلم ضعیف‌ترین اثر در بین سه‌گانه‌ی «جان سخت» باشد. »

- (۱) auspicious = خوشایند، مساعد
(۲) stirring = مهیج، هیجان انگیز، پویا، فعال
(۳) edifying = آموزنده، پرورشی، سازنده
(۴) feeble = ضعیف

(۷) گزینه « ۲ » صحیح است - سطح سخت

« روابط بین چین کمونیست و اتحاد جماهیر شوروی، متأسفانه پس از یک دوره‌ی خودداری نسبی در مشاجرات ایدئولوژیکشان، دوباره رو به وخامت گذاشته شده است. تنها می‌توانیم امیدوار باشیم که عقل سلیم بار دیگر غالب شود. »

- (۱) ameliorate = بهبود دادن، بهتر کردن
(۲) deteriorate = بدتر شدن، رو به زوال گذاشتن
(۳) solemnize = با تشریفات انجام دادن
(۴) petrify = ترساندن، مانند سنگ کردن

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

1. I have to say, I'm not particularly ----- in my own understanding of the true nature of fear, even though I make my living drawing horror manga.
 1) mutual 2) confident 3) possible 4) available
2. We must stop seeing nuclear ----- as a dangerous problem and instead recognize it as a safe byproduct of carbon-free power.
 1) missile 2) arsenal 3) conflict 4) waste
3. My father has always been ----- with his money. I didn't have to pay for college or even for the confused year I spent at Princeton taking graduate courses in sociology.
 1) generous 2) associated 3) content 4) confronted
4. Even though a cease-fire, in place since Friday, has brought temporary ----- from the bombardment, the threat the strikes will return leaves people displaced yet again.
 1) relief 2) suspense 3) rupture 4) resolution
5. What you'll hear, often, is that you should ----- your dream; follow your passion; quit your job and live the life you want.
 1) undermine 2) partake 3) pursue 4) jeopardize
6. Nationwide, poor children and adolescents are participating far less in sports and fitness activities than their more ----- peers.
 1) astute 2) otiose 3) impecunious 4) affluent
7. It is said that "the El" did not meet the historic criteria for being registered, as it ----
 ----- the view from the street of other historic buildings and because the structure generally downgraded the quality of life in the city.
 1) gentrified 2) revamped 3) impeded 4) galvanized

(۱) گزینه « ۲ » صحیح است - سطح متوسط

« باید بگویم که من به درک خودم از ماهیت واقعی ترس، مطمئن نیستم، حتی با اینکه زندگی‌ام را با طراحی مانگاهای ترسناک می‌گذرانم. »

- (۱) mutual = متقابل، دوجانبه
(۲) confident = معتمد به نفس، مطمئن
(۳) possible = ممکن، محتمل
(۴) available = در دسترس، موجود

(۲) گزینه « ۴ » صحیح است - سطح متوسط

« ما باید از در نظر گرفتن پسماند هسته‌ای به عنوان یک مشکل خطرناک دست برداریم و در عوض آن را به عنوان یک محصول جانبی ایمن از انرژی بدون کربن بشناسیم. »

- (۱) missile = موشک، پرتابه
(۲) arsenal = اسلحه‌خانه، زرادخانه
(۳) conflict = مغایرت، کشمکش، جنگ، ناسازگاری
(۴) waste = ضایعات، اتلاف

(۳) گزینه « ۱ » صحیح است - سطح متوسط

« پدرم همیشه سخاوتمند بوده است. من مجبور نبودم برای دانشگاه یا حتی سال سردرگمی که در پرینستون به گذراندن دوره‌های تحصیلات تکمیلی جامعه‌شناسی پرداختم، هزینه‌ای بپردازم. »

- (۱) generous = سخاوتمند، سخاوتمندانه
(۲) associate = مرتبط دانستن، مرتبط بودن، گرم گرفتن
(۳) content = راضی، خشنود
(۴) confront = مقابله کردن، رو به رو شدن

(۴) گزینه « ۱ » صحیح است - سطح سخت

« حتی با وجود آتش‌بسی که از روز جمعه برقرار شده و تسکین موقتی از بمباران به همراه داشته است، تهدید حملات مجدد، مردم را بار دیگر آواره کرده است. »

- (۱) relief = تسکین، راحتی
(۲) suspense = تعلیق، انتظار، بلاتکلیفی
(۳) rupture = ترکیدگی، جدایی
(۴) resolution = حل، قول، تصمیم، وضوح، عزم راسخ

(۵) گزینه « ۳ » صحیح است - سطح متوسط

« آنچه اغلب می‌شنوید این است که باید رویای خود را دنبال کنید؛ به دنبال علاقه‌تان بروید؛ کارتان را رها کنید و زندگی‌ای را که می‌خواهید، داشته باشید »

- (۱) undermine = تحلیل بردن، تضعیف کردن
(۲) partake = خوردن، سهم بردن، شرکت کردن
(۳) pursue = دنبال کردن، تعقیب کردن
(۴) jeopardize = به خطر انداختن

(۶) گزینه « ۴ » صحیح است - سطح متوسط

« در سراسر کشور، کودکان و نوجوانان فقیر بسیار کمتر از همسالان ثروتمند خود در فعالیتهای ورزشی و تناسب‌اندام شرکت می‌کنند. »

- (۱) astute = باهوش، مبتکرانه، زیرکانه
(۲) otiose = غیرضروری
(۳) impecunious = بی پول، فقیر
(۴) affluent = ثروتمند

(۷) گزینه « ۳ » صحیح است - سطح سخت

« گفته می‌شود که «ال» معیارهای تاریخی لازم برای ثبت شدن را نداشت، زیرا زیرا باعث مسدود شدن دید از خیابان به دیگر ساختمان‌های تاریخی می‌شد و همچنین این سازه به طور کلی کیفیت زندگی در شهر را کاهش داده بود. »

- (۱) gentrify = اعیانی کردن، اعیان‌نشین کردن
(۲) revamp = بازسازی کردن، نوسازی کردن
(۳) impede = مانع شدن، جلوگیری کردن
(۴) galvanize = برانگیختن، وا داشتن

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

1. My mother was a very strong, ----- woman who was a real adventurer in love with the arts and sports.
 1) consecutive 2) independent 3) enforced 4) subsequent
2. The weakened ozone -----, which is vital to protecting life on Earth, is on track to be restored to full strength within decades.
 1) layer 2) level 3) brim 4) ingredient
3. Reading about the extensive food directives some parents leave for their babysitters, I was wondering if these lists are meant to ease ----- feeling for leaving the children in someone else's care.
 1) an affectionate 2) a misguided 3) an undisturbed 4) a guilty
4. He is struck deaf by disease at an early age, but in rigorous and refreshingly unsentimental fashion, he learns to overcome his ----- so that he can keep alive the dream of becoming a physician like his father
 1) ambition 2) incompatibility 3) handicap 4) roughness
5. With cloak and suit manufacturers beginning to ----- their needs for the fall season, trading in the wool goods market showed signs of improvement this week.
 1) anticipate 2) nullify 3) revile 4) compliment
6. Sculptors leave highly ----- footprints in the sand of time, and millions of people who never heard the name of Augustus Saint-Gaudens are well-acquainted with his two statues of Lincoln.
 1) insipid 2) sinister 3) conspicuous 4) reclusive
7. To avoid liability, officers were told that they need to ----- closely to established department rules and demonstrate that probable cause for an arrest or the issuance of a summons existed.
 1) recapitulate 2) confide 3) hinder 4) adhere

(۱) گزینه « ۲ » صحیح است - سطح متوسط

« مادرم زنی بسیار قوی و مستقل بود که یک ماجراجوی واقعی و عاشق هنر و ورزش به شمار می‌رفت. »

- (۱) consecutive = متوالی، پی در پی
(۲) independent = مستقل، خودمختار
(۳) enforce = وادار کردن، اعمال کردن
(۴) subsequent = بعدی، متعاقب

(۲) گزینه « ۱ » صحیح است - سطح آسان

« لایه آزون که برای محافظت از زندگی روی زمین حیاتی است، در مسیر بازگشت به قدرت کامل خود در چند دهه آینده قرار دارد. »

- (۱) layer = لایه
(۲) level = سطح، میزان
(۳) brim = لبه
(۴) ingredients = مواد لازم، مواد

خیلی تست آسونیه. ما توی فارسی هم زیاد از اصطلاح لایه آوزون استفاده می‌کنیم.

(۳) گزینه « ۴ » صحیح است - سطح متوسط

« با خواندن درباره‌ی دستورالعمل‌های غذایی گسترده‌ای که برخی والدین برای پرستاران کودک می‌گذارند، به این فکر افتادم که آیا این فهرست‌ها برای کاهش احساس گناه ناشی از سپردن کودکان به مراقبت شخص دیگری است یا نه. »

- (۱) affectionate = مهربان، پرمحبت
(۲) misguided = گمراه
(۳) undisturbed = بدون اختلال، آرام، دست نخورده
(۴) guilty = مقصر، مجرم، گناهکار

(۴) گزینه « ۳ » صحیح است - سطح سخت

« او در سنین پایین به دلیل بیماری معلول شد، اما با سخت‌کوشی و بدون احساساتی شدن، یاد گرفت که بر مشکلش غلبه کند تا بتواند رویای پزشکی شدن، مانند پدرش، را زنده نگه دارد. »

- (۱) ambition = جاه‌طلبی، آرزو
(۲) incompatibility = ناسازگاری
(۳) handicap = معلولیت، مانع، اشکال
(۴) roughness = زبری، ناهمواری

(۵) گزینه « ۱ » صحیح است - سطح سخت

« با آغاز برنامه‌ریزی تولیدکنندگان لباس و پالتو برای پیش‌بینی نیازهای فصل پاییز، این هفته نشانه‌هایی از بهبود در بازار کالاهای پشمی دیده شد. »

- (۱) anticipate = پیش‌بینی کردن، انتظار کشیدن
(۲) nullify = باطل کردن، بی اعتبار کردن
(۳) revile = ناسزا گفتن
(۴) compliment = ستایش کردن، تمجید کردن

(۶) گزینه « ۳ » صحیح است - سطح سخت

« مجسمه‌سازان ردپاهای مشهودی در گذر زمان باقی می‌گذارند، و میلیون‌ها نفری که هرگز نام آگوستوس سنت-گودنز را نشنیده‌اند، با دو مجسمه‌ی لینکلن او کاملاً آشنا هستند. »

- (۱) insipid = کسل کننده، خسته کننده، بی‌مزه
(۲) sinister = شیطانی
(۳) conspicuous = مشهود، آشکار، چشمگیر
(۴) reclusive = منزوی، غیراجتماعی

(۷) گزینه « ۴ » صحیح است - سطح سخت

« برای جلوگیری از مسئولیت قانونی، به افسران گفته شد که باید به دقت پایبند قوانین تعیین‌شده‌ی اداره باشند و نشان دهند که برای بازداشت یا صدور احضاریه، دلایل منطقی وجود داشته است. »

- (۱) recapitulate = بازگو کردن، تکرار کردن
(۲) confide = درد دل کردن، به امانت گذاشتن
(۳) hinder = مانع شدن، جلوگیری کردن
(۴) adhere = پایبند بودن، چسبیدن

PART B: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

1. If you want to see the main commercial and business area of Tehran, you should go to the city -----.
 1) identity 2) audience 3) address 4) center
2. The two leaders agreed to attend a face-to-face meeting in order to ----- social and political developments.
 1) miss 2) guess 3) discuss 4) suffer
3. During Tuesday's meeting, the two politicians signed a new ----- agreement that calls for closer cooperation in defense and security.
 1) mental 2) several 3) crowded 4) strategic
4. After the car -----, he is not able to walk and therefore needs a wheelchair to move around
 1) accident 2) repair 3) vehicle 4) park
5. She is ----- and knowledgeable reporter who has traveled to several countries.
 1) a separate 2) a confused 3) an experienced 4) an extreme
6. We all have a responsibility, ----- and collectively, to be part of this titanic struggle for the renewal and rebirth of our continent.
 1) theoretically 2) individually 3) scarcely 4) formerly
7. True ----- is the desire to be useful to others with no thought of any reward.
 1) departure 2) solemnity 3) contemplation 4) charity
8. In the ocean, water waves refract when they travel from deep water to ----- water – or vice versa.
 1) potable 2) shallow 3) excess 4) uncharted
9. When cooking the sauce, don't forget that all important -----, fresh onion.
 1) desert 2) combination 3) ingredient 4) potion
10. The conservative newspapers have tended to ----- the extent of the problem.
 1) donate 2) distract 3) understate 4) solve
11. An itch may be a common phenomenon, but science has barely begun to ----- the surface of why an itch itches, and how to make it stop.
 1) scratch 2) clarify 3) caress 4) illuminate
12. Unfortunately, some of the functions seem to be written with a fairly ----- disregard for efficiency.
 1) felicitous 2) debilitating 3) seasonable 4) reckless
13. Several major opportunities to cross-reference information were ----- during the production of this encyclopedia and that means its value as a research tool is limited.
 1) mandated 2) materialized 3) squandered 4) vindicated
14. Though Russia has refused to repatriate to Germany and other countries works of art and archeological treasures, President Boris Yeltsin, in a ----- gesture, has returned cultural and diplomatic archives to Germany.
 1) rapacious 2) propitiatory 3) misogynistic 4) pileous
15. During the boisterous late-night vote sessions that would eventually elect McCormick as speaker back in June, Mandy sat dutifully by the podium in the House chamber, taking notes and avoiding the schoolyard ----- going on all around her.
 1) pellucidity 2) placidity 3) attenuation 4) fracas
16. The critics who exhausted the language of ----- during her presidency, should have exercised restraint and, instead of denigrating her, provided her with constructive criticism.
 1) fulmination 2) equivocation 3) ataraxia 4) panache

(۱) گزینه « ۴ » صحیح است - سطح آسان

« اگر می‌خواهید منطقه تجاری و کسب و کار اصلی تهران را ببینید، باید به مرکز شهر بروید. »

(۱) identity: هویت (۲) audience: تماشاگر، بیننده (۳) address: آدرس، خطاب، سخنرانی (۴) center: مرکز

(۲) گزینه « ۳ » صحیح است - سطح آسان

« [آن] دو رهبر تصمیم گرفتند که در یک دیدار رو به رو شرکت کنند تا در مورد تحولات اجتماعی و سیاسی بحث کنند. »

(۱) miss: از دست دادن، دلتنگ شدن (۲) guess: حدس زدن (۳) discuss: بحث کردن، مذاکره کردن (۴) suffer: رنج بردن، متحمل شدن

(۳) گزینه « ۴ » صحیح است - سطح متوسط

« در جلسه سه‌شنبه، [آن] دو سیاست‌مدار، توافقنامه استراتژیک جدیدی را امضا کردند که در آن به همکاری نزدیکتر در حوزه دفاع و امنیت اشاره شده است. »

(۱) mental: ذهنی، روانی (۲) several: چند، چندین، جدا، مختلف (۳) crowded: شلوغ، پر ازدحام (۴) strategic: استراتژیک، راهبردی

(۴) گزینه « ۱ » صحیح است - سطح آسان

« پس از تصادف ماشین، او قادر به راه رفتن نیست و بنابراین برای حرکت، نیاز به صندلی چرخدار دارد. »

(۱) accident: تصادف، اتفاق (۲) repair: تعمیر، مرمت (۳) vehicle: وسیله نقلیه، حامل (۴) park: پارک

(۵) گزینه « ۳ » صحیح است - سطح متوسط

« او یک خبرنگار باتجربه و با دانش است که به چندین کشور سفر کرده است. »

(۱) separate: جدا، جداگانه (۲) confused: سردرگم، مبهم (۳) experienced: باتجربه (۴) extreme: شدید، جدی

(۶) گزینه « ۲ » صحیح است - سطح متوسط

« ما همه، به صورت فردی و جمعی، برای شرکت در این مبارزه بسیار مهم برای تجدید و تولد قاره خود، مسئولیتی داریم. »

(۱) theoretical: نظری، فرضی (۲) individual: فردی، منحصر به فرد (۳) scarcely: به ندرت (۴) former: سابق، قبلی

(۷) گزینه « ۴ » صحیح است - سطح متوسط

« خیریه واقعی، خواستن این است که بدون فکر به هرگونه پاداش، نسبت به دیگران مفید باشیم. »

(۱) departure: عزیمت (۲) solemnity: وقار، جدیت، تشریفات (۳) contemplation: تفکر، تأمل (۴) charity: صدقه، خیریه، موسسه خیریه

(۸) گزینه « ۲ » صحیح است - سطح سخت

« در اقیانوس، موج‌های آب وقتی از آب عمیق به آب کم‌عمق حرکت می‌کنند - یا برعکس - شکسته می‌شوند. »

(۱) potable: آشامیدنی، قابل نوشیدن (۲) shallow: کم عمق، سطحی (۳) excess: افراط، فزونی (۴) uncharted: ناشناخته، کشف نشده

(۹) گزینه « ۳ » صحیح است - سطح متوسط

« هنگام پخت سس، فراموش نکنید که مواد اصلی و مهمی را مانند پیاز تازه، بیافزایید. »

(۱) desert: کویر، دشت (۲) combination: ترکیب، مخلوط (۳) ingredient: مواد لازم، مواد (۴) potion: معجون

(۱۰) گزینه « ۳ » صحیح است - سطح سخت

« روزنامه‌های محافظه‌کار به کم‌اهمیت جلوه دادن میزان مشکل، مایل بوده‌اند. »

(۱) donate: بخشیدن، اهداء کردن (۲) distract: حواس کسی را پرت کردن (۳) understate: کم‌اهمیت جلوه دادن، کوچک شمردن (۴) solve: حل کردن

(۱۱) گزینه « ۱ » صحیح است - سطح سخت

« خارش ممکن است یک پدیده رایج باشد، اما علم به صورت سطحی شروع به کنکاش در مورد این موضوع کرده است که چرا یک خارش، خارش می‌آورد، و چگونه می‌توان آن را متوقف کرد. »

- (۱) scratch: خراشیدن، خط انداختن
(۲) clarify: توضیح دادن، شفاف کردن
(۳) caress: نوازش کردن
(۴) illuminate: روشن کردن، چراغانی کردن

اصطلاح scratch the surface یعنی «به طور سطحی انجام دادن»، «به صورت سطحی بررسی کردن».

(۱۲) گزینه « ۴ » صحیح است - سطح سخت

« متأسفانه، به نظر می‌رسد برخی از توابع با بی‌توجهی نسبتاً بی‌ملاحظه‌گرانه‌ای به کارایی، نوشته شده‌اند. »

- (۱) felicitous: مناسب، متناسب
(۲) debilitating: فرسایشی، تضعیف کننده
(۳) seasonable: مناسب فصل، به موقع
(۴) reckless: بی‌فکر، بی‌ملاحظه، بی‌ملاحظه‌گرانه

(۱۳) گزینه « ۳ » صحیح است - سطح متوسط

« در فرآیند تولید این دایره‌المعارف، چندین فرصت عالی برای ارجاع به اطلاعات هدر رفت و این بدان معناست که ارزش آن به عنوان یک ابزار تحقیق، محدود است. »

- (۱) mandate: حکم دادن، اجازه صادر کردن
(۲) materialize: تحقق یافتن، ظاهر شد
(۳) squander: هدر دادن
(۴) vindicate: بی‌گناهی کسی را اثبات کردن، توجیه کردن

(۱۴) گزینه « ۲ » صحیح است - سطح خیلی سخت

« اگرچه روسیه انگیزه‌ای برای بازگرداندن آثار هنری و گنجینه‌های باستانی به آلمان و سایر کشورها را نداشته است، اما رئیس‌جمهور، بوریس یلتسین، در یک حرکت تسکین دهنده و آشتی‌جویانه، بایگانی‌های فرهنگی و دیپلماتیک را به آلمان بازگردانده است. »

- (۱) rapacious: به شدت طمع‌کار و حریص، طماع
(۲) propitiatory: تسکین دهنده، آشتی‌جویانه
(۳) misogynistic: زن‌ستیز، زن‌ستیزانه
(۴) pileous: واپسته به مو، مو دار

(۱۵) گزینه « ۴ » صحیح است - سطح خیلی سخت

« در طول جلسات رای‌گیری پر شور و حرارتِ اواخر شب، که در نهایت مک کورمیک را به عنوان سخنران در ژوئن انتخاب می‌کردند، مندی با وظیفه‌شناسی در کنار تربیون در اتاق مجلس می‌نشست، و در حالی که از قیل و قال‌های حیاط مدرسه دور و برش دوری می‌کرد، یادداشت‌برداری انجام می‌داد. »

- (۱) pellucidity: شفافیت، وضوح
(۲) placidity: آرامش
(۳) attenuation: تضعیف
(۴) fracas: قیل و قال، زد و خورد، جنجال

(۱۶) گزینه « ۱ » صحیح است - سطح خیلی سخت

« منتقدانی که در طول ریاست‌جمهوری‌اش به شدت به او اعتراض داشتند، باید خویشتن‌داری می‌کردند و به جای تحقیر او، نقد سازنده‌ای ارائه می‌دادند. »

- (۱) fulmination: اعتراض
(۲) equivocation: ابهام
(۳) ataraxia: آتاراکسی، آرامش، حالتی از آرامش
(۴) panache: اعتماد به نفس خودنمایانه، ادا و اصول

PART B: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

- You can do whatever you ----- in life, but you must remember one thing: don't waste your life for something that's not worth it.
1) want 2) return 3) wear 4) throw
- Like so many other people whose parents are from different countries, I consider myself to be of mixed -----.
1) borders 2) district 3) nationality 4) effects
- This is the ----- test of a gentleman: his respect for those who can be of no possible service to him.
1) glad 2) final 3) foreign 4) shy
- The primary ----- of leadership is to produce more leaders, not more followers.
1) document 2) income 3) function 4) integration
- The residential program will initially work on a -----basis, but officials predict that within a few years, it will be mandatory.
1) voluntary 2) unique 3) subsequent 4) relevant
- In his speech addressed to an audience of young students, the professor indicated the aims he thought ----- to college education.
1) devious 2) delighted 3) durable 4) appropriate
- To get a visa, you should show evidence of admission from the institution where you intend to ----- your studies at the PhD level.
1) defend 2) graduate 3) register 4) pursue
- The tragedy is that there is so much more ----- —money— to destroy the ecology than there is to preserve it.
1) insight 2) incentive 3) compromise 4) anthology
- Employees don't need to be best friends, but there does need to be a level of ----- respect and understanding.
1) congenital 2) contemporary 3) mutual 4) inverse
- It is the mark of an educated mind to ----- a thought without accepting it.
1) deprive 2) entertain 3) enrage 4) sympathize
- In Romania, doctors were doing their best to fight misinformation and turn the ----- - against vaccine hesitancy so that more people brought their children for vaccination.
1) dogma 2) pessimism 3) temptation 4) tide
- It is a detailed, highly technical report in which the reader must ----- through numerous volumes of arcane data to learn how the ancient people lived.
1) wade 2) emanate 3) beckon 4) accumulate
- The African municipal authority issued ----- half-apology, which has only inflamed the public more. Therefore, the pounding cry for resignation builds until capitulation comes.
1) a soothing 2) an ingenuous 3) an exhaustive 4) a paltry
- At the university, taking a seminar was a blood sport, albeit one with a highly-civilized -----: everyone was superficially congenial while struggling to stand out to gain a nod or a word of praise from the professor.
1) paucity 2) procrastination 3) veneer 4) cessation
- Why do English movie-goers pay scant attention when a satire of their culture is brought to the screen? Is it that they are simply ----- to satire by living in a society where grotesque reality seems to trump fiction at every turn?
1) inured 2) pulverized 3) limned 4) galvanized
- Amid the howling of the wind and the beating of the rain and among an entranced crowd, who listened attentively, he was singing with ----- intensity and passion.
1) febrile 2) stolid 3) insolvent 4) captious

(۱) گزینه « ۱ » صحیح است - سطح آسان

« تو می‌توانی هر کاری که می‌خواهی در زندگی انجام دهی، اما باید یک چیز را به خاطر داشته باشی: زندگی را برای چیزی که ارزشش را ندارد، هدر نده. »

- (۱) want = خواستن
(۲) return = برگشتن، برگرداندن
(۳) wear = پوشیدن، گذاشتن
(۴) throw = پرت کردن

(۲) گزینه « ۳ » صحیح است - سطح متوسط

« مانند بسیاری از افراد دیگر، که والدینشان از کشورهای مختلف هستند، من خودم را دارای ملیت مختلط می‌دانم. »

- (۱) border = مرز، حاشیه
(۲) district = ناحیه، منطقه
(۳) nationality = ملیت
(۴) effect = تاثیر، اثر

(۳) گزینه « ۲ » صحیح است - سطح متوسط

« این آخرین آزمون یک جنتلمن است: احترام او به کسانی که هیچ نفعی برایش ندارند. »

- (۱) glad = خوشحال، بشاش
(۲) final = نهایی، پایانی
(۳) foreign = خارجی
(۴) shy = خجالتی

(۴) گزینه « ۳ » صحیح است - سطح متوسط

« کارکرد اصلی رهبری این است که رهبران بیشتری تولید کند، نه پیروان بیشتر. »

- (۱) document = سند، مدرک
(۲) income = درآمد، عایدی
(۳) function = تابع، کار، کارکرد
(۴) integration = یکپارچه‌سازی، تلفیق

(۵) گزینه « ۱ » صحیح است - سطح متوسط

« این برنامه‌ی اقامتی در ابتدا بر پایه‌ی داوطلبانه اجرا خواهد شد، اما مقامات پیش‌بینی می‌کنند که طی چند سال آینده اجباری شود. »

- (۱) voluntary = داوطلبانه، ارادی
(۲) unique = یکتا، یگانه
(۳) subsequent = بعدی، متعاقب
(۴) relevant = مربوط، مرتبط

(۶) گزینه « ۴ » صحیح است - سطح متوسط

« در سخنرانی خود که خطاب به دانشجویان جوان بود، استاد اهدافی را که مناسب آموزش دانشگاهی می‌دانست، بیان کرد. »

- (۱) devious = حیله‌گر، انحرافی، منحرف
(۲) delighted = سرمست، شاد
(۳) durable = بادوام
(۴) appropriate = مناسب، متناسب

(۷) گزینه « ۴ » صحیح است - سطح متوسط

« برای دریافت ویزا، باید مدرکی از پذیرش مؤسسه‌ای که قصد ادامه تحصیل در مقطع دکتری را دارید، ارائه دهید. »

- (۱) defend = دفاع کردن
(۲) graduate = فارغ‌التحصیل شدن
(۳) register = ثبت نام کردن، توجه کردن، اظهار داشتن
(۴) pursue = دنبال کردن، تعقیب کردن

(۸) گزینه « ۲ » صحیح است - سطح متوسط

« تراژدی این است که محرک پول -- بسیار بیشتری برای تخریب محیط زیست وجود دارد تا برای حفاظت از آن. »

- (۱) insight = بینش، بصیرت
(۲) incentive = انگیزنده، محرک، مشوق
(۳) compromise = سازش، مصالحه
(۴) anthology = مجموعه (از آثار ادبی، شعرو...)

۹) گزینه « ۳ » صحیح است - سطح متوسط

« کارمندان لازم نیست که بهترین دوستان یکدیگر باشند، اما باید سطحی از احترام و درک متقابل وجود داشته باشد. »

- (۱) congenital = مادرزادی
(۲) contemporary = معاصر، هم‌دوره
(۳) mutual = متقابل، دوجانبه
(۴) inverse = برعکس، مخالف

۱۰) گزینه « ۲ » صحیح است - سطح متوسط

« نشانه‌ی یک ذهن تحصیل کرده این است که بتواند یک ایده را بررسی کند بدون اینکه آن را بپذیرد. »

- (۱) deprive = سلب و محروم کردن
(۲) entertain = سرگرم کردن، مهمان کردن
(۳) enrage = عصبانی کردن، خشمگین کردن
(۴) sympathize = همدردی کردن، طرفداری کردن

۱۱) گزینه « ۴ » صحیح است - سطح متوسط

« در رومانی، پزشکان تمام تلاش خود را می‌کردند تا با اطلاعات نادرست مبارزه کنند و جریان را علیه تردید نسبت به واکسن تغییر دهند تا افراد بیشتری فرزندان‌شان را برای واکسیناسیون بیاورند. »

- (۱) dogma = عقیده دینی، باور قوی
(۲) pessimism = بدبینی، منفی نگری
(۳) temptation = وسوسه
(۴) tide = جزر و مد، جریان

۱۲) گزینه « ۱ » صحیح است - سطح سخت

« این گزارش، متنی دقیق و بسیار فنی است که خواننده باید در میان حجم زیادی از داده‌های پیچیده پیش برود تا بفهمد مردم باستان چگونه زندگی می‌کردند. »

- (۱) wade = با تلاش پیش رفتن، با تلاش راه رفتن، در آب راه رفتن
(۲) emanate = ساطع کردن، نشان دادن
(۳) beckon = اشاره کردن، اتفاق افتادن
(۴) accumulate = اندوختن، انباشتن

۱۳) گزینه « ۴ » صحیح است - سطح سخت

« مقامات شهرداری آفریقا یک عذرخواهی ناچیز ارائه کردند که فقط باعث خشم بیشتر مردم شد. بنابراین، فریاد استعفا بلندتر شد تا در نهایت تسلیم شوند. »

- (۱) soothing = تسلی بخش، تسکین دهنده
(۲) ingenuous = ساده‌دل، صاف و ساده، ساده‌لوح
(۳) exhaustive = جامع و کامل
(۴) paltry = اندک، ناچیز

۱۴) گزینه « ۳ » صحیح است - سطح سخت

« در دانشگاه، شرکت در یک سمینار یک رقابت شدید بود، هرچند با یک ظاهرسازی بسیار متمدنانه: همه به‌ظاهر صمیمی بودند درحالی‌که برای جلب توجه استاد و دریافت یک کلمه‌ی تحسین از او تلاش می‌کردند. »

- (۱) paucity = کمبود
(۲) procrastination = تعلل، پشت گوش اندازی
(۳) veneer = روکش، لایه نازک
(۴) cessation = توقف

۱۵) گزینه « ۱ » صحیح است - سطح سخت

« چرا تماشاگران انگلیسی وقتی اثر طنز درباره‌ی فرهنگشان روی پرده می‌آید، توجه چندانی نشان نمی‌دهند؟ آیا به این دلیل است که آن‌ها به دلیل زندگی در جامعه‌ای که واقعیت‌های عجیب آن از تخیل هم پیشی می‌گیرد، نسبت به طنز عادت کرده‌اند؟ »

- (۱) inure = عادت دادن
(۲) pulverize = آسیاب کردن، پودر کردن، شکست دادن
(۳) limn = شرح دادن، کشیدن (نقاشی و...)
(۴) galvanize = برانگیختن، وا داشتن

۱۶) گزینه « ۱ » صحیح است - سطح سخت

« در میان زوزه‌ی باد و ضربات باران، و در میان جمعیتی محو و غرق در موسیقی که با دقت گوش می‌دادند، او با شدتی تب‌آلود و هیجان‌زده، و احساسی عمیق آواز می‌خواند. »

- (۱) febrile = مضطرب، هیجان‌زده، بسیار فعال
(۲) stolid = بی احساس، بی عاطفه
(۳) insolvent = ورشکسته
(۴) captious = عیب‌جو، ایرادگیر

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

1. His words should be understood in ----- in order to be correctly interpreted.
 1) direction 2) context 3) expert 4) interest
2. She told her friends about her intention to go abroad, changing her first decision to keep it -----.
 1) secret 2) familiar 3) final 4) positive
3. She has ----- in her library the complete works of many Persian poets such as Hafez, Mowlana, Sa'di, Nezami and Ferdowsi.
 1) defended 2) arrived 3) collected 4) caused
4. A defining ----- of online art is that it can be seen anywhere by anyone with an Internet-connected computer.
 1) characteristic 2) inspiration 3) spectator 4) artifact
5. For decades, the hygiene hypothesis has posited that the germs we are exposed to in early childhood can ----- us from developing allergies.
 1) desist 2) prescribe 3) cease 4) prevent
6. I was in need of money and not at all ----- about experiments, so I concurred and received the new medicine at the local hospital.
 1) affluent 2) plausible 3) respective 4) apprehensive
7. Some people suffer from a chronic case of rabid chauvinism; they brandish the banners and shields of their own tribe and ----- those of the others.
 1) exculpate 2) excoriate 3) extrapolate 4) expatiate

(۱) گزینه « ۲ » صحیح است - سطح متوسط

« سخنان او باید در زمینه خودشان درک شوند تا به درستی تفسیر شوند. »

- | | |
|------------------------------------|------------------------------------|
| (۱) direction = جهت، مسیر | (۲) context = متن، زمینه، مُقَدِّم |
| (۳) expert = متخصص، تخصصی، کارشناس | (۴) interest = علاقه، منفعت، سود |

(۲) گزینه « ۱ » صحیح است - سطح متوسط

« او درباره قصدش برای رفتن به خارج از کشور به دوستانش گفت و تصمیم اولیه‌اش مبنی بر مخفی نگه داشتن آن را تغییر داد. »

- | | |
|--------------------------------------|-------------------------------------|
| (۱) secret = پنهان، رمزی، اسرار آمیز | (۲) familiar = آشنا، خودمانی |
| (۳) final = نهایی، پایانی | (۴) positive = مثبت، خوش بین، مطمئن |

(۳) گزینه « ۳ » صحیح است - سطح متوسط

« او در کتابخانه‌اش آثار کامل بسیاری از شاعران فارسی مانند حافظ، مولانا، سعدی، نظامی و فردوسی را گردآوری کرده است. »

- | | |
|-------------------------------|----------------------|
| (۱) defend = دفاع کردن | (۲) arrive = رسیدن |
| (۳) collect = جمع کردن، گرفتن | (۴) cause = موجب شدن |

(۴) گزینه « ۱ » صحیح است - سطح متوسط

« یک ویژگی تعیین کننده هنر آنلاین این است که هر کسی با یک رایانه متصل به اینترنت می تواند آن را از هر جایی مشاهده کند. »

- | | |
|-----------------------------------|------------------------------------|
| (۱) characteristic = ویژگی، خاصیت | (۲) inspiration = الهام، وحی |
| (۳) spectator = تماشاگر، بیننده | (۴) artifact = مصنوع، محصول مصنوعی |

(۵) گزینه « ۴ » صحیح است - سطح سخت

« برای چندین دهه، فرضیه بهداشت مطرح کرده است که میکروب‌هایی که در اوایل کودکی در معرض آن‌ها قرار می گیریم می توانند از بروز آلرژی در ما جلوگیری کنند. »

- | | |
|-------------------------------------|--|
| (۱) desist = دست کشیدن، دست برداشتن | (۲) prescribe = تجویز کردن، در نظر گرفتن |
| (۳) cease = متوقف ساختن، متوقف شدن | (۴) prevent = مانع شدن، جلوگیری کردن |

(۶) گزینه « ۴ » صحیح است - سطح متوسط

« من به پول نیاز داشتم و اصلاً نگران آزمایش‌ها نبودم؛ بنابراین موافقت کردم و داروی جدید را در بیمارستان محلی دریافت کردم. »

- | | |
|------------------------|---------------------------------------|
| (۱) affluent = ثروتمند | (۲) plausible = شدنی، محتمل، پذیرفتنی |
| (۳) respective = مربوط | (۴) apprehensive = دلوپس، نگران |

(۷) گزینه « ۲ » صحیح است - سطح خیلی سخت

« بعضی افراد به نوعی تعصب افراطی و مزمن دچارند؛ آن‌ها پرچم‌ها و سپرهای قبیله خود را بالا می‌برند و از قبیله‌های دیگر به شدت انتقاد می‌کنند. »

- | | |
|--|---|
| (۱) exculpate = تبرئه کردن، مبرا کردن | (۲) excoriate = به شدت انتقاد کردن، پوست کندن |
| (۳) extrapolate = استقرا نمودن، تعمیم دادن، پیشبینی کردن | (۴) expatiate = به تفصیل شرح دادن |

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

1. The main ----- of a server is to provide services to other computers over a network.
 1) trip 2) position 3) function 4) situation
2. Time will show him to be a very ----- president in this country, because he has made great long-term decisions.
 1) successful 2) friendly 3) additional 4) sudden
3. She soon ----- that the local people had no interest in her extraordinary stories.
 1) discovered 2) happened 3) developed 4) existed
4. That dystopian movie was a perfect ----- of consumerism without morals.
 1) reliance 2) prominence 3) improvement 4) demonstration
5. It is not unusual for teeth to "shift and drift" as you age and it tends to -- ----- more in the bottom teeth than the top.
 1) descend 2) occur 3) behold 4) abandon
6. To earn more money, Lydgate was forced to trade a creative career as an artist for a/an ----- one.
 1) ebullient 2) parsimonious 3) lucrative 4) impecunious
7. On a more enlightened planet, we would not need to -----; we could, instead, honestly tell our bosses we have not finished our work and that's that.
 1) adumbrate 2) prevaricate 3) disabuse 4) emulate

(۱) گزینه « ۳ » صحیح است - سطح متوسط

« کارکرد اصلی یک سرور، ارائه خدمات به سایر رایانه‌ها از طریق یک شبکه است. »

- (۱) trip = سفر، مسافرت
(۲) position = موقعیت، جایگاه، وضع
(۳) function = تابع، کار، کارکرد
(۴) situation = وضعیت، موقعیت

(۲) گزینه « ۱ » صحیح است - سطح متوسط

« زمان نشان خواهد داد که او رئیس جمهور بسیار موفقی در این کشور بوده است، زیرا تصمیم‌های بلندمدت بسیار خوبی گرفته است. »

- (۱) successful = موفقیت آمیز، موفق
(۲) friendly = دوستانه، صمیمی
(۳) additional = اضافی، مکمل
(۴) sudden = ناگهانی، بی خبر

(۳) گزینه « ۱ » صحیح است - سطح متوسط

« او خیلی زود متوجه شد که مردم محلی هیچ علاقه‌ای به داستان‌های خارق‌العاده او ندارند. »

- (۱) discover = کشف کردن، یافتن، پی بردن
(۲) happen = اتفاق افتادن، رخ دادن
(۳) develop = بهبود یافتن، توسعه دادن، مبتلا شدن
(۴) exist = وجود داشتن، زنده ماندن

(۴) گزینه « ۴ » صحیح است - سطح متوسط

« آن فیلم ویران شهری، نمونه آشکار کاملی از مصرف‌گرایی بدون اخلاق بود. »

- (۱) reliance = وابستگی
(۲) prominence = اهمیت، تاکید، برجستگی
(۳) improvement = بهبود، پیشرفت
(۴) demonstration = تظاهرات، نمایش، نمونه، اثبات

(۵) گزینه « ۲ » صحیح است - سطح متوسط

« این غیرعادی نیست که با افزایش سن دندان‌ها جابه‌جا شوند و این اتفاق معمولاً در دندان‌های فک پایین بیشتر از فک بالا رخ می‌دهد. »

- (۱) descend = پایین آمدن، سرازیر شدن
(۲) occur = رخ دادن، اتفاق افتادن
(۳) behold = دیدن، تماشا کردن
(۴) abandon = ترک کردن، رها کردن

(۶) گزینه « ۳ » صحیح است - سطح سخت

« لیدگیت برای اینکه پول بیشتری به دست بیاورد، مجبور شد حرفه خلاقانه خود به عنوان یک هنرمند را با شغلی پردرآمد عوض کند. »

- (۱) ebullient = پراشتیاق، پرهیجان
(۲) parsimonious = خسیس
(۳) lucrative = سودآور، پرمنفعت
(۴) impecunious = فقیر، بی چیز، نیازمند

(۷) گزینه « ۲ » صحیح است - سطح سخت

« در سیاره‌ای آگاه‌تر، لازم نبود طفره برویم؛ بلکه می‌توانستیم صادقانه به رئیس‌هایمان بگوییم که کارمان تمام نشده، و همین.»

- (۱) adumbrate = مبهم ترسیم کردن، طرح کلی دادن
(۲) prevaricate = دو پهلو حرف زدن، طفره رفتن
(۳) disabuse = کسی را از یک باور یا تصور اشتباه بیرون آوردن
(۴) emulate = الگوبرداری کردن، تقلید کردن

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

1. Remember that Instagram is not a good ----- of medical and health-related information.
 1) discovery 2) source 3) cause 4) agreement
2. Management says that the person who built the building is ----- for the current problems.
 1) leading 2) different 3) surprising 4) responsible
3. The psychologist told him to ----- on the part of the problem that troubled him.
 1) focus 2) solve 3) blame 4) base
4. Some of his scenarios are too extreme, but they have the ----- of acknowledging the darkness that lies in all human hearts.
 1) dissipation 2) omission 3) advantage 4) flaw
5. You can easily ----- some students to a category, and some students belong to several, and some just sit in the back and all you know is their names.
 1) assign 2) abdicate 3) rejoice 4) falter
6. What aggravated his offense was the ----- attitude he exhibited before the jury in the courtroom.
 1) ingenious 2) defiant 3) versatile 4) reverent
7. In a video statement, Mr. Comey declared his innocence and welcomed an opportunity to ----- himself in a trial.
 1) obviate 2) vindicate 3) repudiate 4) retaliate

(۱) گزینه « ۲ » صحیح است - سطح متوسط

« به خاطر داشته باش که اینستاگرام منبع خوبی برای اطلاعات پزشکی و مربوط به سلامت نیست. »

- (۱) discovery = کشف
(۲) source = منبع، سرچشمه
(۳) cause = علت، دلیل، باور و هدف
(۴) agreement = توافق، موافقت، قرارداد

(۲) گزینه « ۴ » صحیح است - سطح متوسط

« مدیریت می‌گوید فردی که این ساختمان را ساخته، مسئول مشکلات فعلی است. »

- (۱) leading = پیش‌تاز، مهمترین، برجسته‌ترین
(۲) different = متفاوت
(۳) surprising = شگفت‌انگیز
(۴) responsible = مسئول، عهده‌دار

(۳) گزینه « ۱ » صحیح است - سطح متوسط

« روان‌شناس به او گفت روی بخشی از مشکل که او را آزار می‌داد تمرکز کند. »

- (۱) focus = تمرکز کردن
(۲) solve = حل کردن
(۳) blame = مقصر دانستن، سرزنش کردن
(۴) base = قرار داشتن، مستقر بودن

(۴) گزینه « ۳ » صحیح است - سطح متوسط

« برخی از سناریوهای او بیش از حد افراطی هستند، اما این مزیت را دارند که تاریکی نهفته در قلب همه انسان‌ها را به رسمیت می‌شناسند. »

- (۱) dissipation = هدر، اتلاف
(۲) omission = از قلم افتادگی، حذف
(۳) advantage = مزیت، فایده
(۴) flaw = نقص، عیب

(۵) گزینه « ۱ » صحیح است - سطح متوسط

« شما به راحتی می‌توانید بعضی از دانشجویان را به یک دسته تخصیص دهید، برخی به چند دسته تعلق دارند، و بعضی فقط در انتهای کلاس می‌نشینند و تنها چیزی که درباره آن‌ها می‌دانید اسمشان است. »

- (۱) assign = تخصیص دادن، قرار دادن
(۲) abdicate = کناره‌گیری کردن، نادیده گرفتن
(۳) rejoice = خوشحال شدن
(۴) falter = لکنت زبان پیدا کردن، ضعیف شدن

(۶) گزینه « ۲ » صحیح است - سطح سخت

« آنچه جرم او را وخیم‌تر کرد، رفتار سرکشی بود که در برابر هیئت منصفه در دادگاه از خود نشان داد. »

- (۱) ingenious = باهوش، مبتکرانه
(۲) defiant = سرکش، عصیانگر
(۳) versatile = همه‌فن حریف، همه کاره
(۴) reverent = مودب، احترام‌آمیز

(۷) گزینه « ۲ » صحیح است - سطح سخت

« آقای کومی در یک بیانیه ویدیویی بی‌گناهی خود را اعلام کرد و از فرصتی برای تیرئه خود در دادگاه استقبال کرد. »

- (۱) obviate = رفع [نیاز] کردن، غیر ضروری کردن
(۲) vindicate = بی‌گناهی کسی را اثبات کردن، توجیه کردن
(۳) repudiate = رد کردن، نپذیرفتن
(۴) retaliate = تلافی کردن

PART B: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the answer on your answer sheet.

1. His professor said that he could directly her by email whenever he wanted.
1) contact 2) start 3) appear 4) send
2. The issue is now quite and you can easily find out the truth.
1) relative 2) foreign 3) clear 4) sudden
3. We are free to accept the things that help us and the ones that harm us.
1) generate 2) reject 3) wait 4) complain
4. A scholar has recently identified the behind students' enrolment in higher degree programs as well as their expectations.
1) equipment 2) motivation 3) certificate 4) graduation
5. Dr. Jackson's from Director of Social Programming to his current post indicates his talent in this field.
1) occupation 2) execution 3) realization 4) promotion
6. The current plan did not work, so the court gave the government a year to work out a/an solution that is satisfactory.
1) deficient 2) impulsive 3) alternative 4) contemptible
7. No matter what the result of this exam will be, remember that you have done your best and this is what really
1) calculates 2) counts 3) regards 4) earns
8. Children to two languages from an early age often show enhanced cognitive flexibility and executive functioning.
1) vulnerable 2) indispensable 3) qualified 4) exposed
9. Conservatism of thought refers to the inability of a person to perceive information that her own opinions, ideas, and dogmas.
1) invokes 2) inspires 3) conveys 4) contradicts
10. The quality of teacher-training courses is to be put under by a government-commissioned review, after it was revealed that teachers' performance in classrooms was subpar.
1) commendation 2) rubric 3) scrutiny 4) complication
11. The Department of Health said that it did not recognize the figures, dismissing Jackson's work as a highly report which is full of inconsistencies.
1) speculative 2) tenable 3) discreet 4) erudite
12. Students cannot change apartments or switch rooms at their own; they should first inform the superintendent.
1) misgivings 2) insurgency 3) discretion 4) assortment
13. The agency's continued failure to provide any Of transparency is rightly met with legal prosecution.
1) invective 2) modicum 3) minority 4) enormity
14. It is important that we do not institutions by assuming they are simply given and that they determine what we do.
1) mollify 2) descry 3) impugn 4) reify
15. Recent scholarship has focused on the Effect of multitasking, demonstrating that it affects concentration negatively.
1) deleterious 2) facetious 3) perspicacious 4) delectable
16. On account of her draconian approach in teaching and managing the class, students considered her to be a veritable
1) martinet 2) philatelist 3) pedologist 4) scintilla

(۱) گزینه « ۱ » صحیح است - سطح آسان

« استادش گفت که او می تواند هر زمان که خواست، مستقیماً با او از طریق ایمیل تماس بگیرد. »

- (۱) contact = تماس گرفتن
(۲) start = شروع شدن، شروع کردن
(۳) appear = ظاهر شدن، به نظر رسیدن
(۴) send = ارسال کردن

(۲) گزینه « ۳ » صحیح است - سطح آسان

« مسئله اکنون کاملاً واضح و شفاف است و شما می توانید به راحتی حقیقت را بفهمید. »

- (۱) relative = نسبی، مربوط
(۲) foreign = خارجی
(۳) clear = واضح، شفاف، صاف، باز
(۴) sudden = ناگهانی، بی خبر

(۳) گزینه « ۲ » صحیح است - سطح آسان

« ما آزادیم چیزهایی که به ما کمک می کنند را بپذیریم و آن هایی که به ما آسیب می رسانند را رد کنیم. »

- (۱) generate = تولید کردن، به وجود آوردن
(۲) reject = رد کردن، نپذیرفتن
(۳) wait = صبر کردن
(۴) complain = شکایت کردن، گله کردن

(۴) گزینه « ۲ » صحیح است - سطح متوسط

« یک پژوهشگر اخیراً انگیزه پشت ثبت نام دانشجویان در برنامه های تحصیلات تکمیلی و همچنین انتظاراتشان را شناسایی کرده است. »

- (۱) equipment = تجهیز، امکانات
(۲) motivation = اشتیاق، انگیزه
(۳) certificate = گواهی، سند رسمی
(۴) graduation = فارغ التحصیلی

(۵) گزینه « ۴ » صحیح است - سطح متوسط

« ترفیع دکتر جکسون از مدیر برنامه ریزی اجتماعی به سمت فعلی او نشان دهنده استعدادش در این زمینه است. »

- (۱) occupation = اشغال، تصرف، شغل، سرگرمی
(۲) execution = اعدام، اجرا
(۳) realization = درک، تحقق
(۴) promotion = ترفیع، ترویج

(۶) گزینه « ۳ » صحیح است - سطح متوسط

« طرح فعلی کار نکرد، بنابراین دادگاه به دولت یک سال فرصت داد تا یک راه حل جایگزین و قابل قبول ارائه دهد. »

- (۱) deficient = دارای کمبود، ناقص
(۲) impulsive = بی فکر، بی ملاحظه، بی ملاحظه گرانه
(۳) alternative = جایگزین
(۴) contemptible = نفرت انگیز، ناپسند

(۷) گزینه « ۲ » صحیح است - سطح متوسط

« مهم نیست نتیجه این امتحان چه باشد، به یاد داشته باشید که شما بهترین تلاش خود را کرده اید و این همان چیزی است که واقعاً اهمیت دارد. »

- (۱) calculate = محاسبه کردن، حساب کردن
(۲) count = شمردن، اهمیت داشتن
(۳) regard = توجه کردن، نگرستن
(۴) earn = کسب کردن، به ارمغان آوردن، درآمد داشتن

(۸) گزینه « ۴ » صحیح است - سطح متوسط

« کودکانی که از سنین پایین در معرض دو زبان قرار می گیرند، اغلب انعطاف پذیری شناختی و کارکرد اجرایی بهتری نشان می دهند. »

- (۱) vulnerable = آسیب پذیر
(۲) indispensable = ضروری، لازم، اساسی
(۳) qualify = واجد شرایط بودن، صلاحیت پیدا کردن
(۴) exposed = در معرض خطر و...، بی پناه، باز

۹) گزینه « ۴ » صحیح است - سطح سخت

« محافظه کاری فکری، به ناتوانی فرد در درک اطلاعاتی اشاره دارد که با نظرات، ایده ها و اصول او تعارض دارد. »

- (۱) invoke = استناد کردن، به کار بردن، فراخوانی کردن، تداعی کردن (۲) inspire = الهام بخشیدن
(۳) convey = حامل بودن، بیان کردن، حمل کردن (۴) contradict = تناقض داشتن، رد کردن، مخالف بودن

۱۰) گزینه « ۳ » صحیح است - سطح متوسط

« کیفیت دوره های آموزش معلمان باید تحت موشکافی یک بررسی دولتی قرار گیرد، پس از آنکه مشخص شد عملکرد معلمان در کلاس ها پایین تر از حد انتظار بوده است. »

- (۱) commendation = ستایش، تشویق (۲) rubric = عنوان، سرفصل
(۳) scrutiny = موشکافی (۴) complication = پیچیدگی، عوارض

۱۱) گزینه « ۱ » صحیح است - سطح متوسط

« وزارت بهداشت اعلام کرد که اعداد و ارقام را نمی پذیرد و کار جکسون را به عنوان گزارشی بسیار حدسی و گمان آمیز که پر از ناسازگاری است، رد کرد. »

- (۱) speculative = نظری، گمانی (۲) tenable = قابل دفاع، معقول
(۳) discreet = محتاط، محتاطانه (۴) erudite = عالمانه، عالم، فاضل

۱۲) گزینه « ۳ » صحیح است - سطح سخت

« دانشجویان نمی توانند به اختیار خود آپارتمان ها یا اتاق ها را تغییر دهند؛ آنها ابتدا باید مدیر را مطلع کنند. »

- (۱) misgiving = شک، ترس و نگرانی (۲) insurgency = قیام، شورش
(۳) discretion = صلاح دید، اختیار، احتیاط (۴) assortment = دسته بندی، دسته

۱۳) گزینه « ۲ » صحیح است - سطح سخت

« شکست مداوم آژانس در ارائه حتی اندکی شفافیت، به حق با پیگرد قانونی مواجه می شود. »

- (۱) invective = فحش، ناسزا (۲) modicum = مقدار کم، اندک
(۳) minority = اقلیت (۴) enormity = عظمت، هنگفتی، بیرحمی

۱۴) گزینه « ۴ » صحیح است - سطح سخت

« مهم است که ما موسسات را به عنوان موجودیت واقعی و مطلق در نظر نگیریم و فرض نکنیم که آن ها ذاتاً وجود دارند و تصمیم می گیرند که ما چه کاری انجام دهیم. »

- (۱) mollify = نرم کردن، آرام کردن (۲) descry = دیدن
(۳) impugn = زیر سوال بردن، به چالش کشیدن (۴) reify = عینی فرض کردن، واقعی جلوه دادن

۱۵) گزینه « ۱ » صحیح است - سطح سخت

« پژوهش های اخیر بر اثر مضر چندکارگی تمرکز کرده اند و نشان می دهند که این امر، تمرکز را به طور منفی تحت تأثیر قرار می دهد. »

- (۱) deleterious = مضر، زیان آور (۲) facetious = [نظر، شوخی و...] بیجا، لوس
(۳) perspicacious = زیرک، تیزهوش (۴) delectable = خوشمزه، بسیار جذاب

۱۶) گزینه « ۱ » صحیح است - سطح سخت

« به دلیل روش سختگیرانه او در تدریس و مدیریت کلاس، دانشجویان او را یک آدم منضبط و سختگیر واقعی می دانستند. »

- (۱) martinet = آدم منضبط و سختگیر (۲) philatelist = کلکسیونر تمبر، کسی که تمبر جمع می کند
(۳) pedologist = دانشمند خاک (۴) scintilla = ذره، بسیار کم

Vocabulary test bank

Vahid Rezvanpour

Parastoo Mohammadzadeh

